

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجله سیاست دفاعی

نشریه مرکز مطالعات راهبردی دفاع و امنیت ملی

سال بیست و هفتم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۰۵

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

مدیر مسئول: دکتر محمدرضا شعبانی اصل

سردبیر: دکتر سید یحیی صفوی

ویراستار ادبی: دکتر سهراب فاضل

مدیر اجرایی و جانشین سردبیر: دکتر خسرو حسن لو

مدیر داخلی: حسن ابوطالبی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

استادیار مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

دانشیار گروه سیاست دفاعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

دانشیار مدیریت، دانشگاه مالک اشتر

استاد روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی

استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

دانشیار روابط بین الملل، دانشگاه تهران

استاد روابط بین الملل، دانشگاه تهران

دکتر علی اکبر احمدیان

دکتر هادی مراد پیری

دکتر حسین حسینی

دکتر حسین دهقان

دکتر سید جلال دهقانی

دکتر سید یحیی صفوی

دکتر جهانگیر کریمی

دکتر ابراهیم متقی

همکاران علمی و داوران این شماره

حسن ابوطالبی، محمد امیرنوحی، ابوالفضل امیری، هادی آقایی، محمدرضا آهنی، مهدی بزرگ‌زاده، محمدرضا بشارتی، محمد پورآسیاب، عباس چگینی، سیروس حاجی‌زاده، خسرو حسنلو، قاسم حسینی، عباس حیدری، مهدی حشمتی، علیرضا رحیمی، عباسعلی سلمانی، محمدرضا شعبانی اصل، علیرضا طاقتی، محمدعلی عابدی پور، محمدرضا عرب بافرانی، علی فاطمی نسب، سعید کافی، حسین مهرایی، فضل اله نوذری.

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، پژوهشکده دفاعی امنیتی، دفتر فصلنامه

شماره تماس: ۰۹۱۹۴۶۲۲۵۹ - ۷۴۱۸۸۲۷۰

پایگاه اینترنتی: <http://dpj.ihu.ac.ir>

پست الکترونیکی: dp@ihu.ac.ir

این نشریه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.srlst.com

www.SID.ir

www.magiran.com

www.noormags.com

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پایگاه مجلات تخصصی نور

درجه علمی مجله سیاست دفاعی، طبق نامه شماره ۳/۴۴۲۸۶ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۳۰ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، به‌عنوان نشریه علمی - پژوهشی، مورد تأیید قرار گرفته است.

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه

راهنمای نگارش و ارسال مقاله به فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست دفاعی

با سپاس فراوان از تلاش پرازش علمی شما پژوهشگران ارجمند؛ خواهشمند است، هنگام نگارش و ارسال مقالات پژوهشی خود به موارد زیر توجه فرمایید.

الف: مقررات پذیرش (مقاله‌های علمی - پژوهشی)

- ۱ - مقاله‌های ارسالی دستاورد یک یا چند پژوهش‌دانشی نویسنده یا نویسندگان بوده و مستندات آن برآمده از منابع معتبر باشد.
- ۲ - مقاله‌های ارسالی در حوزه تخصصی فصلنامه شامل موضوع دفاع (نظامی و غیرنظامی)، موضوع امنیت (ملی و بین‌المللی) و موضوعات همگرا شده دفاعی - امنیتی باشد.
- ۳ - مقاله‌های ارسالی در سطوح راهبردی و عملیاتی باشد.
- ۴ - نظر به اینکه مقالاتی که چاپ می‌شوند در سایت‌ها به صورت نمایه ارائه می‌شوند مقاله‌های ارسالی باید از استاندارد لازم یک مقاله علمی - پژوهشی برخوردار بوده و شرایط پایگاه‌های استنادی که در این دستورالعمل آمده را داشته باشد.

ب: شیوه نگارش (مقاله‌های علمی - پژوهشی)

مقاله علمی - پژوهشی باید گویا، نوآورانه و روان همراه با پاسداشت زبان فارسی باشد. همچنین بدون هیچ‌گونه غلط‌های املائی نگارش شده و قواعد ویراستاری آن رعایت شود. در ادامه ویژگی‌های هر بخش و بایسته‌های (الزامات) نگارش مقاله علمی - پژوهشی آورده شده است.

۱ - ویژگی‌های نگارش بخش‌های مقاله:

- ۱ - **صفحه نخست:** به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام مؤلف یا مؤلفین، چکیده، واژگان کلیدی و بدون پاورقی واژگان لاتین است. (در پاورقی عناوین و رتبه نویسندگان همراه با رایانامه ایشان آورده می‌شود).
- ۲ - **عنوان مقاله:** گویا، مرتبط با مطلب / کوتاه و فشرده / بدون واژگان لاتین و فرمول نویسی / بدون واژگان اختصاری و نامأنوس، با تیتراژ **B Zar 11 Bold** باشد.
- ۳ - **چکیده فارسی:** شامل شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله با تأکید بر طرح مسئله، هدف‌ها، روش‌ها و نتیجه‌گیری است. چکیده در یک پاراگراف و حداکثر در ۳۰۰ کلمه (حداکثر ۸ سطر) بدون استفاده از جدول، شکل و منابع تنظیم شود.
- ۴ - **کلید واژگان:** (۳ تا ۵ واژه) واژه‌های کلیدی به گونه‌ای تعیین شود که بتوان از آن‌ها به منظور تهیه فهرست موضوعی (Index) استفاده کرد. / متن چکیده و کلیدواژگان **B Lotus 10 Italic**

۵ - **پاورقی چکیده:** درج مرتبه علمی و محل اشتغال یا تحصیل نویسنده به همراه رایانامه (پست الکترونیک) (E-Mail) به ترتیب میزان سهم‌شان در تدوین مقاله در پاورقی صفحه چکیده مرسوم است.

۶ - **مقدمه یا پیش نوشتار:** دربرگیرنده؛ بیان مسئله، اهمیت و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش تحقیق، پیشینه موضوع پژوهش و قلمرو پژوهش هم‌چنین مشخص کردن محدوده زمانی مورد بررسی است.

۷ - **مبانی نظری پژوهش (داده‌های پژوهش):** هدف این بخش شناسایی فضای پژوهش و برقراری ارتباط بین ادبیات موضوع با موضوع مورد تحقیق است. این موارد شامل؛ تعریف واژگان، تعریف واژه ویژه‌گان (اصطلاحات)، معرفی علائم، ارائه دسته‌بندی‌ها، معرفی نظر اشخاص و دیدگاه‌ها و مکاتب معرفی نماد و نمایه‌ها (مدل و الگو) دیگران و... است.

۸ - **پردازش داده‌ها (تجزیه و تحلیل) و یافته‌های پژوهش:** در این بخش ابتدا به صورت بسیار کوتاه روش‌گان (متدولوژی) پردازش داده‌ها توضیح داده می‌شود. سپس با روش یادشده به پردازش داده‌ها (روابط و نوع تأثیر آن‌ها بر یکدیگر) به یافته‌های اولیه پژوهش خواهیم رسید.

۹ - **پیامد و دستاوردهای پژوهش (نتیجه‌گیری):** در این بخش با توسعه، ترکیب، تقاطع و تعمیم یافته‌ها به اصول و روابط (فرمول‌ها) نگره (نظریه یا تئوری) نماد و نمایه (مدل و الگو) رهیافت‌ها (راهبرد، طرح، برنامه و...) نوین دست می‌یابیم. (در اینجا مجاز به ارائه پیشنهاد یافته‌های جدید خود و یا رد نتیجه سایر پژوهش‌ها خواهیم بود).

۱۰ - فهرست منابع:

روایی یک مقاله علمی - پژوهشی به مستندات معتبر آن است و منابع ارزش بالایی دارند. از این رو، نخست منابع فارسی سپس منابع لاتین و در ادامه فهرست سایت‌های اینترنتی آورده شود. نکته مهم: تنها منابع و مأخذ استفاده شده در متن، در فهرست پایانی مقاله آورده شوند.

- چگونگی ارجاع دهی (رفرنس دهی) و فهرست نویسی منابع:

ارجاع مأخذ در متن مقاله داخل پرانتز به روش APA باشد و در قسمت مراجع مشخصات کامل منبع به ترتیب حروف الفبا آورده شود. (اطلاعات تکمیلی در سامانه فصلنامه) چکیده انگلیسی: برگردان (ترجمه) چکیده فارسی به زبان انگلیسی (حداکثر در ۳۰۰ است) می‌باشد. هم‌چنین کلیدواژه‌های انگلیسی مشابه چکیده‌نویسی فارسی ۳ تا ۵ واژه است.

۲ - **بایسته‌های نگارش مقاله علمی - پژوهشی:**

در نگارش مقاله علمی - پژوهشی به بایسته‌های (الزامات) زیرین توجه فرمایید.

۱ - **اندازه و نوع قلم بخش‌های مقاله:** در قطع یکسان حداکثر در ۲۰ صفحه A4 (۶۰۰۰ کلمه) فاصله تقریبی میان سطور یک سانتیمتر و با فاصله دو سانتیمتری از چپ و راست و فاصله سه سانتیمتری از بالا و پایین کاغذ انجام شود. در محیط Microsoft Word 2003-2007 یا ویرایش‌های بالاتر و قلم B Lotus و فونت ۱۲ و متن انگلیسی با ۱۰ Calibri و برای متن‌های عربی با قلم B Badr 12 آماده و ارسال گردد.

۲ - **سرلوحه‌های درون‌متن (تیترها):** تیترهای اول، دوم و سوم به ترتیب با فونت‌های مشخص‌شده (B Zar Bold و اندازه‌های ۹، ۱۰ و ۱۱) باشد.

۳ - **شکل‌ها، عکس‌ها، جدول‌ها و نمودارها:** همه شکل‌ها، نمودارها و تصاویر با واژه «شکل» و همه جداول با واژه «جدول» و همه عکس‌ها با واژه «تصویر» نام‌گذاری و شماره‌گذاری شوند. عنوان شکل نمودارها و تصاویر در زیر آن‌ها و جداول در بالای آن درج شود. برای درج عنوان هر شکل و یا جدول، پس از کلمه شکل و یا جدول و شماره آن، خط تیره و سپس عنوان ذکر گردد. عکس‌ها باید به‌وضوح با فرمت JPG یا 300 DPI و با کیفیت بالا در مقاله آورده شوند. شکل‌ها و جدول‌ها باید هرکدام جداگانه دارای شماره‌های متوالی باشند و بدون نیاز به مراجعه به توضیحات متن گویا باشند.

۴ - **واژه‌ها، واژه ویژه‌ها (اصطلاحات) و نام‌های لاتین:** تا حد امکان متن فارسی از هر واژه بیگانه پالایش شود و این واژگان و نام‌ها به‌صورت فارسی در متن آورده شوند. لیکن برای تلفظ درست حتماً در پای نوشت (پاورقی) همان صفحه واژه لاتین آن نوشته شود. از آوردن اصطلاحات خارجی که معادل دقیق و ابلاغ‌شده فارسی دارد، پرهیز شود.

۵ - **عبارات رایج و مصطلح:** به‌طور کامل و درست آورده شود.

- عبارات (صلی‌الله علیه وآله)، (علیه‌السلام) به‌طور کامل ذکر شود

- ادامه عنوان امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، به‌طور کامل ذکر شود.

- ادامه عنوان امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌طور کامل ذکر شود.

- به‌جای «اسرائیل» عبارت «رژیم صهیونیستی» بکارگیری شود.

- عبارت «جمهوری اسلامی ایران» کامل نوشته شود.

پ: روش ارسال و مراحل پذیرش (مقاله‌های علمی - پژوهشی)

۱ - مقاله‌ها منحصراً از طریق پایگاه نشریه dpj.ihu.ac.ir دریافت می‌شود و به مقاله‌های ارسال‌شده از طریق نامه یا پست الکترونیک نشریه ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۲ - از قرار دادن مشخصات نویسنده و یا نویسندگان در فایل WORD مقاله ارسالی از طریق سامانه خودداری و فقط در هنگام ثبت‌نام در سامانه موارد خواسته‌شده را به‌طور کامل تکمیل شود/ در فایل pdf ارسالی مجاز به درج مشخصات نویسنده و یا نویسندگان می‌باشید.

۳ - تکمیل فرم تعهد اصالت مقاله.

{ تذکر: بعد از تکمیل و امضا فرم اسکن و به‌عنوان فایل مکمل از طریق سامانه نشریه ارسال شود. }

پس از مطالعه و پذیرفتن ضوابط چنانچه مقاله شما حائز شرایط است وارد مراحل ثبت‌نام و بارگذاری مقاله برای ارسال به دفتر فصلنامه شوید.

ت: موارد حقوقی و تعهدات (مقاله‌های علمی - پژوهشی)

- ۱ - فصلنامه در پذیرش و یا چاپ مقالات دارای اختیار کامل بوده و در صورت عدم پذیرش و یا چاپ مقاله الزام به پاسخ ندارد. (دریافت و پذیرش مقاله از سوی مجله الزاماً به معنای قبول قطعی آن برای چاپ نیست)
 - ۲ - فصلنامه در ویرایش، ویراستاری، تلخیص یا اصلاح مقاله‌های پذیرش شده آزاد است. ضمن اینکه حق ویرایش مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد، از بازگرداندن مقاله ویرایش شده معذور است.
 - ۳ - اصل مقاله‌های رد شده یا انصراف داده شده پس از شش ماه از آرشيو مجله خارج خواهد شد و مجله هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر آن نخواهد داشت.
 - ۴ - نسخه چاپی محدود است لذا پس از چاپ مقاله تنها یک نسخه از نشریه حاوی مقاله موردنظر به نویسنده مسئول تعلق می‌گیرد.
 - ۵ - مسئولیت صحت و سقم مطالب مقاله به لحاظ علمی و حقوقی و مسئولیت آراء و نظرات ارائه شده به عهده نویسنده مسئول است و چاپ مقاله به معنی تأیید همه مطالب آن نیست.
 - ۶ - فرصت اعلام انصراف تا قبل از پاسخ داوری مقاله است در غیر این صورت نویسنده ملزم به پرداخت خسارت همراه یا درج امتیاز منفی در پذیرش مقالات بعدی است.
 - ۷ - نویسنده متعهد می‌شود مقاله ارسالی هم‌زمان به نشریات دیگر و یا همایش‌ها ارائه نشده باشد.
 - ۸ - روگرفت و نقل مطالب درج شده در این فصلنامه تنها با نگارش نشانی دقیق آن در فصلنامه مجاز است.
- ث: سخن پایانی** مقالاتی که بیشترین ارجاع دهی را از شمارگان پیشین این فصلنامه و نشریات دیگر دانشگاه جامع امام حسین (علیه اسلام) داشته باشند از امتیاز بیشتری در پذیرش و چاپ مقاله برخوردار خواهند بود

تمامی حقوق برای مرکز مطالعات راهبردی دفاع و امنیت ملی دانشگاه جامع امام حسین (ع) محفوظ است.

فهرست مطالب

مجله سیاست دفاعی، سال بیست و هفتم، شماره ۱۰۵، زمستان ۱۳۹۷

صفحه

عنوان

-
- | | |
|-----|--|
| ۹ | سناریوهای فرجام جنگ یمن و پیامدهای آن بر حضور و نفوذ عربستان
سجاد محسنی، مهدی احمدیان |
| ۳۷ | بررسی میزان خطرپذیری دفاعی با استفاده از GIS و منطق فازی (FAHP) در پهنه جغرافیایی
مهدی کینخایی |
| ۵۹ | بازخوانی مدیریت راهبردی ملی ایران و عراق در دفاع مقدس از نگاه کارشناسان بین‌المللی
مهدی حشمتی جدید، احمد مظفری، جواد شمس الدینی |
| ۱۰۹ | حقوق مادی مخترعین صنایع دفاعی (مطالعه تطبیقی در چین، روسیه، آمریکا و ایران)
محمد هادی میرشمسی، امیر ناظری |
| ۱۴۵ | نقش هویت ملی در مقابله با تهدیدات آینده
عباس چگینی |
| ۱۷۵ | تحلیل مضمون چشم‌انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)
اسماعیل خان احمدی |
| ۲۰۰ | چکیده‌های برگردان شده به انگلیسی
سید سعادت حسینی |

سناریوهای فرجام جنگ یمن و پیامدهای آن بر حضور و نفوذ عربستان

سجاد محسنی^۱

مهدی احمدیان^۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۰

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰

چکیده

با طولانی شدن جنگ یمن و حمله ائتلاف به این کشور به رهبری عربستان به نظر می‌رسد آینده یمن و طرف‌های درگیر در این بحران نیز پیچیده‌تر خواهد شد؛ بنابراین سؤالات مختلفی در خصوص آینده جنگ در این کشور مطرح می‌شود؛ با این توضیح به نظر می‌رسد سؤال اصلی می‌تواند این‌گونه باشد که فرجام جنگ عربستان و یمن چگونه خواهد بود؟ علاوه بر این حضور و نفوذ عربستان در یمن که عمدتاً ناظر بر پایان جنگ خواهد بود به چه طریقی است؟ در پاسخ ابتدا به حضور نظامی عربستان در یمن، نفوذ سیاسی در این کشور و نفوذ فرهنگی و اقتصادی عربستان در یمن اشاره می‌شود؛ سپس کنشگران شامل عربستان، امارات متحده عربی، احزاب داخلی یمن، جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، سازمان ملل متحد (جهت‌گیری قطعنامه) و کویت را به همراه کنش‌های آن‌ها بررسی می‌شود. در ادامه ناطمینانی‌های کلیدی و مسیرهای پیش رو که شامل تحمیل مذاکره به ائتلاف (با محوریت تصمیم عربستان)، زورآزمایی سرنوشت‌ساز (با محوریت کنش آمریکا)، واگرایی در ائتلاف (با محوریت امارات) و تقلا در تنگنا (بر اساس وضعیت انصارالله) است بررسی می‌شود؛ بر این اساس رویکرد آینده‌پژوهی در قالب تعیین کنشگران کلیدی، پیش‌ران‌ها، ناطمینانی‌های کلیدی و استخراج و تبیین سناریوها به دنبال تحلیل و ارزیابی این مسئله است و در انتها نیز شگفتی‌سازها و نتیجه‌گیری و توصیه ارائه خواهد شد.

کلید واژه‌ها

عربستان، جنگ یمن، سناریودازی، عملیات طوفان قاطعیت.

mohseni.sajad66@gmail.com

mhd.ahmadian@gmail.com

۱. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانش‌آموخته دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه تهران

مقدمه

با نزدیک شدن حضور عربستان در یمن به پنجمین سال خود، این پرسش که آینده حضور این کشور در یمن به چه شکل خواهد بود، به یکی از مهم‌ترین سؤالات فعالان در این حوزه تبدیل شده است؛ این مسئله زمانی اهمیت بیشتر می‌یابد که تداوم جنگ میزان ابهام در خصوص آینده یمن را نیز افزایش داده و حل مسئله را تا حدود زیادی پیچیده‌تر کرده است. نکته دیگری که حائز اهمیت است اینکه تداوم یا عدم تداوم سیاست‌های عربستان در یمن می‌تواند بر سایر بازیگران منطقه‌ای، فرا منطقه‌ای و داخلی اثرگذار باشد؛ به همین خاطر نیاز به دیدی جامع برای بررسی تمامی جوانب آینده عربستان در یمن بوده است که طیفی از بازیگران داخلی (قبایل و احزاب یمنی، گروه‌های فشار داخلی عربستان، ساختار سیاسی عربستان) تا بازیگران منطقه‌ای (مانند جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی) و بازیگران فرامنطقه‌ای (مانند آمریکا و سازمان ملل) را در بر می‌گیرد.

اینکه آینده حضور و نفوذ عربستان در یمن به چه شکلی خواهد بود، به یک نکته کلیدی بستگی دارد که تا حدود زیادی بن‌مایه اصلی پژوهش را نیز تشکیل داده است؛ در واقع باید گفت «چگونگی خاتمه جنگ» می‌تواند آینده حضور و نفوذ عربستان را تحت تأثیر قرار دهد؛ به عبارت دیگر اگر عربستان بتواند پیروز نبرد در یمن باشد طبیعتاً حضور و نفوذ گسترده‌ای را در آینده برای خود تضمین کرده است؛ اما اگر نتواند پیروز باشد و در نهایت به مذاکره تن بدهد حضور و نفوذ خود را در آینده یمن محدود کرده است. برای دستیابی به حضور و نفوذ عربستان در یمن بر اساس پیروزی و یا مذاکره متغیرها و سناریوهایی مطرح شده است که در خلال پژوهش به آن‌ها اشاره خواهد شد.

هرچند بحران جهان عرب از ۲۰۱۱ آغاز شده بود اما پیش‌ازین زمان، جمهوری یمن به همراه ۲۸ میلیون نفر جمعیت آن مناقشات نظامی پراکنده‌ای را که عمدتاً در میان قبایل داخلی بود تجربه کرد که این مناقشات منجر به تضعیف سیستم سیاسی شده بود؛ به همین خاطر گروه‌های فروملی با توجه به خلأ قدرت به وجود آمده در این کشور رشد و نمو یافتند (Serberov, 2017: 3)؛ در این میان عربستان به‌عنوان کشوری که امنیت ملی خود را به امنیت ملی یمن زده است، تهدید حیاتی را از مرزهای جنوبی احساس کرد که در نهایت جنگ

یمن آغاز شد؛ در چنین شرایطی جنگ ائتلاف به رهبری عربستان با یمن در حال تبدیل شدن به جنگی فرسایشی است. حدود پنج سال از آغاز جنگ یمن می‌گذرد. در خلال این سال‌ها عملیات‌های متعددی با هدف تغییر روند جنگ از سوی ائتلاف به رهبری آل‌سعود^۱ صورت گرفته است که می‌توان به «عملیات پیروزی طلایی»^۲ برای تسلط بر دریای سرخ و بندر الحدیده در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ اشاره کرد (Sharp, 2018: 1)؛ با وجود این جنگ یمن آغاز شد و عربستان تسلط بر آینده سیاسی یمن را هدفی حیاتی برای خود تعریف کرده است؛ به‌همین سبب هزینه‌های زیاد اقتصادی را تحمل کرده است؛ به صورتی که آمارهای مؤسسه مطالعات بین‌المللی صلح استکهلم، عربستان را از نظر هزینه‌های نظامی در میان پانزده کشور پرهزینه در رتبه سوم قرار داده است؛ به صورتی که با ۶۹/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ حدود ۳۴ میلیارد افزایش در هزینه نظامی را تجربه کرده است که حدود ۴ درصد از سهم هزینه نظامی جهان و ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی عربستان را دربر می‌گیرد؛ این در حالی است که در سال ۲۰۰۸ حدود ۷/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شد (SIPRI Fact Sheet, May 2018). به‌صورت کلی حضور و نفوذ عربستان در یمن را می‌توان به دو شکل کلی «حضور عربستان» و «نفوذ عربستان» تقسیم کرد که حضور این کشور ناظر بر حالت عینی و نظامی و نفوذ این کشور ناظر بر شکل ذهنی و میزان اثرگذاری بوده است. به‌صورت کلی عملکرد بازیگران منطقه فراتر از تعامل مستقیم بین طرفین است و تعامل میان کل اعضا را در برمی‌گیرد؛ به همین خاطر باید دیدگاهی جامع به حضور و نفوذ عربستان در یمن داشت؛ بر همین اساس در زیر به‌صورت حضور نظامی عربستان و متغیرهای اثرگذار بر حضور نظامی، نفوذ سیاسی عربستان و متغیرهای اثرگذار بر آن، نفوذ فرهنگی - رسانه‌ای و نفوذ اقتصادی اشاره می‌شود.

در نهایت اینکه پژوهش پیش‌رو در روند کار ابتدا چارچوب روش‌شناختی مبتنی بر آینده‌پژوهی را ارائه می‌کند تا مقدمات کار بر موضوع را فراهم آورد؛ سپس ابعاد حضور و نفوذ عربستان در یمن را مطرح می‌کند تا از این طریق بتواند بحث را به کنشگران و دغدغه‌های

-
1. Saudi-Led Coalition
 2. Golden Victory

آن‌ها پیوند بزنند. در این بحث تلاش شده است تا مهم‌ترین دغدغه‌های هر یک از کنشگران درخصوص جنگ یمن مطرح شود؛ در ادامه نااطمینانی‌ها که از درون پیش‌ران‌ها بیرون آمده است و توسط خبرگان حوزه مطالعات منطقه‌ای و شبه‌جزیره عربی مورد بحث قرار گرفته دست‌بندی و ارائه می‌شود تا از این طریق بتوان سناریوهای نهایی در خصوص جنگ یمن را تولید کرد؛ در انتها نیز مسیرهای هر یک از سناریوها ارزیابی شده و شگفتی‌سازها از پیش‌ران‌هایی که نااطمینانی کمتری داشتند استخراج شده است.

در زیر ابتدا به ارائه رویکرد آینده‌پژوهی پرداخته خواهد شد:

چارچوب روش‌شناختی

شاید به صورت مقدماتی بتوان بحث را با نقل قولی از گاردنر آغاز کرد: «در فضایی که همه چیز سیال و نامشخص است، تقریباً هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست» (Gardner, 2012: 139)؛ در چنین شرایطی سناریو احتمالاً مفهومی است که بیشترین کاربرد را دارد که طیفی از آینده‌های محتمل را به همراه اطلاعات و تحلیل در بر می‌گیرد (Sardar, Ziauddin and John A 2016: 2)؛ نمود این اظهار نظر را می‌توان در خصوص تحولات منطقه غرب آسیا و جنگ یمن به‌خصوص پس از ۲۰۱۱ به وضوح مشاهده کرد. با توجه به اینکه آینده جنگ ائتلاف علیه یمن میزان زیادی از ابهام و نااطمینانی را در خود دارد، دشواری‌های زیادی را نیز در مسیر تعیین زمان خاتمه و نتایج آن به‌وجود می‌آورد؛ با توجه به این امر، آینده‌پژوهی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای نظری به آینده از این بابت که سناریوهای مختلف را بررسی می‌کند و اولویت‌بندی میان سناریوهای محتمل ارائه می‌دهد به نظر رویکرد مطلوبی می‌رسد؛ در این رویکرد طبیعی است که میزان زیاد عدم قطعیت‌ها در آینده، ادبیات موضوع را نیز به سوی ادبیات شرطی برده و هیچ سناریویی را کاملاً متفی نمی‌داند.

گذشته کاربرد آینده‌پژوهی در خصوص آینده جنگ یمن؛ روش سناریوپردازی^۱، یکی از کلیدی‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی است و شیوه‌ای برای بهبود تصمیم‌گیری در برابر آینده‌های

۱. معرفی چارچوب روش‌شناختی برگرفته از کتاب پدرام و احمدیان (۱۳۹۴: ۱۷۵ - ۱۹۵) است.

ممکن و محتمل است. وندل بل^۱ بر این باور است که تمامی روش‌های آینده‌پژوهی مقدمه سناریونویسی هستند و می‌توانند به خلق سناریو منجر شوند. روش سناریو را می‌توان روشی برای خلاصه‌سازی نتایج تلاش‌های آینده‌پژوهی دانست (بل، ۱۳۹۲: ۴۷۴).

اصل اساسی و محوری پیش‌بینی راهبردی چندگانگی آینده است؛ به این معنا که درخصوص آینده می‌توان از آینده‌های مختلف سخن گفت که این پیش‌فرض زمینه را برای سناریوهای محتمل و آینده‌ای بدیل نیز فراهم می‌کند که در میان آن‌ها محتمل‌ترین گزینه‌ها برای تصمیم‌سازی به سیاست‌مداران ارائه می‌شود (Bishop, 2017: 9). سناریوها هرکدام مسیرخاص خود را دارند؛ به صورتی که هر سناریو، بیانگر وضعیت‌های احتمالی از آینده است که از سوی نگارندگان سناریوها به‌عنوان آینده‌های در خور توجه مطرح شده است. در زمان طراحی سناریوها نمی‌توان با قطعیت و دقت مشخص ساخت که کدام‌یک از این آینده‌ها رخ خواهند داد. مجموعه درهم‌تنیده‌ای از عوامل گوناگون که سناریوها را شکل می‌دهند، عوامل ثابت و از پیش مشخصی نیستند و می‌توانند حالت‌های گوناگونی داشته باشند.

مدیریت نااطمینانی هدف اصلی و نهایی سناریوپردازی است. سناریونویسی نقطه‌مقابل پیش‌بینی دقیق آینده است. میل طبیعی انسان به آینده، دانستن آن با دقیق‌ترین جزئیات و ساختن آن با مطلوب‌ترین شکل است؛ اما در شرایطی که ترسیم دورنمای آینده از نااطمینانی برخوردار باشد، پیش‌بینی دقیق امکان‌پذیر نیست و آینده‌پژوهان به سناریونویسی روی می‌آورند. سناریوها در شرایطی که ما از پیش‌بینی واحد (یگانه) آینده ناتوان هستیم، دورنماهای چندگانه‌ای از آینده ارائه می‌کنند؛ این دورنماها و تصاویر، ذهن ما را نسبت به مهم‌ترین احتمالات آینده باز می‌کنند و در مقام عمل به ما قدرت نقش‌آفرینی می‌بخشند. سناریوها مسیرهای مختلف برای رسیدن به مطلوبیت آینده را نمایان می‌کنند؛ به عبارت دیگر سناریوپردازی تحقق مطلوبیت آینده را تضمین می‌کند.

در حالت کلی سناریوها به دو نوع سناریوهای محتمل و سناریوهای شگفتی‌ساز تقسیم می‌شوند. معمولاً کار سناریوپردازی با نگارش سناریوهای محتمل انجام می‌شود؛ در این حالت دو، سه، چهار، پنج یا تعداد بیشتری سناریوی مستقل نگاشته می‌شود که به گمان خبرگان

1. Wendel Bell

موضوع، تصویر آینده یکی از این سناریوها خواهد بود؛ تمام این سناریوها احتمال قابل توجهی برای وقوع دارند و غیر از آن‌ها، هیچ سناریوی دیگری محتمل (دارای احتمال قابل توجه) نیست.

رویکردهای متنوعی در سناریوپردازی مطرح است که الگوی «شبکه جهانی کسب‌وکار» معروف به جی‌بی‌ان^۱، از شناخته‌شده‌ترین الگوها با رویکرد استنتاجی در این حوزه به‌شمار می‌آید؛ در نسخه‌ای نسبتاً اصلاح‌شده از این الگو که متکی بر تجربه‌های بومی است (پدram و احمدیان، ۱۳۹۴)؛ تبیین موضوع، شناسایی کنشگران، شناسایی پیش‌ران‌ها، شناسایی نااطمینانی‌ها، طراحی چارچوب سناریوها و نگارش سناریوها، مهم‌ترین گام‌های سناریوپردازی هستند؛ در این وضعیت برای بهبود کار مسیرشناسی سناریوها نیز ارائه می‌شود تا تمامی وضعیت‌ها و حرکت‌هایی که یک کنشگر می‌تواند انجام دهد به‌همراه تبعات و پیامدهای آن نشان داده شود؛ علاوه بر موارد ذکر شده، روایت‌شناسی و داستان‌نویسی نیز بخش دیگری از سناریوپردازی است که اگرچه به عنوان اصول اساسی آینده‌پژوهی قلمداد نمی‌شود اما به ارائه تصویری واضح‌تر، کامل‌تر و عملی‌تر از یک سناریو می‌پردازد (Liveley, 2017: 1).

با اتکا به این چارچوب روش‌شناختی و در موضوع کنونی، ابتدا حضور و نفوذ عربستان در یمن در قالب اشکال حضور نظامی، نفوذ سیاسی، نفوذ فرهنگی - رسانه‌ای و نفوذ اقتصادی موردتوجه قرار می‌گیرد که هرکدام از این موارد شامل متغیرهای اثرگذار می‌شود؛ سپس در مرحله دوم کنشگران اثرگذار و منافع آن‌ها در یمن مورد توجه قرار خواهد گرفت که این کنشگران طیفی از بازیگران ملی تا فراملی و فراملی مانند سازمان‌های بین‌المللی و آمریکا را دربر می‌گیرد.

در مرحله بعد پیش‌ران‌ها شناسایی و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ سپس میزان نااطمینانی این پیش‌ران‌ها بررسی و اولویت‌بندی می‌شود تا زمینه‌ای برای ورود به مهم‌ترین بخش موضوع که آینده حضور و نفوذ عربستان در یمن است باشد که در قالب جداول جداگانه ارائه خواهد شد؛ در انتها نیز سازگاری پیش‌ران‌ها و نااطمینانی‌ها تحلیل شده سناریوهای نهایی شرح داده می‌شود و شگفتی‌ها و توصیه‌هایی نیز ارائه می‌شود. برای ورود به بحث ابتدا ابعاد حضور و

1. Global Business Network (GBN)

نفوذ عربستان در قالب متغیرهای نظامی، متغیرهای سیاسی، متغیرهای فرهنگی - رسانه‌ای و متغیرهای اقتصادی مرور می‌شود.

حضور نظامی عربستان در یمن

عربستان در رأس ائتلاف نظامی در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ عملیاتی را تحت عنوان «طوفان قاطعیت»^۱ آغاز کرد که تاکنون ادامه داشته است؛ این ائتلاف با رهبری عربستان در اواخر مارس ۲۰۱۵ شکل گرفت که هدف خود را مقابله با نیروهای حوثی و بازگرداندن منصور هادی به قدرت آغاز کرد که در ابتدا شامل نه کشور عربی می‌شد که البته در ژوئن ۲۰۱۷ در پی اختلاف با قطر انشقاق‌هایی در آن ایجاد شد و در نهایت به برجسته‌شدن عربستان و امارات متحده به‌عنوان اعضای ائتلاف محدود شد (Geneva Academy, 2017: 6)؛ باوجود این در زمینه خاتمه جنگ و حضور نظامی و نفوذ عربستان در یمن متغیرهای تأثیرگذاری وجود داشته‌اند که حضور نظامی این کشور تأثیر می‌گذارند که در زیر به‌صورت موردی به این متغیرها اشاره خواهد شد.

نخست «حضور در نقاط راهبردی یمن» یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که می‌تواند بر حضور و نفوذ نظامی عربستان در یمن اثر بگذارد، حضور و تسلط عربستان در نقاط راهبردی یمن است؛ به‌عبارت‌دیگر زمانی عربستان می‌تواند حضور موفق‌تری در یمن داشته باشد که بر نقاط راهبردی این کشور تسلط یابد؛ در این صورت هم به اهداف خود دست‌یافته و هم ابتکار عمل برای خاتمه جنگ در دست عربستان خواهد بود.

دوم «مقاومت نیروهای انصارالله» می‌تواند در خاتمه جنگ و حضور عربستان اثرگذار باشد؛ به این معنا که بدون شک یکی از مهم‌ترین دلایل شروع جنگ از سوی ائتلاف به رهبری عربستان مقابله با نفوذ انصارالله بوده است؛ به‌خصوص اینکه در چارچوب رقابت‌های منطقه‌ای میان ایران و عربستان، انصارالله به‌عنوان نیروهای نیابتی ایران مورد توجه قرار می‌گیرند. سعودی‌ها بر این اعتقادند که جریان فکری و گروه‌های قبیله‌ای حوثی از نظر فکری متأثر از انقلاب اسلامی ایران هستند؛ به‌گونه‌ای که چهره‌های مهم این جریان در سخنرانی‌های خود

۱. عملیه عاصیفة الحزم

مدام بر برائت از مشرکین، روز قدس، لزوم مبارزه با استکبار و مبارزه با رژیم صهیونیستی سخن می‌گویند (Cordesman, 2015: 4-5)؛ بر این اساس اگر انصارالله بتواند بقا و قدرت خود را حفظ کند، بر تداوم یافتن یا نیافتن جنگ و بر حضور عربستان پس از جنگ در یمن نیز اثر خواهد گذاشت.

سوم اینکه «میزان همراهی امارات در قالب ائتلاف» نیز می‌تواند بر خاتمه جنگ و حضور عربستان اثر بگذارد؛ در این خصوص اگر امارات ائتلاف را ترک کند، احتمال اینکه فشار بر عربستان افزایش یابد و این کشور نیز تمایل به پایان دادن به جنگ داشته باشد افزایش می‌یابد؛ اما پیش از آن، عربستان به دلایل امنیتی و پرستیژی به دنبال آن خواهد بود که جنگ را به مرحله‌ای برساند که بیشترین بهره‌برداری را از آن داشته باشد.

چهارم «فشارهای بین‌المللی بر عربستان (برای فروش تسلیحات)» بوده است؛ هرچند این متغیر را نمی‌توان دلیل اصلی خاتمه یا تداوم جنگ دانست اما می‌تواند متغیری اثرگذار باشد. در شرایط کنونی در خصوص فروش تسلیحات و فشارها برای مخالفت یا جنگ عربستان در یمن افزایش یافته است که منجر به لغو برخی از توافقات تسلیحاتی عربستان گردیده است؛ بر این اساس اگر حمایت نظامی پر دامنه‌ای از عربستان انجام شود امکان تداوم جنگ نیز افزایش می‌یابد و اگر حمایت گسترده‌ای صورت نگیرد و فشار نیز افزایش یابد این احتمال که جنگ خاتمه یابد افزایش می‌یابد.

پنجم «ساختار قدرت در عربستان» یکی از متغیرهای داخلی مهم تلقی می‌شود؛ این متغیر از این بابت اثرگذار است که تغییر در رأس هرم قدرت می‌تواند تصمیم‌گیری در خصوص تداوم یا خاتمه جنگ را نیز تغییر دهد؛ به‌خصوص اینکه تغییر در جایگاه پادشاهی یا ولایتعهدی باشد.

ششم، در نهایت «ادراک نخبگان و افکار عمومی از حضور نظامی عربستان در یمن» هرچند افکار عمومی در عربستان سابقه چندان روشنی در اثرگذاری بر تصمیمات سیاسی - نظامی نداشته است اما گسترش اعتراضات عمومی در خصوص هزینه‌های نظامی جنگ یمن می‌تواند این فشار را بر سیستم سیاسی عربستان برای تصمیم‌گیری در خصوص جنگ وارد کند؛ در پایان اینکه در این مسیر نخبگان غیرسیاستی نیز مهم‌ترین نقش را ایفا خواهند کرد.

نفوذ سیاسی عربستان در یمن

علاوه بر حضور نظامی عربستان یکی از مهم‌ترین زمینه‌های حضور عربستان را می‌توان نفوذ سیاسی در این کشور دانست که تحت تأثیر متغیرهای مستقل زیادی بوده است که می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

نخست «نفوذ عربستان در احزاب و گروه‌های یمنی»؛ عربستان همواره به‌عنوان کشوری مطرح بوده که تلاش کرده است تا پیوندهای فردی و فروملی ایجاد کرده تا از این طریق بتواند منافع خود را حفظ کند؛ بر این اساس در خصوص یمن نیز می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین متغیرها برای حضور و نفوذ این کشور میزان اثرگذاری آن بر احزاب یمنی است؛ بر این اساس اینکه عربستان تا چه میزان می‌تواند قدرت انصارالله را کاهش و قدرت احزاب دیگر مانند حزب اصلاح و القاعده را افزایش دهد می‌تواند تعیین‌کننده باشد. رابطه دولت عبدالله صالح در زمان ثبات با گروه‌هایی مانند القاعده شباهت زیادی به موضع کنونی عربستان در قبال این گروه دارد تا جایی که در زمان حکومت عبدالله صالح و پیش از اتحاد با انصارالله گروه‌های اپوزیسیون بر این عقیده بودند که القاعده ساخته دولت یمن است که در این میان عربستان نیز ارتباط مستقیمی با این گروه برای نفوذ در یمن دارد (A. E. H. Shayea, 2010: 76).

متغیر دوم «بازگشت منصور هادی به قدرت» بوده است. آمریکا و عربستان در پی نگرانی از شکل‌گیری خلأ قدرت پس از تحولات ۲۰۱۱ در یمن و قدرت‌یابی گروه‌های غیرهمسو تلاش کردند تا طی اجرای طرحی انتقالی قدرت را از عبدالله صالح به منصور هادی انتقال دهند که منجر به روی کار آمدن منصور هادی در ۲۰۱۲ به‌عنوان رئیس‌جمهور شد که این مسئله نگرانی عبدالله صالح را نیز در پی داشت؛ با وجود این منصور هادی با کمک آمریکا و عربستان و شورای امنیت سازمان ملل تلاش کرد تا به اصلاح ساختار سیاسی یمن بپردازد؛ که در این مسیر از بازیگران کلیدی خواست تا در «کنفرانس گفتگوی ملی^۱» شرکت کنند؛ با این وجود این کنفرانس در ۲۰۱۴ بدون دستاورد خاصی به پایان رسید (Sharp, 2018: 1) منصور هادی مانند عبدالله صالح پس از ۱۱ سپتامبر بر این عقیده بود که اگرچه دشمن اصلی غرب القاعده است اما دشمن واقعی دولت یمن حوثی‌ها و تجزیه‌طلبان جنوب هستند (Yamani,

1. National Dialogue Conference

2010)؛ با توجه به این تشابه رویکردی عربستان هزینه زیادی را بابت حمایت از منصور هادی پرداخته است که می‌توان به اختلاف این کشور با امارات متحده نیز اشاره کرد. به نظر می‌رسد در صورتی که منصور هادی بتواند در یمن به قدرت بازگردد شرایط برای عربستان نیز تغییر خواهد کرد.

متغیر سوم «نفوذ سیاسی امارات در یمن» بوده است؛ این نفوذ که با اثرگذاری بر تجزیه‌طلبان جنوب شروع شد در قبض و بسط‌های داخلی یمن نیز این نفوذ را کاهش یا افزایش داده است؛ به صورتی که در برخی از برهه‌ها القاعده شبه‌جزیره نیز مانند تجزیه‌طلبان جنوب اعتقاد به جدایی یمن جنوبی داشت و به تحریک آن دامن می‌زد (Alistair, 2010: 6)؛ رویکردی که موضع این گروه را به امارات نزدیک ساخته بود؛ هرچند این موضوع تحت تأثیر شرایط داخلی و نزدیکی القاعده به عربستان تضعیف شد اما همچنان نفوذ سیاسی امارات در یمن در واقع رابطه‌ای معکوس بانفوذ عربستان در یمن دارد؛ به عبارت دیگر در صورتی که امارات متحده نفوذ سیاسی خود را در یمن افزایش دهد بر سهم نفوذ عربستان کاسته خواهد شد و این مسئله برای عربستان که همواره علاقه‌مند به بازیگر نخست بودن در یمن داشته دشوار خواهد بود؛ در نهایت اینکه شاید در ابتدای مسیر اهداف ائتلاف بیشتر اهدافی تهدید محور و سلبی بوده اما با روشن شدن شرایط در یمن، اختلاف‌ها بر سر سهم‌خواهی‌ها از دستاوردها در یمن و یا هزینه‌ها در این کشور میان امارات و عربستان افزایش خواهد داشت.

متغیر چهارم «اثرگذاری عربستان بر مذاکرات صلح» است؛ به این معنا که اگر عربستان بتواند بر نماینده یمن در مقابل انصارالله در مذاکرات احتمالی آینده اثر بگذارد این احتمال که در فضای سیاسی آینده یمن نیز تأثیرگذار باشد افزایش می‌یابد؛ البته این متغیر پیش شرط‌هایی دارد که نیاز به دست برتر جبهه مخالف انصارالله دارد و در صورت برتری انصارالله، سهم عربستان نیز از اثرگذاری بر مذاکرات کاهش خواهد یافت.

متغیر پنجم «میزان قدرت انصارالله در ساختار سیاسی» است که آینده حضور و نفوذ عربستان و خاتمه جنگ را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. طبیعتاً اگر قدرت انصارالله و تعیین‌کنندگی آن را مهم‌ترین متغیر ندانیم اما می‌تواند در اولویت متغیرهای اثرگذار باشد؛ بر این اساس اگر انصارالله در زمان خاتمه جنگ از قدرت نسبی بالایی برخوردار باشد؛ بنابراین

حضور آن در ساختار سیاسی بیشتر و نفوذ عربستان نیز کمتر خواهد بود؛ این حالت به صورت معکوس نیز جوابگو است.

متغیر ششم در نهایت «ساختار قدرت در عربستان» است؛ این متغیر جدا از حوادثی مانند انقلاب‌های درونی یا اعتراضات گسترده می‌تواند مهم‌ترین متغیر داخلی تأثیرگذار بر خاتمه یافتن یا نیافتن و آینده حضور عربستان در یمن باشد؛ این مسئله به صورت جداگانه قابل بررسی است؛ به این معنا که پاسخ به سؤالات زیادی مانند اینکه تا چه زمانی ملک سلمان در قدرت خواهد بود؟ آیا محمد بن سلمان در مسند ولایتعهدی باقی خواهد ماند یا خیر؟ آیا فشار درونی باعث تغییر تصمیم در خصوص یمن می‌شود؟ می‌تواند یکی از متغیرهای تعیین‌کننده خاتمه جنگ و نفوذ عربستان در یمن نیز باشد.

نفوذ فرهنگی و اقتصادی عربستان در یمن

شاید نفوذ فرهنگی و رسانه‌ای عربستان در شرایط کنونی از نظر اهمیت و درجه اثرگذاری به اندازه حضور نظامی و نفوذ سیاسی در یمن نباشد اما می‌تواند متغیرهایی باشند که بر آینده روابط عربستان و یمن از یک سو و فشارهای بین‌المللی از سوی دیگر اثر بگذارد.

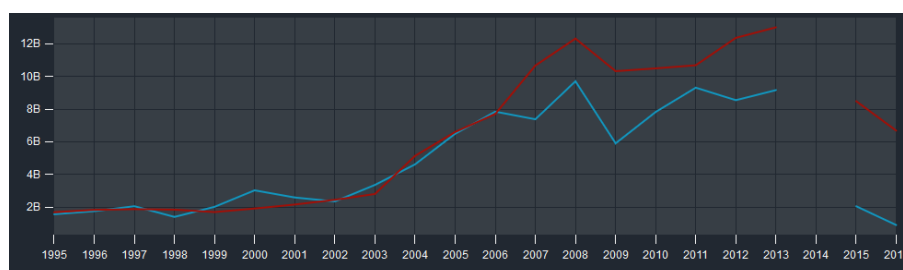
یکی از متغیرهایی که نفوذ فرهنگی و رسانه‌ای عربستان را تقویت می‌کند «کمک عربستان به مردم یمن در قالب «کمک‌های بشردوستانه» بوده است که عمده این حمایت‌ها از طریق «مرکز ملک سلمان للاغاثه» انجام می‌شود؛ این مرکز در زمینه تأمین مواد غذایی و بهداشتی فعالیت می‌کند؛ این حمایت می‌تواند به خصوص برای گروه‌های مخالف انصارالله دیدگاه مثبتی را ایجاد کند. عربستان از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ حدود ۳۲/۸۳ میلیارد دلار کمک‌های بشردوستانه انجام داده که بخش گسترده‌ای از آن‌ها از می ۲۰۱۵ با تأسیس مرکز ملک سلمان انجام شده است.^۱

دومین متغیری که می‌تواند بر نفوذ عربستان اثر بگذارد «بازسازی زیرساخت‌ها در یمن (مدارس، مساجد، زیرساخت‌های ارتباطی)» است؛ گذشته از جنبه اقتصادی که این مسئله دارد، توجه به زیرساخت‌های فرهنگی مانند مدارس و مساجد و حمایت از تفکرات همسو با ایدئولوژی حاکم بر عربستان می‌تواند نسل جدید و همسویی را در یمن پرورش دهد؛ البته این

1. <http://www.arabnews.com/node/1325806/saudi-arabia>

متغیر بیشتر ناظر بر شرایط پس از خاتمه جنگ بوده؛ هرچند تلاش‌هایی در شرایط کنونی نیز از سوی عربستان صورت گرفته است.

در حوزه اقتصادی نیز شاید بتوان گفت مهم‌ترین بعد حضور و نفوذ به‌خصوص پس از خاتمه جنگ را می‌توان نفوذ اقتصادی دانست؛ بر این اساس متغیرهای مختلفی به این نوع از نفوذ کمک خواهند کرد که می‌توان به متغیرهایی مانند «کمک به بازسازی یمن پس از جنگ»، «تقویت و توسعه بندرهای یمنی مانند بندر الحدیده»، «تأسیس آب‌شیرین‌کن در جزایر یمنی دریای سرخ» و «صادرات کالاهای اساسی مانند مشتقات نفتی به یمن» اشاره کرد؛ برنامه‌هایی که عمدتاً ناظر بر شرایط ثبات نسبی بوده است؛ با وجود این اقتصاد به‌عنوان اولویت اول عربستان و یمن نبوده است؛ به‌خصوص اینکه در شرایط جنگی از ۲۰۱۵ تاکنون اقتصاد یمن نیز به شدت دچار آسیب شده است؛ به صورتی که موازنه تجاری این کشور منفی شده است.



نمودار ۱. موازنه تجاری اقتصاد یمن

واردات (نمودار قرمز) و صادرات (نمودار آبی) این کشور در نتیجه جنگ ۲۰۱۵ با سقوط همراه بوده است؛ به صورتی که با موازنه تجاری منفی ۵/۷۹ میلیارد در سال ۲۰۱۶ روبه‌رو شد؛ علاوه بر این عربستان در اولویت صادرات و واردات یمن نیز قرار ندارد که نشان‌دهنده روابط متقابل اقتصادی ضعیف و اولویت پایین اقتصاد یمن برای عربستان دارد^۱.

کنشگران اثرگذار بر حضور و نفوذ عربستان در یمن (در افق پنج‌ساله)

گذشته از متغیرهای مطرح‌شده در خصوص حضور و نفوذ عربستان در یمن که ناظر بر ابعاد نظامی، سیاسی، فرهنگی - رسانه‌ای و اقتصادی بود؛ می‌توان به دیگر کنشگران نیز اشاره

1. <https://atlas.media.mit.edu/en/profile/country/yem/#Imports>

کرد؛ بازیگرانی که می‌توانند روند شرایط کنونی را بنا بر منافع و یا تهدیداتی که در خصوص بحران یمن دارند تغییر دهند. در زیر به عمده بازیگران مؤثر اشاره خواهد شد:

عربستان: عربستان به صورت تاریخی یمن را مهم‌ترین حیاط‌خلوت خود می‌داند؛ بنابراین همواره اعتقاد دارد که باید شرایط سیاسی در یمن به گونه‌ای باشد که کمترین تهدید را از این ناحیه دریافت کند؛ بر این اساس قدرت‌یابی انصارالله در این کشور می‌توانست مهم‌ترین خطر برای عربستان باشد؛ به خصوص اینکه دیدگاه عربستان به انصارالله به عنوان نیابتی ایران، این خطر را تشدید کرده است؛ بر این اساس سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که: «موضوع یمن موضوع سیاست خارجی نیست بلکه موضوع امنیت ملی است؛ موضوعی که با مسائل اطلاعاتی، امنیتی، قومی و قراردادهای غیررسمی در ارتباط است» (Hill and Nonnem, 2011:10)؛ در واقع ماهیت رقابت و درگیری‌های ایران و عربستان در یمن، با وجود تأثیرپذیری از اختلاف‌های ایدئولوژیک، متأثر از رقابت‌های راهبردی بوده و عربستان قدرت‌یابی انصارالله و گروه‌های شیعی در یمن را تهدیدی مستقیم از سوی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌کند و به مقابله نظامی با آن پرداخته است (آل سید غفور، ۱۳۹۴: ۱۴۸). عربستان بر این عقیده است که انصارالله از سوی ایران و حزب‌الله لبنان در حوزه‌های تسلیحاتی، آموزش، کشتی‌های جنگی و منابع مالی مورد حمایت قرار می‌گیرد. از دید ریاض ایران قصد دارد تا تنش در مرزهای عربستان باقی بماند تا عربستان نتواند با تمرکز به رقابت منطقه‌ای با ایران پردازد (Sharp, 2018: 9).

بر این اساس منافع عربستان در کمترین سطح حضور دولت بی‌طرف در یمن و در بهترین سطح روی کار آمدن دولت همسو بوده است؛ بر همین اساس عربستان منصور هادی را به عنوان مهم‌ترین گزینه در نظر گرفته است؛ به همین سبب عربستان حمایت گسترده‌ای از وی ارائه کرده است؛ هرچند اختلاف میان عربستان و امارات بر سر کانون قدرت در آینده یمن وجود دارد اما عربستان به قدرت رسیدن منصور هادی را به معنای پیروزی در یمن و حفظ منافع عربستان می‌داند.

عربستان تلاش دارد تا حضور و نفوذ خود را با پیروزی در جنگ به بالاترین سطح برساند؛ بنابراین از دید این کشور خاتمه جنگ با پیروزی این کشور تضمین‌کننده تداوم حضور و

گسترش نفوذ این کشور در یمن بوده است؛ اما طولانی شدن جنگ می تواند منافع این کشور را به خطر بیندازد؛ چراکه ورود به مذاکره در نتیجه به بن بست رسیدن جنگ منجر به گسترش قدرت انصارالله در ساختار آینده سیاسی یمن می شود.

امارات متحده عربی: شاید اگر امارات متحده وارد فضای ائتلاف علیه یمن نمی شد چندان نباید به عنوان بازیگر با اولویت بالا در یمن در نظر گرفته می شد؛ اگرچه از میان امیرنشین های امارات به صورت تاریخی ابوظبی رابطه ای نزدیک با یمن داشته است؛ با این وجود امارات بیشتر از اینکه تهدیدی از جنس عربستان در خصوص یمن احساس کند به دنبال برونگرایی سیاسی و خروج از یک بازیگر صرفاً اقتصادی به فعالیت سیاسی و نظامی در منطقه بوده است؛ بر این اساس امارات متحده با شناسایی نقاط راهبردی یمن نگاهی سودجویانه و گهگاه رقابتی نیز به یمن دارد؛ با این دیدگاه امارات متحده تلاش کرد تا ارتباط مؤثری با تجزیه طلبان جنوب برقرار کند؛ از سوی دیگر امارات متحده بر آن است تا بندر الحدیده را به عنوان یکی از مهم ترین مبادی ورودی کالا و کمک های بشردوستانه در اختیار بگیرد (Sharp, 2018: 2).

احزاب داخلی یمن: گذشته از بازیگران ملی مؤثر در بحران یمن شاید بتوان برخی از بازیگران فراملی مانند احزاب یمنی را نیز از جمله کنشگران اصلی دانست. انتخاب احزاب به دو دلیل بوده است؛ نخست اینکه در شرایط کنونی یمن از ساختار سیاسی مشخصی برخوردار نیست و به همین خاطر مخاطب سیاست های خارجی در یمن مشخص نیست و ارتباط گیری ها با بازیگران فراملی است؛ دوم اینکه به صورت سنتی احزاب و قبایل نقش مهمی در سمت و سوی سیاست ها داشته اند. بافت موزاییکی یمن در زمان وقوع تحولات ۲۰۱۱ این امکان را داد که بحران به سرعت فراگیر شده و به دلیل فقدان همسویی در اهداف به چالش های درونی تبدیل شود.

شیوخ قبایل بیش از هر گروه اجتماعی و سیاسی در جهت دهی سیاست این کشور نقش ایفا کرده اند؛ به طوری که قبایل و متحدان آنها، انقلاب در کشور را کنترل می کنند؛ در این میان حزب اصلاح، کنگره و الحراک از مهم ترین احزاب هستند که در کنار القاعده شبه جزیره از نقش تعیین کننده ای برخوردارند. ایدئولوژی و گفتمان القاعده شبه جزیره بر پایه سلفیه جهادی بنا شده است. «جهادگرایی سلفی یا سلفیه جهادی» به جریانی در درون سلفی گری گفته

می‌شود که دیدگاه‌های سلفی‌گری علمی را رد کرده و جهاد و جنگ را راهی مناسب برای مقابله با حملات غرب و حاکمان کشورهای اسلامی علیه اسلام می‌دانند. نیروهای سلفی - جهادی هدف خود را پاک کردن جامعه اسلامی از رفتارهای غیر اسلامی می‌دانند و ایدئولوژی ایشان الهام‌بخش بسیاری از گروه‌های مسلح مانند القاعده در آغاز قرن ۲۱ بوده است؛ این خصوصیت بنیادین با تفکرات سلفی در عربستان زمینه را برای نزدیک شدن عربستان برای نفوذ در قبال یمن به این گروه فراهم کرده است (Meijer, 2007: 422).

جمهوری اسلامی ایران: شاید بخشی از بحران یمن را بتوان ناشی از تصور عربستان از ساختار قدرت منطقه‌ای دانست؛ به عبارت دیگر اگر بتوان مثلث اثرگذاری در یمن طراحی کرد عربستان در رأس و امارات و ایران در قاعده قرار می‌گیرد؛ منافع جمهوری اسلامی نیز در یمن البته بستگی به میزان قدرت انصارالله دارد؛ اما یکی از مهم‌ترین اهدافی که این کشور در یمن پیگیری می‌کند ایجاد اهرم فشاری در مرزهای عربستان است تا بتواند نوعی بازدارندگی را در مقابل این کشور ایجاد کند.

آمریکا: هرچند آمریکا به صورت مستقیم وارد بحران یمن نشده است اما به صورت غیرمستقیم هم در حمایت‌های سیاسی از عربستان و هم در زمینه فروش تسلیحات به این کشور نقش قابل توجهی داشته است؛ در واقع مهم‌ترین منافع آمریکا در خصوص یمن را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که «تقویت بازیگران همسو در منطقه به معنای تقویت جایگاه آمریکا در منطقه است و قدرت‌یابی بازیگران مخالف به معنای از دست رفتن منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا نیز هست». حمایت از عربستان با دستور اوپاما مبنی بر «تأمین حمایت لجستیکی و اطلاعاتی از عملیات‌های نظامی اعضای شورای همکاری» آغاز شد و دولت اوپاما اعلام کرد که هسته برنامه‌ریزی مشترکی با عربستان برای هماهنگی نیروهای نظامی و اطلاعاتی دو کشور تشکیل می‌شود (Sharp, 2018: 12).

سازمان ملل متحد (جهت‌گیری قطعنامه): سازمان ملل متحد به‌عنوان یکی از کنشگران در نظر گرفته شده است که البته از وزن برابری با کنشگران دیگر برخوردار نیست؛ بر این اساس حوزه عمل سازمان ملل در حیطة قطعنامه‌های مجمع عمومی و یا شورای امنیت بوده است که این گزینه نیز با حضور آمریکا به شدت محدود می‌شود؛ با این وجود سازمان ملل از طریق

فرستاده‌های خود برای حل و فصل موضوع یمن فعالیت کرده است؛ به صورتی که در ابتدا اسماعیل شیخ احمد و سپس مارتین گریفیث مأمور حل بحران یمن شده است؛ در نهایت اینکه سازمان ملل، انصارالله و جمهوری اسلامی را مسئول تداوم تنش در یمن می‌داند به صورتی که در قطعنامه‌های ۲۲۱۶، ۲۴۰۲، ۲۱۴۰ و ۲۴۰۲ نیز به این مسئله اشاره داشته است (Sharp, 2018: 8).

کویت: اهمیت کویت به عنوان یک کنشگر بیشتر در زمانی مشخص می‌شود که روند بحران یمن به سوی خاتمه پیش برود؛ به خصوص اینکه کویت به عنوان میزبان مذاکرات پیش از این نیز ایفای نقش کرده است. کویت از این حیث که نقش خود را به عنوان میانجی تثبیت کند پذیرای میزبانی از مذاکرات بوده است؛ با این وجود تأثیر چندانی در چگونگی خاتمه جنگ و نفوذ عربستان ندارد.

نااطمینانی‌ها

در مرحله بعد تلاش شده است تا نااطمینانی‌ها با توجه به هم‌پوشانی ادغام شوند و نااطمینانی جدیدی که دربرگیرنده محتوای نااطمینانی‌های پیشین بوده به دست آید.

جدول ۱. دسته‌بندی نااطمینانی‌ها بر اساس شباهت

دسته	نااطمینانی‌ها
رقابت گروه‌های داخلی یمن	وضعیت گروه‌های رقیب انصارالله (اصلاح و القاعده) قرار دادن انصارالله در لیست گروه‌های تروریستی بازگرداندن احمد بن عبدالله صالح به قدرت
وضعیت میدانی ائتلاف	خروج امارات متحده از ائتلاف (مشروط به کسب سهم دندان‌گیر از یمن) کنشگر مسلط بر نقاط راهبردی یمن (بندر الحدیده و تنگه باب المندب) پیروزی ائتلاف
رابطه سیاسی ایران - عربستان	توافق جمهوری اسلامی با عربستان برای از سرگیری روابط
وضعیت سیاست داخلی عربستان	تغییر محمد بن سلمان از ولایتعهدی

با توجه به این دسته‌بندی نااطمینانی‌های کلیدی از تلفیق و حذف برخی از پیش‌ران‌ها به دست می‌آید که در نهایت بر اساس آن‌ها پیش‌ران‌های نهایی و سناریوها شکل می‌گیرد.

نااطمینانی‌های کلیدی

نااطمینانی‌های کلیدی نماینده نااطمینانی‌های معرفی شده در بخش پیشین هستند؛ می‌توان نااطمینانی‌های مربوط به رقابت گروه‌های داخلی را با هم ترکیب کرد و به متغیری با عنوان وضعیت گروه‌های داخلی یمن رسید که می‌تواند در دو وضعیت کلی برتری انصارالله یا برتری رقبایش دیده شود؛ همچنین روابط سیاسی ایران و عربستان، در درجه اول تابع خواست سیاسی عربستان است؛ بنابراین اگر عربستان رویکرد خود در قبال جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت را تعدیل کند، ایران انگیزه بالایی برای ازسرگیری روابط نشان خواهد داد.

یکی از نااطمینانی‌های پیش‌گفته «تغییر محمد بن سلمان از ولایت‌عهدی» است؛ وجه اهمیت این مورد، در تغییر رویکرد عربستان به جنگ است؛ در غیر این صورت، تأثیر تغییر در ساختار قدرت عربستان، اهمیت بالایی در موضوع پژوهش ندارد؛ بنابراین متغیر جدید به‌عنوان «رویکرد عربستان به جنگ» تعریف و جایگزین می‌شود؛ که تغییر بن سلمان یکی از عوامل تأثیرگذار بر آن است.

رویکرد عربستان به جنگ، با رویکرد این دولت به روابط با ایران، همبستگی بالایی دارد. نمی‌شود تصور کرد که عربستان عزم پایان جنگ یمن از طریق مذاکره را داشته باشد، اما رویکرد سازنده‌ای نسبت به ایران اتخاذ نکند؛ همچنین اگر عربستان تمایل به تداوم جنگ یمن تا کسب پیروزی نهایی داشته باشد، ازسرگیری روابط با ایران عملاً منتفی است؛ پس دو متغیر یادشده را یک متغیر نمایندگی می‌کند که همان «رویکرد عربستان به جنگ» است.

پیش‌ران مهم دیگری که به فهرست نااطمینانی‌ها وارد شده بود، «پیروزی ائتلاف» است؛ از آنجا که پیروزی یا عدم پیروزی ائتلاف، تابعی از دیگر متغیرهای یادشده است، می‌توان آن را در وضعیت‌های متنوع تعیین تکلیف کرد؛ برای مثال اگر رویکرد عربستان، پیگیری مذاکره باشد، قطعاً پیروزی ائتلاف متصور نیست؛ دو پیش‌ران دیگر هم قابل ترکیب هستند: خروج امارات متحده از ائتلاف و کنشگر مسلط بر نقاط راهبردی یمن. کنشگر مسلط بر نقاط راهبردی، یا عربستان است، یا امارات یا انصارالله. اگر انصارالله نقاط راهبردی را واگذار کند، رقابت با رقبای داخلی را هم واگذار کرده است؛ این موضوع در پیش‌ران دیگری بررسی شده بود؛ اما اگر نقاط راهبردی در اختیار ائتلاف باشد، اینکه آیا عربستان بر این نقاط مسلط است یا

امارات؛ پرسش اصلی نیست؛ پس این مورد هم با پیش‌ران مربوط به رقابت داخلی تلفیق می‌شود؛ در این صورت چهار نااطمینانی باقی خواهد ماند.

الف) رویکرد عربستان (ائتلاف) به جنگ: تداوم جنگ برای پیروزی / مذاکره برای پایان جنگ با توافق؛

ب) وضعیت ائتلاف: حضور امارات / عدم حضور امارات؛

پ) وضعیت گروه‌های داخلی: برتری انصارالله / برتری گروه‌های مورد حمایت عربستان؛

ت) قرار دادن انصارالله در فهرست گروه‌های تروریستی توسط آمریکا: قرار نگرفتن / قرار گرفتن؛

با توجه به این نااطمینانی جدول سازگاری طراحی شده است که بر اساس آن چهار متغیر عربستان، امارات متحده عربی، وضعیت گروه‌های داخلی به‌خصوص انصارالله و تروریستی بودن یا نبودن انصارالله مورد توجه قرار گرفته است؛ در این میان کنشگر پنجم که جمهوری اسلامی بوده است به علت ناسازگاری حذف شده است. در زیر به وضعیت‌های پیش رو اشاره شده است.

جدول ۲. وضعیت‌های بدیل نااطمینانی‌ها

انصارالله	گروه داخلی	امارات	عربستان	
ت	پ	ب	الف	
تروریستی نبودن	برتری انصارالله	حضور	تداوم جنگ	۱
تروریستی بودن	برتری سایرین	عدم حضور	مذاکره	۲

طبق این جدول، وضعیت «الف - ۲» یعنی تمایل عربستان به مذاکره، با وضعیت «پ - ۲» یعنی ضعف انصارالله در برابر رقبای داخلی، ناسازگار است؛ اگر انصارالله در موضع ضعف باشد، عربستان اصولاً برای مذاکره روی خوش نشان خواهد داد؛ همچنین وضعیت «الف - ۲» یعنی تمایل عربستان به مذاکره، با وضعیت «ت - ۲» یعنی تروریستی شناخته شدن انصارالله، سازگار نیست. در ادامه چارچوب سناریوها مطرح شده تا تمامی حالات از سازگاری استخراج شده و سناریوهای نهایی مطرح شود.

سناریوهای نهایی

در نهایت می‌توان به ۱۶ سناریو اشاره کرد که بر اساس عدم تعارض و امکان‌پذیری ۱۰ سناریو برگزیده شده که معیار ارزش‌گذاری آن‌ها میزان مطلوبیت این سناریو برای جمهوری اسلامی بوده است. در جدول زیر ابتدا به ۱۶ سناریو اشاره، مطلوبیت آن‌ها ارزش‌گذاری شده و در ادامه توضیحاتی در خصوص آن‌ها ارائه خواهد شد.

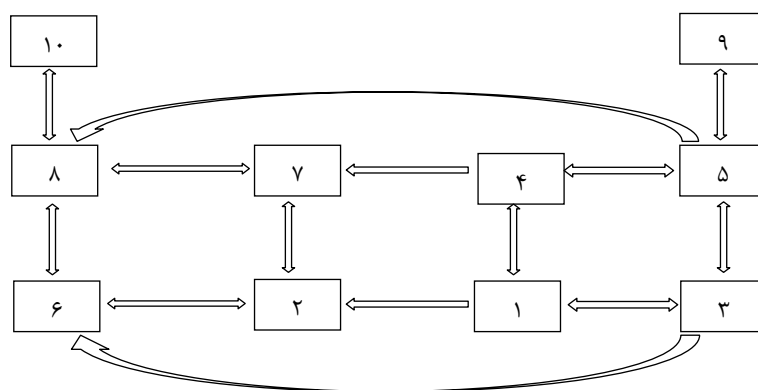
جدول ۳. سناریوها

عربستان	امارات	گروه‌های داخلی	تروریسم	امکان	نام سناریو	مطلوبیت برای ایران
۱	۱	۱	۱	دارد	تداوم جنگ عربستان - حضور امارات - برتری انصارالله - تروریستی نبودن	۵
۱	۱	۱	۲	دارد	تداوم جنگ عربستان - حضور امارات - برتری انصارالله - تروریستی بودن	۴
۱	۱	۲	۱	دارد	تداوم جنگ عربستان - حضور امارات - ضعف انصارالله - تروریستی نبودن	۳
۱	۱	۲	۲	دارد	تداوم جنگ عربستان - حضور امارات - ضعف انصارالله - تروریستی بودن	۱
۱	۲	۱	۱	دارد	تداوم جنگ عربستان - عدم حضور امارات - برتری انصارالله - تروریستی نبودن	۸
۱	۲	۱	۲	دارد	تداوم جنگ عربستان - عدم حضور امارات - برتری انصارالله - تروریستی بودن	۷
۱	۲	۲	۱	دارد	تداوم جنگ عربستان - عدم حضور امارات - ضعف انصارالله - تروریستی نبودن	۶
۱	۲	۲	۲	دارد	تداوم جنگ عربستان - عدم حضور امارات - ضعف انصارالله - تروریستی بودن	۲
۲	۱	۱	۱	دارد	مذاکره عربستان - حضور امارات - برتری انصارالله - تروریستی نبودن	۹
۲	۱	۱	۲	-	مذاکره عربستان - حضور امارات - برتری انصارالله - تروریستی بودن	-
۲	۱	۲	۱	-	مذاکره عربستان - حضور امارات - ضعف انصارالله - تروریستی بودن	-
۲	۱	۲	۲	-	مذاکره عربستان - حضور امارات - ضعف انصارالله - تروریستی بودن	-
۲	۲	۱	۱	دارد	مذاکره عربستان - عدم حضور امارات - برتری انصارالله - تروریستی نبودن	۱۰
۲	۲	۱	۲	-	مذاکره عربستان - عدم حضور امارات - برتری انصارالله - تروریستی بودن	-
۲	۲	۲	۱	-	مذاکره عربستان - عدم حضور امارات - ضعف انصارالله - تروریستی نبودن	-
۲	۲	۲	۲	-	مذاکره عربستان - عدم حضور امارات - ضعف انصارالله - تروریستی بودن	-

بررسی مسیرهای پیش روی جنگ یمن

در نهایت اینکه روند حرکتی کنشگران و سناریوهای پیش روی آن‌ها در نمودار گذار بین سناریوها به صورت زیر ترسیم شده است که سناریوی شماره پنج شرایط موجود را نشان

می‌دهد که حرکت به سوی سناریوهای هفت، هشت، نه و ده می‌تواند شرایط را برای ایران و انصارالله مطلوب‌تر و در طرف مقابل نفوذ عربستان در یمن را کاهش دهد. در زیر تلاش شده است تا سناریوهای مطرح‌شده در قالب نمودار نمایش داده شود تا از این طریق مسیرهای جنگ یمن مشخص شود.



نمودار ۲. گذار بین سناریوها

در این نمودار چهار مسیر اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد که شامل حرکت از وضعیت کنونی یعنی وضعیت شماره ۵ به شماره ۹، حرکت به وضعیت شماره ۴، حرکت به وضعیت شماره ۱۰ به عنوان مطلوب‌ترین وضعیت و حرکت به وضعیت شماره ۳ و کاهش قدرت انصارالله می‌شود؛ در ادامه به صورت مفصل‌تر مسیرها بررسی خواهد شد.

۱. تحمیل مذاکره به ائتلاف (با محوریت تصمیم عربستان): حرکت انصارالله از وضعیت پنج به وضعیت نه می‌تواند شرایط را برای جبهه انصارالله بهبود دهد و زمینه را برای نفوذ و حضور عربستان کاهش دهد؛ بر این اساس اگر انصارالله بتواند خود را تقویت کند و در فهرست تروریستی نیز قرار نگیرد، عربستان ناچار به ورود به مذاکره خواهد شد؛ چراکه هم از نظر مالی و هم از نظر افکار عمومی تحت فشار قرار دارد و طولانی‌شدن نبرد نیز می‌تواند

زمینه بروز نارضایتی داخلی را فراهم کند. با این وجود از مسیر شماره نه پس از مذاکره به نظر می‌رسد مسیر دیگری وجود نداشته باشد.

۲. زورآزمایی سرنوشت‌ساز (با محوریت کنش آمریکا): مسیر شماره پنج به چهار یک تفاوت عمده دارد که ورود انصارالله به فهرست گروه‌های تروریستی است؛ در این صورت مسیر مذاکره مسدود شده و احتمال ورود بازیگر جدید مانند آمریکا وجود دارد؛ در صورت شکل‌گیری چنین وضعیتی عربستان به‌سوی پایان جنگ با برتری بر انصارالله پیش می‌رود؛ با این وجود در صورتی که انصارالله قدرت خود را حفظ کند و یا تقویت شود و امارات نیز از ائتلاف خارج شود شرایط بهبود می‌یابد.

۳. واگرایی در ائتلاف (با محوریت امارات): اگر سناریوی شماره ده (۱۰) را مطلوب‌ترین شرایط بدانیم انصارالله با دو حرکت می‌تواند به این وضعیت برسد؛ نخست اینکه وارد سناریو شماره هشت شود؛ به این معنی که برتری خود در میان گروه‌های داخلی یمن را حفظ کند و امارات نیز از ائتلاف خارج شود و در فهرست تروریستی نیز قرار نگرفته باشد؛ در این مرحله جدا کردن امارات متحده از عربستان به‌خصوص بر سر تقسیم منافع داخل یمن می‌تواند در بهبود شرایط انصارالله مفید باشد؛ اگر چنین شرایطی از سوی انصارالله فراهم شود، آن‌گاه احتمال اینکه عربستان مذاکرات را از سر بگیرد افزایش می‌یابد؛ که دست برتر انصارالله نیز در مذاکرات در آینده سیاسی یمن تأثیرگذار خواهد بود. عمده خواسته حوثی‌ها در مذاکرات تشکیل یک حزب سیاسی و مشارکت جدی و برابر همه گروه‌ها در انتخابات و عرصه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه یمن است؛ آن‌ها معتقدند تا زمانی که دخالت و تهاجم عربستان، آمریکا و رژیم صهیونیستی و نیز جریان‌ات وابسته به این قدرت‌های خارجی در یمن ادامه دارد، سلاح خود را بر زمین نمی‌گذارند (Sharqieh, 2013: 13-14).

۴. تقلا در تنگنا (بر اساس وضعیت انصارالله): اگر انصارالله از نظر تجهیزات و نیروی نظامی تضعیف شود و تسلط سرزمینی خود را از دست دهد وارد مرحله شماره سه می‌شود؛ در واقع در این مرحله جنگ با قدرت بیشتری از سوی ائتلاف ادامه می‌یابد؛ امارات تا پایان جنگ برای کسب دستاورد از ائتلاف خارج نمی‌شود و تروریستی بودن یا نبودن انصارالله به بعد موکول می‌شود؛ به صورت کلی ورود به این مرحله با کلید ضعف انصارالله می‌تواند شرایط را پیچیده

کند؛ چراکه در این مقطع سناریوهای شماره یک و دو نیز قرار دارند که تقریباً بدترین وضعیت ممکن بوده است؛ با این وجود راه برون‌رفت از این شرایط به این صورت است که اگر امارات به هر دلیلی از ائتلاف خارج شود؛ آن‌گاه روزنه‌ امید برای بهبود شرایط فراهم می‌شود؛ چراکه سناریوی شماره شش رخ خواهد داد؛ علاوه بر این مسیر شماره سه و پنج دوطرفه است به این معنا که بازگشت به شرایط موجود نیاز به همکاری ایران در حوزه لجستیکی و تسلیحاتی و شکل‌دهی به ائتلاف داخلی از سوی انصارالله می‌تواند تا حدودی شرایط را بهبود دهد.

درنهایت اینکه می‌توان گزاره‌های مختلفی را بررسی کرد اما با توجه به موضوع کار، چهار گزاره مطرح‌شده بیشترین اثر را بر آینده حضور و نفوذ عربستان دارد؛ چراکه رابطه‌ای معکوس با میزان قدرت انصارالله و یا خروج امارات از ائتلاف دارد. در ادامه سناریوهای شگفتی‌ساز که میزان نااطمینانی در خصوص آن‌ها کمتر بوده است، مطرح خواهد شد.

سناریوهای شگفتی‌ساز

از میان پیش‌ران‌های مختلفی که موردتوجه قرار گرفت، برخی از پیش‌ران‌ها از نااطمینانی بالایی برخوردار نبودند که در واقع به معنای اطمینان از وقوع یافتن یا نیافتن آن‌ها بوده است؛ بنابراین اگر برخلاف انتظار واقع شود و یا تصور بر وقوع نیافتن آن‌ها باشد اما به وقوع بپیوند می‌توان گفت شگفتی‌ساز بوده‌اند. در زیر برخی از پیش‌ران‌ها که به نظر شگفتی‌ساز می‌تواند باشد مطرح شده است:

ورود عربستان به مناقشه جدید مانند جنگ با قطر: یکی از پیش‌ران‌هایی که می‌تواند بر وضعیت آینده جنگ عربستان و یمن اثرگذار باشد، ورود عربستان به مناقشه جدید و یا جنگ جدید بوده است؛ این پیش‌ران در حالت فعلی امکان‌پذیر نیست؛ چراکه هم‌فشارهای اقتصادی و هم‌فشارهای اجتماعی داخلی و بین‌المللی بر عربستان برای خاتمه تنش‌ها زیاد بوده است؛ بر این اساس اگر روابط عربستان و قطر بیش از وضعیت کنونی رو به وخامت بگذارد؛ ورود عربستان به یک جنگ جدید می‌تواند شگفتی‌ساز باشد.

تأسیس مدارس و مساجد برای شیعیان در یمن پس از جنگ: در حالت عادی این امکان به‌خصوص در شرایط کنونی برای جمهوری اسلامی ممکن نیست؛ چراکه این اقدام نیاز به ثبات نسبی سیاسی، زمان کافی و شرایط اقتصادی مناسب دارد؛ از سوی دیگر به‌خودی‌خود میزان حساسیت‌ها بر ایران برای حمایت از انصارالله بالا بوده؛ بنابراین، این امکان که جمهوری اسلامی چنین اقدامی انجام دهد می‌تواند یک شگفتی باشد.

رسمیت یافتن خدمات مستشاری به یمن از سوی ایران: شگفتی سوم در واقع رسمیت یافتن خدمات مستشاری به یمن بوده است. الگوبرداری از سوریه و اعزام مستشاران نظامی در خصوص یمن در شرایط کنونی امکان اندکی دارد؛ به‌خصوص اینکه در عراق و سوریه نیز جمهوری اسلامی با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است؛ بنابراین منطقی به نظر نمی‌رسد که جمهوری اسلامی حمایت مستشاری خود را از نیروهای یمنی و انصارالله رسماً اعلام کند؛ بنابراین وقوع چنین امری می‌تواند یک شگفتی‌ساز باشد.

حضور مستقیم آمریکا در جنگ یمن: از جمله شگفتی‌سازهایی که می‌تواند تغییردهنده بازی باشد حضور نظامی آمریکا در یمن بوده است؛ این امر از این جهت شگفتی‌ساز است که رژیم آمریکا اعلام کرده که در نبرد جدیدی در منطقه مشارکت نخواهد کرد؛ به‌خصوص اینکه دیدگاه آمریکا به بحران یمن پیچیده بوده است؛ بر این اساس در صورتی که اتفاقاتی رخ دهد که حساسیت ایالات‌متحده را برانگیزد، ورود این کشور به جنگ یمن می‌تواند شگفتی‌ساز باشد.

حضور نیروهای ایرانی در تنگه باب‌المندب: حضور نیروهای ایرانی در تنگه باب‌المندب به دلایل عمده‌ای مانند حساسیت این منطقه برای بسیاری از کنشگران و به‌خصوص آمریکا، عدم تمایل ایران به درگیری مستقیم در منطقه و دلایل اقتصادی و بین‌المللی امکان‌پذیر نیست؛ اما در صورتی که شرایط جمهوری اسلامی را به سمت حضور در این منطقه ببرد و نیروهای ایرانی در این منطقه حضور یابند یک شگفتی بزرگ رخ خواهد داد.

تعلیق یا قطع فروش تسلیحات به عربستان: در حالت کنونی آمریکا به‌عنوان مهم‌ترین حامی عربستان در یمن هم از نظر سیاسی و هم از نظر تسلیحاتی بوده است؛ اما اگر آمریکا به

دلیل فشار سیاسی بین‌المللی و یا ملاحظات دیگری از جمله اختلاف با عربستان فروش تسلیحات به عربستان را تعلیق و یا قطع کند آن‌گاه شگفتی رخ خواهد داد.

عدم وتوی قطعنامه‌های شورای امنیت علیه عربستان: علاوه بر فروش تسلیحات و تو کردن یا نکردن قطعنامه‌های احتمالی علیه اقدامات عربستان در یمن می‌تواند منجر به شگفتی شود؛ به عبارت دیگر در حالت عادی آمریکا تصمیم در خصوص قطعنامه‌های احتمالی در شورای امنیت علیه عربستان را وتو خواهد کرد؛ بنابراین اگر شرایط به گونه‌ای پیش برود که آمریکا احساس نارضایتی از عربستان داشته باشد و تصمیمات علیه عربستان را وتو نکند یک شگفتی تأثیرگذار رخ خواهد داد.

درخواست آمریکا از ایران، عربستان، امارات و یمن برای برگزاری نشست: یکی از مهم‌ترین سیاست‌هایی که می‌تواند شگفتی‌ساز باشد، درخواست آمریکا از طرف‌های چهارگانه ایران، عربستان، امارات و انصارالله برای برگزاری گفتگوهای صلح است؛ این سیاست از این‌رو که ایران را به‌عنوان یک بازیگر رسمی در یمن شناسایی می‌کند، امکان‌پذیری اندکی دارد؛ اما در صورتی که شرایط به گونه‌ای پیش برود که روابط ایران و عربستان بهبود یابد و انصارالله نیز در موضع برتر باشد، ممکن است چنین اتفاقی به وقوع بپیوندد؛ در این حالت درخواست آمریکا از ایران می‌تواند شگفتی‌ساز باشد.

توقف دائم فروش اسلحه از سوی برخی کشورها (اسپانیا، آلمان): بسیاری از کشورهای اروپایی در جریان جنگ عربستان و یمن در زمینه فروش تسلیحات به عربستان فعالیت کرده‌اند که در واقع نوعی رقابت برای فروش بیشتر در دستور کار بوده است؛ البته وقفه‌هایی در این روند تحت فشارهای بین‌المللی و سیاست‌های عربستان در قبال این کشورها و به‌خصوص آلمان و اسپانیا پیش آمد اما این نوسانات کوتاه با فروش جدید اسلحه به تداوم فروش منجر شد؛ بنابراین در شرایطی که توقف کاملی از سوی غرب برای فروش تسلیحات به عربستان صورت پذیرد، یک شگفتی در این زمینه رخ خواهد داد.

ائتلاف یمن جنوبی و حوثی‌ها برای مقابله با عربستان: شکاف در لایه‌های سیاسی و اجتماعی یمن و تلاش یمن جنوبی با محوریت جنبش حراک جنوب باعث شده است تا یمن جنوبی به دنبال جدایی از یمن شمالی باشد. قبایل یمن به‌صورت خودمختار مناطق تحت

سیطره خود را اداره می‌کنند. میل به خودمختاری سیاسی از قدرت مرکزی از عناصر اصلی نظام قبیله‌ای یمن و مفهوم عزتی است که در آن نهفته است (Phillips, 2010: 5); بر این اساس در شرایط کنونی پیوند سیاسی گروه‌های فعال یمن جنوبی با انصارالله وجود ندارد؛ با این وجود اگر شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که یمن جنوبی به سوی انصارالله تمایل یابد شگفتی رخ خواهد داد؛ در این حالت قدرت‌یابی انصارالله می‌تواند زمینه را برای حضور و نفوذ عربستان در یمن دشوار کند.

جمع‌بندی

همان‌گونه که عنوان شد جنگ یمن و درگیری کنشگران مختلف در این مسئله از یک سو و فضای سیال منطقه از سوی دیگر سبب شده است تا آینده‌های محتمل جایگزین آینده جنگ ائتلاف و یمن شود؛ در این مسیر متغیرهای مختلفی اعم از متغیرهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در آینده این مسئله دخالت دارند؛ به صورت کلی از پیش‌ران‌های مهم در این حوزه چهار نااطمینانی کلیدی حاصل شده است که شامل ۱. رویکرد عربستان (ائتلاف) به جنگ که خود شامل تداوم جنگ برای پیروزی یا مذاکره برای پایان جنگ با توافق است. ۲. وضعیت ائتلاف شامل حضور امارات یا عدم حضور این کشور، ۳. وضعیت گروه‌های داخلی شامل برتری انصارالله یا برتری گروه‌های مورد حمایت عربستان و ۴. قرار دادن انصارالله در فهرست گروه‌های تروریستی توسط آمریکا یا قرار نگرفتن آن می‌شود؛ بر این اساس ۱۶ سناریو طرح گردید که ۱۰ سناریو ممکن بوده است؛ از میان این سناریوهای ممکن مسیرهای آینده جنگ ترسیم شده است که نشان می‌دهد در صورت اتخاذ هر سیاستی مسیر جنگ به چه سمت و سویی خواهد رفت؛ در نهایت این مسیرها شامل تحمیل مذاکره به ائتلاف (با محوریت تصمیم عربستان)، زورآزمایی سرنوشت‌ساز (با محوریت کنش آمریکا)، واگرایی در ائتلاف (با محوریت امارات) و تقلا در تنگنا (بر اساس وضعیت انصارالله) می‌شود؛ در این میان پیش‌ران‌هایی که از امکان رخ دادن کمتری برخوردار بوده‌اند، در صورتی که رخ بدهند شگفتی‌ساز می‌شوند؛ که شامل ورود عربستان به مناقشه جدید مانند جنگ با قطر، تأسیس مدارس و مساجد برای شیعیان در یمن پس از جنگ، رسمیت یافتن خدمات مستشاری به یمن

از سوی ایران، حضور مستقیم آمریکا در جنگ یمن، حضور نیروهای ایرانی در تنگه باب المندب، تعلیق یا قطع فروش تسلیحات به عربستان، عدم وتوی قطعنامه‌های شورای امنیت علیه عربستان، درخواست آمریکا از ایران، عربستان، امارات و یمن برای برگزاری نشست، توقف دائم فروش اسلحه از سوی برخی کشورها (اسپانیا، آلمان) و ائتلاف یمن جنوبی و حوثی‌ها برای مقابله با عربستان می‌شود

منابع

فارسی

۱. آل سید غفور، سید محسن؛ کاظمی، احسان و موسوی، سید محمد (۱۳۹۴)، تبیین رقابت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و عربستان در یمن، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۹، شماره ۲.
۲. پدرام، عبدالرحیم؛ احمدیان، مهدی (۱۳۹۴)، آموزه‌ها و آموزه‌های آینده‌پژوهی، چاپ نخست: تهران: مؤسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی.

انگلیسی

1. Alistair, Harris(2010), "Exploiting Grievances: Al-Qaeda in the Arabian Peninsula,» Carnegie PAPERS, Middle East Program, May 2010, No. 111.
2. Bishop, Peter C (2017), Baseline Analysis: The Epistemology of Scenario Support, Worlds Futures Review, Vol.9(2).
3. Cordesman, Anthony. (2015). "American, Saudi Arabia and the Strategic Importance of Yemen", Washington DC: Center for Strategic and International Studies.
4. Geneva Academy(2017), the Armed Conflict in Yemen: A Complicated Mosaic, The War Report.
5. Hill, Ginny and Gerd Nonneman(2018), Protests and regional diplomacy, Middle East and North Africa Programme, Chathamhouse.
6. Lively, Genevieve(2017), Anticipation and Narratology, Handbook of Anticipation, Springer International Publishing.
7. Meijer, Roel(2007), "Yūsuf al-'Uyairī and the Making of a Revolutionary Salafi Praxis". Die Welt des Islams (Brill Academic Publishers), no. 3 Retrieved 2014-07-28
8. Phillips, Sarah (2010), "What Comes Next in Yemen? Al-Qaeda, the Tribes, and State-Building,"Carnegie PAPERS, Middle East Program, No. 107.
9. Sardar, Ziauddin, Sweeney, John A (2016), The Three Tomorrows of Postnormal Times, Futures(75).
10. Sharp, Jeremy M(2018), Yemen: Civil War and Regional Intervention, Congressional Research Service.
11. Sharqieh, Ibrahim. (2013), "A Lasting Peace? Yemens gong Journey to National Reconciliation", Available at: www.brookings.edu/research/papers/2013/02/11-yemen-nati.
12. Serberov, Sergey(2017), Yemen Crisis: Causes, Threats and Resolution Scenarios, Russian International Affairs Council.

13. Shayea, A. E. H (2010), "Reviving the Dead: The Yemeni Government and Al-Qaeda's Resurgence," Arab Insight, Vol. 2, No. 7.
14. Trends in World Military Expenditure 2017(May 2018), Fact Sheet, Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI): the independent resource on global security.
15. Singh Roy, Meena g Mahtab Alam Rizvi g Zaki Zaidi (2015), "Crisis in Yemen: Imperatives for Region and Beyond", institute for defense studies analyses.
16. Yamani, Mai(2010), Rescuing Yemen, Project Syndicate, Accessed in Jan.31, 2010, <http://www.project-syndicate.org/commentary/yamani23/English>.
17. SIPRI Fact Sheet (May 2018) Trends in world military expenditure, 2017, <https://reliefweb.int/report/world/sipri-fact-sheet-may-2018-trends-world-military-expenditure-2017>.
18. <http://www.arabnews.com/node/1325806/saudi-arabia>.
19. <https://atlas.media.mit.edu/en/profile/country/yem/#Imports>.

بررسی میزان خطرپذیری دفاعی با استفاده از سامانه جی آی اس و منطق فازی تصمیم‌گیری در پهنه جغرافیایی

مهدی کیخایی^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۰۱

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰

چکیده

توجه به مناطق پرخطر نظامی، از موضوعات اساسی طراحان و سیاست‌گذاران نظامی به‌منظور کاهش تلفات انسانی و تسلیحاتی در مواقع بحران و اضطراری است. شناخت زمین و آشنایی با ویژگی‌های مختلف آن با استفاده از ابزارهای به‌روز و کارآمد عامل مهمی در دستیابی به برتری نظامی محسوب می‌شود؛ از آنجایی که این مکان‌ها نقش بسیار کلیدی در صحنه نبرد و دفاع عامل و غیر عامل ایفا می‌نمایند؛ لذا توجه به آن در دگرترین دفاعی حائز اهمیت بوده و عدم توجه به آن شکست امنیتی و نظامی را در پی خواهد داشت؛ هدف از این پژوهش، شناسایی مناطق آسیب‌پذیر نظامی و تحلیل علمی آن با استفاده از آنالیزهای مکانی در سامانه جی آی اس و روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است؛ به این منظور، عوامل و فاکتورهای بسیار جامعی از قبیل میزان شیب، زهکشی، دید و اختفاء، جنس خاک و زمین، جهت شیب، موانع و استحکامات موجود، کاربری اراضی، خطوط راه آهن و خطوط مواصلاتی جاده‌ای، سازندها، مراکز جمعیتی، فاصله از مرز، لندفرم‌های مرزی، شرایط آب و هوایی منطقه مرزی، دمای سطح زمین و غیره مورد بررسی قرار گرفت. پس از آماده‌سازی داده‌ها و تشکیل پایگاه داده مورد نیاز، وزن‌دهی به معیارها به روش سلسله مراتب فازی انجام و عملیات همپوشانی فازی در محیط نرم افزار ArcGIS انجام گرفت؛ در ادامه پهنه‌بندی منطقه در پنج گروه بسیار کم‌خطر، کم‌خطر، خطرپذیر، پرخطر و بسیار پرخطر استخراج شد. نتایج پژوهش با توجه به نقشه خطرپذیری نهایی استخراج شده، نشان می‌دهد که محدوده‌های باز و فاقد موانع طبیعی و مصنوعی، نزدیکی به مراکز جمعیتی و محورها و شاهراه‌های اصلی به سمت مراکز استان، از مناطق پرخطر محسوب شده که نیاز است در اولین فرصت جهت تقویت سامانه پدافندی آن، از طریق ایجاد موانع و استحکامات مصنوعی موثر اقدام شود؛ همچنین نقشه حاصل شده نهایی نقش بی‌بدیل آب‌های سطحی را در دفاع عامل و غیرعامل گوشزد کرده و آن را عاملی تأثیرگذار در پدافند منطقه‌ای و متحرک معرفی می‌کند.

کلید واژه‌ها

سامانه اطلاعات جغرافیایی، خطرپذیری دفاعی، سلسله مراتبی فازی.

مقدمه

مکان‌یابی و پهنه‌بندی، انتخاب بهترین و مطلوب‌ترین نقطه و محل استقرار است؛ به‌طوری که پنهان و مخفی‌کردن نیروی انسانی، وسایل، تجهیزات و فعالیت‌ها را به بهترین وجه امکان‌پذیر سازد. مهم‌ترین اصل پدافند، مکان‌یابی بوده و چنانچه مکان‌یابی صحیح و اصولی و مبتنی بر استفاده مناسب از عوارض طبیعی و شکل زمین انجام گیرد، هزینه‌های اجرایی سایر اصول را کاهش و کارآمدی آن‌ها را افزایش می‌دهد (موحدی نیا، ۱۳۸۸: ۷۵). فرماندهانی که تمایل به اجرای مانور و عملیات در سطح زمین را دارند باید از شرایط، وضعیت، عوارض و لندفرم‌های زمین منطقه عملیات و سطوح ارتفاعی برای مانور ادوات زرهی، تانک‌ها و توپ‌های کششی و خودکششی آگاهی کامل داشته باشند (برمن، ۲۰۰۶). مکان‌یابی درست و اصولی مناطق حساس نظامی، یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که موجب کاهش قابل توجه هزینه‌های بعدی مرتبط با فعالیت‌ها و پیشامدهای مربوط به این مناطق خواهد بود و با افزایش قابلیت پدافند غیر عامل این مناطق، ضریب امنیتی آن‌ها را افزایش و احتمال حملات دشمن و اثرات تخریبی ناشی از حملات احتمالی را کاهش خواهد داد (نصیری، ۱۳۸۸: ۵۷).

فرماندهان از نظر سرعت، دقت و در نظر گرفتن تمامی مؤلفه‌های مورد نظر کارشناسان در شناسایی، انتخاب و اشغال بهترین مواضع و استمرار آن از نظر زمان، با خطاهای انسانی مواجه می‌باشند که بعضاً باعث ایجاد تلفات انسانی و تسلیحاتی و نیز افزایش هزینه‌ها می‌گردد؛ علاوه بر آن، حضور فیزیکی نیروها در منطقه شناسایی‌های میدانی وسیعی را می‌طلبد. سردرگمی یگان‌ها در بدو ورود به مناطق عملیاتی از مشکلات دیگری است که گریبان‌گیر فرماندهان واحدها می‌باشد (کیخایی، ۱۳۹۳: ۵۵). تکنیک سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی به‌مثابه ابزاری توانمند ما را در تحلیل مسائل مختلف نظامی و شناسایی مناطق عملیاتی و تعیین مناسب‌ترین مکان‌های استقرار بدون حضور فیزیکی وسیع در مناطق و برنامه‌ریزی دقیق جهت یگان‌ها یاری می‌رساند تا بتواند ضعف سامانه‌ها و اقدامات سنتی و استفاده از نقشه‌های کاغذی موجود را پوشش داده و عناصر بدیع این سامانه را به خدمت گیرد. در عصر دیجیتال، سامانه اطلاعات جغرافیایی، بهترین وسیله برای فرماندهان در عملیات‌ها بوده و استفاده از قابلیت‌های

آن در نیروهای نظامی، نحوه انجام عملیات‌ها و مأموریت‌های این نیروها را متحول ساخته است (فخری و همکاران، ۱۳۸۸).

در طی مراحل تحقیق این فرضیه متصور است که سامانه اطلاعات جغرافیایی با بهره‌گیری از روش‌های به‌روز و توان پردازشی بالا قادر است مناطق ریسک‌پذیر را با دقت مناسبی استخراج و مشخص نماید.

هدف از انجام این تحقیق، پهنه‌بندی مناطق خطرپذیر در پهنه جغرافیایی با بهره‌گیری از سامانه اطلاعات جغرافیایی و منطق فازی^۱ می‌باشد. رویکردهای فازی با توجه به نزدیکی به بیان افراد قابل درک‌تر برای کاربر بوده و در شرایط تصمیم‌گیری با متغیرهای زیاد، نتایج و خروجی‌های بهتر و مطلوب‌تری را ارائه خواهد داد.

پیشینه تحقیق

شناخت ویژگی‌های ژئومورفولوژیکی (زمین‌ریخت‌شناسی) و توجه به آمایش سرزمین و جایابی مراکز مهم با توجه به تهدیدات و پتانسیل موجود در مناطق مرزی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ عدم توجه به این مهم، اشتباهی بزرگ از منظر نظامی تحلیل می‌گردد. در این زمینه تحقیقات و مطالعات متعددی انجام گرفته است که تعدادی از تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در این راستا در داخل و خارج از کشور به شرح زیر می‌باشد:

- پورزارع و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش جامعی به ارزیابی شاخص‌های ژئومورفوکلیمایی و نقش آن در مکان‌گزینی مراکز حیاتی، حساس و مهم با رویکرد دفاع غیرعامل در سواحل مکران از جاسک تا خلیج گواتر پرداخته است. در این مطالعه به اهمیت لندفرم‌ها و ژئومورفولوژی ساحل در دفاع و نیز آمایش سرزمین و نیز جایابی مراکز و تأسیسات اساسی تأکید گردیده و نقش آن‌ها را در میزان تهدیدات از این ناحیه بررسی نموده‌اند.

1. Fuzzy Logic

- لطفی و همکاران (۱۳۹۵) با استفاده از GIS و تلفیق آن با روش برنامه‌ریزی خطی به مکان‌گزینی اردوگاه نظامی توجه نموده و بهره‌گیری از روش‌های ریاضیاتی در تصمیم‌گیری نظامی با دقت بالاتر در این حوزه را تأکید نموده است.

- فخری و غلامی (۱۳۹۳)، در تحلیلی مکان‌گزینی شهرهای شمال شرق کشور را با توجه به عوامل ژئوهیدروکلیمایی و رویکرد دفاع غیرعامل و با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی مطالعه و نقش به‌کارگیری این سامانه‌ها را در مباحث دفاعی تجزیه و تحلیل نموده‌اند.

- حنفی و همکاران (۱۳۹۲) با توجه به شاخص‌های هیدروکلیمایی مناطق مرزی ترکیه با کشور ایران را از منظر پدافند غیرعامل بررسی نموده است؛ در این تحقیق به نقش عوامل اقلیمی و تأثیر مستقیم آن بر مکان‌یابی تأسیسات حیاتی و حساس و دفاع غیرعامل پرداخته شده و عدم توجه به این مهم را در امنیت مرزی این مناطق مؤثر دانسته است.

- حنفی و حاتمی (۱۳۹۲)، در تحقیقی، مناطق مساعد برای استقرار نیروهای نظامی در منطقه مرزی مهران را با کمک سامانه اطلاعاتی GIS، مورد بررسی قرار داده و موفق به تولید نقشه پهنه‌بندی این منطقه گردیده‌اند.

- رضا زاده و همکاران (۱۳۹۲) اهمیت لندفرم‌ها و نیز جهات آن‌ها را مهم ارزیابی نموده و به بررسی ژئومورفولوژی ارتفاعات شمالی تهران پرداخته است؛ در این مطالعه تأثیر لندفرم‌های موجود بر دفاع از شهر تهران را در نبردهای ناهم‌تراز تجزیه و تحلیل نموده است.

- حدیدی و همکاران (۱۳۸۸)، به کاربرد سنجش از دور و سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی در عملیات‌های نظامی در منطقه‌ای واقع در غرب کشور پرداخته است و با استفاده از توانایی‌های نرم‌افزارهای موجود کلیه آنالیزهای مورد نیاز را به‌صورت لایه‌های اطلاعاتی آماده و تعدادی از نقشه‌های موضوعی مفید برای انجام عملیات‌های مختلف نظامی تولید نموده است.

- بهرام آبادی (۱۳۸۸)، در تحقیقی به بررسی تأثیر ژئومورفولوژی مناطق بیابانی در اهداف و عملیات‌های نظامی در منطقه مورد مطالعه یعنی دشت مسیله قم و محدوده آن پرداخته و نقش و تأثیر فاکتورهای مختلف را در روند حرکت و مسیریابی و مکان‌یابی محل استقرار یگان‌ها بررسی کرده است.

- خیرآبادی و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان "مکان‌یابی با ملاحظات پدافند غیرعامل در محیط GIS"، به نقش مکان‌یابی صحیح اماکن و تأسیسات نظامی و حیاتی با رعایت اصول پدافند غیرعامل و استفاده از سامانه اطلاعات مکانی GIS پرداخته است و اهمیت و نقش این سامانه و چگونگی انجام مدل‌سازی در این محیط را بررسی نموده است.

- بایگل و همکاران (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان "رویکرد دانش GIS مبنایی برای عملیات‌های نظامی"، به تعیین معیارهای لازم جهت تجزیه و تحلیل منطقه عملیات و تهیه نقشه‌های موضوعی نظیر محل فرود بالگرد، محل احداث پل‌ها، مناطق قابل تردد و غیره پرداخته است.

مواد و روش‌ها

مواد و ابزار تحقیق

در این پژوهش از داده‌های زیر استفاده گردید:

- نقشه‌های توپوگرافی ۱/۲۵۰۰۰ سازمان نقشه برداری با فرمت dgn؛

- نقشه‌های خاک‌شناسی و زمین‌شناسی؛

- نقشه کاربری اراضی؛

- نقشه راه‌ها و خطوط مواصلاتی؛

- نقشه ژئومورفولوژی و لندفرم‌ها؛

- نقشه آبراهه و سامانه زهکشی؛

- نقشه ارتفاعی منطقه DEM؛

- نقشه شیب و جهت شیب.

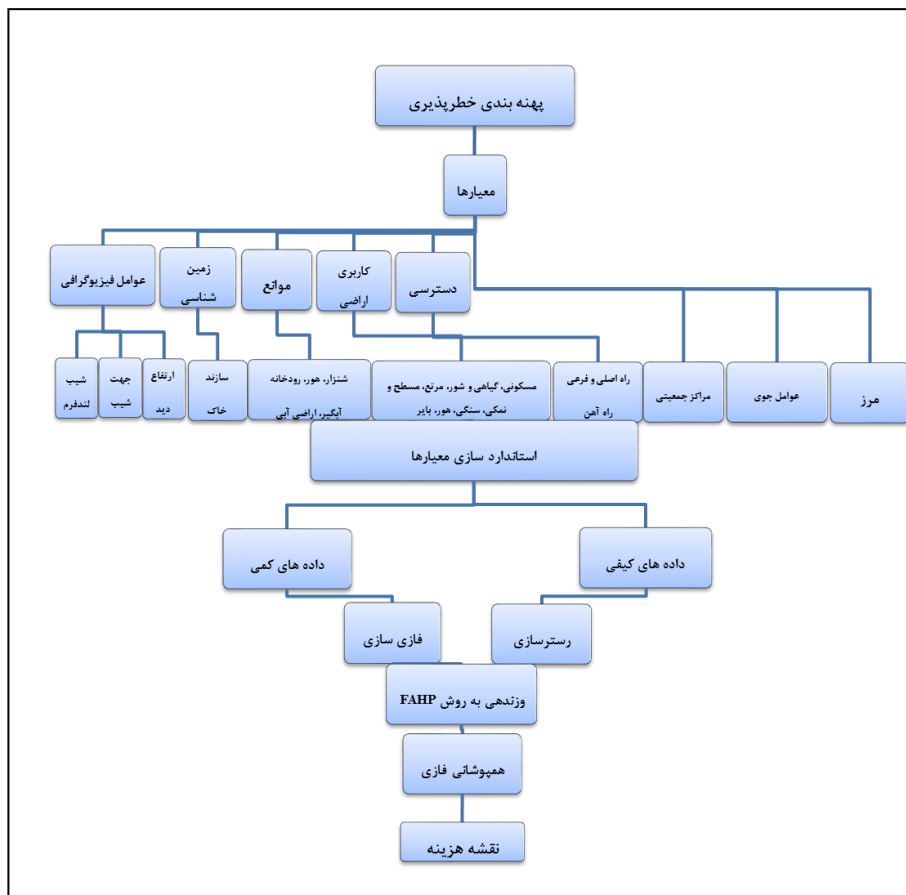
برای تهیه نقشه کاربری اراضی از تصویر ماهواره‌ای لندست ۸ استفاده گردید. در طی مراحل

تحقیق از نرم افزارهای ARCGIS10.5، نرم‌افزار پردازش تصویر ENVI 5.1، ARCHydroTools، نرم

افزار MATLAB، نرم افزار Micro Station 2000 و Google Earth استفاده شد.

روش اجرای تحقیق

در انجام این پژوهش که یک نوع تصمیم‌گیری چندمعیاره می‌باشد؛ در کلیه مراحل اجرای این تحلیل از تئوری‌های فازی استفاده شده است؛ پس از جمع‌آوری اطلاعات و نقشه‌های لازم، عملیات استانداردسازی روی لایه‌ها انجام و توسط روش FAHP وزن‌دهی آن‌ها انجام و همپوشانی معیارها با استفاده از اپراتورهای فازی انجام گرفت؛ در ادامه با تولید نقشه پهنه‌بندی منطقه، گزینه‌های مطلوب مشخص و در مرحله دوم با استفاده از تاپسیس فازی گزینه‌های مطلوب اولویت‌بندی گردیدند. شکل ۱ روش اجرای این فرایند را در دو مرحله نشان می‌دهد.



شکل ۱. رابطه مفاهیم نظری در پهنه‌بندی

انتخاب معیار

پهنه‌بندی، فرایند پیچیده‌ای است که نیازمند شناسایی عوامل مؤثر در مکان هر تأسیسات و نیرویی می‌باشد؛ بنابراین برای ایجاد نقشه خطر باید عوامل مؤثر شناسایی شوند و بعد لایه‌ها و نقشه‌های مورد نیاز برای تحلیل تهیه و پس از ارزش‌گذاری میزان تأثیر آن‌ها، تحلیل مربوطه صورت پذیرد. (فخری و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۳).

فرایند پهنه‌بندی با استفاده از GIS، شامل یک سری مراحل معین و مشخصی بوده که برای دستیابی به نتایج قابل اطمینان، اجرای آن‌ها اجتناب ناپذیر می‌باشد. به‌طور کل فرایند مکان‌یابی را می‌توان شامل مراحل شناخت، تهیه داده‌های مورد نیاز، تعیین فاکتورهای تأثیرگذار، شناخت دقیق از محدوده مطالعاتی، آماده‌سازی داده‌ها، تهیه نقشه، تلفیق نقشه‌ها و تهیه نقشه‌های خروجی دانست (عظیمی، ۱۳۹۲: ۶۱).

به ملاک‌هایی که متضمن هدف و سازنده آن هستند و تصمیم‌گیرنده به‌منظور افزایش مطلوبیت و رضایت خود، آن‌ها را مدنظر قرار می‌دهد، معیار گویند؛ به‌عبارت دیگر معیارها، استانداردها و قوانینی هستند که برای قضاوت استفاده شده و میزان اثربخشی را در تصمیم‌گیری بیان می‌کنند (عطایی، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

برای انجام هدف پژوهش، با توجه به نظرات کارشناسی، معیارها و زیر معیارهای زیر در نظر گرفته شد:

۱. معیار فیزیوگرافی: که شامل زیر معیارهای شیب، قابلیت دید، ارتفاع، جهت شیب و لندفرم منطقه است؛
۲. معیار کاربری اراضی: این معیار از زیر معیارهای اراضی بایر، مسطح و شور، مسکونی، هور، مرتع، پوشیده و شور و اراضی سنگی تشکیل شده است؛
۳. معیار زمین شناسی: که شامل نوع سازندها و نوع خاک است؛
۴. معیار دسترسی: شامل نزدیکی به راه‌های اصلی، فرعی و راه آهن است؛
۵. معیار موانع: که شامل رودخانه‌ها، شنزارها، آبگیرها، هورها و اراضی زیر کشت است؛
۶. معیار نزدیکی به مرز؛
۷. معیار نزدیکی به مراکز جمعیتی.

منطق فازی

منطق فازی برای اولین بار توسط پرفسور عسکر لطفی زاده استاد دانشگاه برکلی آمریکا، برای اقدام در شرایط عدم اطمینان ارائه شد؛ این نظریه قادر است بسیاری از مفاهیم، متغیرها و سامانه‌هایی را که نادقیق و مبهم‌اند صورت‌بندی ریاضی بخشیده و زمینه را برای استدلال، کنترل و تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان فراهم آورد (پوراحمد و همکاران، ۲۰۰۷، ۳۱). روش سلسله مراتبی، روشی است منعطف، قوی و ساده که تصمیم‌گیری در شرایطی که معیارهای تصمیم‌گیری متضاد، انتخاب بین گزینه‌ها را با مشکل مواجه می‌کند، استفاده می‌شود؛ این روش ارزیابی چندمعیاری را ابتدا توماس ال ساعتی^۱ (۱۹۸۰) پیشنهاد کرد و تاکنون کاربردهای متعددی به‌ویژه در برنامه‌ریزی منطقه‌ای داشته است (ادلین^۲، ۲۰۰۵). فرایند تحلیل سلسله مراتبی در واقع یکی از جامع‌ترین سامانه‌های طراحی شده برای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه است؛ این فرایند که بر مبنای مقایسات زوجی بنا شده است، قادر به دخالت گزینه‌های مختلف در تصمیم‌گیری می‌باشد و همچنین امکان تحلیل حساسیت روی معیارها و زیر معیارها را دارد (قدسی پور، ۲۰۰۰).

با کاربرد توأم منطق‌های AHP و Fuzzy علاوه بر در نظر گرفتن مزیت‌های هر دو روش فوق، مانند ارائه یک ساختار قابل درک بین تصمیم‌گیری با مجموعه‌ای از داده‌های کمی و کیفی، وجود ساختار مرتبه‌ای و مستقل قابل فهم، کاهش ضریب ناسازگاری و تولید اشکال دارای اولویت، معایب هر یک از روش‌ها را به تنهایی رفع نموده است (سالاری و همکاران، ۱۳۹۰). منطق FAHP تفکرات بشری را در استفاده از اطلاعات تقریبی و نامطمئن برای تصمیم‌گیری بازتاب داده است (کرسک^۳، ۲۰۰۱).

توابع عضویت و استانداردسازی

مفهوم تابع عضویت^۴ از اهمیت ویژه‌ای در تئوری مجموعه‌های فازی برخوردار می‌باشد؛ چرا که تمام اطلاعات مربوط به یک مجموعه فازی به وسیله تابع عضویت آن توصیف و در

-
1. Tomas.L.Saatti
 2. Adlin
 3. Karsak
 4. Membership Function

تمام کاربردها و مسائل مربوط استفاده می‌شود. تابع عضویت مقدار فازی بودن یک مجموعه فازی را مشخص می‌کند (کوره پزان، ۱۳۸۷: ۴).

با توجه به اینکه در اندازه‌گیری معیارها، دامنه متنوعی از مقیاس‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد بر همین اساس لازم است ارزش‌های موجود در لایه‌های مختلف نقشه معیار به واحدهای قابل مقایسه و در تناسب با هم تبدیل شوند که به آن استانداردسازی یا نرمال‌سازی گفته می‌شود (مالچفسکی، ۱۳۹۰: ۲۱۰).

یکی از روش‌های استانداردسازی، روش فازی می‌باشد. عملیات فازی‌سازی، ورودی‌ها را گرفته و توسط توابع عضویت مربوط، یک درجه مناسب به هر یک نسبت می‌دهد. متغیرهای ورودی هر یک باید در محدوده رقومی تعریف شده خود باشند (مثلاً فاصله از خیابان از صفر تا ۵۰۰) و خروجی‌ها، درجه عضویت فازی از مجموعه‌های تعیین کننده زبانی (بین صفر و یک) هستند (مهجوری، ۱۳۹۰: ۴۵).

وزن دهی به روش فازی ای اچ بی

هدف از وزن‌دهی آن است که بتوان اهمیت هر معیار را نسبت به معیارهای دیگر بیان کرد

(مالچفسکی، ۱۳۹۰: ۳۰۶).

یکی از روش‌های وزن‌دهی معیار مدل AHP می‌باشد؛ این مدل یکی از سامانه‌های تصمیم‌گیری چندگانه می‌باشد که بر اساس دانش کارشناسی استوار و توسط توماس ساعتی (۱۹۸۰) طراحی گردیده است و امکان در نظر گرفتن معیارهای کمی و کیفی وجود دارد (عظیمی، ۱۳۹۲: ۷۲).

با وجود اینکه AHP، برای به‌دست آوردن نظر کارشناسان درباره موضوع خاص است ولی به‌درستی نحوه تفکر انسان را منعکس نمی‌کند؛ زیرا در مقایسه‌های زوجی از اعداد دقیق استفاده می‌کند و به علت طبیعت فازی بودن مقایسه‌های زوجی، قادر نیستند به‌صراحت نظرشان را مورد برتری و اهمیت معیارها بیان کنند؛ به همین دلیل در قضاوت‌هایشان ارائه یک بازه را به جای یک عدد ترجیح می‌دهند؛ برای رفع این مشکل روش تحلیل سلسله مراتبی

فازی ارائه گردیده است. در سال ۱۹۹۶ روشی تحت عنوان روش تحلیل توسعه‌ای^۱ توسط چانگ^۲ ارائه گردید که مراحل این روش در زیر شرح داده شده است (عطایی، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

به طور خلاصه مدل Fuzzy AHP دارای مراحل زیر است:

- رسم نمودار سلسله مراتبی؛

- تعریف اعداد فازی به منظور انجام مقایسه‌های زوجی.

برای انجام مقایسه‌ها نیاز به تعریف اعداد فازی و مقیاس‌های فازی است.

- تشکیل ماتریس مقایسه زوجی با به‌کارگیری اعداد فازی.

ماتریس مقایسه زوجی (\tilde{A}) حاوی اعداد فازی تعریف شده است و به صورت زیر خواهد بود.

$$\tilde{A} = \begin{bmatrix} 1 & \tilde{a}_{12} & \dots & \tilde{a}_{1n} \\ \tilde{a}_{21} & 1 & \dots & \tilde{a}_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \tilde{a}_{n1} & \tilde{a}_{n2} & \dots & 1 \end{bmatrix} \quad \text{رابطه (۱)}$$

محاسبه S_i : برای هر یک از سطرهای ماتریس مقایسه زوجی S_i که خود یک عدد فازی مثلثی است از رابطه زیر به دست می‌آید.

$$S_i = \sum_{j=1}^m M_{gi}^j \times \left[\sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^m M_{gi}^j \right]^{-1} \quad \text{رابطه (۲)}$$

که در این رابطه i بیانگر شماره سطر و j بیان کننده شماره ستون است؛ M_{gi}^j در این رابطه اعداد فازی مثلثی، ماتریس‌های مقایسه زوجی هستند.

$$\begin{aligned} \sum_{j=1}^m M_{gi}^j &= (\sum_{j=1}^m l_j, \sum_{j=1}^m m_j, \sum_{j=1}^m u_j) \\ \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^m M_{gi}^j &= (\sum_{i=1}^n l_i, \sum_{i=1}^n m_i, \sum_{i=1}^n u_i) \\ \left[\sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^m M_{gi}^j \right]^{-1} &= \left(\frac{1}{\sum_{i=1}^n u_i}, \frac{1}{\sum_{i=1}^n m_i}, \frac{1}{\sum_{i=1}^n l_i} \right) \end{aligned} \quad \text{روابط (۳)، (۴)، (۵)}$$

در روابط بالا l_i و m_i و u_i به ترتیب مؤلفه‌های اول تا سوم اعداد فازی هستند.

1. Extant Analysis
2. Chang

$$S_i = \sum_{j=1}^m M_{gi}^j \times \left(\frac{1}{\sum_{i=1}^n u_i}, \frac{1}{\sum_{i=1}^n m_i}, \frac{1}{\sum_{i=1}^n l_i} \right) = \left(\frac{\sum_{j=1}^m l_j}{\sum_{i=1}^n u_i}, \frac{\sum_{j=1}^m m_j}{\sum_{i=1}^n m_i}, \frac{\sum_{j=1}^m u_j}{\sum_{i=1}^n l_i} \right) \quad \text{رابطه (۴)}$$

محاسبه درجه بزرگی S_i ها نسبت به همدیگر به طور کلی درجه بزرگی S_i نسبت به S_j از معادله زیر به دست می آید.

$$V(S_i \geq S_j) = \text{hgt}(S_i \cap S_j) = \mu_{S_i}(a) = \begin{cases} 1 & \text{if } m_i \geq m_j \\ 0 & \text{if } l_j \geq u_i \\ \frac{l_j - u_i}{(m_i - u_i) - (m_j - u_j)} & \text{otherwise} \end{cases} \quad \text{رابطه (۵)}$$

- محاسبه وزن معیارها و گزینه‌ها در ماتریس‌های مقایسه زوجی؛

برای محاسبه وزن نرمال نشده معیار باید میزان بزرگی یک عدد فازی مثلثی با سایر اعداد فازی مثلثی محاسبه شود و در نهایت حداقل میزان بزرگی، نشان دهنده وزن نرمال شده معیار است؛ بدین منظور از رابطه زیر استفاده می شود.

$$d'(A_i) = \text{Min } V(S_i \geq S_k) \quad k = 1, 2, \dots, n, \quad k \neq i \quad \text{رابطه (۶)}$$

- محاسبه بردار وزن نهایی؛

بردار وزن نهایی از نرمال کردن بردار وزن معیارها به دست می آید.

$$W = (d(A_1), d(A_2), \dots, d(A_n))^T \quad \text{رابطه (۷)}$$

آنالیز همپوشانی

همپوشانی به ترکیب چند لایه اطلاعاتی بر اساس معیارهای تعریف شده توسط کاربر و تولید یک لایه اطلاعاتی جدید اشاره دارد (عظیمی، ۱۳۸۹: ۲۳).

تجزیه و تحلیل همپوشانی در آنالیز مکانی و بسیاری از کاربردهای مکان‌یابی بهینه و مدل‌سازی مناسب است؛ روش‌های مختلفی برای انجام این تجزیه و تحلیل وجود دارد که تعدادی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- همپوشانی وزن دار؛

- همپوشانی مجموع وزن دار؛

1. Weighted Overlay
2. Weighted Sum Overlay

- همپوشانی فازی^۱.

در این پژوهش از مدل همپوشانی فازی جهت تلفیق لایه‌ها استفاده گردید؛ در این روش با استفاده از عملگرهای فازی از قبیل: AND، OR، SUM، PRODUCT و GAMMA، لایه‌های مختلف ترکیب می‌شوند. انتخاب عملگر مناسب، بستگی به ماهیت داده‌ها و نحوه تأثیر آن‌ها بر همدیگر داشته و از مهم‌ترین مراحل همپوشانی است؛ در این مطالعه از عملگر GAMMA برای تلفیق لایه‌ها استفاده شد.

عوامل مؤثر در خطرپذیری دفاعی

در ادامه تأثیر هر یک از عوامل اثرگذار بر ریسک‌پذیری بررسی می‌شود.

شیب

شیب، شکل زمین را از طریق خصوصیات مورفولوژیکی تحت تأثیر قرار می‌دهد. شیب‌های تند انعطاف‌پذیری عملیات نظامی را تا حد زیادی محدود می‌کنند. در مجموع شیب‌های بیش از ۷ درصد برای هر گونه فعالیت محدودکننده بوده و تهیه نقشه آن در فعالیت‌های رزمی مختلف نظیر حرکات یگان‌های خودرویی و زرهی و برآورد سرعت حرکت و نیز محل استقرار جنگ‌افزارهای توپخانه مؤثر است (بهرام آبادی، ۱۳۸۸: ۷۷).

جهت شیب

جهت شیب برای یگان‌های نظامی مهم و دارای اهمیت می باشد. میزان آبدهی، به‌علت اختلاف میکروکلیمای موجود در شیب‌های مختلف متفاوت است. شیب‌های آفتابگیر نسبت به سایه‌گیر گرم‌تر بوده و ذخیره آب خاک کمتر و در نتیجه پوشش گیاهی آن‌ها کمتر است (بهرام آبادی، ۱۳۸۸: ۷۷).

سامانه زهکشی و آبراهه‌ها

رودخانه‌ها و آبراهه‌ها از جمله موانع طبیعی هستند که در پدافند نقش بسیار مهمی دارند. سامانه‌های زهکشی، شکلی همانند درختان ناهمگون دارند که هر شاخه محتویاتش را به درون جریان بزرگ‌تری خالی می‌کند تا اینکه بزرگ‌ترین شاخه‌ها با بدنه اصلی اتصال پیدا کند (کالینز، ۱۳۸۴: ۴۹).

1. Fuzzy Overlay

قابلیت دید

تحلیل قابلیت دید یکی از مهم‌ترین بخش‌های کاربرد مدل رقومی ارتفاعی در علوم نظامی است. عمده‌ترین بخش بررسی قابلیت دید، میزان در دید بودن نیروهای دشمن برای نیروهای خودی و برعکس میزان در دید بودن نیروهای خودی برای نیروهای دشمن است (ملازاده، ۱۳۸۸: ۴۴۴).

کاربری اراضی

نقشه کاربری اراضی بیانگر چگونگی استفاده از یک قطعه زمین می‌باشد. داشتن اطلاعات صحیح از کاربری اراضی برای هر نوع فعالیت و برنامه‌ریزی در سطح کشور ضروری است (اقدار، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

برای تهیه نقشه کاربری اراضی منطقه عملیات، پیش‌پردازش که شامل تصحیحات رادیومتریکی، اتمسفری و هندسی است، روی تصویر ماهواره‌ای لندست ۸ در محیط نرم‌افزار ENVI و توجه به شاخص NDVI انجام گرفت؛ پس از آن عملیات طبقه‌بندی نظارت‌شده^۱ به روش حداکثر احتمال^۲ با دقت ۹۳/۹٪ و ضریب کاپای^۳ ۹/۰ به دست آمد؛ از آنجایی که اهمیت این کاربری‌ها متفاوت است، در نتیجه توابع عضویت مختلفی برای آن‌ها تعریف و به صورت شش لایه مجزا پردازش می‌گردند.

نوع سازندها و جنس خاک

آگاهی از زمین‌شناسی نظامی منطقه عملیات برای انجام مأموریت‌های نظامی امری مسلم است؛ کلیه نظامیان باید بدانند که زمین‌شناسی و خاک چه تأثیری بر رزم و عملیات پشتیبانی دارند. نوع سازندها، بافت، درجه مقاوم بودن و شکل ظاهری آن از ویژگی‌هایی است که باید به آن‌ها توجه کرد. سازندهای تشکیل‌شده در اعصار مختلف مثل گرانیت و کوارتز بسیار سخت می‌باشند؛ اما ماسه سنگ‌ها و حتی شیل‌های ناصاف، بادوام‌تر از مواد تشکیل‌دهنده آن‌ها به صورت مجزا هستند (کالینز، ۱۳۸۴: ۵۵).

-
1. Supervised Classification
 2. Maximum Likelihood Classification
 3. Kapa coefficient

طبق نظرات کارشناسان، ریزدانه‌بودن، نرم‌بودن و سست‌بودن خاک منطقه فرود، باعث ایجاد گردوغبار فراوان در موقع فرود و برخاست بالگردها می‌گردد که خود باعث کشف مواضع خواهد شد؛ به‌علاوه ذرات ریز غبار و شن‌های نرم به‌مرور باعث کاهش کارایی موتور و ایجاد نقص فنی می‌گردد؛ بنابراین در صحنه رزم واقعی به این مهم باید توجه ویژه داشت (دستور رزمی: ۵۰۰ - ۱، ۲۰۰۳).

شبکه دسترسی

یکی از عوامل بسیار مهم در میزان خطر، نزدیکی به خطوط مواصلاتی است که شامل راه‌های اصلی، فرعی و راه آهن است؛ لذا پدافند از این مراکز حساس از الزامات دفاعی محسوب می‌شود.

موانع

در مبحث خطرپذیری از سمت دشمن وجود موانع طبیعی و مصنوعی بسیار حائز اهمیت است. در مکان‌هایی که عوارض طبیعی مستعد وجود دارد عملیات پدافند ساده‌تر و با نیروی کمتری قابل انجام است؛ در این منطقه وجود تالاب‌ها، شنزارها، اراضی آبی و... می‌تواند به‌عنوان کندکننده حرکات دشمن تلقی شود.

فاصله از مراکز جمعیتی

یکی از معیارهای مهم در پهنه‌بندی مراکز خطر نزدیکی به مراکز مسکونی است که پدافند از آن‌ها حائز اهمیت بوده و بار روانی زیادی را به کشور پدافندکننده وارد می‌سازد.

عوامل و پارامترهای اقلیمی

شناخت پارامترهای اقلیمی در هر منطقه می‌تواند کمک بزرگی به نیروهای نظامی نماید که در صورت آگاهی از آن‌ها می‌توان در جهت پدافند از آن‌ها بهره جست و از غافلگیری یگان در شرایط خاص جلوگیری کرد؛ در اینجا عناصر اقلیمی متنوعی بررسی گردیده که در ادامه نشان داده شده است.

لندفرم‌ها

اشکال زمین، حکم زیربنایی را دارند که سایر عوارض بر آن‌ها واقع گردیده‌اند؛ این اشکال به لحاظ اهمیت نظامی در سه مقوله، شامل اراضی مرتفع، زمین‌های مسطح و فرورفتگی‌ها

می‌باشد؛ هر کدام از این سه مقوله تأثیر منحصر به فردی بر تحرک و جابه‌جایی آزادانه نیروهای زمینی و هوایی، مکان‌یابی هدف‌ها، ارسال آتش‌های مؤثر، پدافند و هماهنگ نمودن اقدامات پشتیبانی مؤثر در سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی دارند (کالینز، ۱۳۸۴). در عملیات نظامی در مقیاس تاکتیکی، این اشکال زمین هستند که موقعیت‌ها و مکان‌های مناسب برای پدافند و مناسب‌ترین معابر وصولی برای حملات نظامی را تعیین می‌کنند. ژئومورفولوژی نظامی در حقیقت، تأثیر عوارض و اشکال زمین و لندفرم‌ها را بر عملیات‌های نظامی در تمام سطوح مورد توجه قرار می‌دهد (مقیم و همکاران، ۱۳۹۱).

پردازش معیارها، بحث و اجرا

پهنه‌بندی خطرپذیری دفاعی

بعد از آماده‌سازی لایه‌های مورد نظر، لازم است که برای اعمال توابع عضویت و به‌منظور استانداردسازی، لایه‌ها به‌صورت رستر^۱ درآیند که این کار با استفاده از تابع فاصله اقلیدوسی انجام گرفته است؛ پس از استانداردسازی داده‌ها، با توجه به اینکه هر یک از زیرمعیارها تأثیر متفاوتی در تعیین موقعیت دارند، وزن‌دهی به لایه‌ها ضرورت می‌یابد؛ برای این کار از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی استفاده شده است؛ در این روش ابتدا اعداد فازی و مقیاس‌های فازی مورد استفاده تعیین و سپس ماتریس‌های زوجی از معیارهای مرتبط ایجاد شد. لایه‌ها به‌صورت دو به دو با استفاده از اعداد فازی، توسط تصمیم‌گیرندگان مقایسه و در جداول مربوط به‌صورت اعداد فازی وارد شدند. در جدول ۱، اعداد فازی استفاده‌شده و مقیاس فازی مثلثی آن‌ها، آورده شده است.

پس از تشکیل ماتریس مقایسه زوجی و تکمیل آن، با استفاده از روش تحلیل توسعه‌ای، وزن هر یک از معیارها مشخص شد؛ برای انجام این کار از برنامه نوشته شده در محیط نرم افزار متلب استفاده و با وارد کردن داده‌های جداول مقایسات که به صورت اعداد فازی بودند، وزن هر معیار مشخص شد (جدول ۱).

1. Raster

جدول ۱. اعداد فازی مثلثی استفاده شده

عدد قطعی	مقیاس فازی مثلثی	عدد فازی معکوس	مقیاس فازی معکوس	اهمیت معیارها
۱	(۱، ۱، ۱)	۱	(۱، ۱، ۱)	دقیقاً برابر
۲	(۰/۵، ۱، ۱/۵)	۰/۵	(۰/۶۶، ۱، ۰/۶۶)	اهمیت تقریباً
۳	(۱، ۱/۵، ۰/۲)	۰/۳۳	(۰/۵، ۰/۶۶، ۰/۱)	کمی مهم‌تر
۴	(۱/۵، ۰/۲، ۰/۵)	۰/۲۵	(۰/۴، ۰/۵، ۰/۶۶)	مهم‌تر
۵	(۰/۲، ۰/۵، ۰/۳)	۰/۲	(۰/۳۳، ۰/۴، ۰/۵)	خیلی مهم‌تر
۶	(۰/۳، ۰/۵، ۰/۲)	۰/۱۷	(۰/۲۹، ۰/۳۳، ۰/۴)	خیلی خیلی مهم‌تر

برای انجام عمل همپوشانی با روش فازی، هر نقشه معیار در وزن حاصل از روش FAHP ضرب می‌شود و نقشه نهایی استاندارد شده به دست می‌آید؛ در نهایت همه نقشه‌ها توسط عملگر فازی گاما با ضریب ۰/۶ با هم ترکیب و بهترین گزینه‌ها انتخاب می‌شوند؛ با انجام این عمل نقشه‌ای به دست می‌آید که پهنه‌بندی خطر را نشان می‌دهد. مکان‌های به دست آمده در پنج کلاس بسیار کم خطر، کم خطر، خطرپذیر، پرخطر و بسیار پرخطر دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۲. وزن نهایی لایه‌ها

معیار	وزن	معیار	وزن
فیزیوگرافی	۰/۱	مراکز جمعیتی	۰/۲
کاربری	۰/۸	موانع	۰/۲۴
زمین‌شناسی	۰/۸	مرز	۰/۱۲
دسترسی	۰/۱۸	رودخانه	۰/۲
تالاب	۰/۲۶	شنزار	۰/۱
اراضی آبی	۰/۱۷	هور	۰/۲
راه‌آهن	۰/۳۵	آبگیر	۰/۷
جاده اصلی	۰/۴	دید	۰/۲۵
جاده فرعی	۰/۲۵	ارتفاع	۰/۲۵
لندفرم	۰/۲	جهت شیب	۰/۱۵
شیب	۰/۱۵	مرتع	۰/۱۵
ارضی سنگی	۰/۰۵	گیاهی و شور	۰/۲۵
بایر	۰/۱۵	مسطح و شور	۰/۲۳
خاک	۰/۲	سازند	۰/۳

یافته‌ها

نتایج حاصل از پهنه‌بندی منطقه جهت تعیین منطقه نشان می‌دهد که بررسی میزان خطرپذیری دفاعی با نوع لندفرم‌ها و ژئومورفولوژی منطقه در رابطه می‌باشد. در کل مناطقی که قابلیت تردد در آن مشکل بوده و از لحاظ مانع‌بودن در مسیر نیروهای مهاجم غنی‌تر است در معرض خطر کمتری بوده و نیاز به نیروی کمتری نیز جهت دفاع خواهد داشت. زمین‌های هموار و پست در منطقه زمینه مساعدی را جهت حرکت افراد پیاده و مکانیزه دشمن فراهم آورده که نیاز است با برنامه‌های مدون مهندسی دفاعی نسبت به رفع این نقایص اقدام کرد. وجود شبکه آب‌های گسترده در منطقه جغرافیایی مورد بحث بسیار حائز اهمیت بوده و می‌تواند به‌عنوان دژی مستحکم در مواقع بحران به‌کار گرفته شود. مواقعی که چارچوب خاصی برای تعیین اهمیت و ارزش معیارها وجود ندارد، استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، از بهترین گزینه‌ها می‌باشد. در تصمیم‌گیری چند معیاره کلاسیک سعی می‌شود که تأثیر عوامل مختلف در تصمیم‌گیری با استفاده از مفاهیم ریاضی محاسبه شود؛ اما بسیاری از عوامل با منطق ریاضی کلاسیک امکان پذیر نیست؛ از طرف دیگر همیشه در دنیای واقعی عدم قطعیت وجود داشته و شرایط نامطمئن، همواره در مراحل مختلف مطالعه و بررسی یک مسئله وجود دارد؛ بنابراین در بسیاری از موارد تمام یا قسمتی از داده‌های یک مسئله تصمیم‌گیری چندمعیاره، فازی هستند؛ در این صورت اگر مسئله با استفاده از داده‌های قطعی مدل و فرموله شوند، جواب درست و دقیقی به‌دست نخواهد آمد و گزینه‌های ارجح انتخاب نخواهند شد.

نتیجه‌گیری

امروزه سامانه اطلاعات جغرافیایی نقشی محوری در عملیات‌های نظامی به‌عهده دارد. محاسن یک سامانه جی. آی. اس. نسبت به سایر فناوری‌ها، کیفیت بالای تحلیل داده‌ها و امکان تجزیه و تحلیل آن‌ها با روش‌های پیشرفته، مدیریت حجم زیاد اطلاعات و کاهش زمان و هزینه از مهم‌ترین محاسن و ضرورت‌ها در وجود این سامانه، در مراکز نظامی است. که با تطبیق دادن با پهنه جغرافیایی مورد نظر کاربردی می‌شود. با توجه به تعداد زیاد عواملی که باید در تصمیمات فضایی شناخته و مورد توجه قرار گیرند و نیز بسط روابط متقابل در میان آن‌ها،

دشواری‌هایی را در تصمیم‌گیری به همراه دارد. دشواری مورد نظر در این است که به‌هنگام تلاش برای دستیابی و پردازش داده‌ها به منظور حصول اطلاعات برای تصمیم‌گیری، پیچیدگی مسئله ممکن است پردازش در سطحی را اقتضا کند که فراتر از توانایی‌های شناختی تصمیم‌گیر قرار دارد؛ در این‌خصوص در این پژوهش از ترکیب جی. آی. اس. و فنون تصمیم‌گیری چندمعیاری و فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی با رویکرد فازی برای پشتیبانی از تصمیم‌گیر و تصمیم‌ثربخش استفاده شد (آنالیزهای مکانی). توجه به رویکرد خطرپذیری و تهدید در مناطق مورد نظر از مباحث بسیار مهمی است که به‌صورت دقیق برای کلیه مناطق باید صورت پذیرد؛ در این بین به‌منظور کاهش هزینه‌های بررسی‌های طولانی و زمان‌بر می‌توان سامانه‌های پایش از راه دور را فعال‌تر کرده و در این باره قدم‌های محکم‌تری را برداشت.

منابع

فارسی

۱. اقدر، حسین (۱۳۹۱)، مسیریابی خطوط لوله انتقال نفت با استفاده از GIS و منطق فازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد RS-GIS، دانشکده علوم زمین، دانشگاه چمران اهواز.
۲. بهرام آبادی، بهروز (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر ژئومورفولوژی مناطق بیابانی در اهداف و عملیات‌های نظامی، مطالعه موردی: علی آباد قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ژئومورفولوژی، دانشگاه تهران.
۳. پورزارع، مرتضی؛ سیف، عبدالله؛ سیاری، ح.؛ فخری، س (۱۳۹۷)، ارزیابی شاخص‌های ژئوهیدروکلیمایی بر مکانیابی مراکز حیاتی و حساس با رویکرد دفاع غیرعامل در سواحل مکران، نشریه پژوهش‌های ژئومورفولوژیکی کمی، دوره ۷، شماره ۱: ۱۲۴ - ۱۴۵.
۴. رضا زاده، قاسم؛ پورزارع، مرتضی؛ ملکی، غلامرضا؛ هاشمی نسب، حسین (۱۳۹۲)، نقش لندفرم‌های ارتفاعات شمال تهران بر دفاع از شهر با تأکید بر پدافند غیرعامل در جنگ‌های ناهمتراز، فصلنامه مدیریت نظامی، سال سیزدهم، شماره ۵۱: ۱۳۹ - ۱۶۸.
۵. حاتمی، هوشنگ (۱۳۸۸)، بررسی نقش کارکردهای جدید سامانه اطلاعات جغرافیایی در ارتقاء عملیات نظامی، همایش سراسری اطلاعات مکانی ۸۸، تهران.
۶. حنفی، علی؛ موسوی، میرنجف (۱۳۹۲)، مکانیابی مراکز حساس و مهم نظامی در مناطق مرزی ترکیه و ایران با توجه به شاخص‌های هیدروژئوکلیمایی با رویکرد پدافند غیرعامل، فصلنامه مدیریت نظامی، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
۷. حنفی، علی؛ حاتمی، ایرج (۱۳۹۲)، مکان‌یابی مناطق مساعد برای استقرار نیروهای نظامی در منطقه مرزی مهران با استفاده از GIS، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۴۹: ۱۰۷ - ۱۲۸.
۸. سنایی فرد، یونس (۱۳۹۰)، جغرافیای نظامی ایران: تهران: انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع).
۹. عطایی، محمد (۱۳۸۹)، تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی، چاپ اول، شاهرود: انتشارات دانشگاه صنعتی شاهرود.

۱۰. عظیمی حسینی، محمد، نظری فرد، محمدهادی، مؤمنی، رضوانه (۱۳۹۲)، کاربرد GIS در مکان‌یابی، چاپ چهارم، تهران: مهرگان قلم.
۱۱. علی محمدی، کامبیز (۱۳۸۸)، کاربرد سامانه اطلاعات جغرافیایی در امور نظامی و عملیاتی، همایش سراسری اطلاعات مکانی ۸۸، تهران.
۱۲. فخری، مجید؛ نکویی، فرناز؛ برغنی، حسین (۱۳۸۸)، تحلیل منطقه عملیات با استفاده از GIS. همایش سراسری اطلاعات مکانی ۸۸، تهران.
۱۳. کالینز، جان (۱۳۸۴)، جغرافیای نظامی، ترجمه محمدرضا آهنی؛ محسنی، ب، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
۱۴. کوره‌پزان دزفولی، امین (۱۳۸۷)، اصول تئوری مجموعه‌های فازی و کاربرد آن در مدل‌سازی مسائل مهندسی آب، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر.
۱۵. کیخایی، مهدی؛ رنگزن، کاظم؛ تقی‌زاده، ا (۱۳۹۳)، تجزیه و تحلیل منطقه عملیات مانور نظامی با تأکید بر مکان‌یابی یگان‌های نظامی با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی، در منطقه نصرآباد استان اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۶. لطفی، احمد؛ حنفی، علی؛ عباس‌زاده، ناصر (۱۳۹۵)، مکان‌یابی نقاط بهینه برای اردوگاه‌های دانشگاه‌های افسری با استفاده از روش تلفیقی GIS و برنامه ریزی خطی، مجله مدیریت نظامی، سال شانزدهم، شماره ۶۲.
۱۷. مالچفسکی، یاچک (۱۳۹۰)، سامانه اطلاعات جغرافیایی و تحلیل تصمیم‌گیری چندمعیاری، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۱۸. ملا زاده گنجی، یاسر (۱۳۸۸)، کاربرد مدل ارتفاعی رقومی و تصاویر ماهواره‌ای در منطقه عملیاتی، همایش سراسری سامانه اطلاعات مکانی ۸۸، تهران.
۱۹. موحدی نیا، جعفر (۱۳۸۸)، اصول و مبانی پدافند غیرعامل، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
۲۰. مهجوری، رضا (۱۳۹۱)، سنجش توزیع مکانی سوانح آتش‌سوزی و تعیین بهترین محل احداث ایستگاه‌های آتش‌نشانی و مسیریابی بهینه با GIS و منطق فازی در شهر اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد RS-GIS، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۲۱. نصیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، ارائه مدل مکان‌یابی مراکز حساس و حیاتی با توجه به اصول پدافند غیر عامل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت.

انگلیسی

1. Adlin, A, Taylor, M.A. (2005), "consistent Method to Determine Flexible Criteria Weights for Multicriteria Transport Project Evaluation in Developing Countries", Journal of the Eastern Asia Society for Transportation Studies, 2005,6, 3948 -3963.

2. Baijal, M.R, Arora, M.K, Ghosh, S.K, (2006), "A GIS Assisted Knowledge-Based Approach for Military Operation", Geomatics Engineering Section, Department of Civil Engineering, Indian Institute of Tecchnology Roorkee, GIS development.
3. Chain, S. (2001), "AHP method for solving group decision - making fuzzy AHP problems computers" & operation research, 29, 1969 - 2001.
4. Ghodsi poor, S.H. (2000), "Analytical Hierarchy Process AHP", Tehran, publication of Amirkabir University.
5. Jogmohan Singh, (2006), "The Importance of GIS in battlefield Surveillance", project management organization, Army Headquarters, Indian.
6. Karsak, E, Tolga, E. (2001), "Fuzzy multi-criteria decision -making procedure for evaluating advanced manufacturing system investments", International Journal of Production Economics, 2001, 69, 49-64.
7. Lee, Colin. (1973), "Models in Planning", Oxford: Pregamon Press, Lich field, N. etal, Evaluation the Planning Process, London.
8. Por Ahmad, A, Habibi, K., Mohammad, Zahraei, S, Nazari Adli, S. (2007), "Application of fuzzy algorithms and GIS equipment to locate Urban Case Study: City Landfill BABOLSAR", Journal of Ecology, 2007, 33, 31-42
9. Salari, M, Moazed, H, Radmanesh F. (1390), "Site Selection for Solid Waste by GIS & AHP-Fuzzy Logic (Case Study: Shiraz City)", Sunrise Health, 1390, 11, 72.
10. Field Manual Headquarters-No 1-500, (2003), Department of the Army, washangton, United States.

بازخوانی مدیریت راهبردی ملی ایران و عراق در دفاع مقدس از نگاه کارشناسان بین‌المللی

احمد مظفری^۲

مهدی حشمتی جدید^۱

جواد شمس‌الدینی^۳

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۰۶

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در هر درگیری نظامی و به طور طبیعی در جنگ ایران و عراق راهبردهای کلان و ملی است که دو کشور برای رسیدن به نتیجه مطلوب خود در مدت درگیری نظامی اتخاذ کرده و تحرکات تهاجمی و تدافعی خود را بر آن بنیان نهاده‌اند؛ کشف و تحلیل و ارزش‌گذاری این راهبردها از مهم‌ترین علاقه‌های کارشناسان و اندیشمندان حوزه‌های گوناگون از جمله نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره است. تاکنون کارشناسان، نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران خارجی بسیاری از منظر راهبردی به جنگ ایران و عراق پرداخته و آثار متعددی را در این رابطه پدید آورده‌اند؛ مزیت مطالعه و جستجوی این آثار آشنایی با دیدگاه‌ها و نظرات متفاوت درباره دفاع مقدس، عمق‌بخشی به تحلیل‌های داخلی، تطبیق راهبردهای اتخاذ شده با یکدیگر و به روز رسانی تجربیات پیشین و همچنین در صورت لزوم پاسخ‌دهی به شبهات مطرح شده آن‌ها است. هدف این مقاله تبیین و بررسی اجزا و عناصر راهبرد ملی دو طرف درگیر در جنگ از نگاه کارشناسان خارجی است. این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده و راهبردهای ملی و مدیریت راهبردی هر دو کشور ایران و عراق در طول جنگ را از دیدگاه اندیشمندان بین‌المللی بررسی می‌کند. به وسیله پژوهش و بررسی‌های انجام شده این نتیجه به دست آمده است که ماهیت جنگ‌ها از جمله جنگ ایران و عراق به دلیل تأثیرپذیری از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت بوده و در نتیجه راهبردهای متفاوت و گوناگونی را از دو طرف درگیر در جنگ، سبب شده است.

کلید واژه‌ها

دفاع مقدس، راهبرد، مدیریت راهبردی، راهبرد ملی

mehdiheshmati64@gmail.com

۱. نویسنده مسئول: پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۲. کارشناسی ارشد دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۳. کارشناسی ارشد دانشگاه جامع امام حسین(ع)

مقدمه

با تلاش‌های مردم به رهبری حضرت امام(ره) در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلابی اسلامی در ایران پیروز شد؛ این مردم با یک ایدئولوژی محکم پا به میدان گذاشته بودند و از هیچ‌کس و هیچ‌چیز جز خدای متعال نمی‌هراسیدند و گرایشی نسبت به هیچ‌یک از ابرقدرت‌ها نداشتند؛ به همین دلیل استکبار جهانی سعی کرد عراق را مجاب کند تا از تمامی قابلیت خود به‌منظور جلوگیری از صدور انقلاب استفاده کند؛ البته این بهانه‌ای بود برای آماده کردن صدام برای تحمیل جنگ به ایران و سرنگونی انقلاب اسلامی ایران و رسیدن به اهدافی که دست آن‌ها از آن کوتاه شده بود؛ به‌رحال ارتش عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تجاوز گسترده نظامی خویش را در طول ۱۲۸۰ کیلومتری مرز مشترک زمینی، از شمالی‌ترین نقطه مشترک با مرز ایران تا بندر خرمشهر و آبادان در جنوب ایران آغاز کرد.

جنگ ایران و عراق به دلیل طولانی بودن، شرایط خاص طرفین و همچنین وضعیت نظام بین‌الملل در زمان وقوع، از چنان پیچیدگی‌هایی برخوردار بود که تنها با موشکافی‌های نقادانه می‌توان به نکات درس‌آموز آن دست یافت؛ به دلیل ویژگی‌های یاد شده و با وجود تلاش‌هایی که در طی سالیان گذشته از سوی محققان و مراکز تحقیقاتی صورت گرفته است، متأسفانه برخی از ابعاد جنگ وجود دارد که به دلایل مختلف کمتر مورد توجه واقع شده‌اند، مدیریت راهبردی به کار رفته در فضای ملی از سوی طرفین درگیر در جنگ نیز یکی از این موضوعات است.

مدیریت راهبردی، مدیریتی آینده‌نگر، بلندمدت، یکپارچه، تحول‌گرا و بر مبنای شناخت محیط و تغییرات آن است؛ این مدیریت پس از طی فرایند مربوط، راهبرد خاصی را تدوین می‌نماید که با اجرا و نظارت بر آن، تحقق رسالت یا انجام مأموریت را به بهترین وجه مقدور می‌سازد؛ اگرچه در دوره‌های منازعات یا جنگ‌های بین‌المللی توجه بیشتری به امکانات و توانمندی‌های مادی و ملموس دولت‌ها می‌شود؛ اما آن‌ها تنها متغیرهای تعیین‌کننده سرنوشت جنگ نیستند. سرنوشت جنگ میان دولت‌ها اعم از طرف مهاجم یا مدافع تحت تأثیر متغیرهای مختلفی قرار دارد. گروهی از متغیرها شامل توانمندی‌های نظامی، پشتوانه اقتصادی و مالی و شرایط جغرافیایی مادی و ملموس هستند؛ درعین‌حال، گروه دیگری از محرک‌ها مانند شرایط و

ویژگی‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها و... وجود دارند که جلوه‌مادی ندارند؛ اما می‌توانند در تعیین سرنوشت جنگ بسیار اثرگذار باشند.

موضوع مورد مطالعه به دلیل توجه بیشتر به موضوع راهبردهای نظامی، و کم توجهی به راهبردهای ملی جنگ ایران و عراق، کمتر در معرض دید بوده است؛ با این حال سعی شده است که تمامی آثار در این زمینه گردآوری و پژوهش شود؛ همچنین منابعی که در این پژوهش از آن‌ها استفاده شده مقالات و کتاب‌های ترجمه شده این اندیشمندان بوده است. این پژوهش می‌کوشد تا با بهره بردن از روش توصیفی - تحلیلی، راهبردهای ملی و در نتیجه مدیریت راهبردی هر دو کشور ایران و عراق در طول جنگ را از دیدگاه اندیشمندان بین‌المللی بررسی و تحلیل کرده و مهم‌ترین نقطه نظرات ایشان در این باره را پیش روی کارشناسان مسائل نظامی و راهبردی داخلی قرار دهد؛ در این خصوص این مقاله درصدد است با ارزیابی متغیرهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... مؤثر بر راهبردهای ملی، نقاط قوت و ضعف راهبردهای ملی را شناسایی کرده و در نهایت اختلافات و تفاوت‌های موجود در راهبردها و ریشه‌های آن‌ها را بررسی کند؛ این نوع نگاه به موضوع می‌تواند در مراحل مختلف طراحی، تدوین و اجرای راهبردها در سطوح مختلف برای آینده مورد استفاده راهبردانیشان و سیاست‌گذاران واقع شود.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی مقاله پیرامون این موضوع است که «اجزا و عناصر راهبرد ملی دو طرف درگیر در جنگ از نگاه کارشناسان خارجی چگونه تحلیل و بررسی شده است»؟

پیشینه تحقیق

عبدالله قنبرلو (۱۳۹۱: ۵۰ - ۳۱) فرهنگ راهبردی را یکی از متغیرهای کلیدی در تعیین سرنوشت سیاست‌ها و برنامه‌های دفاعی دولت‌ها می‌داند؛ بر اساس این دیدگاه او ضمن بیان اهمیت فرهنگ راهبردی در دفاع ملی، به این نکته اشاره دارد که پیروزی در جنگ مستلزم بهره‌برداری هوشمندانه از پتانسیل‌های فرهنگ راهبردی است؛ برای مثال تحریک ابعاد تهاجمی

فرهنگ راهبردی با وجود اینکه ممکن است موفقیت‌های تاکتیکی به دنبال داشته باشد؛ اما تضمین‌کننده پیروزی نهایی نیست؛ در عین حال با اشاره به نقش فرهنگ راهبردی ایرانیان در طول جنگ هشت‌ساله با عراق به این جمع‌بندی می‌رسد که بهره‌برداری هوشمندانه سیاستمداران ایرانی از ظرفیت‌های فرهنگ راهبردی، زمینه را برای پیروزی نهایی در جنگ تسهیل کرد.

محمود یزدان فام (۱۳۹۱: ۷۰ - ۵۱) جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را نمونه عالی و عملی تهدید امنیت ملی و دفاع همه‌جانبه از آن می‌داند. پرسش اصلی در این مقاله این است که این جنگ، به‌ویژه پایان آنچه تجارب و درس‌هایی برای دفاع ملی دارد؟ فرضیه تحقیق این است که جنگ تحمیلی و پایان آن نشان می‌دهد برای دفاع از کشور و تأمین اهداف و منافع ملی باید راهبردی متوازن با توجه به اهداف و توانمندی‌ها و ترکیبی درست و دقیق از عناصر و مؤلفه‌های قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشت. چهار الگوی نگرش همه‌جانبه، عمل تخصصی، اصالت قدرت ملی و ضرورت قدرت بین‌المللی، شناخت عالمانه، تصمیم‌گیری آگاهانه و عمل مشتاقانه، ارزشمندی دفاع، ضد ارزش بودن جنگ می‌توانند درس‌های جنگ تحمیلی برای دفاع ملی ایران باشند.

بررسی سطوح «راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی» رهبری و فرماندهی امام خمینی (ره) در جنگ تحمیلی هشت‌ساله رژیم بعثی عراق علیه کشورمان به عنوان الگویی کامل برای همه رهبران و فرماندهان نظامی، یکی از مواردی است که علی عباسی و رضا جعفری در پژوهش خود (۱۳۹۰: ۴۲ - ۱۱) بدان پرداخته‌اند، در بخش راهبردی این مقاله به راهبردهایی مانند: راهبرد دفاعی امام در جنگ مطابق با موازین اسلام، نمایش اقتدار ارتش و ملت ایران به سران منطقه، رسیدن به خودکفایی در جنگ تحمیلی و دیگر راهبردها اشاره شده است.

کریستوفر سی. جویனர்^۱ (۱۳۸۹) مجموعه مقالاتی را تحت عنوان کتابی با نام «درس‌هایی از راهبرد، حقوق و دیپلماسی در جنگ ایران و عراق» گردآوری کرده است که آن‌ها را نویسندگان مختلف با دیدگاه‌های متفاوت نوشته‌اند؛ این کتاب حاوی دو بخش عمده است: اول، ابعاد راهبردی و سیاسی جنگ؛ دوم، ابعاد حقوقی و دیپلماتیک جنگ؛ در بخش اول به

1. Christopher-c-joyner

فراز و نشیب راهبردهای جنگ از دیدگاه ایران و عراق، نقش کشورهای فرا منطقه‌ای (آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی) و نقش کشورهای منطقه (اسرائیل و شورای همکاری خلیج فارس) پرداخته شده است.

پیامدهای سیاسی و نظامی جنگ ایران و عراق نیز توسط «رالف کینگ^۱» و «افرایم کارش^۲» (۱۳۸۷) بررسی شده است. در بخش اول رالف کینگ، پیامدهای سیاسی جنگ ایران و عراق را تجزیه و تحلیل کرده است؛ این بخش از چهار موضوع اصلی تشکیل گردیده است: بررسی علل جنگ، آثار سیاسی و اقتصادی جنگ بر متخاصمین، واکنش‌های دولت‌های منطقه در مورد جنگ و طرفین نزاع، بررسی واکنش‌های بین‌المللی به ویژه واکنش‌های ابرقدرت‌ها؛ در بخش دوم، افرایم کارش بعد نظامی جنگ را بررسی کرده است. موضوعات مورد بررسی در این بخش عبارت‌اند از: اولاً اهداف سیاسی - راهبردی عراق از دست زدن به جنگ چه بود و تا چه اندازه با راهبرد نظامی عراق مطابقت داشت؟ ثانیاً علل مشخص شکست عراق در لشکرکشی علیه ایران چه هستند؟ ثالثاً چه درس‌هایی را می‌توان از این جنگ درباره کاربرد نیروی مسلح به عنوان ابزار سیاست خارجی گرفت؟

امنیت نیز یکی از کلید واژه‌هایی است که در راهبردهای ملی نقش اساسی دارد (علینقی، ۱۳۸۱: ۳۳۶ - ۳۱۷)؛ به این مفهوم اشاره می‌کند که در برخی از رویکردها مباحث راهبردی را همان مطالعات امنیتی می‌دانند و عملاً تفاوتی میان این دو مفهوم قائل نیستند؛ اما نویسنده در اینجا تلاش می‌کند تا ادعای فوق را به نقد گذاشته و نقاط ضعف آن را نشان دهد؛ در انتها نیز او به این نتیجه می‌رسد که گستره مفهومی راهبرد وسیع‌تر از مفهوم امنیت و مطالعات امنیتی است.

روش‌شناسی تحقیق

با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در این پژوهش به بررسی مقالات، مجلات و کتاب‌های مرتبط در این زمینه پرداخته شده است؛ چراکه پژوهش توصیفی شامل مجموعه

-
1. King Ralph
 2. Afraim karsh

روش‌هایی است که اهداف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است و اجرای روش توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرایند تصمیم‌گیری باشد. تحقیق توصیفی، شامل جمع‌آوری اطلاعات برای آزمون فرضیه یا پاسخ به سؤالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مورد مطالعه است؛ به همین دلیل در ابتدا به توصیف موضوع پرداخته و سپس مبتنی بر یک توصیف دقیق به تحلیل آن برای تصمیم‌گیری صحیح پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری

راهبرد

از راهبرد تعاریف مختلفی ارائه شده است که در اینجا به ارائه آن‌ها می‌پردازیم: کلازویتس راهبرد را فن تدارک جنگ‌ها و ترسیم طرح‌ها و نقشه‌های کلی برای جنگ می‌داند. دایره‌المعارف کلمبیا، برنامه‌ها و طرح‌های کلی اداره جنگ را راهبرد می‌داند؛ مفهوم جنگ و طراحی جنگی در کانون این مجموعه از تعاریف قرار دارد؛ کلازویتس در تعریف دیگری از راهبرد آن را فن به‌کارگیری نیرو برای نائل شدن به اهداف جنگ می‌داند (علینقی، ۱۳۸۱: ۳۲۰). جان ام کالینز معتقد است از دیدگاه نظامی، راهبرد یک نقشه عملیاتی است که برای دستیابی به نتیجه مطلوب و نهایی طراحی شده است (کالینز، ۱۳۸۳: ۴۵).

بخشی دیگر از تعاریف (تعاریف جدیدتر) راهبرد را بهره‌گیری از توان و امکانات نظامی در جهت رسیدن به «اهداف سیاسی» معنا می‌کنند. آندره بوفر راهبرد را هنر به کار بردن زور و جبر می‌داند، به گونه‌ای که این زور و جبر بتواند تا حد امکان بیشترین نتیجه را در رسیدن به اهداف سیاسی به بار آورد (بوفر، ۱۳۶۶: ۳۰). لیدل هارت گفته است راهبرد، هنر و تخصص کاربرد ابزار نظامی برای تحصیل اهداف سیاسی است (بیلیس و همکاران، ۱۳۷۳: ۳۹). همان‌گونه که مشخص است در این تعریف دامنه اهداف از سطح میدان نبرد و حوزه جنگ فراتر رفته و مقاصد و منظورهایی را در برمی‌گیرد که از سوی سیاست‌مداران تعیین شده است. مدیریت راهبردی، برنامه‌ریزی، هدایت، سازماندهی و کنترل تصمیمات راهبردی فعالیت‌های واحد اقتصادی را در برمی‌گیرد. از دیدگاه دیوید، مدیریت راهبردی عبارت است

از هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات، وظیفه‌ای چندگانه که سازمان را قادر می‌سازد به اهداف بلندمدت خود دست یابد (اعرابی و دهقان، ۱۳۹۰: ۱۹۹). راهبرد جهت و محدوده واحد و مشخصی ندارد بلکه قابل تعمیم به شقوق مختلفی مانند راهبرد عملیاتی، راهبرد نظامی، راهبرد بزرگ، راهبرد ملی، راهبرد ائتلاف یا اتحاد و... است (احمدی، ۱۳۷۷: ۹۰ - ۸۹).

راهبرد ملی

تعاریف مختلفی از راهبرد ملی ارائه شده است؛ از جمله راهبرد ملی را می‌توان فرایندی دانست که از طریق به‌کارگیری و استخدام منابع به دنبال تحقق اهداف مورد نظر است. «در مفهوم امروزی، راهبرد فن مدیریت و هدایت کلیه منابع جامعه در جهت تحقق و نیل به هدف مشخصی است» (تقفی عامری، ۱۳۷۰: ۲۱۶).

راهبرد به هنر طرح‌ریزی و دانش ترکیب و تلفیق عملیات، کارکردها و کنش‌های مختلف برای نیل به هدفی تعبیر شده است تا جایی که همه امکانات انسانی، سیاسی، نظامی و معنوی و نیز وسایل، عناصر و شرایط در جهت نیل به هدف‌های معین تجهیز و فراهم آید (آراسته‌خو، ۱۳۶۹: ۸۶ - ۷).

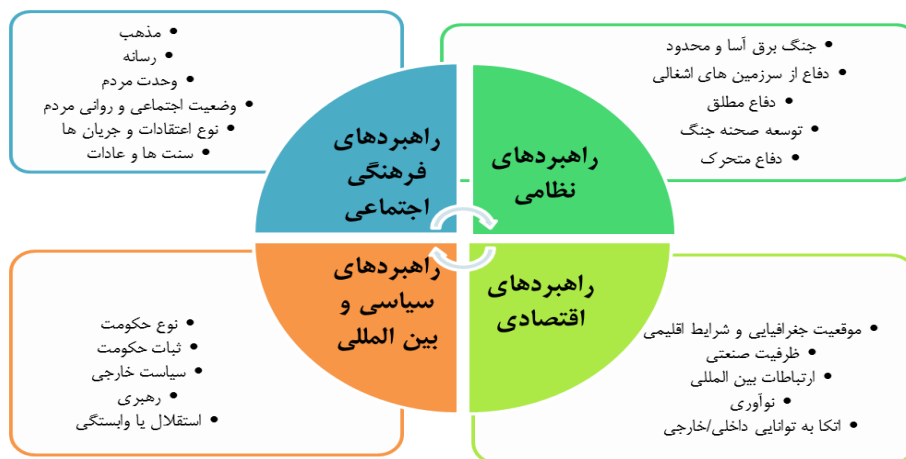
راهبرد ملی یعنی برنامه‌ای که نظام با استفاده از همه امکانات خود می‌خواهد به اهداف حیاتی برسد؛ با این تعبیر هر برنامه وسیع ملی جزئی از راهبرد ملی نخواهد بود، بلکه تنها مواردی در این قاموس قرار دارند که اهداف مشخص در آن برنامه‌ها، اهداف حیاتی ملی باشند (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۵۱). راهبرد به علم و فن به‌کارگیری و استفاده از قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی کشور در زمان صلح و جنگ برای تحقق اهداف ملی نیز تعریف شده است (آقابخشی، ۱۳۷۵: ۲۷۸).

راهبرد نظامی تابع راهبرد ملی است. در راهبرد ملی، از تمام مؤلفه‌های قدرت ملی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی) برای دستیابی به اهداف ملی استفاده می‌شود و هر یک از این مؤلفه‌ها با توجه به شرایط می‌توانند به جای یکدیگر قرار بگیرند؛ این مؤلفه‌ها، ابزاری هستند که رهبران نظام، در مقاطع مختلف آن‌ها را انتخاب می‌کنند و در صورت نیاز،

چند مؤلفه را با هم به کار می‌گیرند و یا برخی از آن‌ها را کنار می‌گذارند (شهلائی، ۱۳۸۶: ۱۱۶ - ۱۱۵).

امروزه طرح‌ریزی‌ها و برنامه‌ریزی‌های راهبردی نمی‌تواند مستقلاً و بدون توجه به سایر عوامل متشکل قدرت ملی انجام پذیرد؛ بنابراین قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی چه از لحاظ توازن و تعادل با یکدیگر و چه از لحاظ سنجش با قدرت‌های منطقه و جهان پیوسته باید ارزیابی شوند.

قدرت سیاسی یک ملت ترکیبی است از نوع حکومت، ثبات حکومت، خصوصیات مردم، صحت سیاست خارجی و رهبری؛ در این زمینه از سیاست و ابزار آن، دیپلماسی، انواع دیپلماسی، قدرت و نظریات فلاسفه در مورد وظایف و هدایت افراد یک ملت گفتگو می‌شود. قدرت اقتصادی یک ملت از عواملی مانند موقعیت جغرافیایی، شرایط اقلیمی، وجود منابع طبیعی، ظرفیت صنعتی، ارتباطات و مواصلات داخلی و خارجی، بازرگانی بین‌المللی و... شکل یافته است؛ قدرت فرهنگی یک ملت نیز ترکیبی از وحدت ملی، وضع اجتماعی و روانی مردم، اعتقادات مذهبی و دینی، سنت‌ها و عاداتی که مردم به آن اعتقاد دارند، می‌باشد (بیان، ۱۳۶۸: ۹ - ۸).



شکل ۱. ابعاد و مولفه‌های راهبردی ملی (بیان، ۱۳۶۸: ۹).

یافته‌های تحقیق - تجزیه و تحلیل

مشهورترین تعریف از راهبرد توسط ژنرال «کارل فن گلوویتس»^۱ شده است؛ وی راهبرد را «هنر به کار بردن نیروهای نظامی در عملیات برای پیروزی در جنگ به عنوان ابزار سیاست‌های ملی» تعریف کرده است. شکست در جنگ تنها شکست فرماندهان نظامی نیست؛ بلکه شکست سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هم محسوب می‌گردد تا جایی که گاهی در طول تاریخ به خوبی دیده شده که این شکست‌ها موجب از بین رفتن یک کشور، ویرانی یک سرزمین و پریشانی یک قوم و ملت گردیده است؛ به همین علت باید با یک کلیت‌نگری نظام‌دار به مسائل راهبردی نگریست. طرح‌ریزی‌های راهبردی باید نظام شمول باشد؛ چون عدم وجود هماهنگی بین ارکان اصلی راهبردی ملی و به‌کارگیری روش‌ها و طرح‌های کارساز، توسط رهبران سیاسی، اقتصادی و نظامی موجودیت مستقل ملی یک کشور را دستخوش نابودی می‌کند (بیان، ۱۳۶۸: ۶).

به این ترتیب دیگر نمی‌توان واژه راهبرد را ویژه قدرت نظامی دانست؛ بلکه می‌توان این مفهوم را در زمینه‌های مختلف تحت عنوان ارکان راهبردهای ملی نیز به کار برد که عبارت‌اند از: قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی، قدرت فرهنگی اجتماعی و قدرت نظامی. واژه راهبرد امروزه در صحنه سیاست و اقتصاد جان تازه‌ای گرفته و چهره عمومی پیدا کرده است. علم حرکات و طرح‌ها و خط‌مشی‌ها برای ایجاد موازنه در قدرت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، امروزه تحت عنوان مدیریت راهبردی در اداره امور عمومی به‌کار برده می‌شود (بیان، ۱۳۶۸: ۷).

در راهبرد ملی، از تمام مؤلفه‌های قدرت ملی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی) برای دستیابی به اهداف ملی استفاده می‌شود و این مؤلفه‌ها، ابزاری هستند که رهبران نظام، در مقاطع مختلف آن‌ها را انتخاب می‌کنند؛ بدین منظور پس از جمع‌آوری و جمع‌بندی راهبردهای اتخاذ شده دو طرف درگیر در جنگ، به دسته‌بندی و تحلیل این اجزا و عناصر در

1. Carl von Clausewitz

قالب راهبردهای فرهنگی - اجتماعی، سیاسی - بین‌المللی، اقتصادی و نظامی پرداخته شده است.

راهبردهای فرهنگی و اجتماعی

راهبردهای مذهبی

استفاده از سیاست تشویق و تنبیه در قبال شیعیان

به عقیده «بلوچ و هاروی»، صدام حسین در عراق موفق شد تهدید شیعیان را از طریق سیاست تشویق و تنبیه کنترل نماید؛ وی به اعدام رهبران مخالف شیعه نظیر آیت‌الله محمدباقر صدر و سرکوب الدعوه الاسلامیه (حزب دعوت اسلامی) پرداخت و از سویی کمک‌های اقتصادی را به سوی مناطق شیعیان در جهت افزایش ساخت مسکن، تعمیر جاده‌ها، مساجد، ترمیم مکان‌های مقدس شیعیان سرازیر نمود و آنان را در مناصب مهم دولتی به‌کار گماشت؛ در نهایت امر علی‌رغم انتظار ایران، اکثریت شیعیان عراق با احساسات وطن پرستانه به‌جای وابستگی مذهبی در جنگ ایران و عراق، منافع ملی خویش را برگزیدند (بلوچ و هاروی، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

استفاده از آماکن مذهبی

دولت برای اعمال کنترل بر موقوفات و نیز مرقدهایی که تقدس خاصی دارند، در نجف، کربلا، کاظمین و سامرا اقداماتی را انجام داد (کلیدر، ۱۳۷۷: ۷۵)؛ هیرو نیز اشاره به این نکته دارد که عقاید سکولار حکومت بعث عراق به دنبال وقوع جنگ نسبت به گذشته کم‌رنگ‌تر شد و دولت نه تنها از گردهمایی‌های بین‌المللی اسلامی حمایت کرد؛ بلکه اماکن اسلامی را در سطح کشور تحت سرپرستی خود قرار داد و خادمان آن‌ها را به استخدام دولت درآورد؛ او این‌چنین نتیجه می‌گیرد که این رویداد یک پیروزی معنوی برای ایران محسوب می‌شود (هیرو، ۱۳۹۱: ۱۹۷).

جاذبه بیشتر جریان‌های اسلامی نسبت به ملی‌گرایی

نداف در مقایسه بین دو طرف درگیر در جنگ، جاذبه جریان‌های اسلامی (راهبردها و سیاست‌های کشور ایران) برای توده‌های پایبند سنت را بسیار بیشتر از ملی‌گرایی (راهبردها و

سیاست‌های کشور عراق) می‌داند و می‌افزاید هر چه برنامه‌های میهن پرستانه و توده‌گرا که از سوی حکومت‌های ملت‌گرا دنبال می‌شد از وعده‌های خود دورتر می‌افتاد، این جاذبه بیشتر می‌شد؛ در هر حال ملت‌گرایان ابزارهای زور و فشار دولت را در اختیار داشتند و از آن برای سرکوبی هرگونه ابراز تمایلات بنیادگرایانه‌ای که آن‌ها را خطرناک می‌پنداشتند و نیز برای ترساندن توده‌ها و خنثی کردن هم‌نوایی آن‌ها استفاده کردند (نداف، ۱۳۷۳: ۷۲).

جهاد در مقابل بان‌عریسم

بلوچ و هاروی بر این عقیده هستند که ایران نیز با اعلام «جنگ تحمیلی» از مفهوم «جهاد» بر علیه هرگونه تجاوز خارجی بهره گرفت و توانست به تجهیز نیروهای نظامی و چریکی خود در قالب سپاه پاسداران و بسیج پردازد؛ از سوی دیگر صدام مترصد آن بود تا با طرح «گرایش‌های پان‌عربی» خود را رهبر مبارزات اعراب علیه دشمنان دیرینه‌شان - یعنی فارس‌ها - معرفی کند؛ ایران نیز با معرفی انقلاب خود به عنوان «انقلاب اسلامی» درصدد جلب همدلی نیروهای مسلمان - اعم از شیعه و سنی - بود (بلوچ و هاروی، ۱۳۸۴: ۱۸۲).

استفاده از بخش عقیدتی - سیاسی

«هیرو»^۱ نیز یکی از راهبردهای مذهبی به‌کار رفته از طرف ایران را برنامه‌های اسلامی سازی در ارتش و سپاه پاسداران می‌داند؛ او بر این عقیده است که وظیفه بخش عقیدتی - سیاسی، آگاهی و آموزش به درجه‌داران و افسران در خصوص ماهیت اسلامی سیاست‌های جاری و تصمیمات دولت بود. انجمن‌های اسلامی که در تمامی یگان‌های رزمی حضور داشتند، از افراد مؤمن تشکیل می‌شدند که وظیفه ارتقای سطح آگاهی‌ها، پاسداری از امنیت و سلامت فکری را بر عهده داشتند. رهبری ایران با بهره‌گیری از انسجام عقیدتی رابطه کاری میان سپاه پاسداران و ارتش را تقویت نمود (هیرو، ۱۳۹۱: ۱۸۰).

بسیج مردم

بلوچ و هاروی اشاره به شکست عراق در سال ۱۳۶۱ و عقب‌نشینی عراق از خاک ایران می‌کنند؛ این امر موجب شد مردم عراق پی ببرند شکست سختی متحمل شده‌اند و همین موجب ترس آن‌ها از آینده می‌شد؛ سپس آن‌ها عامل «همبستگی مردم» را دلیل این امر

1. Hero

برشمرده و اشاره به این مفهوم دارند که همبستگی مردم هدف بزرگی بوده است که ایرانی‌ها توانسته بودند به آن دست یابند؛ درحالی‌که حکومت عراق در دستیابی به آن شکست‌خورده بود (بلوچ و هاروی، ۱۳۸۴: ۱۸۳).

«کردزمن و واگنر^۱» با اشاره به حملات ایران در سال ۱۳۶۲ در دو حوزه حساس که پیروزی در آن‌ها برای شکست عراق ضروری بود که با شکست روبه‌رو شد، نتایجی را برای آن متصور شده‌اند؛ از جمله اینکه ایران نتوانسته بود بسیج ملی را به گونه‌ای محقق سازد که از لحاظ نیروی انسانی آموزش‌دیده برتری قاطعی بر عراق داشته باشد؛ آن‌ها دلایلی را نیز برای این امر برشمرده‌اند از جمله ترس از آنکه این بسیج عمومی به وارد آمدن فشار بر مردم بینجامد و در نتیجه یا به موفقیت کامل در شکست دادن عراق منتهی نشود و یا حمایت مردمی از انقلاب را به خطر اندازد (کردزمن و واگنر، ۱۳۹۰: ۳۴۸ - ۳۴۷).

«کلیدر^۲» نیز عامل جنگ را به عنوان ابزاری در جهت ایجاد وحدت در جامعه می‌پندارد و دو ملت ایران و عراق را وفادار نسبت به دولت‌هایشان می‌دانستند؛ به صورتی که جنگ به کانون طبیعی اجماع و توافق ملی تبدیل شده بود (کلیدر، ۱۳۷۷: ۷۴)؛ هیرو نیز مانند کلیدر بر ثمره جنگ که احیای وحدت ملی و تداوم انقلاب اسلامی تأکید می‌ورزد و می‌افزاید بغداد موفق به جدایی مردم از مسئولین نظام جمهوری اسلامی یا تجزیه خاک ایران نشد؛ حکومت و جامعه ایران در مقایسه با هشت سال پیش، از قدرت و انسجام نظامی و سیاسی به مراتب بیشتری برخوردار شده بودند.

تجاوز عراق به مقام‌های ایران این فرصت را داد که به احیای انگیزه‌های حفظ وحدت ملی و تداوم انقلاب اسلامی بپردازند. دفاع از اصول اسلامی ایران و دفع متجاوز به عامل بسیار مؤثر ایجاد وحدت در کشور تبدیل شد؛ بنابراین جنگ مانع بروز اختلافات و منازعات جزئی در میان شخصیت‌های سیاسی شد و شرایط مناسبی را برای ارتقای قابل ملاحظه جایگاه و توان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که دارای گرایش‌های عقیدتی است، فراهم کرد؛ همچنین جنگ، زمینه‌ای را در ایران ایجاد نمود که با جوهره اصلی شیعه سازگاری داشت و جامعه را از

1. Cordesman & Wagner
2. Kelidar

مفاهیم شرافت انسانی، مبارزه و ادامه نبرد تا مرز شهادت پر کرد. با اینکه جامعه ایران از پاییز ۱۳۵۷ عملاً در ناآرامی به سر می‌برد، با جنگ به عنوان پدیده‌ای جدید به راحتی کنار آمد. مردم ایران بر اثر درگیری‌های سال‌های انقلاب به شدت سیاسی شده و با فرهنگ شهادت و همکاری اجتماعی خو گرفته بودند؛ وجود چنین ویژگی‌هایی در جامعه برای ادامه جنگی طولانی بسیار ضروری به نظر می‌رسید.

اما به عقیده هیرو در عراق عکس این حالت اتفاق افتاد. جامعه عراق در زمان آغاز جنگ، جامعه‌ای غیرنظامی بود که حزب بعث و اصول آن به تمام معنا حاکمیت داشت. جامعه عراق پس از گذشت کمی بیش از سه سال از آغاز جنگ، شکل نظامی به خود گرفت و غیرنظامیان حاکم بر حزب از اهمیت کمتری برخوردار شدند. رهبران سیاسی، به‌ویژه صدام هر روز بیش از گذشته متوجه شدند که نه تنها تمامیت ارضی عراق بلکه بقای حقیقی حکومت، کاملاً بستگی به عملکرد ارتش دارد؛ آن‌ها به این درک نیز نائل آمدند که نیروهای دفاعی، نهاد مؤثرتری برای بسیج مردم نسبت به حزب بعث می‌باشند؛ از همین رو جای تعجب نداشت که توجه صدام به فعالیت‌های حزب هر روز کمتر از گذشته شود؛ وی در سخنرانی‌های خود کمتر به آرمان‌های حزب بعث مبنی بر پان‌عربیسم، سوسیالیسم و سکولاریسم اشاره می‌نمود و در مقابل بر ویژگی‌های نظامی هم چون شجاعت، وطن‌پرستی، انضباط و شهادت تأکید می‌ورزید. حرکت عراق مبنی بر فاصله‌گیری از جایگاه انقلابی و رادیکالی خود با استقبال خوبی از سوی متحدان جدید آن در منطقه و سایر نقاط جهان مواجه شد که نتیجه آن افزایش میزان حمایت مالی و دیپلماتیک آن‌ها از بغداد بود (هیرو، ۱۳۹۱: ۴۲۲ - ۴۲۰).

مالکیت انحصاری حزب بعث در عراق

یکی از عوامل تأثیرگذار در راهبرد ملی عراق در طول جنگ از دید کلیدر، مالکیت انحصاری حزب بعث در عراق بوده است. در جریان پاک‌سازی مقامات حزب، صدام جانشین حسن البکر شد و موقعیت مسلطی را در سازمان جدید (حزب) به دست آورد؛ او به جای آنکه موانع اولیه را، همان‌گونه که ایدئولوژی ضروری می‌دانست از میان بردارد، مجموعه‌ای از روابط خویشاوندی را، یعنی الگویی که بر جریان هدایت سیاست‌های عراق مسلط بود، در جهت ایجاد گروهی شدیداً منسجم و مرکب از اعضای فامیل خود و دیگر همشهریان

تکریتی‌اش به کار گرفت. در عراق سیاست‌ها در جهتی طراحی می‌شد که این کشور به ملک طلق انحصاری حزب بعث تحت رهبری صدام تبدیل شود (کلیدر، ۱۳۷۷: ۶۴ - ۶۳).

الخفاجی نیز در همین رابطه اشاره به این دارد که از سال‌های نخست دهه ۱۹۷۰ به بعد نخبگان و کادرهای بالای رژیم بعث عراق از درون نیروهای مسلح برنخواستند، به استثنای حسن البکر، ریاست‌جمهور سابق عراق در سال‌های ۷۹ - ۱۹۶۸ هیچ‌یک از مقامات ارشد بعثی، از جمله آن‌هایی که وزارت دفاع را بر عهده داشتند تا پیش از به قدرت رسیدن حزب بعث، درجه بالای نظامی نداشتند. رژیم بعث عراق که نیرومندترین ارتش کشورهای عرب را ایجاد کرد و درگیر طولانی‌ترین جنگ معاصر تاریخ جهان عرب شد، بخش اصلی نخبگان خود را از میان توده‌های غیرنظامی و به عبارت دقیق‌تر، از کادرهای حرفه‌ای حزب دست‌چین کرده است (الخفاجی، ۱۳۷۸: ۶۴)؛ هرچند زندگی عمومی در عراق، تحت تسلط حزب بعث قرار داشت؛ اما تمام قدرت واقعی در دست صدام و محفل نزدیک به او بود؛ خانواده، قبیله و تعداد کمی از همراهانش وفادارترین حامیان وی بودند و صدام از آن‌ها برای انتقال دستورهای خود، از جمله به اعضای دولت استفاده می‌کرد.

استفاده از ابزارهای ترس و خشونت

رژیم سیاسی عراق توانسته بود با بهره‌گیری از نیروهای گسترده‌ای از خبرچینان و جاسوسان، ترس و وحشت را برقرار سازد؛ این اقدامات همراه با اعدام گسترده مخالفین سیاسی در زندان‌ها و شکنجه و بازداشت مخالفین بود. به طور کلی رژیم صدام رژیمی توتالیتاریستی، تک‌حزبی و مبتنی بر وجوهی شخصی گرایانه بود که با بهره‌گیری از مفاهیم ماکیاولیستی، ترس و خشونت را موجب بقای خود می‌دانست (بلوچ و هاروی، ۱۳۸۴: ۱۸۱).

همچنین صدام به سازمان‌های امنیتی بسیاری متکی بود. سازمان‌های امنیتی مهم عبارت بودند از:

- سازمان امنیت ویژه که بر امنیت صدام نظارت و وفاداری دیگر سرویس‌های امنیتی را کنترل می‌کرد؛
- گارد ویژه ریاست جمهوری که به بهترین تجهیزات نظامی موجود مجهز و اعضای آن بر اساس وفاداری به رژیم انتخاب می‌شدند؛

- اداره کل امنیت که مسئول اولیه مقابله با تهدیدهای افراد غیرنظامی بود؛
 - اداره کل اطلاعات که فعالیت‌های ناراضیان را در داخل و خارج کنترل و سرکوب می‌کرد؛

- اداره اطلاعات نظامی که نقش آن تحقیق در کارکنان نظامی بود؛
 - فداییان صدام که تحت کنترل عدی، پسر صدام قرار داشت و برای مقابله با ناآرامی‌های داخلی از آن استفاده می‌شد.

بهره‌گیری از رسانه‌ها برای تبلیغات

«عراق کشوری چندقومیتی و چند مذهبی است که هر کدام از آن‌ها جنگ‌های متعددی که صدام حسین و حزب بعث به راه می‌انداختند را به شکل متفاوتی نگاه می‌کردند؛ در این کشور کردها، سنی‌ها و شیعیان روایت خاص خود را دارند و هر کدام به شکل متفاوتی از این جنگ‌ها تأثیر پذیرفته و تأثیر گذاشته‌اند؛ البته در این بین حزب بعث تلاش داشته روایت خاص خود را از جنگ با ایران داشته باشد؛ در این راستا، حزب بعث کنترل گسترده‌ای بر تمامی رسانه‌ها به خصوص صدا و سیما، روزنامه‌ها و تمامی مراکز از جمله مساجد و مدارس داشت تا از طریق آن‌ها روایت خود را از جنگ تبلیغ کند» (خوری، ۱۳۹۲: ۱۸۰).

انتقاد بر مدیریت جنگ

هیرو در بررسی وضعیت حاکم بر ایران و عراق به این نکته اشاره دارد که «دولت ایران در سال‌های انتهایی جنگ تا حدودی اجازه داد از سیاست‌هایش درباره جنگ انتقاد شود. شرایط ایران کاملاً با شرایط حاکم بر عراق متفاوت بود. در عراق بیان هرگونه انتقاد در خصوص مدیریت جنگ جرم بزرگی محسوب می‌شد؛ از جمله اشخاصی که به این اتهام در خرداد ۱۳۶۵ به جوخه‌های اعدام سپرده شدند، می‌توان ژنرال عمر هزه^۱ یکی از بستگان نزدیک صدام را نام برد» (هیرو، ۱۳۹۱: ۳۰۴).

1. Umar Hazza

راهبردهای اقتصادی

پیشرفت‌های صنایع تسلیحاتی و تولیدات داخلی

عراق

«پولاک»^۱ در تجزیه و تحلیل راهبردهای عراق به این نکته اشاره می‌کند که عراق سیاست خودکفایی در تولیدات نظامی را سرلوحه قرار داده بود؛ این وظیفه به کمیسیون صنایع نظامی واگذار شده بود. عراق مدعی شد در زمینه تولید جنگ‌افزارهای سبک به خودکفایی رسیده است؛ همچنین عراق نه تنها موفق به تولید مهمات سبک و سنگین شد؛ بلکه در تولید خمپاره، موشک‌انداز، توپ، نفربر زرهی و بمب‌های هدایت شونده به موفقیت‌هایی دست یافت؛ در برخی زمینه‌ها نیز عراقی‌ها موفقیت‌های ارزشمندی را به دست آوردند؛ به عنوان مثال موشک الحسین، ناهنجار و شاید نه یک شاهکار فنی بود اما ظاهراً از تأثیری مخوف برخوردار بود؛ این موشک یک مشکل نظامی با اهمیت را برای ناتوانی بغداد جهت مورد اصابت قرار دادن تهران و دیگر شهرهای دوردست ایران حل نمود؛ به همین نحو، توسعه، ساخت و تولید اکثر گازهای مورد استفاده در جنگ‌افزارهای شیمیایی که مشکل است اما عراقی‌ها آن را سریعاً و مؤثر انجام دادند؛ فراسوی این موفقیت‌های کم دامنه، صنایع تسلیحاتی عراق هرگز قادر به پشتیبانی نیروهای مسلح آن کشور برای مهمات و برخی سلاح‌ها کوچک نبودند؛ اگرچه عراق ادعا می‌کرد که برخی اصلاحات را بر روی سامانه‌های تسلیحاتی موجود و حتی بهینه‌سازی برخی از آن‌ها که متعلق به عراق بوده صورت داده است؛ اما بیشتر آن‌ها ساختگی و جعلی بود. اکثریت تسلیحاتی که عراق ادعا می‌کرد آن‌ها را بهینه‌سازی و توسعه داده است، سامانه‌های تسلیحاتی ساخت خارج بودند که عراق به صورت اندکی آن‌ها را از لحاظ ظاهری تغییر داده و مجدداً نام‌گذاری کرده بود (پولاک، ۱۳۸۹: ۱۱۷ - ۱۱۶).

ایران

«در واقع، عراق بیش از ۵۰ درصد بودجه خود را صرف امور نظامی نمود؛ در حالی که ایران به خاطر جمعیت بیشتر و نیازهای داخلی، تنها ۲۵ درصد از درآمد سرانه خود را به جنگ اختصاص داده بود و بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه تجهیزات نظامی به دوران شاه

1. Polak

بازمی‌گشت. موضوع قابل توجه، اداره جنگ هشت‌ساله توسط ایران می‌باشد که در آن علی‌رغم محدودیت‌هایی که از سوی دو ابرقدرت برای خرید تجهیزات نظامی وجود داشت، توانست در داخل کشور یا از طریق دول ثالث نظامی نیازهای نظامی خود را برطرف کند» (بلوچ و هاروی، ۱۳۸۴: ۱۸۶).

ایران از جنگ و محدودیت‌های تحمیلی ناشی از آن به عنوان انگیزه‌ای برای تسریع روند خودکفایی و خودآگاهی استفاده کرد؛ بر این اساس، نوآوری‌ها و ابداعاتی که نیروهای ایران به یکباره در پشت جبهه و نیز در میدان‌های رزم، به‌ویژه در استفاده بهینه از فناوری موجود نظامی از خود نشان دادند، شگفتی ناظران را به دنبال داشت؛ چراکه جنگ موجب پیدایش صنایع داخلی بسیاری در بخش‌های نظامی و غیرنظامی در ایران گردید.

به عبارتی پیشرفت‌های صنایع نظامی در ایران بهترین مثال برای معرفی چگونگی نگرش رهبران آن به جنگ در ارتباط با انقلاب بود و جنگ وسیله‌ای برای تحکیم پایه‌های نظام و دستیابی به اهداف انقلاب هم چون خودکفایی گردید. در مجموع، نخستین دغدغه ایران تقویت پایه‌های انقلاب و گسترش آن بود و ادامه جنگ برای تحقق این هدف ضرورت داشت (هیرو، ۱۳۹۱: ۴۲۷ - ۴۲۶).

استفاده از توانایی داخلی یا اتکا به قدرت خارجی

استفاده از کارگر خارجی به عنوان نیروی کار غیرنظامی

«در کل، عراق با استقراض از دیگر کشورها و اجیر کردن نیروهای خارجی توانست جنگ را مدیریت کند و بر این اساس، در طول ۹۵ ماه جنگ حدود ۶۵ میلیارد دلار هزینه کرد و کمک‌ها و وام‌های خارجی این کشور از مرز ۸۵ تا ۹۰ میلیارد دلار فراتر رفت. عراقی‌ها برای سرپا نگه‌داشتن اقتصاد غیرنظامی‌شان، ۵/۱ تا ۲ میلیون کارگر خارجی را به‌کار گرفتند که به طور متوسط، ۴۰ درصد نیروی کار غیرنظامی این کشور را تأمین می‌کردند. ایران نه فقط جنگ را به تنهایی مدیریت و ۸۵ میلیارد دلار در آن هزینه نمود، بلکه در طول جنگ نیز توانست وام‌های خارجی عادی مربوط به زمان قبل از انقلاب را بازپرداخت کند و با وجود جنگ طولانی و نیاز شدید به نیروی انسانی در جبهه‌ها، نرخ بیکاری در این کشور از ۱۵ درصد بیشتر نشد» (هیرو، ۱۳۹۱: ۱۸ - ۱۷).

استفاده از وام‌های خارجی

«گریگوری»^۱ به استفاده عراق از وام‌های خارجی اشاره داشته و می‌گوید «در این شکی نیست که عراق به هنگام جنگ با ایران با مشکلات اقتصادی جدی مواجه بوده است؛ چراکه این جنگ تعهدات مالی بی‌شماری؛ یعنی چیزی حدود ۸۰ میلیارد دلار را به این کشور تحمیل نموده است؛ از این ۸۰ میلیارد دلار تقریباً ۴۰ میلیارد دلار متعلق به امیرنشین‌های خلیج فارس بود که هرگز پس داده نشد و همچنان بر روی کاغذ باقی است و تقریباً ۴۰ میلیارد دلار هم به دیگر کشورها و اعتباردهندگان مربوط می‌شود» (گریگوری، ۱۳۸۲: ۱۲۰).

کاهش بدهی خارجی ایران در مقابل افزایش بدهی‌های عراق

به عقیده هیرو، دولت ایران مجموع بدهی‌های خارجی خود را تا اواسط سال ۱۳۶۲ از ۱۵ میلیارد دلار در پیش از انقلاب به ۱/۱ میلیارد دلار کاهش داد؛ بنابراین ایران نه تنها به میزان وام‌های خارجی خود اضافه نکرد - اقدامی که عراق به شکل مسرفانه‌ای انجام داده بود - بلکه تقریباً تمام بدهی‌های خارجی خود را پرداخت کرد؛ این نتایج برای کشوری که به تازگی دستخوش انقلاب شده بود و با جنگ دست و پنجه نرم می‌کرد، دستاورد بزرگی محسوب می‌شد.

حصول چنین دستاوردی تا حدودی به دلیل اعمال کنترل ایران بر بودجه دفاعی خود بود. دولت بدون تضعیف کارایی ماشین جنگی، تلاش نمود تا در هزینه‌ها صرفه‌جویی نماید. ایران از سلاح‌های غنیمتی برای تجهیز واحدهای رزمی تازه تشکیل‌شده ارتش و سپاه پاسداران استفاده می‌کرد و مردم را تشویق می‌کرد تا در تأمین هزینه‌های جنگی از طریق اهدای پول نقد و کالا مشارکت نمایند.

هزینه‌های مستقیم نظامی ایران در جنگ تنها ۶۰ درصد هزینه‌های نظامی عراق را تشکیل می‌داد؛ چراکه ایران به دلیل ضرورت و به خواست خود هزینه‌های کمتری صرف تهیه سلاح و مهمات پیشرفته و سنگین در مقایسه با عراق می‌کرد؛ به عبارت دیگر درحالی‌که ایران نبرد مبتنی بر نیروی انسانی را اجرا می‌نمود، عراق درگیر نبردی مبتنی بر سرمایه بود (هیرو، ۱۳۹۱: ۱۹۷).

1. Grigori

تأثیر متقابل راهبردهای اقتصادی و جنگ

نوع نگاه ارزشی به اقتصاد و جامعه

هیرو در مورد نوع نگاه اقتصادی ایران در جنگ اشاره به این نکته می‌کند که مقام‌های دولتی به منظور کنترل تورم و در عین حال عرضه مناسب مایحتاج اولیه با قیمت‌های یارانه‌ای، اقدام به جیره‌بندی برنج، شکر، روغن خوراکی و بنزین در شش هفته اول جنگ نمودند؛ هم‌زمان امام خمینی (ره) اسراف را مورد نکوهش قرار داد و مصرف پایین‌تر را به عنوان بخشی از روند اسلامی شدن جامعه برشمرد؛ این مسئله در واقع، یک سیستم ارزشی کاملاً متفاوت با آنچه در جامعه عراق رواج داشت، محسوب می‌شد (هیرو، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

اصلاح راهبردهای اقتصادی از پیامدهای جنگ

عراق علی‌رغم یک ذخیره ارزی گسترده و همچنین برخورداری از حمایت‌های مالی دولت‌های عرب خلیج فارس، بیش از ایران دچار گرفتاری‌های مالی شد؛ دلیل اصلی این دگرگونی نیز در آن بود که در همان دو سال نخست جنگ، تحرکات نظامی و سیاسی ایران باعث آن گشت که صادرات نفت عراق به حدود یک‌سوم میزان اولیه‌اش افول کند؛ در یک چنین شرایطی عراق وادار شد که برنامه توسعه پنج‌ساله‌ای را که در سال ۱۳۶۰ آغاز کرده بود، محدود ساخته و برای آنکه بتواند از عهده جنگ برآید برنامه اقتصادی جدید را اتخاذ کند. سیاست‌های تعدیل اقتصادی عراق که در اواخر سال ۱۳۶۱ و اوایل سال ۱۳۶۲ اتخاذ شد از یک طرف به شکل کاهش دادن هزینه‌های توسعه اقتصادی و واردات غیرنظامی متبلور گردید و از طرف دیگر نیز به صورت کاستن از مواجب و مزایای کارمندان دولت. استفاده روزافزون از کمک‌های مالی خارجی و همچنین مجموعه اقداماتی در افزایش بهره‌وری از بخش عمومی و تشویق کسب و کار آزاد از جمله دیگر تدابیری بود که در این رویکرد جدید اقتصادی برای مقابله با عوارض حاصل از کاهش درآمدهای نفتی و ذخیره ارزی اتخاذ شد (گنگرا، ۱۳۸۴: ۹۹ - ۹۸).

درگیر شدن در جنگ عامل تعویق تصمیم‌گیری‌های اقتصادی - اجتماعی

هیرو اشاره به این می‌کند که در ایران برخلاف عراق، وقوع جنگ تغییرات چندانی را در تفکرات اسلامی به وجود نیاورد؛ تغییرات بسیار جزئی بود؛ زیرا از آغاز جنگ هیچ‌گونه طرح

قابل استنادی در خصوص استفاده از اصول اسلامی برای اداره کشور و جوامع مدرن ارائه نشده بود. دولت ایران درگیر شدن کشور در جنگ را علت تعویق تصمیم‌گیری در خصوص مسائل مهم اقتصادی - اجتماعی همچون اصلاحات ارضی، مالکیت، تجارت خارجی، مالیات بر درآمد، روابط کارگر و کارفرما و نقش بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی دانست؛ در این زمان امام خمینی (ره) و مشاوران وی همچنان به پایبندی دولت اسلامی مبنی بر تأمین رفاه و آسایش مستضعفان جامعه تأکید می‌ورزیدند؛ چراکه طبقات مستضعف جامعه در صف مقدم تأمین نیروهای رزمنده سپاه پاسداران و بسیج که عمدتاً متشکل از نیروهای داوطلب بود، قرار داشتند؛ البته امکان ارتقای سطح استانداردهای زندگی مردم عادی ایران تا زمانی که جنگ از اولویت مطلق نسبت به اجرای پروژه‌های توسعه برخوردار بود، وجود نداشت (هیرو، ۱۳۹۱: ۴۲۵).

نگاه به مالیات به عنوان هدفی اجتماعی اقتصادی

«افزایش مالیات‌ها یکی از گزینه‌های مورد علاقه نیروهای انقلابی درون نظام بود؛ زیرا این اقدام نه فقط درآمد دولتی را افزایش می‌داد بلکه در تحقق دو هدف اجتماعی - اقتصادی انقلاب نیز مؤثر بود: کاهش وابستگی به درآمد نفت و توزیع ثروت به نفع طبقات فقیرتر؛ از این رو هنگامی که در سال‌های ۱۳۶۴ - ۱۳۶۳ دولت اعلان کرد که قصد دارد مالیات‌ها را به نحوی افزایش دهد که در عرض ده سال بین ۸۰ تا ۹۰ درصد عواید دولت از طریق مالیات‌ها تأمین شود، بحث مالیات نیز آغاز شد» (گنگرا، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

اقتصاد عامل مؤثر بر پایان جنگ

بلوچ و هاروی عوامل مختلفی را برای پایان جنگ برشمرده‌اند؛ آن‌ها بر این عقیده بوده‌اند که کاهش قیمت نفت، فقدان برنامه منسجم در امور کشاورزی، بروز کمپابی در کالاها و رشد جمعیت در ایران که منجر به ایجاد تقاضاهای جدیدی می‌شد، از جمله عواملی بودند که ایران را در پایان جنگ تحت تأثیر قرار می‌داد؛ ساختارهای اقتصادی ایران نیز به خاطر آسیب‌دیدگی، نیازمند بازسازی بود، هر دو کشور عراق و ایران با تقاضاهای در میان مردمشان روبه‌رو بودند که با محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی در طول هشت سال جنگ مواجه شده بود؛ انفجار جمعیتی نیز یکی از معضلاتی بود که در ایران بیشتر نمود داشت (بلوچ و هاروی، ۱۳۸۴).

راهبردهای سیاسی و بین‌المللی

راهبردها و سیاست‌های مرتبط با ایران

دیدگاه متفاوت صدام نسبت به دولت‌های در ایران

گریگوری اشاره به این نکته دارد که بین دیدگاه صدام نسبت به شرایط سیاسی در ایران و کاهش تنش‌ها ارتباط وجود دارد. صدام آشکارا بین دولت ایران، به سرپرستی مهندس بازرگان، که سعی در حفظ رابطه صلح‌آمیز و دوستانه با همسایگان داشت و تندروهای انقلابی تمایز قائل بود (گریگوری، ۱۳۸۲: ۱۳۶).

توانایی در صدور انقلاب

هیرو بر این عقیده است که «سرنگونی غیرمنتظره شاه مقتدر ایران که فرماندهی کل ارتش ۴۱۵ هزار نفری را بر عهده داشت و در دوران شکوفایی اقتصادی به سر می‌برد، این تصور را در انقلابیون ایران به وجود آورد که آن‌ها الگویی الهام‌بخش برای توده‌های ستم دیده دیگر نقاط خواهند بود تا علیه حاکمان ظالم و سرکوبگر خود به پا خیزند؛ آن‌ها مردم را به دو دسته ستمگران و ستمدیدگان تقسیم کردند و حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش ملی مستضعفان جهان را وظیفه اصلی خود اعلام نمودند؛ آن‌ها علاقه‌مند کمک به توده‌های ستم‌دیده مسلمانان در منطقه خلیج فارس بودند تا حاکمان آن‌ها را که «فاسد» (مانند کشورهای پادشاهی عرب خلیج فارس)، «الحادی» و «غیرمسلمان» (مانند عراق) تلقی می‌کردند، سرنگون سازند» (هیرو، ۱۳۹۱: ۵۵)؛ به عقیده «فیلیپ رابینز» نیز رهبران عراق مایل نبودند پیامدهای امنیتی ناشی از تداوم و هدایت انقلاب را با وجود اینکه فرصت‌های عراق بیش از تهدیدات بود را تحمل کنند (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۹۳). این تحول به منزله تغییر در موازنه قوا میان ایران و عراق و مهم‌تر از آن به معنای پایان یافتن نقش ایران به عنوان ژاندارم منطقه بود.

حمله به ایران برای جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی

نویسندگان و پژوهشگران خارجی در خصوص اهداف و انگیزه‌های حمله صدام به ایران نکاتی را مطرح کرده‌اند که در یک مرور کلی می‌توان به مواردی از جمله تأمین امنیت مرزهای عراق، تأمین امنیت حکومت بعث در برابر شیعیان و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران، متلاشی کردن توان نظامی ایران که بر اثر پیروزی انقلاب تضعیف شده بود، سقوط حکومت دینی در

ایران و جایگزینی یک حکومت سکولار، اشغال استان مهم و نفت‌خیز خوزستان و جلوگیری از احیای تفوق ایران بر خلیج فارس، تبدیل عراق به قدرت مسلط منطقه و اعراب و به دست آوردن کنترل کامل اروندرود اشاره کرد (کردزمن و واگنر، ۱۳۹۰: ۹۶ - ۹۵).

به عقیده گریگوری، «برداشت تهدیدآمیز صدام از امنیت داخلی کشور که به طور مستقیم با بازیگران بین‌المللی در ارتباط بود، وی را به انتخاب مسیر مخاطره‌آمیز جنگ کشانید؛ او قویاً منافع بالقوه‌ای از پیروزی در جنگ می‌دید؛ و گرنه نمی‌توانست از عهده آن برآید. اعتقاد به سودآور و ممکن بودن پیروزی شرط لازم و نه کافی، برای تصمیم‌گیری است. آنچه صدام را به کسب سود از شرایط ظاهراً مساعد بین‌المللی ترغیب کرد، این عقیده بود که تنها راه مقابله با توطئه دشمنان برای تضعیف و ایجاد بی‌ثباتی داخلی در عراق، غلبه بر آنان است» (گریگوری، ۱۳۸۲: ۱۴۲). در واقع صدام حسین که خود را با خطر یک حرکت انقلابی - اسلامی (رهبری شده از ایران) روبه‌رو می‌بیند، برای اینکه یک قدم جلوتر باشد، جنگ را آغاز می‌کند؛ در عراق بعضی‌ها این‌طور صلاح می‌بینند که قائله را به خارج از مرزهای عراق، در ایران کشانده و به اصطلاح خود به قلب دشمن بزنند. «فب مار»^۱ نیز مصاحبه نخست‌وزیر عراق، طه یاسین با الثوره که اعلام می‌کند: «این جنگ به خاطر عهدنامه ۱۹۷۵ یا چند صد کیلومتر خاک و یا نصف شط العرب [اروند رود] نیست؛ این جنگ به خاطر سرنگونی جمهوری اسلامی است» را نقل می‌کند؛ وی طرح این موضوع را بر اساس این ملاحظه می‌داند که دلیل دولت عراق برای برپایی جنگ، حفظ منافع حیاتی حکومت عراق در برابر تهدید سیاسی و مذهبی علیه حزب بعث عراق و در نتیجه ایجاد انگیزه برای دفاع از حکومت در برابر گسترش انقلاب اسلامی ایران بوده است (جوینر، ۱۳۸۹: ۱۴۷). «فیلیپ سابین»^۲ و افرایم کارش، بر این عقیده‌اند که محاسبه صدام حسین مبنی بر اینکه او می‌تواند طی جنگ کوتاه‌مدت علیه ایران وارد شود، در انتهای جنگ اشتباه درآمد و این راهنمایی انور سادات را که نباید با یک انقلاب جنگید را به اثبات رسانید (سابین، ۱۳۷۵: ۶).

1. Feb Mar
2. Philip Sabine

استفاده از اقنا و اعراب برای جلب حمایت

ترفندی که صدام در رابطه با متحدان خارجی اش و بیشتر شیخ‌نشین‌های نفت‌خیز عربستان و کویت با موفقیت از آن استفاده کرد، تلفیقی از اقنا و اعراب بود؛ آن‌ها حق داشتند از صدور پیام انقلاب از تهران در هراس باشند؛ چراکه به گفته امام خمینی (ره) هیچ جایی برای قدرت موروثی در اسلام وجود ندارد و به عبارت دیگر، حکومت پادشاهی حکومتی غیر اسلامی است؛ جای تعجب نبود که عربستان سعودی و کویت هر دو بدون اعلان جنگ رسمی علیه ایران از نظر تجهیزات و تدارکات از عراق پشتیبانی کردند (هیرو، ۱۳۹۱: ۱۵).

همراه کردن دیگر کشورها با عناوین مختلف

عراق بر این باور بود که بار گران و طاقت فرسانی وظیفه‌ای را بر دوش گرفته که ثمره آن نصیب تمامی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس می‌شد؛ به همین جهت تأکید داشت که برای ترتیب بدهی‌های عراق با همسایگانش نیز قرار رسمی‌ای گذاشته نشود؛ چراکه از نظر عراقی‌ها، آن‌ها صرفاً بخشی از هزینه‌های یک طرح مشترک را عهده‌دار بودند (الخفاجی، ۱۳۷۸: ۷۲).

قرار دادن ایران در جبهه مقابل اعراب

تریپ نقش ایدئولوژی در تداوم جنگ را این‌گونه توضیح می‌دهد که صدام به واسطه ماهیت حکومتش در این عرصه بسیار موفق عمل نمود. موضع‌گیری‌های ایران، توجیه مناسبی برای صدام شد تا سیاست‌های همگونی را در داخل و خارج عراق پدید آورد. صدام از ترس و هراس کشورهای فاقد مشروعیت استفاده نمود تا عراق را کشوری محوری در گسترش تمدن بین‌النهرین و پان‌عربیسیم در میان کشورهای عربی و کشور پاسبان صلح و آرامش در منطقه خلیج فارس و وزنه مهم تعادل‌بخش محیط امنیتی این منطقه به جهانیان نشان دهد؛ در کل صدام در این جنگ سعی نمود با این بازی راهبردی کمک‌های زیادی را از کشورهای منطقه و جهان دریافت نماید. کشورهای منطقه به خاطر نقشی که عراق در جلوگیری از ایران انقلابی داشت و کشورهای جهانی به خاطر جایگاه مجازی که صدام در حفظ صلح منطقه تعریف کرده بود، به این کشور مدیون بودند (تریپ، ۱۳۸۴: ۷۴ - ۱۷۲)؛ بلوچ و هاروی نیز بر این عقیده‌اند که «کشورهای عربی هرچند می‌دانستند که عراق قادر به مهار انقلاب ایران و

خاموش کردن آن نمی‌باشد؛ اما معتقد بودند که این اقدام حداقل می‌تواند عراق را در کانون توجه و تمرکز ایران قرار دهد و مانع از آن شود که ایران توان حضور فعالانه در سایر کشورها را داشته باشد» (بلوچ و هاروی، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

مستقل بودن یا وابستگی؟

مستقل بودن و وابسته نبودن به ابرقدرت‌ها

هیرو در مبحث استقلال یا وابستگی، نقش حضرت امام خمینی (ره) را این‌گونه برمی‌شمارد که امام در برابر فشارهای ابرقدرت‌های شرق و غرب مقاومت نشان می‌داد و مصمم بود به ایرانی‌ها و دیگران نشان دهد، جمهوری اسلامی که روح و قدرت خود را از اسلام می‌گیرد، به طور واقعی مستقل و متکی به خود است؛ در مقابل، عراق به رهبری صدام هر روز وابستگی بیشتری به قدرت‌های خارجی پیدا می‌کرد و برای اداره جنگ به شدت متکی به کمک‌های مالی بلاعوض کشورهای پادشاهی خلیج فارس بود؛ همچنین این کشور از نظر دیپلماتیک نیز اتکای بسیاری به ابرقدرت‌ها پیدا کرد (هیرو، ۱۳۹۱: ۱۵۳).

«تریپ^۱» نیز در ادامه بررسی نقش ایدئولوژی در جنگ به این نکته اشاره می‌کند که ایران در جناح مقابل، به واسطه سقوط نظام شاهنشاهی، بیان ایدئولوژی شیعی، صدور انقلاب، تغییر محیط بین‌المللی، پایان بخشیدن به نظام سلطه جهانی و نپذیرفتن هیچ‌یک از دو ابرقدرت زمان، این امکان را برای عراق و کشورهای منطقه و همچنین کشورهای غربی برای نزدیکی بیشتر به هم فراهم نمود. ایران به عبارت دیگر، با هویت انقلابی و اسلامی‌اش راهی به‌جز بازی نراهبردی نداشته است (تریپ، ۱۳۸۴: ۱۷۴ - ۱۷۲).

«استفن آر. شالوم^۲» نیز بر این نکته تأکید می‌ورزد که نیاز به پول و تسلیحات، بغداد را تا حدود زیادی به کشورهای حاشیه خلیج فارس و مصر وابسته کرد که این مسئله موجب تعدیل در سیاست‌های عراق و ترمیم روابط میان این کشور با قاهره و سایر دولت‌های عربی گردید (شالوم، ۱۳۸۴: ۶۵).

1. Trip
2. Stephen R. Shalom

«کول ترفتون» و «کول ایشترود»^۱ نیز بر این عقیده‌اند که صدام در سطح استراتژیک نسبت به عدم واکنش آمریکا اطمینان داشت و همچنین می‌دانست هیچ کشور غربی با تهاجم به ایران مخالفت نخواهد کرد (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۹۶).

«کارتولاز»^۲ نیز این‌چنین می‌گوید که صدام این‌گونه محاسبه کرده بود که تا رفع تنش بین ایران و شوروی، سلاح‌های ساخت شوروی به سوی عراق جریان خواهد یافت؛ در حالی که هیچ‌گونه سلاح، به‌ویژه سلاح‌های ساخت آمریکا به ایران ارسال نخواهد شد (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

حمایت از طرف کشورهای غربی

هیرو اشاره به وابستگی اطلاعاتی عراق به آمریکا دارد و در مقطع زمانی زمستان سال ۱۳۶۴ که رزمندگان ایران برای نخستین بار در طول دو سال اخیر موفق به تصرف و حفظ خاک عراق شدند به نتایج این وابستگی می‌پردازد و می‌افزاید نیروهای عراق که برای کسب اطلاعات به آمریکا وابسته بودند، بعدها واشنگتن را به علت شکستی که در شبه‌جزیره فاو متحمل شده بودند سرزنش کردند؛ چراکه اسناد و تحلیل‌هایی که آمریکایی‌ها ارائه کرده بودند، صرفاً تمرکز نیروهای ایران در شمال بصره را نشان داده بود؛ اما حقیقت آن بود که شرایط نامساعد جوی در شبه‌جزیره فاو مانع جمع‌آوری اطلاعات ماهواره‌ها از مواضع زمینی ایران شده بود؛ علاوه بر این نیروهای ایران از وسایل خاصی برای فریب و شناخت نقاط ضعف تجهیزات جمع‌آوری اطلاعات آمریکا استفاده کرده بود؛ برای نمونه، ایرانی‌ها از کامیون‌های روباز برای جابه‌جایی نیروها استفاده کردند. تحلیل‌های اطلاعاتی نشان‌دهنده جابه‌جایی کالا با این خودروها بود نه نیرو (هیرو، ۱۳۹۱: ۲۹۳).

بلوچ و هاروی با اشاره به مقطع زمانی عملیات رمضان که در واکنش به اقدامات عراق و با هدف فتح بصره آغاز شد به بررسی نقش آمریکا و شوروی در این زمینه پرداخته‌اند؛ زیرا دو ابرقدرت به این اجماع رسیده بودند که می‌بایست مانع پیروزی ایران و حفظ توازن بین دو طرف شد. آمریکا با در اختیار قرار دادن تصاویر و اطلاعات ماهواره‌ای از نحوه تمرکز

1. Kul tripton & kul ishtord
2. Kartolaz

نیروهای ایرانی و تحرکات آن‌ها، و شوروی نیز با در اختیار قرار دادن تجهیزات نظامی در این زمینه، نقش مهمی ایفا نمودند (بلوچ و هاروی، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

اثر تحریم‌ها بر راهبردها

ناکارآمدی تحریم‌های همه‌جانبه

از سال ۱۳۶۳، کشورهای غربی یک حمایت ضمنی از عراق به عمل آوردند؛ حمایتی که حداقل برای حفظ موقعیت موجود (بن‌بست ایجاد شده در جنگ) کفایت می‌کرد؛ این امر قطع ارسال تسلیحات به ایران را می‌طلبید؛ ایالات متحده آمریکا عملیات استانچ^۱ را با این هدف شروع کرد. موفقیت حقیقی در مورد یک تحریم، توافق سه یا چهار تولید کننده کوچک (مثل چین، برزیل، شیلی، اسرائیل) و توافق ضمنی فروشندگان بالقوه (مانند تایوان، کره شمالی و جنوبی) و قطع واقعی ارسال تجهیزات نظامی از سوی برخی کشورها (مانند لیبی و خصوصاً سوریه) را می‌طلبید؛ چنین توافقی بسیار سخت به نظر می‌رسید، به علاوه ایرانیان آگاه بودند که چنین تحریم ناقصی خنثی خواهد شد؛ این امر به تقویت این نظریه منجر شد که به طور مستقیم نمی‌توان تغییر اهداف ایران را به تهدید و تحریم ربط داد (کروز، ۱۳۷۹: ۱۰۲).

تغییر گرایش در اثر تحریم‌ها

تحریم‌های اتحاد جماهیر شوروی که از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ بر عراق اعمال می‌شد، با تغییر گرایش‌های داخل کشور مصادف شد؛ به نظر می‌رسد تصمیم اتحاد جماهیر شوروی بر راهبرد عراق مؤثر بوده است. به نظر می‌رسد اتحاد جماهیر شوروی سابق در آن زمان در دو جهت بازیگری کرده است؛ با ارسال تسلیحات به عراق از فروردین ۱۳۶۰، هرچند که این حمایت تقریباً ضعیف بود و از طریق کشورهای ثالث انجام می‌شد. عراق سیاست تهاجمی خود را به سیاست دفاعی تغییر داد. عدم استفاده عراق از نیروهای هوایی در اوایل جنگ با دور از دسترس قرار دادن هواپیماهایش از حملات ایران نیز ثابت می‌کند که ایجاد برخی محدودیت‌ها بر تاکتیک‌های نظامی تأثیر داشته است؛ با وجود این از نظر برخی ناظران، قبل از هر چیز عدم صلاحیت فرماندهان نظامی عراقی علت گزینه‌های تاکتیکی است که از سوی این کشور در طول جنگ تعقیب می‌شد. صدام حسین در ابتدای جنگ ترجیح داد برای شکست

1. Staunch

نظامی ایران بیش از حد از منابع انسانی خود استفاده نکند؛ به همین منظور نیروها و تجهیزاتش را حفظ کرد (کروز، ۱۳۷۹: ۹۷).

موقتی بودن ائتلاف‌ها و معاهدات

ائتلاف راهبردی صدام با شوروی^۱، همانند بسیاری دیگر از ائتلاف‌ها، توافقی موقت و زودگذر بود؛ این ائتلاف‌ها تا زمانی که برای رفع نیازهای عراق مناسب و سازگار بود، تداوم می‌یافت؛ در عین حال ائتلاف مذکور فواید فوری و زیادی برای این کشور در برداشت؛ چراکه باعث شد وضعیت محاصره‌ای رژیم عراق خاتمه یابد و بدین ترتیب انزوای بین‌المللی این کشور به پایان برسد (کلیدر، ۱۳۷۷: ۶۷).

راهبردهای نظامی

راهبرد هجومی عراق در ابتدای جنگ

رهبری عراق پس از اتخاذ تصمیم راهبرد حمله به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، توجه به متغیرهای مربوط به تفاوت وسعت سرزمینی و جمعیت بین دو کشور و همچنین شرایط نظام بین‌المللی، راهبرد نظامی جنگ برق‌آسا را در دستور کار خویش قرار داد. ارتش عراق امیدوار بود تا با وارد آوردن یک ضربه نظامی قاطع و سریع، نیروهای مسلح و نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران را به زانو درآورده و خواسته‌ها و اهداف خویش را تحقق بخشد. قرائن و شواهد همگی حاکی از آن بودند که رهبری وقت عراق، تمایل چندانی برای درگیر شدن در یک جنگ گسترده و طولانی را نداشت (درویشی، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

شروطی که عراق برای توقف جنگ و پایان حمله اعلام کرده بود عبارت بودند از شناسایی حق مشروع عراق بر آب‌ها و سرزمین‌هایش توسط ایران، پایبندی ایران به اصل حسن هم‌جواری، عدم مداخله ایران در امور داخلی عراق و دولت‌های حاشیه خلیج فارس و بازگرداندن جزایر سه‌گانه به امارات و اعراب. غالب تحلیل‌گران غربی این درخواست‌های عراق را سرپوشی بر اهداف و نیت واقعی صدام دانسته و بر این اساس نتیجه‌گیری کردند که راهبرد اولیه عراق جنگ محدود بوده است (کینگ و کارش، ۱۳۸۷: ۱۶۴ - ۱۶۳).

۱. امضای معاهده همکاری بین عراق و شوروی در سال ۱۹۷۲.

هیرو شکست‌های عراق در طول سال‌های ۶۱ - ۵۹ را ناشی از عوامل سیاسی، نظامی و لجستیکی می‌داند؛ او اضافه می‌کند «نیروهای عراق تنها در مرزهای خود عملکرد مطلوبی داشتند، اما هنگامی که به عمق خاک ایران نفوذ می‌کردند، خطوط تدارکاتی و ارتباطی آنها مختل و فرماندهی کل برای استقرار سریع دوباره نیروها با مشکل مواجه می‌شد؛ همچنین نیروهای عراق در یافتن مواضع مناسب برای توپخانه و جنگ‌افزارهای خود با مشکلاتی روبه‌رو بودند. از طرفی استقرار واحدهای جیش الشعبی وضعیت را پیچیده‌تر می‌کرد. برخلاف نیروهای سپاه پاسداران ایران، این واحدها فاقد هرگونه نوآوری، شجاعت و ایثار بودند. طراحان نظامی عراق همانند صدام از شوق تصرف و اشغال سرزمین‌های ایران، نسبت به ایجاد مواضع و موانع دفاعی غفلت می‌ورزیدند؛ مهم‌تر آنکه آنها در حالی به ایران حمله کردند که فاقد هرگونه ایده مشخص در مورد حداکثر و حداقل اهداف جنگی خود بودند و درباره چگونگی پایان دادن به این نبرد مسلحانه از طریق راهکارهای دیپلماتیک و نظامی آگاهی نداشتند» (هیرو، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

پولاک طرح اولیه عراق برای تهاجم به ایران را بسیار ضعیف و نامناسب می‌داند؛ او اشاره به این نکته دارد که راهبرد بغداد تصرف استان خوزستان واقع در جنوب غربی ایران در کناره ارون‌درود بود. درصد قابل‌ملاحظه‌ای از جمعیت خوزستان، عرب شیعه بودند؛ کسانی که صدام اعتقاد داشت که وی می‌تواند با توسل به زمینه‌های نژادی و قومی، آنها را وادار به خیزش و پشتیبانی از حمله ارتش عراق به عنوان نجات‌دهنده آنها از ظلم و ستم ایران کند؛ بغداد با چنین فرضیاتی که در ذیل خواهد آمد تلاش خود را آغاز کرد؛ اول، حکومت عراق توسط افسران مخالف ارتش ایران و سازمان‌های جاسوسی عراق متقاعد شده بود که نیروی زمینی ایران در نتیجه رهایی از خدمت و پاک‌سازی‌های صورت گرفته کارکنان به‌ویژه افسران ناشی از انقلاب اسلامی، خیلی ضعیف شده و نیروهای مسلح عراق خواهند توانست با کمی تلاش، نیروهای ایرانی را منهدم کنند.

بغداد تا حدی به این باور رسیده بود که مردم ایران اگرچه شاه را اخراج کرده بودند اما از آیت‌الله خمینی (ره) و روحانیت شیعه نفرت دارند و اگر به آنها فرصت لازم داده شود آنان را سرنگون می‌کنند؛ به تصور صدام در صورت تصرف خوزستان توسط ارتش عراق، این کار

همانند جرقه‌ای، آتش یک انقلاب دیگر را در ایران مشتعل نموده و نظام جمهوری اسلامی را برانداخته و آن را با یک دولت متمایل به مصالح عراق جایگزین می‌نماید (پولاک، ۱۳۸۹: ۱۲ - ۱۱). پولاک در ادامه به این موضوع اشاره می‌کند که بعد از دو ماه از جنگ (نه چهارده روزی که در ابتدا طراحی شده بود) عراقی‌ها در تأمین اهداف اصلی خود در خوزستان شکست خورده بودند؛ تنها شهر بزرگ و مهمی که آن‌ها تصرف کردند خرمشهر بود (پولاک، ۱۳۸۹: ۳۱)؛ هیرو نیز همچون پولاک به این نکته اشاره می‌کند که عراق امیدوار بود جنگ را در عرض یک هفته تمام کند و کنترل کامل اروندرود را در دست بگیرد؛ همچنین استان نفت‌خیز خوزستان را در اختیار بگیرد و یک دولت مخالف با حکومت ایران را در خوزستان تأسیس نماید؛ اما از نظر هیرو با گذشت ۲۱ ماه از شروع جنگ، نبرد با ایران به نبردی برای بقای عراق و رهبر عالی آن تبدیل شده بود. ایران که در اوایل جنگ در وضعیت نظامی، سیاسی و اقتصادی نابسامانی به سر می‌برد، با عملکرد خود در جنگ، دوست و دشمن را متعجب ساخت. ایران نشان داد که بسیار بیشتر از آنچه دوستان آن آرزو داشتند، یکپارچه و اصلاح‌پذیر است. هیرو بر این عقیده است که از لحاظ تاریخی، انقلاب‌های مردمی همواره در دفاع از خود پر توان بوده‌اند؛ چراکه آن‌ها در نظام جدید به سرعت به وضعیت توده‌های سرخورده‌ی نظام قبلی سر و سامان می‌بخشند و هنگامی که مورد تهاجم قرار می‌گیرند، قشر متوسط، پایین و کارگران که به تازگی به قدرت رسیده‌اند، برای حفظ آنچه به دست آورده‌اند، با قدرت می‌جنگند. ایران انقلابی نیز کاملاً چنین رفتاری را از خود بروز داد (هیرو، ۱۳۹۱: ۱۲۶ - ۱۲۵).

راهبرد نظامی تدافعی عراق در سال‌های میانی جنگ

در مجموع چرخش راهبرد نظامی عراق از هجومی به دفاعی به دلیل ضعف قوا و جستجوی فرصت مناسب جهت حمله دوباره به جمهوری اسلامی، از سال ۱۳۶۱ (آزادسازی خرمشهر) و به عنوان تفکر غالب ارتش عراق، تا سال ۱۳۶۶ ادامه پیدا کرد. راهبرد دفاعی عراق در این دوره زمانی شش ساله، در عمل و با توجه به تحولات صحنه جنگ دارای اشکال و مراحل مختلفی بوده که در ادامه به تشریح ابعاد و جزئیات بیشتر هر کدام از این مراحل پرداخته می‌شود:

راهبرد دفاع از سرزمین‌های اشغالی

به‌طور کلی راهبرد دفاعی عراقی‌ها در این مرحله حفظ دستاوردهای نظامی خود برای بهره‌برداری از آن‌ها در مذاکرات سیاسی بود. عراقی‌ها برای تحقق این راهبرد ناگزیر به تقویت و سامان بخشیدن تک‌تک مؤلفه‌های حاضر در برنامه دفاعی خود بودند و در حقیقت برای هر کدام از اجرای برنامه‌شان، دستورالعمل‌هایی در پیش می‌گرفتند؛ این دستورالعمل‌ها را می‌توان تحت سه عنوان کلی تشریح کرد؛ بخشی از آن در قالب سامان بخشیدن به نوعی سپر دفاعی مقتدر مانند ایجاد مراکز دیده‌بانی خوب و مستحکم، بخش دیگر ایجاد برنامه‌هایی بازدارنده جهت ممانعت از نزدیک شدن نیروهای مهاجم ایرانی و در نهایت بخش دیگر تلاش‌های فرماندهان عراقی برای برطرف ساختن نقاط ضعف برنامه‌های قبلی و تقویت سربازان با دست زدن به اقداماتی جهت جلوگیری از غافلگیری در برابر حملات ناگهانی ایرانی‌ها معطوف شد (درویشی، ۱۳۸۹: ۱۲۲ - ۱۲۱).

راهبرد دفاع مطلق و همه‌جانبه

عراق پس از شکست در عملیات بیت‌المقدس و از دست دادن برگ برنده در دست خود به راهبرد دفاع مطلق و همه‌جانبه روی آورد که از بسترهای ذیل ناشی می‌شد: الف. نگرانی نسبت به خطر از دست رفتن تمامیت ارضی رژیم عراق؛ ب. تلاش نظام سیاسی عراق برای پایان جنگ؛ ج. مواجهه نیروهای خارجی با وضعیت جدید عراق. رژیم عراق شکست در عملیات بیت‌المقدس را هشدار می‌بخشید و سخت برای خود قلمداد کرده، نیاز به بازنگری جدی در راهبردهای خود احساس نمود. عراق بلافاصله پس از شکست در عملیات بیت‌المقدس سلسله اقداماتی در راستای تحکیم مواضع دفاعی خود در مرزها و اتخاذ راهکارهایی برای جلوگیری از نفوذ نیروهای ایرانی به داخل خاک خود انجام داد (کردزمن و واگتر، ۱۳۹۰: ۱۷۴ - ۱۷۳). عراق چاره‌ای نداشت جز اینکه تلاش جدیدی را برای اصلاح ضعف‌های مواضع دفاعی خود در خط مقدم آغاز کند؛ در این زمینه صدام طی جلسه‌ای با فرماندهان ارتش عراق دلایل عقب‌نشینی و ضرورت‌های نحوه ادامه جنگ را ذکر کرد؛ وی بر احداث خاک‌ریز در خط در عمق، اعزام گروه‌های گشتی شناسایی و یا کمین به منظور کسب اخبار و اطلاعات از نیروهای خودی و بر هوشیاری نیروهای خود در شب و به خصوص

شب‌های مهتابی تأکید کرد و از فرماندهان خود خواست نقاط حساس پدافندی اطراف شهر یا اهداف اصلی را تقویت کنند (کردزمن و واگنر، ۱۳۹۰: ۲۱۲)؛ استفاده از موانع طبیعی و غیرطبیعی، کانال و تونل استحکامات و تاکتیک‌های ضد پیاده در این دوره تقویت شدند و به طور مشخص به یک برگ برنده در اجرای سیستم دفاعی عراق بدل شدند (کردزمن و واگنر، ۱۳۹۰: ۸۰).

پولاک اشاره‌ای به ساخته شدن خط پدافندی قوی در امتداد مرز برای جلوگیری از حملات ایرانی‌ها دارد و در توضیح این خطوط پدافندی می‌گوید: عراق سرانجام یک خط قوی پدافندی متشکل از خاک‌ریزی برای ساخت خاک‌ریز و خاک‌برداری جهت ایجاد کانال‌های عمیق و عریض و احداث استحکامات در امتداد تقریباً تمامی طول مرز خود با ایران ساخت. عراقی‌ها به‌طور گسترده‌ای از آب بستن زمین و ایجاد موانع آبی برای تغییر محل حملات ایران و دور ساختن تهاجمات از روی بخش‌های آسیب‌پذیر استفاده کردند، وجود دریاچه ماهی بهترین نمونه است؛ آن‌ها یک شبکه وسیع جاده‌ای ساختند که به آن‌ها اجازه انتقال سریع نیروهای احتیاط مکانیزه را برای رویارویی با حملات ایران در هر جایی در امتداد جبهه نبرد را می‌داد (پولاک، ۱۳۸۹: ۵۷ - ۵۶).

در مقابل پولاک به این نکته اشاره می‌کند که در اواخر سال ۱۳۶۴، جنگ ایران و عراق در یک بن‌بست گرفتار شده بود و عراق بر این باور بود که استحکامات دفاعی و سرمایه‌گذاری عظیم آن کشور در افزایش قدرت آتش کلید اصلی ممانعت از تهاجم ایران را به آن کشور، داده است؛ در این مرحله از جنگ، بغداد فقط به دنبال راهی برای به حداقل رساندن تلفات خود در نبرد دائمی در جنوب عراق و کردستان بود و امیدوار بود که فشارش بر روی اقتصاد وابسته به نفت ایران و بن بست بر روی زمین، به تهران برای تشخیص بیهودگی تداوم جنگ، فشار آورد؛ گذشته از آن به نظر می‌رسد، که ایرانی‌ها دریافته بودند که نیروهای آنان خستگی‌ناپذیر نیستند و قدرت آتش عراق می‌تواند ویرانگر باشد؛ اما تهران هنوز به این مسئله اعتقادی پیدا نکرده بود که تلاش‌های تهاجمی این کشور راه به‌جایی نخواهند برد؛ در نتیجه ایران همچنان به حملات بی‌وقفه خود به خطوط پدافندی عراق ادامه داد؛ اگرچه با احتیاط بیشتری از قبل، این کار را انجام می‌داد (پولاک، ۱۳۸۹: ۸۶ - ۸۵).

جمع‌بندی نهایی که می‌توان از اتخاذ این راهبرد از سوی عراقی‌ها داشت این بود که علی‌رغم تمامی توفیقات عراقی‌ها در دفع حملات نیروهای ایرانی و مقاومت از مرزهای خود، برگزیدن دفاع مطلق به مثابه یک راهبرد نظامی نتوانست ثمره چندانی در راستای کسب یک پیروزی جنگی برای بعضی‌ها داشته باشد؛ در حقیقت راهبرد دفاع مطلق عراقی‌ها محتوم به شکست بود؛ زیرا این دولت هدف خود را دستیابی به آتش‌بس قرار داده بود؛ اما راهبرد دفاع مطلق هیچ انگیزه‌ای برای تمایل به مذاکره در طرف ایرانی که خود را مستعد دستیابی به پیروزی می‌دید، ایجاد نمی‌کرد؛ این چنین بود که در نهایت عراقی‌ها دریافتند برای ادامه جنگ ناگزیر به توسعه صحنه جنگ هستند و از همین رو پس از عملیات خیبر به گسترش توسعه صحنه جنگ پرداختند (درویشی، ۱۳۸۹: ۱۲۶-۱۲۵).

راهبرد توسعه صحنه جنگ و جنگ فرسایشی

هیرو با اشاره به اینکه عدم موفقیت پی در پی ایران در سال‌های ۶۵ - ۱۳۶۱ به چه عواملی بازمی‌گردد؛ یکی از این عوامل را نیز روبه‌رو بودن نیروهای ایران با عوامل غیرعادی و بی‌سابقه‌ای می‌داند؛ یعنی استقرار ماهواره‌های جاسوسی آمریکا بر فراز مناطق جنگی که اطلاعات به دست آمده از این منابع از طریق عربستان سعودی در اختیار عراق قرار می‌گرفت؛ ادامه این وضعیت نه تنها به بغداد توانایی لازم را برای حفظ آمادگی در برابر تهدیدات قریب‌الوقوع ایران می‌داد، بلکه مانع اتخاذ تاکتیک‌های معمول تمرکز نیرو پیش از اجرای عملیات از سوی فرماندهان ایران می‌گردید و در نتیجه کارایی نیروهای آن را به شدت تضعیف می‌نمود؛ البته شورای عالی دفاع ایران آمادگی اصلاح راهبرد خود برای اجرای عملیات‌های بزرگ در نقاط خاص را داشت. شورا مناسب دید عراق را در تمام طول جبهه به منظور تحلیل بردن منابع و امکانات آن تحت فشار قرار دهد؛ تا به این ترتیب حکومت بعث را به ورطه فروپاشی بکشاند؛ علاوه بر این با اجرای جنگ متحرک فرسایشی امید داشت، تلفات انسانی و صدمات تجهیزاتی ایران کاهش یابد؛ این تفکر به دنبال خود اجرای اقدامی تأثیرگذار را می‌طلبید تا تدابیر راهبردی و لجستیکی بغداد را دچار آشفتگی کند و ماشین جنگی آن را نامتعادل نماید (هیرو، ۱۳۹۱: ۱۷۴ - ۱۷۳).

عراق در سال‌های ۶۳ - ۱۳۶۰ اغلب تعداد نیروی انسانی بیشتری نسبت به ایران در جبهه‌های نبرد داشت و عملاً همیشه از نیروی انسانی آموزش‌دیده‌تری برخوردار بود. ایران با به‌کارگیری نیروهای داوطلب صرفاً می‌توانست عملیات‌هایی با دستاوردهای کوتاه‌مدت در جبهه‌ها انجام دهد و برای عملیات‌های گسترده‌تر با مشکلات پیچیده‌ای مواجه بود. یک عملیات تهاجمی موفقیت‌آمیز مستلزم قدرت تحرک یگان‌ها و قدرت آتش است و ایران برای انجام دادن چنین عملیات‌هایی به [امکانات] زرهی، توپخانه، پدافند هوایی و پشتیبانی - یعنی تدارکاتی بسیار بیشتر از آنچه داشت - نیازمند بود تا بتواند از حداکثر کارایی نیروهای نظامی‌اش بهره‌گیری کند.

بهترین راهبرد ایران، بهره‌گیری از برتری‌اش در خصوص نیروی انسانی برای انجام دادن چند عملیات هم‌زمان در چند جبهه بود؛ این راهبرد تهاجمی هم‌زمان می‌توانست عراق را از توان تقویت نیروها و استحکامات دفاعی‌اش از طریق جابه‌جایی نیروهایش از دیگر بخش‌های جبهه برای مقابله با یک عملیات معین ایران محروم سازد و نتواند از مجموعه نیروی نظامی و فناوری‌اش برای مقابله با یک عملیات بزرگ ایران استفاده کند (کردزمن و واگنر، ۱۳۹۰: ۱۳۴ - ۱۳۰).

هیرو اشاره به این نکته می‌کند که در زمستان سال ۱۳۶۴ رزمندگان ایران برای نخستین بار در طول دو سال اخیر موفق به تصرف و حفظ خاک عراق شدند و بدین ترتیب نظریه رایج در میان ناظران خارجی و داخلی مبنی بر عدم توانایی نیروهای ایران در شکست بن‌بست نظامی را مردود ساختند؛ مهم‌تر آنکه این پیروزی به تهدیدات تهران در خصوص اجرای «عملیات نهایی» به منظور پایان دادن به جنگ، با شرایطی که خود تعیین می‌نمود، اعتبار بخشید و بغداد و نیز کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را دچار تنش و نگرانی ساخت.

ایران نشان داد که کاملاً آمادگی اجرای عملیات‌های متعدد نظامی را به طور هم‌زمان دارد و این همان راهبردی بود که پیش از این، به طور مؤثر تحقق نیافت؛ از طرف دیگر موفقیت این طرح ناشی از انعطاف‌پذیری بود که فرماندهان ایران با تمرکز نیروها برای نفوذ در جبهه‌ای خاص از خود نشان دادند؛ اصل غافلگیری و نیز شرایط جوی، نقش بسیار با اهمیتی را در موفقیت این عملیات ایفا کرد (هیرو، ۱۳۹۱: ۲۹۳).

عراقی‌ها در ادامه جنگ دریافتند ناگزیر به تغییر در راهبرد نظامی خویش هستند و از همین رو پس از عملیات خیبر و از اوایل اسفند ۱۳۶۲ به گسترش توسعه صحنه جنگ پرداختند. ورود عراق به فاز جدید جنگ همراه با اتخاذ سه سیاست عمده تهاجمی استفاده مکرر و وسیع از سلاح‌های شیمیایی، بمباران مراکز اقتصادی از قبیل پایانه‌های صدور نفت و نفت‌کش‌ها و نیز بمباران مراکز مسکونی شهرها و خصوصاً شهر تهران بود (درویشی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

پولاک اشاره به حملات هوایی عراق داشته و اضافه می‌کند هرچند، مهم‌ترین مشکل عملیات جنگی هوایی عراق بر علیه صادرات نفت ایران این بود که بغداد هرگز تلاش مصممی را برای غرق کردن تعداد زیادی از کشتی‌های نفت‌کش حامل نفت صادراتی ایران یا برای نگه‌داشتن این تلاش در طی یک دوره زمانی طولانی انجام نداد. در عوض، حملات عراق پراکنده و تصادفی بود و بیشتر به عنوان یک مزاحمت تلقی می‌گردید تا به وجود آوردن یک مشکل واقعی برای تهران؛ اگرچه حملات هوایی عراق این امکان را به وجود آورد که میزان صادرات نفت ایران را کاهش دهد؛ اما هرگز نتوانست صدور نفت و در نتیجه آن طوری که بغداد آروزی آن را داشت، اقتصاد ایران را فلج کند (پولاک، ۱۳۸۹: ۸۱).

راهبرد دفاع متحرک

رهبری عراق پس از اینکه از راهبرد گسترش دامنه جنگ طرفی نسبت و آن را عاملی مؤثر بر توقف اراده ایران در ادامه جنگ ندید، برای خروج از انفعال و با هدف تعیین سرنوشت جنگ در جبهه‌های عملیاتی، راهبرد جدید خود را طراحی کرده و به مرحله اجرا درآورد. راهبرد جدید در پی آن بود که با فعال شدن نیروهای عراق در جبهه‌های زمینی، موضع دفاعی ارتش عراق به حالت تهاجمی درآید؛ چنانکه صدام هم گفته بود:

«ما به این نتیجه رسیده‌ایم که اگر ارتش ما حمله نکند، نیروهای ایران حمله می‌کنند و اگر در یک نقطه پدافند کنیم، پس از چند روز همان اندازه تلفات می‌دهیم که معمولاً در حمله می‌دهیم؛ بنابراین بهترین راه را در این یافتیم که فعلاً از فاو صرف‌نظر کنیم و در سایر جبهه‌ها به نیروهای ایران حمله کنیم» (درویشی، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

در مجموع اهداف عمده عراق از اتخاذ راهبرد دفاع متحرک را در موارد زیر می‌توان

دسته‌بندی کرد:

۱. حل کردن مسائل روحی روانی ناشی از تلفات بسیار سنگین در والفجر هشت و همچنین روحیه بخشیدن به مردم عراق؛
۲. عراق پس از والفجر هشت خود را ناتوان از رویارویی با تهاجمات گسترده جدید دانست؛ از این رو سعی کرد با تحرکات نظامی خود ایران را زمین‌گیر کرده و به انفعال بکشد؛ چنین امری می‌توانست فرصت مناسبی برای نیروهای عراقی جهت بازسازی و بالا بردن توان رزمی‌شان باشد؛
۳. جلوگیری از مایوس شدن حامیان بین‌المللی صدام از توانایی ارتش و رژیم صدام؛
۴. به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ و تعیین نقطه و نوع نبرد.

راهبرد نظامی تهاجم مجدد عراق در ماه‌های پایانی جنگ

اقدامات عراق در چارچوب راهبرد جدیدش از اواخر فروردین ۱۳۶۷ تا پذیرش آتش‌بس از سوی عراق در ۱۳۶۷/۵/۲۹ با وجود کوتاه بودن مدت، نتایج تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت جنگ به دنبال داشت. عراق طی این مدت کوتاه نه تنها توانست تمامی سرزمین‌هایی را که ایران طی سال‌های ۶۷ - ۶۱ به تصرف خود درآورده بود باز پس بگیرد بلکه مجدداً و در یک اقدام غیرقابل تصور تصمیم گرفت تا دوباره به خاک ایران تجاوز نماید تا شاید آنچه را که در سال ۱۳۵۹ به دست نیاورده بود اکنون به چنگ آورد؛ این راهبرد ناشی از شرایط زیر بود:

الف. شرایط و فضای بین‌المللی

نگرانی‌ها نسبت به گسترش دامنه جنگ و احساس خطر نسبت به احتمال برتری ایران در جنگ سبب ایجاد نوعی اجماع جهانی برای پایان جنگ شد که این مهم با حمایت جدی از عراق برای تغییر موازنه جنگ از برتری ایران به سود برتری عراق عینیت می‌یافت. در حقیقت زمانی که به ابرقدرت‌ها ثابت شد عراق توان مقابله با فشارهای نظامی ایران را ندارد، نوعی اجماع جهانی برای تشدید فشار به ایران و تغییر در موازنه نظامی به سود عراق به منزله نخستین شرط پایان سریع جنگ پدید آمد (درویشی، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

ب. تغییر در موازنه قوا بین ایران و عراق

رشد بی‌سابقه توانایی نظامی عراق در سال‌های پایانی از لحاظ کمی و کیفی و به‌کارگیری توصیه‌ها و راهنمایی‌های منابع خارجی از جمله عوامل اصلی برهم خوردن توازن قوا به سود

عراق در این ماه‌ها بودند. در مجموع ارتش عراق با تغییر راهبرد نظامی از تدافعی به تهاجمی در ماه‌های پایانی جنگ، قصد داشت تا اولاً کلیه سرزمین‌های خودش را که در تصرف ایران بودند، باز پس بگیرد؛ ثانیاً ایران را به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مجبور سازد و ثالثاً با تجاوز مجدد به خاک ایران، در مذاکرات آتی موضع برتر را برای خود فراهم سازد؛ البته از اهداف یاد شده، تنها هدف اول و دوم به‌طور کامل برآورده شدند؛ یعنی اولاً عراق طی مدت کوتاهی توانست تمامی سرزمین‌هایی را که ایران طی سال‌های ۶۷ - ۶۱ به تصرف خود درآورده بود، از قوای ایرانی باز پس بگیرد؛ ثانیاً در تاریخ ۶۷/۴/۲۷ ایران به‌طور رسمی و طی نامه‌ای به دبیر کل وقت سازمان ملل اعلام نمود که قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته است؛ اما به دلیل عدم پیش‌بینی بسیج و گسیل مجدد نیروهای با انگیزه ایرانی به جبهه‌ها و مقاومت جانانه آن‌ها در برابر تجاوز مجدد عراق به خاک ایران و نیز سرمایه‌گذاری بیش از اندازه بر نیروهای بی‌تجربه سازمان منافقین در عملیات فروغ جاویدان، هدف سوم عراقی‌ها تحقق پیدا نکرد.

پولاک حمله به فاو در بهمن سال ۱۳۶۴ و شکست چشمگیر پاتک‌های عراق را شرح داده و به نظر وی این عملیات نتایج مهمی را در برداشت. نبرد فاو ستاد ارتش عراق را متقاعد نمود که سربازان عراقی فاقد قابلیت‌های لازم برای اجرای مؤثر عملیات‌های تهاجمی هستند؛ یک‌بار دیگر نیروهای عراقی علی‌رغم اینکه از نظر قدرت، آتش، فناوری، قدرت هوایی و عددی بر نیروهای ایرانی برتری داشتند اما شکست خوردند و به‌طور خفت‌باری هم شکست خوردند؛ همچنین تلفات در فاو رهبری سیاسی را متقاعد نمود که عراق نمی‌تواند واقعاً بر روی حالت تدافعی باقی بماند و امیدوار باشد که ایران در مراحل بعدی به دلیل فرسودگی و ناامیدی با آتش‌بس موافقت خواهد کرد؛ سرانجام ستاد ارتش صدام را ترغیب کرد که وی نمی‌تواند یک راه حل نظامی سیاسی هوشمندانه و کم‌هزینه‌ای را برای پایان دادن به جنگ پیدا کند و عملاً تنها راه پایان بخشیدن به جنگ شکست نیروهای ایرانی بر روی زمین است (پولاک، ۱۳۸۹: ۸۶ - ۸۵).

پولاک اشاره به پیروزی‌های عراق در سال انتهایی جنگ کرده و آن را نشان از بهبود در کارایی ارتش عراق می‌داند؛ وی این پنج حمله را مقدمه یک اقدام اساسی برای اصلاح در سطح راهبردی رهبری نظامی از زمان شروع جنگ می‌داند؛ عنصر اصلی این حملات از دیدگاه

پولاک، طرح‌ریزی جزییات توسط ستاد ارتش عراق بود. فرماندهی عالی قادر بود تا با تکیه بر امکانات کسب اطلاعات راهبردی خویش (ابتدا توسط هواپیماهای عکاسی - شناسایی، ردیابی علائم مخابراتی و اطلاعات تهیه شده از سوی ایالات متحده) تا از کنار هم قرار دادن آن‌ها، تصویر دقیقی از گسترش نیروهای ایرانی به دست آورد؛ سپس آن‌ها از این اطلاعات برای توسعه یک طرح تفصیلی برای شکافتن پدافند خطوط مقدم ایران، احاطه واحدهای بزرگ و شکست نیروهای احتیاطی عملیاتی ایران استفاده می‌کردند. عراقی‌ها با دقت نیروی پر قدرتی را علیه یک منطقه مشخص متمرکز می‌کردند و تهران را به این باور می‌رساندند که حمله در جایی دیگر انجام می‌شود به طوری که نیروهای ایرانی غافلگیر می‌گردیدند؛ علاوه بر این، ستاد ارتش عراق این طرح‌ها را برای هماهنگی رسته‌های مشترک، مأموریت‌های حملات هوایی و آتش پشتیبانی توپخانه، مانور در سطح عملیاتی و زمان‌بندی و فاصله هر مرحله از عملیات را به تفصیل می‌نوشت؛ نهایتاً ستاد ارتش با احتیاط طرح حملات محدود و کوتاه‌مدت را هم به عهده می‌گرفت که جزییات آن از قبل می‌توانست طرح‌ریزی شده باشد به دلیل حوزه محدود عملیات‌ها، رخدادهای پیش‌بینی نشده به حداقل می‌رسید؛ خلاصه اینکه، طرح‌ریزی و آماده‌سازی برای هر عملیات در درجه نخست قرار داشت (پولاک، ۱۳۸۹: ۱۰۸ - ۱۰۷).

تجزیه و تحلیل

دوران جنگ عراق و ایران یک مقطع مهم و برجسته در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. حکومت‌ها به تبع عوامل فرهنگی اجتماعی، اقتصادی، نیازهای داخلی، اوضاع جغرافیایی و موقعیت ژئوپلیتیک و نیز تحت تأثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌المللی، جهت‌گیری و راهبرد خاصی را برای تأمین اهداف و منافع ملی خویش برمی‌گزینند. از آنجا که سیاست‌ها و راهبردها تأثیرپذیر از عوامل مختلف‌اند، نباید انتظار داشت همواره بدون تغییر باقی بمانند؛ این تغییرات گاه سریع و سطحی و زمانی آهسته و زیربنایی‌اند و در هر صورت در محیطی متأثر از عوامل دگرگون‌کننده به وجود می‌آیند.

مقاله حاضر به بررسی مهم‌ترین جهت‌گیری‌ها و راهبردهای ملی دو طرف درگیر در صحنه جنگ عراق علیه ایران پرداخته و نتایج ناشی از هر رخداد و تحول اساسی در این جنگ را - که با

کسب پیروزی یا شکست همراه بوده - از این منظر مورد مطالعه و نقد قرار داده است. در این مقاله با استفاده از نظرات کارشناسان و تحلیلگران به بررسی آثار و نتایج اجزاء و عناصر راهبردهای ملی دو طرف درگیر در جنگ پرداخته شده است. از مهم‌ترین مؤلفه‌های مدیریت راهبردی ملی می‌توان به مدیریت راهبردی سیاسی و بین‌المللی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و نظامی را اشاره کرد؛ از طریق بررسی و تحلیل ابعاد هر یک از اجزاء و عناصر این مؤلفه‌ها می‌توان به چگونگی و میزان تأثیر این راهبردها بر مدیریت راهبردی ملی پی برد و نقش تعیین کننده هر یک را مورد توجه و تأمل قرار داد.

قدرت فرهنگی و اجتماعی

در بررسی راهبرد فرهنگی اجتماعی می‌توان به مواردی از قبیل اعتقادات مذهبی و دینی ملت‌ها، وضع اجتماعی و روانی مردم، سنت‌ها و عادات، وحدت ملی مردم و... اشاره نمود. حکومت عراق با استفاده از سیاست‌های متفاوتی از جمله: تشویق و تنبیه شیعیان و استفاده ابزاری از اماکن مقدس، سعی در جلب رضایت شیعیان داشته است؛ اما در مورد اکثریت مردم عراق، راهبردهای تحریک حسن وطن‌پرستی، ناسیونالیسم عربی و جریان پان‌عربیسم اجرا شده است.

در ایران نیز از طریق راهبردهای مذهبی و ارزشی سعی در همراه سازی مردم شده است. سیاست‌هایی از جمله: معرفی چهره واقعی انقلاب اسلامی، اسلامی‌سازی ارتش و سپاه پاسداران، ارتقاء سطح آموزش و آگاهی در خصوص ماهیت اسلامی سیاست‌ها و تصمیمات حکومت و دولت، اعلام جهاد، جلب همدلی نیروهای شیعه و سنی و تقویت ارزش‌های انسانی نظیر شرافت، عزت، شهادت، آزادی... .

در بعد وحدت ملی دو طرف درگیر در جنگ از دیدگاه این اندیشمندان در مقاطع مختلف زمانی متفاوتی بررسی شده‌اند اما نهایتاً ثمرات جنگ در ایران از نظر این اندیشمندان این موارد بوده است: احیاء و افزایش همبستگی و وحدت ملی، احیاء انگیزه‌های حفظ وحدت ملی، تداوم انقلاب اسلامی، مانع بروز اختلافات و منازعات شخصیت‌های سیاسی، افزایش ارزش‌های دینی در جامعه مانند: شرافت، عزت، شهادت. ثمرات جنگ در طرف عراق از نظر این اندیشمندان این موارد بوده است: تقویت حس وطن‌پرستی، انضباط، شجاعت و... مقاطع

زمانی مختلف باعث تفاوت در راهبردهای دو طرف شده است؛ به عنوان مثال در برهه‌های زمانی که راهبرد هر یک از طرفین دفاعی بوده است، این اندیشمندان وجود راهبرد دفاعی را باعث تقویت حس همبستگی ملی و وطن پرستی دانسته‌اند.

جنگ در عراق باعث غفلت از ساختار قومی، فرهنگی و سیاسی شد (عدم توجه به ساختار فرهنگی سیاسی و اجتماعی عراق موجب شد تا این کشور در سراسر دوران حاکمیت حزب بعث دچار بحران هویت شود).

در عراق کنترل گسترده رسانه‌ها مخصوصاً صداوسیما به منظور ابزاری برای روایت خاص مورد نظر خود از جنگ با ایران اعمال شد.

قدرت سیاسی

عراق با طرح داعیه رهبری جهان عرب، طرح ادعاهای مرزی و ارضی نسبت به برخی کشورهای همسایه و ساختار حکومتی متمرکز و توتالیتر موجب شد تا بر قابلیت‌های تهدیدزایی عراق افزوده شود.

مالکیت انحصاری حزب بعث در عراق اثرگذاری شدیدی بر تصمیمات راهبردی این کشور داشته است. حکومت عراق مجموعه‌ای از روابط حزبی مبتنی بر خویشاوندی را به وجود آورده بود که باعث جلوگیری از شایسته‌سالاری در ارتش و نیروهای مسلح عراق شده بود؛ همچنین وجود سازمان‌های امنیتی بسیار، رسانه‌ها و مراکز فرهنگی تحت کنترل و... از دیگر نشانه‌های این مالکیت انحصاری بوده است.

عراق کشوری است که از گروه‌ها، مذاهب و قومیت‌های مختلفی برخوردار است و این مسئله کاملاً بر ضد هویت جمعی عراق عمل می‌کرد؛ حزب بعث با عقاید خود و با به دست گرفتن قدرت کل حکومت، وظیفه نگه‌داشتن و راهبری این گروه‌های پراکنده را در طول جنگ ایفا کرده است؛ از نظر این اندیشمندان جنگ هرچند که باعث آسیب‌ها و ثمرات جبران‌ناپذیری بر اقتصاد دو کشور شده است؛ اما این دو کشور از انسجام و قدرت سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و نظامی بیشتری برخوردار شدند؛ در نهایت از نظر این اندیشمندان عراق تحت حاکمیت صدام، کشوری قابل توجه اما غیرقابل اعتماد، برخوردار از قابلیت برهم زدن مطالعات منطقه‌ای و بین‌المللی و منشأ اکثر ناآرامی‌ها و بحران‌های منطقه‌ای شد.

نظام سیاسی جدید در ایران که بر اساس اندیشه دینی و انقلابی پایه‌ریزی می‌شد، به طور طبیعی برای مسلمانان منطقه و عراق حامل پیام بود. سیاست داخلی و خارجی نظام برآمده از انقلاب اسلامی، جهت و درون‌مایه‌ای کاملاً مغایر با منافع حکومت‌های منطقه خلیج فارس داشت؛ علاوه بر آن به دلیل عدم استقرار نظام جدید در ایران و نیز عدم اتحاد جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های برتر نظام بین‌الملل، شرایط ایران در این جنگ از نظر راهبردی در وضعیت نامناسبی قرار داشته است.

قدرت اقتصادی

در طرف عراق، راهبردهای اقتصادی معمولاً مبتنی بر نگاه به بیرون طرح‌ریزی و اجرا می‌شد؛ از جمله: استفاده از وام‌های خارجی، استفاده از ظرفیت نیروی کار خارجی، تولید و خرید سلاح‌ها و جنگ‌افزارها و...؛ اما ایران به دلیل نوع تفکر مبتنی بر ارزش‌های انقلابی و همچنین عدم دسترسی به منابع و ظرفیت بیرونی و نظام بین‌الملل، راهبردها بیشتر مبتنی بر استفاده از قدرت و توان داخلی و خودکفایی بوده است.

بروز جنگ باعث بروز نوآوری، خلاقیت و ارائه راهبردهای جدید در هر دو طرف درگیر در جنگ شده است. حکومت عراق در زمینه‌های کمتری نسبت به ایران توانست به خودکفایی در تولیدات نظامی دست یابد؛ هرچند فراسوی این موفقیت‌ها، صنایع تسلیحاتی عراق هرگز قادر به پشتیبانی از نیروهای مسلح خود نبودند و در مواردی نیز این نوآوری‌ها همان سامانه‌های تسلیحاتی ساخت دیگر کشورها با اندک تغییرات ظاهری بودند.

در ایران محدودیت‌های جنگی باعث بروز نوآوری‌ها و ابداعات بسیاری شد؛ بروز این زمینه موجب پیدایش صنایع داخلی در بخش‌های نظامی و غیرنظامی شد؛ در واقع جنگ در ایران وسیله‌ای برای تحکیم پایه‌های نظام و دستیابی به اهداف انقلاب در زمینه خودکفایی شد؛ اصلاح ساختارها و راهبردهای اقتصادی به تبع شرایط و اوضاع جنگی نیز انجام شده است؛ از جمله اینکه تحرکات نظامی سیاسی ایران باعث کاهش صادرات نفت عراق شد؛ همین امر موجب شد تا عراق برای مدیریت شرایط جدید از سیاست‌های تعدیل اقتصادی از طریق: کاهش مزایا و مواجب کارمندان دولت، استفاده از کمک‌های مالی خارجی، افزایش

بهره‌وری عمومی و تشویق کسب و کار آزاد، اقدام به مقابله با عوارض حاصل از کاهش درآمدهای نفتی و... اقدام کند.

بروز جنگ عامل تعویق تصمیم‌گیری‌های اقتصادی - اجتماعی همچون: اصلاحات ارضی، مالکیت، تجارت خارجی، مالیات و... شده است.

نوع نگاه ارزش‌مدار به اقتصاد در ایران باعث ارائه و انجام راهبردهایی مانند عرضه مایحتاج اولیه مردم از طریق جیره‌بندی کالاهای اساسی، مزمت اسراف، تأمین رفاه و آسایش مستضعفان حتی در شرایط اضطراری جنگ، اخذ مالیات از اقشار پردرآمد جامعه، توزیع ثروت به نفع طبقات محروم‌تر و... شده است.

از دیدگاه این کارشناسان بین‌المللی عوامل اقتصادی چون کاهش قیمت نفت، بروز کمیابی در کالاها، رشد جمعیت در ایران، آسیب دیدن ساختارهای اقتصادی و نیازمندی به بازسازی آن‌ها و تقاضاهای مردمی به دلیل محدودیت‌ها، از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر پایان جنگ بوده است.

قدرت نظامی

راهبردهای نظامی طرفین درگیر در جنگ از یک راهبرد، مدیریت و برنامه‌ریزی واحد برخوردار نبوده است؛ دلایل این تغییر در راهبردها، تغییر اقتضائات و شرایط مراحل مختلف جنگ و تغییر در شکل فرماندهی بوده است. با توجه به اینکه عراق برنامه طراحی شده اولیه خود را بر یک راهبرد نمایشی و جنگ سریع و برق‌آسا بنا نهاده بود؛ عملاً در ادامه جنگ به سمتی سوق یافت که مجبور شد راهبرد و تاکتیک‌هایی را در پیش بگیرد که چندان با محاسبات قبلی و گزینش عقلانی اتخاذ نشده بودند؛ زیرا اولاً ارتش عراق آمادگی یک جنگ طولانی‌مدت را نداشت؛ ثانیاً تحولات راهبردی عراق یک برنامه از پیش تعیین شده و مرحله به مرحله برای شکست دشمن نبود؛ در مرحله بعد پس از مشاهده مقاومت نیروهای نظامی و مردمی ایران، پیشروی‌های عراق متوقف می‌شود و با تمرکز بر حفظ مواضع اشغالی، انتظار آن می‌رود تا بحران داخلی خود به خود منجر به فروپاشی ایران شود؛ با شکست این راهبرد و از دست دادن نواحی اشغالی، راهبرد دفاع مطلق جایگزین می‌شود؛ با این حساب که ایران نیز از جنگ خسته شود و با پایان انگیزه نیروها به جنگ خاتمه دهد؛ در مرحله بعد، راهبرد توسعه

صحنه جنگ بی توجه به روحیه بالای مردم ایران اجرا می شود؛ بدون اینکه برای پاسخ متقابل و حتی قوی تر ایران با بمباران نیروی هوایی و همچنین توان ایران در جنگ زمینی (که باعث از دست دادن فاو شد) پیش بینی لازم صورت گیرد؛ راهبرد دفاع متحرک نیز به دلیل تصور غلط از اینکه توازن جبهه ها به سود آن ها برگشته است پیگیری می شود؛ در پایان جنگ نیز پس از بازپس گیری نواحی اشغالی چون فاو، حلبچه و... این باور به وجود می آید که ایرانی ها در تداوم جنگ و حتی حفظ مرزهای خود نیز بی انگیزه شده اند؛ به همین دلیل تهاجم پایانی صورت می گیرد؛ اما با مقاومت نیروهای ایرانی مجبور به عقب نشینی از خاک ایران می شوند. در جدول شماره ۱ مقایسه مولفه های راهبردی به کارگرفته شده میان عراق و ایران را نمایش می دهد تا بتوان به صورت اجمالی مقایسه ای هر چند کلی میان عراق و ایران در این زمینه صورت گیرد.

جدول ۱. مقایسه مولفه های راهبردی میان ایران و عراق

طرف درگیر بررسی شده	راهبردها		
عراق	استفاده از سیاست تشویق و تنبیه در قبال شیعیان	مذهبی	
عراق	استفاده ابزاری از اماکن مذهبی		
ایران - عراق	جاذبه بیشتر جریان های اسلامی نسبت به ملی گرایی		
ایران - عراق	جهاد در مقابل پان عربیسم		
ایران	استفاده از بخش عقیدتی-سیاسی		
ایران - عراق	بسیج مردم		
عراق	مالکیت انحصاری حزب بعث در عراق		
عراق	استفاده از ابزارهای ترس و خشونت		
عراق	بهره گیری از رسانه ها برای تبلیغات		
عراق	انتقاد بر مدیریت جنگ		
ایران - عراق	پیشرفت های صنایع تسلیحاتی و تولیدات داخلی	راهبردهای اقتصادی	
عراق	استفاده از کارگر خارجی به عنوان نیروی کار نظامی		استفاده از توانایی
عراق	استفاده از وام های خارجی		داخلی یا اتکا به قدرت خارجی
ایران - عراق	کاهش بدهی خارجی ایران در مقابل افزایش بدهی های عراق		
ایران	نوع نگاه ارزشی به اقتصاد و جامعه	تأثیر متقابل راهبردهای اقتصادی و جنگ	
عراق	اصلاح راهبردهای اقتصادی از پیامدهای جنگ		
ایران	درگیر شدن در جنگ عامل تعویق تصمیم گیری های اقتصادی-اجتماعی		
ایران	نگاه به مالیات به عنوان هدفی اجتماعی اقتصادی		
ایران - عراق	اقتصاد عامل مؤثر بر پایان جنگ		

ادامه جدول ۱. مقایسه مولفه های راهبردی میان ایران و عراق

راهبردها		طرف درگیر بررسی شده
ایران	دیدگاه متفاوت صدام نسبت به دولت‌های در ایران	عراق
	توانایی در صدور انقلاب	ایران
	حمله به ایران برای جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی	عراق
	استفاده از اغنا و ارباب برای جلب حمایت	عراق
	همراه کردن دیگر کشورها با عناوین مختلف	عراق
	قرار دادن ایران در جبهه مقابل اعراب	عراق
	مستقل بودن یا وابستگی؟	ایران
	حمایت از طرف کشورهای غربی	عراق
	اثر تحریم‌ها بر راهبردها	ایران
	تغییر گرایش در اثر تحریم‌ها	عراق
موقتی بودن ائتلاف‌ها و معاهدات		عراق
جنگ برق‌آسا و محدود (در سال‌های ابتدایی و انتهایی جنگ)		عراق
راهبردهای نظامی	دفاع از سرزمین‌های اشغالی	ایران - عراق
	دفاع مطلق	عراق
	توسعه صحنه جنگ و جنگ فرسایشی	ایران - عراق
	دفاع متحرک	عراق

نتیجه‌گیری

گرچه مشخصه اساسی جنگ‌ها به لحاظ شرایط وقوع و استفاده از ابزار و تجهیزات نظامی و نتایج تا اندازه‌ای یکسان است، ولی ماهیت جنگ‌ها به دلیل تأثیرپذیری از شرایط سیاسی - اجتماعی متفاوت است؛ به همین دلیل حتی در میان کشورهای در حال جنگ، نگرش به قدرت و روش استفاده از آن، طراحی راهبرد و تاکتیک‌ها و روش خاتمه دادن به جنگ و بسیاری از مسائل دیگر متفاوت است؛ با توجه به دیدگاه و نظرات این اندیشمندان در مجموع راهبردها و نتایجی را که به دنبال داشته است برای جنگ ایران و عراق متصور شد:

فرهنگی اجتماعی

حمله عراق به ایران موجب تقویت پایه‌های نظام جمهوری اسلامی شد. مواجهه همگانی جامعه ایران با مسئله جنگ، به عنوان یک مسئله راهبردی و مخاطره‌آمیز، تحت تأثیر تحولات عمیق سیاسی - اجتماعی برآمده از انقلاب برای دفاع از انقلاب، کشور و تمامیت ارضی قرار

داشت؛ در واقع اهداف و شعارهای انقلاب، همچنین مشارکت مردمی در صحنه‌های انقلاب و پیروزی آن، موجب ظهور قدرت دفاع ایران در جنگ شد؛ همچنین این موضوع نیز قابل درک است که قدرت جدید دفاعی ایران در برابر حمله عراق بر پایه حضور نیروهای داوطلب مردمی و باورهای سیاسی - اعتقادی و انقلابی، شکل گرفت؛ تأییدکننده این موضوع نیز نتایج به دست آمده در مرحله دفاع و آزادسازی مناطق اشغالی در جنگ در اوایل جنگ در مقایسه با مرحله پیشروی در داخل خاک عراق پس از فتح خرمشهر در اواسط جنگ است. قدرت نظامی ایران با مشخصه برآمده از یک انقلاب دینی و مردمی برای تأمین اهداف دفاعی و آزادسازی مناطق اشغالی در خاک کشور در مقایسه با جنگ طولانی در خاک دشمن تناسب و موفقیت بیشتری داشت.

در اثر جنگ، عراق تغییر ماهوی پیدا کرد؛ زیرا عراق در نتیجه این تغییرات از آرمان‌های سوسیالیستی، شعارهای افراطی در خصوص ناسیونالیسم عرب و مبارزات ضد صهیونیستی دست کشید؛ جامعه عراق نیز در زمان جنگ از وحدت و انسجام بیشتری نسبت به گذشته برخوردار شد؛ هرچند که راه و روش‌های رسیدن به این وحدت در هر دو کشور متفاوت بوده است. در ایران با استفاده از مفاهیمی همچون وحدت، جهاد در مقابل بیگانه و در جامعه عراق با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، ابزارهای اعمال زور و خشونت نیروهای بعثی و خصوصاً از به‌کارگیری مفاهیمی همچون پان‌عربیسم و وحدت اعراب این هدف به دست آمد. البته قابل ذکر است که عده زیادی از شیعیان عراق با دیدن جنایات صدام و اعمال زور بعثی به تنگ آمده و به ایران پناه می‌آوردند و در ایران در قالب سپاه بدر جهت مقابله با رژیم بعثی سازماندهی مجدد شدند. همچنین قابل ذکر است که صدام با جنایاتی که در اواخر جنگ در میان کردها انجام داد بیش از پیش در دنیا و میان مردم عراق خصوصاً کردها منفور شد و مقبولیت رژیم جمهوری اسلامی در بستر اجتماعی فرهنگی عراق بالا رفت.

اقتصادی

وقوع جنگ بر جهت‌گیری انقلاب برای هدف‌گذاری، تخصیص منابع و تعیین اولویت‌های داخلی و خارجی کشور تأثیر اساسی و سرنوشت‌ساز داشت؛ به این معنا که اهداف و

اولویت‌های برآمده از جنگ، منابع کشور را به خود اختصاص داد و جهت‌گیری سیاست‌های داخلی و خارجی کشور را تعریف و تعیین کرد. مهم‌ترین دستاورد جنگ و تأثیر آن بر انقلاب، تثبیت نظام سیاسی برآمده از انقلاب، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور بود؛ در زمینه تقویت صنایع نظامی نیز دو کشور موفق بودند. ایران با تنوع بخشیدن به منابع تأمین سلاح خود در جریان جنگ بیش از پیش در راه استقلال گام برداشت.

مهم‌ترین چالش ایران در اواسط جنگ، شکاف تدریجی میان تأمین اولویت‌های داخلی کشور با تأمین نیازهای نظامی بود که بر اثر محدودیت در منابع ایجاد شده بود؛ ملاحظه‌یاد شده قدرت نظامی ایران را برای تأمین اهداف سیاسی در جنگ با تصرف یک منطقه راهبردی در عراق یا سقوط صدام، کاهش داد. عراق با اتکا به حمایت‌های سیاسی، نظامی، مالی و اطلاعاتی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای از قدرت دفاعی در برابر تهاجمات نظامی ایران برخوردار شد. عراق در فرایند جدید و به‌صورت تدریجی از ابزار و توانایی لازم برای تغییر در معادلات جنگ به سود خود برخوردار شد و با حمله نظامی در ماه‌های پایانی جنگ موازنه نظامی را به سود خود تغییر داد؛ اما در پایان جنگ، عراق به کشور وابسته‌ای تبدیل شد که به شدت به متحدان عرب خود، کشورهای غربی و شوروی مقروض بود.

سیاسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رهبران و مسئولان جمهوری اسلامی ایران درگیر تلاش برای استقرار نظام جدید بودند؛ در چنین شرایطی تهدیدات و چالش‌های سیاسی، نظامی و امنیتی در داخل کشور و مرزها بیشتر با نظر به تهدید علیه انقلاب اسلامی، تفسیر و تجزیه و تحلیل می‌شد؛ نگرش یاد شده موجب غافلگیری راهبردی ایران در برابر حمله نظامی عراق شد؛ زیرا در ایران ادراک روشنی از مسئله جنگ، ابعاد و نتایج آن وجود نداشت؛ اگر هم ذهنیتی وجود داشت، به دلیل مناقشات سیاسی و عدم انسجام در ساختار سیاسی و دفاعی کشور کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت؛ آن‌ها همچنین بر این عقیده‌اند که ایران موفق به تبدیل جنگ به ابزار مؤثری برای صدور انقلاب نشده بود. بقای صدام در مسند قدرت پس از هشت سال جنگ، خود مؤید مهار بنیادگرایی اسلام انقلابی بود که این نتیجه جنگ با استقبال گسترده

ابرقدرت‌ها و کشورهای منطقه روبه‌رو شد. صدور انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) به هیچ وجه یک امر مکانیکی نبود بلکه از تمامی اظهارات ایشان در این باره چنین استفاده می‌شود که انقلاب اسلامی الگویی است که به طور طبیعی مستضعفان جهان در مقابل مستکبران، از آن الهام خواهند گرفت؛ در واقع تلاش این اندیشمندان و تحلیل‌گران بر این است که القاء نمایند چون انقلاب اسلامی در تدارک براندازی رژیم‌های غیر الهی بوده است؛ بنابراین جنگ تحمیلی نوعی واکنش در برابر این سیاست جمهوری اسلامی بوده است؛ اما در نهایت نظر این اندیشمندان بر این عقیده است که راهبردهایی که عراق در طول هشت سال جنگ برای بی‌ثباتی و سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق تجاوز نظامی به کار بسته بود، نیز بی‌ثمر شده بود.

نظامی

در مورد جنگ تحمیلی، این طور به نظر می‌رسد که عراق در مقایسه قدرت نظامی ایران و توان بالقوه نظامی خود دچار اشتباه فاحشی شد؛ این برداشت نادرست نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری صدام داشت و اگر برآوردها دقیق و درست انجام می‌شد، احتمال بسیار اندکی وجود داشت که صدام جنگ را آغاز کند.

استنباط عراق این‌گونه بود که ایران با خروج از اردوگاه غرب و موضع‌گیری در برابر اردوگاه شرق، هیچ‌گونه پشتوانه‌ای ندارد و درصدد این برآمد تا با حمله به ایران، هم به اهداف دیرینه کشورش برسد و هم تأمین‌کننده خواسته‌های شرق و غرب باشد. شکوفایی راهبرد پتانسیل مردمی در ایران «حمله برق‌آسا» با شکست راهبرد اولیه عراق مشاهده شد؛ این راهبرد ایران در تمام طول جنگ گره‌گشا بود؛ با اتکا به همین قوا، ایران توانست عراق را از نقاط اشغالی بیرون کند؛ البته پس از پایان سال دوم جنگ، حامیان عراق سعی کردند با تجهیز بیشتر و انتقال تجربیات خود از شکست این کشور جلوگیری کنند؛ عراق نیز با بسیج تمام امکانات و نیروهای خود سعی کرد تا جلوی پیروزی‌های متعدد ایران را بگیرد. راهبرد اصلی ایران پس از موفقیت در راهبرد آزادسازی مناطق اشغالی، فشار نظامی بر عراق و متقاعد ساختن عراق و حامیان این کشور برای تأمین خواسته‌های ایران بود؛ عراق هم در طول جنگ اقدامات

گونگونی را انجام داد و راهبردهای مختلفی را پیش رو داشت. پس از اینکه ایران تصمیم گرفت با ورود به خاک عراق در پی تعقیب و تنبیه متجاوز باشد، راهبرد ارتش عراق، دفاع مطلق در جبهه‌های جنگ زمینی با کمک مسلح کردن زمین از طریق کار مهندسی و تغییر شرایط زمین و آرایش جدیدی از نیروهای زرهی با کمک کار مهندسی بود؛ به گونه‌ای که اجازه ندهد قوای آن کشور، سرزمین و خاک خود را از دست بدهند. ارتش عراق با برطرف کردن نقاط ضعف خود و به منظور گرفتن زمان و فرسایشی کردن جنگ، جلوگیری از پیشروی قوای ایرانی را در دستور کار خود قرار داد.

راهبرد دفاع متحرک نیز از سوی عراق پس از فتح فاو صورت گرفت که دست به تهاجم به مواضع قوای ایران زده و از لاک دفاعی بیرون آید؛ بنابراین ارتش عراق تصمیم گرفت تا یک نوع «تهاجم دفاعی» را در برنامه کاری خود قرار دهد؛ با این سیاست، عملاً یک نوع تهاجم متحرک در سرتاسر جبهه‌ها برنامه‌ریزی شد؛ این راهبرد عراق هم با راهکارهای صورت گرفته از سوی ایران که همان بازپس‌گیری مناطق اشغالی از دست نیروهای عراقی بود با شکست مواجه شد.

ارتش عراق از اوائل سال ۱۳۶۷، راهبرد «فقط دفاع» را که نیروهای خود را در پشت سنگرهای مستحکم نگاه می‌داشت کنار گذاشت و سعی کرد تا با اتخاذ راهبرد تهاجمی، ابتکار عمل را به دست گیرد؛ ارتش عراق برای اتخاذ چنین راهبردی، مقدمات لازم را فراهم کرده و در اواخر سال ۱۳۶۶ توسعه کمی و کیفی فراوانی یافته بود؛ با اتخاذ این راهبرد دست به جنایات بسیاری از جمله حمله گسترده به شهرهای ایران و مناطق غیرنظامی نماید که این خود نیز نشان از ترس رژیم بعثی عراق از ادامه جنگ با ایران بود. در اواخر جنگ امریکا مستقیم به پشتیبانی از عراق وارد جنگ با ایران شد و جنایات زیادی را نیز مرتکب شد. با اعمال این جنایات بیش از پیش از قدرتهای بزرگ پشتیبان عراق و فشار سازمان‌های بین‌المللی خواستار این بودند که ایران را متقاعد کنند که قطعنامه پایان جنگ را بپذیرد. همه اینها نشان از این است که عراق از نظر راهبردی در پایان جنگ بسیار مستاصل عمل می‌کرد و به خاطر ترس و وحشتی که داشت دست به جنایات زیادی زد.

منابع

فارسی

۱. آراسته خو، محمد (۱۳۶۹)، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، تهران: نشر گستره.
۲. آقابخشی، علی (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز مطالعات و مدارک علمی ایران.
۳. احمدی، حسین (۱۳۷۷)، برنامه‌ریزی راهبردی و کاربرد آن، تهران: کانون فرهنگی انتشاراتی سایه نما.
۴. اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۸)، انقلاب ایران و بازتاب های جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ سوم، تهران: باز.
۵. اعرابی، سیدمحمد. دهقان، نبی‌الله (۱۳۹۰)، «روش‌های تحقیق در مدیریت استراتژیک»، فصلنامه استراتژیک، ش ۶۰.
۶. بلوچ، موریس. هاروی، جان (۱۳۸۴)، «جنگ خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۲۲.
۷. بیان، حسام‌الدین (۱۳۶۸)، «مدیریت استراتژیک»، فصلنامه مدیریت دولتی، ش ۷.
۸. بیلیس، جان. بوث، کن. گارنت، جان. ویلیامز، فیل (۱۳۷۳)، استراتژی معاصر، نظریات و خط‌مشی‌ها، ترجمه هوشمند میرفخرایی، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
۹. پولاک، مایکل (۱۳۸۹)، آنچه گذشت (درس‌هایی از جنگ ایران و عراق)، ترجمه مهدی خسروی نژاد، تهران: ایران سبز.
۱۰. تریپ، چارلز (۱۳۸۴)، «جنگ ایران و عراق؛ هویت، ایدئولوژی و واقعیت»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۲۲.
۱۱. جوینر، کریستوفر سی (۱۳۸۹)، درس‌هایی از راهبرد، حقوق و دیپلماسی در جنگ ایران و عراق، ترجمه داود علمایی کوپایی، تهران: مرز و بوم.
۱۲. الخفاجی، عصام (۱۳۷۸)، «جنگ و جامعه، عراق در مسیر نظامی شدن»، فصلنامه گفتگو، ش ۲۳.
۱۳. خوری، دینا (۱۳۹۲)، «معرفی و نقد کتاب، عراق در دوران جنگ، نظامی شدن، شهادت و یادآوری»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۷۵.
۱۴. درویشی، فرهاد (۱۳۸۹)، «تبعی در راهبرد نظامی عراق در جنگ علیه ایران ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹»، مجله سیاست دفاعی، ش ۷۲.

۱۵. ساین، فیلیپ. کارش، افرایم (۱۳۷۵)، «جریان تصاعد در جنگ ایران و عراق»، مجله سیاست دفاعی، ش ۱۷.
۱۶. شالوم، استفن آر «انتقام با معادله برنده- برنده ایالات متحده آمریکا و جنگ ایران و عراق»، ترجمه علی گل محمدی، ماهنامه زمانه، ش ۳۶.
۱۷. شهلائی، ناصر (۱۳۸۶)، «مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح»، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۲۸.
۱۸. عباسی، علی. جعفری، رضا (۱۳۹۰)، «تبیین وجوه راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی فرماندهی حضرت امام خمینی (ره) در جنگ تحمیلی»، فصلنامه مدیریت نظامی، ش ۴۲.
۱۹. علیزهی، امیرحسین (۱۳۸۱)، «جایگاه امنیت در استراتژی ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱۶.
۲۰. قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۱)، «فرهنگ راهبردی و دفاع ملی؛ مطالعه موردی جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵۷.
۲۱. کالینز، جان ام (۱۳۸۳)، استراتژی بزرگ، اصول و رویه‌ها، ترجمه کورش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۲. کردزمن، آنتونی. واگنر، آبراهام (۱۳۹۰)، درس‌های جنگ مدرن، جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، تهران: مرز و بوم.
۲۳. کینگ، رالف. کارش، افرایم (۱۳۸۷)، جنگ ایران-عراق، پیامدهای سیاسی، تحلیل نظامی، ترجمه سید سعادت حسینی، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس.
۲۴. کرو، کت (۱۳۷۹)، «انتقال سلاح و مدیریت بحران، مطالعه موردی جنگ ایران و عراق»، ترجمه علیرضا قاسم آقا، مجله سیاست دفاعی، ش ۳۱.
۲۵. کلیدر، عباس (۱۳۷۷)، «جنگ‌های صدام حسین»، ترجمه سید اصغر کیوان حسینی، مجله سیاست دفاعی، ش ۲۳-۲۴.
۲۶. گریگوری، گاوز (۱۳۸۲)، «تصمیم عراق برای آغاز جنگ در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰»، ترجمه لیلا چمن خواه زرنندی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۳۴.
۲۷. گنگرا، تی یری (۱۳۸۴)، «برپایی جنگ و قدرت دولتی در خاورمیانه معاصر»، فصلنامه گفتگو، ش ۴۵.
۲۸. لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹)، مقولاتی در استراتژی ملی، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
۲۹. نداف، صفران (۱۳۷۳)، «ابعاد مسئله خاورمیانه قبل و بعد از جنگ»، ترجمه لیلا سازگار، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۸۱-۸۲.
۳۰. هیرو، دبلیپ (۱۳۹۱)، طولانی‌ترین جنگ (رویارویی نظامی ایران و عراق)، ترجمه علیرضا فرشچی و همکاران، تهران: مرز و بوم.
۳۱. یزدان فام، محمود (۱۳۸۸)، خاورمیانه و جنگ عراق و ایران (مجموعه مقالات)، چاپ اول: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

۳۲. یزدان فام، محمود (۱۳۹۱)، «راهبرد دفاع ملی، درس‌هایی از پایان جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵۷.

حقوق مادی مخترعین صنایع دفاعی (مطالعه تطبیقی در چین، روسیه، آمریکا و ایران)

محمد هادی میرشمسی^۱

امیر ناظری^۲

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۰۶

چکیده

نحوه حمایت از مخترعین صنعت دفاعی از چالش‌برانگیزترین موضوعات حقوق مالکیت فکری به حساب می‌آید. مسئله این است که از یک سو، طبق قواعد عام حقوق مالکیت فکری، حمایت از طریق اعطای پتنت (به‌عنوان سندی دال بر مالکیت و حق بهره‌برداری انحصاری) مستلزم افشای اطلاعات مربوط به اختراع است و از سوی دیگر، ضرورت‌های دفاعی کشور، اقتضای حفظ محرمانگی این اختراعات را دارد؛ به همین دلیل این سؤال مطرح می‌شود که آیا حقوق مادی قابل‌اعطا به مخترعین صنعت دفاعی و در کل، روش حمایت از این مخترعین باید همانند روش حمایت از سایر مخترعین (مخترعین غیردفاعی) باشد؟ در مقاله حاضر، درصدد هستیم مطالعه‌ای تطبیقی در خصوص حقوق مادی قابل‌اعطا به مخترعین صنعت دفاعی در کشورهای چین، روسیه، آمریکا و ایران انجام دهیم تا با بهره‌گیری از تجربیات این کشورها، نظام حقوقی مناسب در خصوص حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی را شناسایی و معرفی کنیم؛ در نهایت چنین نتیجه می‌گیریم که اولاً به دلیل محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر ناشی از محرمانگی اختراعات دفاعی و نظارت دولت بر بهره‌برداری از این اختراعات، پرداخت مبلغی به عنوان غرامت یا پاداش در کنار حق مالکانه انحصاری کاملاً منطقی و همسو با مصالح اقتصادی و دفاعی بوده و ثانیاً، صدور گواهی برای حمایت از مخترعین صنعت دفاعی، هیچ مغایرتی با مبانی نظام حقوق مالکیت فکری ندارد.

کلیدواژه‌ها

صنایع دفاعی، حقوق مخترعان، پژوهانه، حقوق مالکیت فکری و اختراع، گواهی اختراع

۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

mh_mirshamsi@atu.ac.ir

nazeri224@gmail.com

۲. کارشناس ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

نظام حقوق مالکیت فکری در بخش اختراعات در تلاش است با اعطای حقوق انحصاری، مخترعین و سرمایه‌گذاران را به ادامه فعالیت‌های فکری و سرمایه‌گذاری در این عرصه تشویق کند؛ همچنین ثبت اختراعات به افشای اطلاعات مربوط به آن‌ها منوط بوده که این می‌تواند آثار مثبتی از جمله فراهم آمدن منبع و پایه‌ای برای فعالیت‌های علمی آینده و جلوگیری از کارهای موازی در پی داشته باشد (Suthersanen and others, 2007: 9). با وجود کتمان‌ناپذیر بودن اهمیت افشای اطلاعات، اگر اختراع مورد نظر در حوزه صنایع دفاعی انجام شده باشد، افشای اطلاعات مربوط به آن می‌تواند آثار و تبعات ناگواری برای امنیت ملی داشته باشد؛ زیرا اطلاعاتی که در شرایط اضطرار و جنگ می‌تواند برگ برنده کشور باشد، در دسترس همگان، از جمله دشمن قرار می‌گیرد و عملاً برتری کشور نسبت به دشمن خستی می‌شود؛ با این ملاحظات است که جهت حفظ امنیت ملی، حفظ محرمانه‌بودن این قبیل اختراعات و عدم افشای اطلاعات مربوط به آن‌ها بسیار ضروری تلقی می‌شود.

از سوی دیگر باید توجه شود که اگر حمایت حقوقی مناسبی از مخترعین و نوآوران این حوزه صورت نگیرد، این اشخاص انگیزه خود را نسبت به ادامه کار و فعالیت‌های فکری از دست می‌دهند و میزان فعالیت‌های فکری در حوزه صنایع دفاعی به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد و در نتیجه، امنیت کشور در معرض خطر قرار می‌گیرد (Maune, 2012: 473)؛ بنابراین حساسیت زیادی در تدوین قواعد حقوقی مربوط به اختراعات صنعت دفاعی که امنیت ملی کشورها اقتضای حفظ محرمانگی آن‌ها را دارد، احساس می‌شود؛ مقررات این حوزه از حقوق، همانند تیغ دو لبه‌ای است که مغفول‌ماندن هر یک از ملاحظات مربوط به محرمانگی و حفظ حقوق اشخاص، می‌تواند آثار و تبعات ناگواری داشته باشد؛ از این رو باید از افراط و تفریط در زمینه دو ملاحظه محرمانگی و حقوق اشخاص اجتناب شود.

با توجه به حساسیت بالای حقوق مخترعین صنعت دفاعی و محرمانگی این قبیل اختراعات، اغلب کشورها مقررات خاصی را در این خصوص تدوین نموده‌اند؛ کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و حمایت حقوقی نسبت به این‌گونه اختراعات بر اساس آیین‌نامه ثبت اختراعات و اکتشافات صنعت دفاعی مصوب ۱۳۸۴ که در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵ مورد اصلاح قرار گرفت، به عمل می‌آید.

مسئله پژوهش حاضر، شناسایی مصالح دفاعی کشور در خصوص حقوق مادی^۱ قابل اعطا به مخترعین صنعت دفاعی می‌باشد. منظور از حقوق مادی (به‌عنوان مفهومی در مقابل حقوق معنوی^۲)، مجموعه حقوق و امتیازات اقتصادی است که دولت‌ها به نمایندگی از جامعه و به پاسداشت تلاش فکری مخترعین به آن‌ها اعطا می‌کنند؛ حال ممکن است این حقوق از نوع حق بهره‌برداری انحصاری و یا مبلغی به‌عنوان پاداش باشد. در طول تاریخ حقوق مالکیت فکری جوامع گوناگون به فراخور مصالح و نیازهای اقتصادی خود یکی از این دو مصداق از حقوق مادی را به اشخاص اعطا می‌کردند (خدمتگزار، ۱۳۹۱: ۳۵)؛ دلیل طرح این مسئله آن است که مهم‌ترین تفاوت اختراعات دفاعی با اختراعات غیر دفاعی، ضرورت حفظ محرمانگی اختراعات دفاعی است؛ در حالی که یکی از شرایط ثبت اختراع و صدور پتنت^۳ (به‌عنوان سندی دال بر مالکیت و حق انحصاری) افشای اطلاعات مربوط به آن اختراع می‌باشد؛ به بیان دیگر با توجه به اینکه یکی از شرایط اعطای حق بهره‌برداری انحصاری از اختراع (که از لوازم صدور پتنت است) افشای اختراع است؛ این سؤال مطرح می‌شود که آیا در خصوص اختراعات صنعت دفاعی که مصالح دفاعی کشور حفظ محرمانگی آن‌ها را می‌طلبد هم باید همانند سایر اختراعات، حق مالکانه انحصاری اعطا شود یا حق مادی باید از نوع دیگری باشد؟

در خصوص این موضوع، هیچ تحقیقی در ادبیات حقوقی ایران به چشم نمی‌خورد؛ البته آثاری به زبان انگلیسی توسط نویسندگان خارجی به رشته تحریر درآمده است که در این نوشتار مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ مهم‌ترین اثر در این خصوص، کتاب «ثبت اختراعات محرمانه در اتحاد جماهیر شوروی و روسیه»^۴ نوشته جان مارتنز^۵ است که به بحث ثبت اختراعات محرمانه، تاریخچه و شرایط کلی و ماهوی آن اختصاص دارد. مقاله حمایت از مخترعین خصوصی در چارچوب مقررات دوره صلح قانون محرمانگی اختراع^۶ نوشته سبینگ لی^۷ اثری دیگر است که موضوع را در نظام حقوقی آمریکا مورد بررسی قرار داده است.

-
1. Economic Rights
 2. Moral Rights
 3. Patent
 4. Secret Patenting in the U.S.S.R and Russia, Deep North Press, 2010
 5. Martons John A.
 6. Protecting the Private Inventors Under the Peacetime Provisions of the Invention Secrecy Act, Berkley Technology Law Journal, Vol 12, 1997
 7. Lee, Sabin H

نظر به نوپا بودن بحث اختراعات صنعت دفاعی در ادبیات حقوقی ایران، انجام مطالعات تطبیقی در این زمینه برای شناسایی نقاط ضعف و قوت مقررات کشورمان و بهره‌گیری از تجربیات و دستاوردهای کشورهای دیگر بسیار ضروری به نظر می‌رسد؛ از این رو در مقاله حاضر به مطالعه حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی در کشورهای چین، روسیه، آمریکا و ایران خواهیم پرداخت؛ دلیل انتخاب این کشورها در درجه اول، توسعه آن‌ها در حوزه صنایع دفاعی و در درجه دوم، تفاوت خاستگاه و اسلوب‌های حقوقی این کشورها است که مطالعه مقایسه‌ای را معنادار می‌کند.

سؤال اصلی مقاله بدین صورت است: با توجه به ضرورت حفظ محرمانگی اختراعات صنعت دفاعی که مغایر با شرایط شکلی ثبت اختراعات و صدور پتنت است، حقوق مادی قابل اعطا به مخترعین صنعت دفاعی در ایران از چه نوع باید باشد؟ به بیان دیگر آیا باید به این قبیل مخترعین، پتنت (که سندی دال بر حقوق مالکانه انحصاری است) اعطا شود یا باید روش دیگری برای حمایت از آن‌ها اتخاذ شود؟ در خصوص پاسخ به سؤال اصلی تلاش خواهیم کرد تا به دو سؤال فرعی پاسخ گوئیم: ۱. ماهیت و ویژگی حق مادی مخترعین صنعت دفاعی در کشورهای چین، روسیه، آمریکا و ایران چیست؟ در واقع با تحلیل رویکردهای اتخاذ شده در کشورهای مذکور و بهره‌گیری از تجربیات آن‌ها قصد داریم حقوق مادی قابل اعطا در ایران را شناسایی کنیم؛ ۲. آیا پذیرش حمایت از طریق صدور پتنت و اعطای حق بهره‌برداری انحصاری در خصوص اختراعات محرمانه که اطلاعات آن‌ها افشا نمی‌شود، با مبانی حقوق مالکیت فکری در تضاد نیست؟ در دو گفتار تلاش می‌کنیم تا به این سؤالات پاسخ دهیم؛ لذا پیش از ورود به مباحث اصلی، برای تکمیل مقدمه به تبیین تاریخچه بحث و قوانین و مقررات موجود در کشورهای موردنظر خواهیم پرداخت.

گفتار نخست. تاریخچه بحث و قوانین موجود در کشورهای چین، روسیه، آمریکا و ایران

در این گفتار، درصدد بررسی پیشینه بحث حقوق اختراعات صنعت دفاعی با تأکید بر حقوق مادی مخترعین در کشورهای مورد بحث هستیم. مطالب را در چهار قسمت، به ترتیب در چین، روسیه، آمریکا و ایران ارائه می‌کنیم:

پیش از آغاز قرن بیستم، تحت تأثیر تفکرات کنفوسیوس، حمایت از مالکیت فکری هیچ جایگاهی در چین نداشت (Gabriel, 2008: 325)؛ خلاصه دیدگاه کنفوسیوس این است که دستاوردهای فکری بشر بیش از اینکه معلول ذهن یک شخص باشد، مرهون محیطی که مقدمات آن را فراهم آورده است هستند و به همین جهت، طبیعت و محیط، بیشترین نقش را در خلق اختراعات دارند؛ در نتیجه از پدیدآوردن آموال فکری به عنوان اموالی که قابلیت ورود به ملکیت اشخاص را داشته باشند حمایت نمی‌شد؛ با این حال در سال ۱۹۱۲، پس از روی کار آمدن سلسله کوئینگ، بنا بر ملاحظات و سیاست‌هایی از جمله برقراری ارتباط با غرب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، قانونی در چین به تصویب رسید که از طریق اعطای پتنت از مخترعین حمایت می‌نمود (Oksenberg and Others, 1996: 10-11).

بعد از جنگ جهانی دوم، کمونیست‌های چین، قدرت را در دست گرفتند و مائو رهبر این کشور شد. در پی توسعه تفکرات کمونیستی و تغییر سیاست‌های اقتصادی در چین، فرایند اصلاح قوانین و از جمله قوانین مربوط به مالکیت فکری در این کشور آغاز شد؛ در این راستا در سال ۱۹۵۰ قانون جدیدی به تصویب رسید که در این زمینه منطبق با قوانین شوروی بود؛ به موجب این قانون و اصلاحات آن در سال ۱۹۶۳، حمایت از طریق نظام پاداش^۱ صورت می‌گرفت؛ یعنی مالکیت اختراع به دولت واگذار می‌شد و به جای پتنت، سندی به نام تصدیق مخترعین^۲ به مخترعین داده می‌شد. تصدیق مخترعین سندی دال بر حقوق معنوی مخترع بود و همراه با مبلغی به عنوان پاداش در اختیار مخترع قرار می‌گرفت (Gabriel, Op.cit: 325)؛ در این دوره، مائو اهمیت زیادی برای دفاع ملی قائل بود؛ طوری که تا سال ۱۹۵۹ بیش از ۱۰۰ مؤسسه با هدف توسعه صنایع دفاعی در این کشور مورد بهره‌برداری قرار گرفتند (Bo and Qun, 2014: 1)؛ با این حال مقررهای که به طور خاص به بحث اختراعات صنعت دفاعی پرداخته باشد به تصویب نرسید.

-
1. Reward System
 2. Inventor's Certificate

بعد از پایان دوره مائو در سال ۱۹۷۹ تمایلات ضد کمونیستی در چین قوت گرفت و دنگ ژائوپینگ زمامدار امور شد؛ در نتیجه این تغییرات، مجدداً تفکر پذیرش مالکیت خصوصی اشخاص بر پدیده‌های فکری در چین مطرح شد و در همین راستا، در سال ۱۹۸۴ قانون جدید اختراعات چین، نظام پتنت^۱ را جهت حمایت از مخترعین مورد حکم قرار داد (Nie, 2006: 182)؛ بعدها در سال ۱۹۹۱ قانونی با عنوان قانون پتنت دفاع ملی^۲ در این کشور به تصویب رسید که همانند قانون اختراعات ۱۹۸۴ از طریق نظام پتنت به حمایت از مخترعین صنعت دفاعی می‌پرداخت. در سال ۲۰۰۳، رکن قانون‌گذاری کمیسیون مرکزی نظامی^۳، یعنی دپارتمان عمومی تسلیحات،^۴ با انجام اصلاحاتی در قانون حق اختراع دفاع ملی ۱۹۹۱، قانون جدیدی را پس از موافقت کمیسیون مرکزی نظامی و شورای دولتی به تصویب رساندند که در سال ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شد (Cheung, 2008: 30)؛ بنابراین در چین قانونی مجزی و مستقل در زمینه اختراعات صنعت دفاعی به تصویب رسیده و طبق ماده ۴ قانون اختراعات ۲۰۰۸ چین، ثبت اختراعات مربوط به دفاع ملی که مصالح اجتماعی، حفظ محرمانگی آن‌ها را اقتضا می‌نماید، باید بر اساس مقررات شکلی و ماهوی این قانون انجام شود.

قسمت دوم. روسیه

تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل فدراسیون روسیه، تحت تأثیر تفکرات کمونیستی رهبران شوروی، نظام مالکیت خصوصی اشخاص در تمام سطوح، از جمله مالکیت فکری کاملاً مطرود و مردود بود؛ البته سیر تاریخی قضیه بدین قرار است که از سال ۱۸۹۶ در روسیه نظام مالکیت خصوصی و به تعبیر دیگر، نظام پتنت مورد پذیرش قرار گرفت

۱. (Patent System) منظور از نظام پتنت که اصطلاحی رایج در ادبیات بحث حاضر می‌باشد، آن نوع نظام حمایتی در حقوق مالکیت فکری است که به‌موجب آن با صدور سندی به نام پتنت که دال بر مالکیت و حقوق انحصاری دارنده آن بر اختراع است به حمایت از مخترعین پرداخته می‌شود. در طول تاریخ حقوق مالکیت فکری از طرق دیگری، من جمله نظام پاداش نیز از مخترعین حمایت به عمل آمده است. همان‌طور که در متن اشاره شد در نظام پاداش، سندی به نام تصدیق مخترعین اعطا می‌شد که صرفاً دال بر حقوق معنوی مخترعین بود و به‌همراه آن سند، مبلغی به‌عنوان پاداش هم در اختیار شخص قرار می‌گرفت اما مالکیت از آن دولت بود.

(Jhon A. Martens, Secret Patenting in U.S.S.R and Russia, p49)

2. Law of National Defense Patent
3. Central Military Commission
4. General Armament Department

(Belogolova and Others, 2005: 8)؛ اما پس از انقلاب بلشویک‌ها در سال ۱۹۱۷ و غالب شدن تفکرات مارکسیستی، انتقادهایی نسبت به مالکیت خصوصی اختراعات مطرح گردید (Martens, 2010:p33)؛ در نتیجه از سال ۱۹۱۹ با تصویب قانون اختراعات تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رویه موجود در این کشور این‌گونه بود که به مخترعین، به‌جای اعطای پتنت و حق انحصاری، تصدیق مخترعین و به همراه آن، مبلغی به‌عنوان پاداش داده می‌شد و مالکیت اختراع به دولت تعلق می‌گرفت؛ البته بنا بر برخی ملاحظات اقتصادی در حفاصل بین سال‌های ۱۹۲۴ و ۱۹۳۱ حمایت از مخترعین از مجرای نظام پتنت به عمل می‌آمد و همچنین از سال ۱۹۳۱ برای جلب رضایت اشخاص خارجی که متقاضی ثبت اختراع در شوروی بودند، علاوه بر نظام پاداش و تصدیق مخترعین، امکان انتخاب نظام پتنت جهت حمایت پیش‌بینی شده بود؛ یعنی متقاضیان ثبت می‌توانستند روش حمایت را خودشان انتخاب نمایند؛ البته در عمل، تنها متقاضیان خارجی به نظام پتنت روی می‌آوردند؛ زیرا مزایای چشمگیری در نظام تصدیق مخترعین برای اتباع شوروی وجود داشت که باعث می‌شد از نظام پتنت و تحصیل مالکیت انحصاری اختراعات خود صرف‌نظر نمایند (Burrus, 1962: 695.Ibid: 36).

در دوران اتحاد جماهیر شوروی اهمیت زیادی به بحث اختراعات محرمانه، از جمله اختراعات محرمانه دفاعی داده می‌شد. مواد متعددی در قوانین ۱۹۱۹، ۱۹۳۱، ۱۹۴۱، ۱۹۵۹ و ۱۹۷۳ به بحث اختراعات محرمانه اختصاص داده شد؛ البته مقرره‌ای مجزی از قوانین عام مالکیت فکری جهت حمایت از اختراعات محرمانه به تصویب نرسید و در همان قواعد عام، موادی به بحث اختراعات محرمانه اختصاص یافت؛ همچنین باید توجه داشت که نظر به ساختار سوسیالیستی و کمونیستی کشور، هیچ‌گونه بحث خاصی پیرامون حقوق مادی اشخاص وجود نداشت و اختلاف‌نظرها و تغییرات قوانین صرفاً در خصوص مرجع صالح جهت رسیدگی و ثبت اختراع بود (Martens, Op. cit: 37).

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی گرایش چشمگیری به سمت آموزه‌های اقتصادی غربی و پذیرش بازار آزاد به‌وجود آمد. با تصویب قانون جدید اختراعات در سال ۱۹۹۲، نظام مالکیت خصوصی اختراعات به‌صراحت مورد پذیرش قرار گرفت و به‌موجب قانون، مقرر شد که مخترعین از طریق صدور پتنت مورد حمایت قرار گیرند؛ با این حال هیچ بحثی پیرامون

اختراعات محرمانه مطرح نشد؛ متعاقباً در سال ۱۹۹۳، یک طرح قانونی در خصوص اختراعات محرمانه توسط ریاست جمهوری پیشنهاد شد که البته به تصویب نهایی نرسید؛ بعدها در سال‌های ۱۹۹۴، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ پیش‌نویس‌هایی ارائه شدند که یکی پس از دیگری با مخالفت رئیس‌جمهور، امکان تصویب آن‌ها منتفی شد؛ در نهایت در ۷ فوریه ۲۰۰۳ قانون جدیدی در خصوص حمایت از اختراعات محرمانه به تصویب رسید؛ در سال ۲۰۰۶ این قانون در قالب قسمتی از بخش ۴ قانون مدنی فدراسیون روسیه به تصویب رسید و توسط رئیس‌جمهور روسیه امضا شد (Martens, Op. cit: 178)؛ بنابراین بخشی از قانون اختراعات روسیه به بحث اختراعات محرمانه، اعم از اختراعات صنعت دفاعی، اختصاص داده شده و مقررۀ مجزایی در این زمینه وجود ندارد.

قسمت سوم، آمریکا

قانون‌گذاری در حوزه حقوق مالکیت فکری و حمایت از اختراعات در آمریکا به سال ۱۷۹۰ بازمی‌گردد و اصولاً همواره این حمایت از طریق صدور پتنت به‌عمل آمده است. تا پیش از آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ هیچ تفاوتی در روش حمایت از مخترعین دفاعی و غیر دفاعی وجود نداشته است؛ در نتیجه، تمام اختراعات اعم از دفاعی و غیر دفاعی افشا می‌شدند و در مقابل، به مخترعین حقوق انحصاری اعطا می‌شد؛ با این حال از سال ۱۹۱۴ مقارن با آغاز جنگ جهانی اول، نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی موجب شد کنگره در ۶ اکتبر ۱۹۱۷ قانونی تصویب کند که به‌موجب آن در خصوص اختراعاتی که افشای اطلاعات مربوط به آن‌ها مضر به حال جامعه و امنیت ملی و ملاحظات دفاعی کشور باشد، دستور محرمانگی^۱ صادر شود؛ ضمن اینکه تا زمان رفع محرمانگی، امکان صدور پتنت وجود نداشت و تنها بعد از رفع آن و صدور پتنت، امکان مراجعه دارنده پتنت به دادگاه جهت دریافت غرامت پیش‌بینی شده بود؛ به‌موجب این قانون، مدت محرمانگی تا پایان جنگ جهانی اول بود؛ همچنین مبنای دریافت غرامت، بهره‌برداری دولت از اختراع بود و از این رو می‌توان ماهیت غرامت را معادل اجرت‌المثل^۲ دانست (Bell, 2005: 1).

1. Secrecy Order
2. Remuneration

بعد از پایان جنگ جهانی اول مجدداً وضعیت به حالت قبل از جنگ بازگشت؛ یعنی هیچ خبری از محرمانگی اختراعات دفاعی نبود و نسبت به تمام اختراعات، مشروط به تحقق شرایط ماهوی و شکلی، پتنت صادر می‌شد. در سال ۱۹۴۰، یعنی در آستانه پیوستن آمریکا به غائله جنگ جهانی دوم، مجدداً قانونی جهت محرمانگی اختراعات به تصویب رسید؛ محتوای قانون بدین ترتیب بود که اختراعات دفاعی باید تا پایان جنگ به شکل محرمانه حفظ می‌شدند (Lee, 1998: 350).

بعد از پایان جنگ جهانی دوم، موقعیت خاص دنیا در آن زمان، به‌خصوص موقعیت شوروی به عنوان تهدیدی بزرگ برای آمریکا باعث شد ایده تدوین و تصویب قانونی مطرح شود که به‌موجب آن در دوران صلح نیز محرمانگی بعضی از اختراعات حفظ شود؛ به‌موجب این قانون که در سال ۱۹۵۱ به تصویب رسید، مدت محرمانگی اختراعات تا یک سال بوده که البته قابل تمدید است؛ با این حال نظر به اینکه طبق دستور رئیس‌جمهور تا سال ۱۹۷۹ یک دوره ضرورت برقرار شده بود، محرمانگی اختراعات تا آن زمان ادامه داشت (Lee, 1998: 351)؛ در گفتارهای بعدی این مقاله به محتوای این قانون در زمینه حقوق مادی مخترعین اختراعات محرمانه از جمله اختراعات صنعت دفاعی خواهیم پرداخت.

قسمت چهارم. ایران

در ایران حمایت نسبت به اختراعات برای اولین بار بر اساس قانون ثبت اختراعات و علائم تجاری ۱۳۱۰ و از مجرای صدور پتنت که در آن قانون ورقه ثبت اختراع نامیده شد،^۱ آغاز گردید؛ اما هیچ اشاره‌ای به اختراعات دفاعی و نحوه حمایت از آن‌ها نشد؛ همچنین در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ نیز هیچ اشاره‌ای به بحث اختراعات محرمانه نشده است.

علی‌رغم عدم پیش‌بینی موضوع در قوانین عام مالکیت فکری، فرایند ثبت و حمایت از این اختراعات عملاً بر اساس آیین‌نامه ثبت اختراعات و اکتشافات صنعت دفاعی در وزارت دفاع

۱. ماده ۲۶ قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰: "هر قسم اکتشاف یا اختراع جدید در شعب مختلف صنعتی یا فلاحتی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد که بر طبق شرایط و در مدت مقرر در این قانون از اکتشاف یا اختراع خود استفاده نماید مشروط به اینکه اکتشاف یا اختراع مزبور مطابق مقررات این قانون در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد؛ نوشته‌ای که در این مورد اداره ثبت اسناد تهران می‌دهد ورقه ثبت اختراع نامیده می‌شود."

انجام می‌شود؛ بدین توضیح که به‌موجب ماده ۷ قانون تشکیل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، این وزارتخانه در راستای انجام وظایف خود مکلف شد به تشکیل مؤسسه‌ای به نام مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی اقدام نماید؛ اساسنامه این وزارتخانه در سال ۱۳۷۰ تهیه شد و به تصویب کمیسیون امور دفاعی مجلس رسید. در ماده ۹ اساسنامه وظایف هیئت امنای مؤسسه ذکر شده است؛ به‌موجب بند ۵ این ماده ثبت اختراعات و اکتشافات صنعت دفاعی بر عهده هیئت امنای مؤسسه می‌باشد؛ این هیئت در سال ۱۳۸۴ در راستای وظیفه مذکور، آیین‌نامه ثبت اختراعات، اکتشافات و نوآوری‌های نظامی را به تصویب رساند؛ این آیین‌نامه بعدها در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵ مورد اصلاحات و تغییراتی واقع شد.

گفتار دوم. ماهیت و ویژگی‌های حق مادی مخترعین صنعت دفاعی

در این گفتار ماهیت و ویژگی‌های حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی را به ترتیب در کشورهای چین، روسیه، آمریکا و ایران مورد تحلیل قرار می‌دهیم؛ در واقع بر آنیم که بینیم برای حمایت مادی از مخترعین صنعت دفاعی که مصالح امنیتی کشورها محرمانگی اختراعات آن‌ها را اقتضا می‌کند، چه نوع حق مادی اعطا می‌شود؛ آیا برای این قبیل اختراعات همانند آنچه امروزه در خصوص اختراعات عادی رایج است پتنت صادر می‌شود و حق مالکیت انحصاری برای مخترع به وجود می‌آید یا همانند آنچه در اتحاد جماهیر شوروی و برای چند سال در چین بنا بر مقتضیات تفکرات سوسیالیستی جریان داشت، صرفاً مبلغی پول به شخص داده می‌شود؟

قسمت اول. ماهیت و ویژگی‌های حق مادی در چین

ابتدا ماهیت حق مادی مخترعین صنعت دفاعی و سپس ویژگی‌های این حق را در کشور چین مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بند اول. ماهیت حق مادی مخترعین صنعت دفاعی در چین

قانون پتنت دفاع ملی چین به‌گونه‌ای تدوین شده که با نگاهی سطحی نمی‌توان به‌طور دقیق حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی در این کشور را شناسایی نمود. به نوعی می‌توان گفت مقررات این قانون تا حدودی مشوش بوده و همین مسئله تلاش و تأمل بیشتری را جهت شناسایی حقوق مخترعین صنعت دفاعی طلب می‌کند.

اولین چیزی که در این قانون می‌تواند به شناسایی جنس و ماهیت حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی کمک نماید، استعمال لفظ پتنت در عنوان قانون و مواد آن است. باید توجه شود که نظام پتنت، نظامی است که جهت تشویق مخترعین به فعالیت‌های فکری بیشتر، به آن‌ها حق مالکانه انحصاری جهت بهره‌برداری اعطا می‌کند. منظور از حق مالکانه انحصاری این است که دارنده پتنت می‌تواند مانع دیگران در بهره‌برداری (تولید، فروش و...) شود؛ در مقابل در زمان ثبت و پیش از دریافت گواهی‌نامه، متقاضی ثبت باید اطلاعات مورد نظر را افشا نماید؛ در واقع پتنت سندی دال بر مالکیت انحصاری دارنده آن بر اختراع موضوع ثبت است (Erkal, 2006: 3, Langinier and Moschini, 2002: 1). در قوانین تمام کشورها هر وقت از لفظ پتنت استفاده شده، به اشخاص و مخترعین حقوق انحصاری و مالکانه اعطا می‌شود. نظام پتنت، ریشه در اقتصاد بازار و لیبرالیسم دارد که در راستای تحقق مقتضیات این نظام پدید آمده و به موجب آن، متقاضی ثبت، در قبال دریافت حقوق مالکانه انحصاری جهت بهره‌برداری از اختراع، اطلاعات مربوط به آن اختراع را افشا می‌نماید (Martens, Op.cit: 7).

نکته مهم این است که در ادبیات حقوق مالکیت فکری هر وقت قرار است حق مالکانه انحصاری به اشخاص داده نشود، از الفاظ دیگری استفاده می‌شود؛ به طور مثال همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد در قرن ۲۰ در شوروی و برای چند سال در چین، به مخترعین گواهی‌نامه‌ای به نام تصدیق مخترعین اعطا می‌کردند که تنها حاوی حق معنوی و به همراه مبلغی به‌عنوان پاداش به شخص داده می‌شد. جالب است که همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد در شوروی امکان صدور پتنت هم وجود داشت (اما عملاً صدور آن صرفاً توسط اتباع خارجی درخواست می‌شد)؛ یعنی متقاضیان ثبت اختراع دو راه پیش رو داشتند که یا اختراع خود را ثبت کنند و با دریافت پتنت، حقوق مالکانه انحصاری دریافت نمایند و یا با انتخاب نظام تصدیق مخترعین، مالکیت و حقوق انحصاری از آن دولت باشد و آن‌ها صرفاً مبلغی پاداش دریافت کنند؛ خلاصه اینکه قاعدتاً با صدور پتنت، حقوق مالکانه انحصاری به شخص داده می‌شود که به موجب آن می‌تواند شخصاً به بهره‌برداری بپردازد و مانع بهره‌برداری دیگران شود.

با وجود این ظاهر، برخی مواد قانون اختراع دفاع ملی چین اسباب ابهام و تردید نسبت به ماهیت حق مخترعین دفاع ملی را فراهم می‌آورد؛ ماده ۲۷ این قانون چنین مقرر نموده است:

"دولت باید به دارنده پتنت دفاع ملی غرامت بدهد. بعد از اینکه مؤسسه ثبت اختراع دفاع ملی یک پتنت دفاع ملی صادر می‌کند، باید به دارنده آن غرامت بدهد..."^۱

با توجه به این ماده، این سؤال مطرح می‌شود که اگر واقعاً به دارنده پتنت، حق مالکانه داده می‌شود (آن‌طور که از واژه پتنت به‌عنوان سند دال بر مالکیت انحصاری دارنده قابل استنباط است) دیگر چه نیازی به این غرامت است؟ از آنجا که پرداخت غرامت با هدف جبران زیان ناشی از عدم تحقق مالکیت خصوصی موجه می‌نماید، شاید به نظر برسد لفظ پتنت با مسامحه توسط تدوین‌کنندگان قانون اختراع دفاع ملی چین استعمال شده و در اصل، تصدیقی برای به‌رسمیت شناختن کار مخترعین بوده؛ یعنی شبیه چیزی که در گذشته در شوروی رواج داشته، بدون اینکه مالکیت شخص مورد پذیرش قرار گیرد؛ به بیان دیگر شاید چنین به نظر آید که لفظ پتنت در معنای معمول آن استعمال نشده و حق مالکیت انحصاری به شخص اعطا نمی‌شود.

تحلیل فوق‌الذکر با عنایت به ماده ۲۱ همین قانون که محدودکننده حقوق مخترع است، تقویت می‌شود؛ به‌موجب این ماده: "مؤسسه ثبت اختراع دفاع ملی باید ظرف ۳ روز از تاریخ اعطای پتنت دفاع ملی به متقاضی، رونوشت اسناد مربوط به گواهی‌نامه را به دپارتمان اداری شورای دولتی و یا دپارتمان ارتش آزادی خلق ارسال کند و آن‌ها ظرف ۴ ماه از تاریخ دریافت اسناد مربوطه نظراتی در مورد بهره‌برداری از پتنت دفاع ملی ارائه کنند و نظرشان را به مؤسسه ثبت اختراع دفاع ملی اعلام دارند؛"^۲ همچنین در ماده ۲۲ آمده است: "دپارتمان اداری شورای دولتی مربوطه و یا دپارتمان اداری مربوطه در ارتش آزادی خلق می‌توانند نهادها و مؤسسات مربوط به خودشان را برای بهره‌برداری از اختراع دفاع ملی مجاز نمایند؛ اگر لازم است

1. Art 27: "The state shall compensate the patent of a national defense patent. After the NDPI issues a national defense patent to the patentee, it shall pay the compensation fee for national defense patent to the patentee of the national defense patent."

2. Art 27: "The NDPI shall, within 3 months from the day when it grants the applicant the right of a national defense patent, submit the duplicates of the relevant documents of the national defense patent to the corresponding administrative department of the state council or the corresponding administrative department of the people's liberation army, which shall, within 4 months from the day after receipt of the duplicates of the relevant documents, put forward opinions in writing about the exploitation of the national defense patent and inform the NDPI of its opinions."

مؤسساتی به‌جز نهادهای مربوط به خودشان برای بهره‌برداری از پتنت دفاع ملی منصوب شوند، باید یک درخواست کتبی به مؤسسه ثبت اختراع دفاع ملی داده شود که باید با توجه به شرح وظایف مندرج در ماده ۳ این قانون به دپارتمان اداری دانش، تکنولوژی و صنعت برای دفاع ملی شورای دولتی و یا دپارتمان عمومی تسلیحات برای تأیید فرستاده شود. مؤسسه ثبت اختراع دفاع ملی، اطلاعات مربوط به بهره‌برداری از اختراع دفاع ملی را ثبت و باید آن را در مجله داخلی اختراع دفاع ملی منتشر نماید^۱

از مفاد ماده ۲۱ می‌توان چنین استنباط نمود که دو نهاد دولتی یعنی دپارتمان اداری شورای دولتی و دپارتمان ارتش آزادی خلق مراجع تصمیم‌گیرنده در خصوص بهره‌برداری از اختراع دفاع ملی می‌باشند؛ به‌نوعی همان‌طور که در گذشته روسیه و چین مالکیت انحصاری اختراعات از آن دولت بوده و پس از پرداخت مبلغی به عنوان پاداش به مخترع، خود دولت، مالک اختراع محسوب می‌شد و در مورد نحوه بهره‌برداری از اختراعات تصمیم می‌گرفت، از مواد ۲۷، ۲۱ و ۲۲، چنین رویکردی در قانون پتنت دفاع ملی قابل استنباط به نظر می‌آید؛ به‌راستی با عنایت به این مواد این سؤال مطرح می‌شود که این چه نوع پتنتی است که با وجود آن، تصمیم‌گیری در خصوص نحوه بهره‌گیری از آن با دولت است و به دارنده، خسارت داده می‌شود؟ نظام حمایتی پتنت نظامی است که در آن به دارنده گواهی‌نامه، حق انحصاری بهره‌برداری داده می‌شود و اشخاص دیگر، از جمله دولت، اصولاً و به‌جز در موارد خاص، دخالتی در خصوص نحوه بهره‌برداری ندارند؛ حال در قانون اختراع دفاع ملی چین همه چیز برعکس شده است و ظاهراً تصمیم‌گیرندگان در خصوص نحوه بهره‌برداری از اختراع ثبت‌شده، اشخاصی غیر از دارنده گواهی‌نامه هستند؛ با وجود این، مواد دیگری در قانون وجود دارند که می‌توان آن‌ها را مهر تأییدی بر مالکانه بودن ماهیت حق اعطایی دانست. به‌موجب

1. Art 22: "The corresponding administrative department of the state council or the corresponding administrative department of the people's liberation Army may permit its designated entities to exploit the national defense patents of its own system or department. If it is necessary to designate entities to exploit a national defense patent other than those of its own system or department, it shall file a written application to the NDPI, which shall, in accordance with the functions as stipulated in the second paragraph of article 3 of the present regulation, report that to the administration department of science technology and industry for national defense of the state council or the GAD for approval. Upon approval, the said patent may be expired."

ماده ۵: "مدت حمایت از اختراع دفاع ملی بیست سال است؛ این مدت از تاریخ ثبت اظهارنامه محاسبه می‌شود؛" بنابراین می‌توان گفت اگر ماهیت حق مخترع صنعت دفاعی پاداش و یا غرامت باشد، نظر به اینکه طبق ماده ۲۷ این مبلغ یکبار پرداخت می‌شود، دیگر مجالی برای بحث مدت حمایت باقی نمی‌ماند. بحث مدت حمایت اصولاً زمانی قابلیت طرح دارد که نسبت به اختراع حق مالکانه وجود داشته باشد و در این خصوص نیاز باشد مدت این حق مالکانه و انحصاری مشخص شود؛ همچنین در مواد ۷، ۸ و ۲۴ قانون مورد بحث، امکان انتقال حق مربوط به پتنت دفاع ملی و انعقاد قرارداد ليسانس توسط دارنده پتنت دفاع ملی با رعایت تشریفات که در بخش بعد به آن اشاره می‌کنیم، پیش‌بینی شده است؛ از این رو می‌توان گفت قطعاً دارنده پتنت، حق مالکانه دارد که می‌تواند آن را به دیگران واگذار نماید. به نوعی می‌توان گفت مفاد این مواد به‌گونه‌ای است که نشان می‌دهد حقوق موردنظر، از جنس مالکیت می‌باشد.

اگر واقعاً حق دارنده گواهی‌نامه از جنس مالکیت نیست، پس چه چیز در طول مدت بیست سال حمایت قابل واگذاری است؟ قطعاً حق مادی خاصی برای دارنده پتنت وجود دارد که امکان واگذاری آن پیش‌بینی شده است؛ همچنین در خصوص مواد ۲۱ و ۲۲ که روش بهره‌برداری از اختراع دفاعی ملی و تصمیم‌گیری برخی نهادها در این زمینه را پیش‌بینی نموده‌اند، نمی‌توان گفت در این مواد، اصل مالکیت و امکان تصمیم‌گیری دارنده پتنت در مورد بهره‌برداری اش نادیده گرفته شده، بلکه صرفاً در راستای مصالح جامعه محدودیت‌هایی بر این امر بار شده است؛ به‌طوری که ممکن است نهادهای مذکور مقرر نمایند که اصلاً خود مخترع یا دارنده پتنت از اختراع مربوط بهره‌برداری نکنند و نهادهای خاص دیگری حق بهره‌برداری داشته باشند.

حال ممکن است این سؤال مطرح شود که این حق مالکیت انحصاری دربرگیرنده چه امتیازاتی است؟ در قانون اختراع دفاع ملی هیچ مقررۀ خاصی به‌طور دقیق این مصادیق و قلمرو را مشخص نکرده است؛ با این حال نظر به جاری‌شدن احکام عمومی اختراعات مقرر در قانون اختراعات ۲۰۰۸ چین در موارد مسکوت و مجمل قانون ثبت اختراع دفاع ملی، بنا بر حکم ماده ۳۵ قانون اخیرالذکر، تمام مباحث مربوط به حقوق مادی مخترعین اختراعات غیر

دفاعی که در مقررات عام اختراعات چین تصریح شده‌اند، در خصوص مخترعین دفاع ملی جاری بوده و در نتیجه دارندگان پتنت دفاع ملی حق انحصاری بهره‌برداری (تولید، فروش و موارد دیگر که در قانون عام اختراعات چین آمده) را دارند؛ منتها با این تفاوت که بنا بر احکام مقرر در مواد ۲۱ و ۲۲ قانون اختراع دفاع ملی، نهادهای خاصی می‌توانند در خصوص نحوه بهره‌برداری از این حقوق تصمیماتی اتخاذ نموده و شرایطی برای بهره‌برداری توسط نهادهای خاصی را فراهم آورند و یا حتی محدودیت‌هایی را بر بهره‌برداری توسط دارندگان پتنت تحمیل نمایند.

در خصوص مبنای غرامت پیش‌بینی‌شده در ماده ۲۷ هم می‌توان آن را نتیجه محدودیت‌های بار شده بر بهره‌برداری از اختراع و همین‌طور محرمانگی اطلاعات دانست؛ همان‌طور که بیان شد حق مالکیت مخترع اختراع دفاع ملی همانند اختراعات عادی نیست؛ زیرا نهادهای گوناگونی بر این مسئله نظارت دارند و محدودیت‌هایی را بر استفاده از آن بار می‌نمایند و همچنین نفس مکلف بودن دارنده گواهی‌نامه محرمانه به حفظ محرمانگی، دست و پای این شخص را برای بهره‌برداری می‌بندد؛ از سوی دیگر اصولاً زمانی که اطلاعات مربوط به یک اختراع افشا نمی‌شود، فرایند تجاری‌سازی آن اختراع با چالش مواجه می‌شود؛ زیرا صدور گواهی‌نامه اختراع و افشای اطلاعات، اختراع مربوطه را در یک نمایشگاه عمومی قرار می‌دهد و متقاضیان بهره‌برداری از آن را به پیشنهاد انعقاد قرارداد برمی‌انگیزد (Hellmann, 2002, Langinier and Moschini, 3); از این رو می‌توان گفت نفس محرمانگی اختراعات، زیانی است که باید جبران شود و برای حفظ انگیزه اشخاص مبلغی به آن‌ها داده می‌شود. در پایان این بخش نتیجه می‌گیریم که ماهیت حق مادی قابل اعطا به مخترعین صنعت دفاعی در چین ترکیبی از حق مالکیت انحصاری و غرامت است که در نتیجه ثبت به آن‌ها اعطا می‌شود.

بند دوم. ویژگی‌های حق مادی مخترعین صنعت دفاعی در چین

ویژگی‌های حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی از دو منظر گستره حق و قابلیت واگذاری و انعقاد قرارداد نسبت به آن قابلیت تحلیل دارد؛ در ادامه به ترتیب به بررسی هر یک از این موارد می‌پردازیم:

۱. گستره حق

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد طبق ماده ۵ قانون اختراع دفاع ملی، مدت حمایت از اختراعات صنعت دفاعی و به تعبیر دیگر، مدت اعتبار پتنت دفاع ملی بیست سال می‌باشد که از تاریخ تسلیم اظهارنامه محاسبه خواهد شد؛ بنابراین برای مدت بیست سال مالکیت خصوصی و انحصاری بر اختراعات دفاع ملی متصور است؛ همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، طبق ماده ۳۵ قانون اختراع دفاع ملی حکم موارد مجمل و مسکوت در قانون اختراع دفاع ملی چین منطبق با احکام مقررات عمومی اختراعات یعنی قانون اختراع ۲۰۰۸ خواهد بود؛ بنابراین هر آنچه به‌موجب این قانون در قالب حقوق مادی به مخترعین قابل اعطا است، به مخترعین صنعت دفاعی که مشمول قانون اختراع دفاع ملی هستند نیز قابل اعطا بوده، منتها با رعایت برخی محدودیت‌ها و احکام خاص این قانون در زمینه بهره‌برداری، خاصه تصمیم‌گیری نهادهای خاصی در مورد نحوه بهره‌برداری که می‌تواند توأم با هرگونه محدودیتی بر حقوق مادی مخترع صنعت دفاعی باشد.

در خصوص بعد دیگر حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی که حق دریافت غرامت است، تصریح شده که میزان آن توسط مؤسسه اختراع دفاع ملی چین تعیین خواهد شد؛ همچنین در ماده ۲۷ مقرر شده است که برای اختراعات ناشی از روابط کارگر و کارفرمایی پتنت صادرشده باشد، دارنده باید حداقل ۵۰٪ غرامت دریافتی را به مخترع پرداخت نماید.

۲. قابلیت انعقاد قرارداد و واگذاری حقوق

در رابطه با قابلیت واگذاری حقوق مادی و امکان انعقاد قرارداد نسبت به آن‌ها مقرراتی در قانون اختراع دفاع ملی چین وجود دارد. همان‌طور که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت طبق ماده ۲۱ این قانون، دپارتمان اداری شورای دولتی و دپارتمان اداری ارتش آزادی خلق می‌توانند درخصوص نحوه بهره‌برداری از اختراعات صنعت دفاعی تصمیم‌گیری نمایند و به‌موجب ماده ۲۲ به‌نوعی می‌توانند انعقاد یک قرارداد ليسانس اجباری را به دارندگان گواهی‌نامه ثبت اختراع دفاع ملی به نفع اشخاص و مؤسسات مورد نظر خود تحمیل نمایند.

در خصوص امکان انعقاد قرارداد ليسانس اختیاری ماده ۲۴ حاکم است؛ البته این ماده صرفاً جهت حفظ مصالح اجتماعی نسبت به انعقاد قرارداد ليسانس به طرفیت اشخاص خارجی

تعیین تکلیف و تحمیل محدودیت‌ها و تشریفات نموده است؛ لذا مستنبط از مفهوم مخالف این ماده و جاری بودن احکام عام حقوق اختراعات در موارد مجمل و مسکوت این قانون که امکان انعقاد لیسانس را مقرر نموده است، انعقاد لیسانس اختیاری به طرفیت اشخاص چینی با هیچ محدودیتی همراه نیست. به موجب ماده ۲۴ در صورتی که دارنده پتنت دفاع ملی بخواهد اجازه بهره‌برداری از اختراع دفاع ملی را به اشخاص و مؤسسات خارجی بدهد، باید تضمین دهد که اسرار دولتی فاش نمی‌شوند و ساختار دفاع ملی و ارتش تحت تأثیر منفی قرار نمی‌گیرد و در این راستا باید یک درخواست کتبی را به مؤسسه ثبت اختراع دفاع ملی تسلیم نماید؛ نهایتاً مؤسسه ثبت اختراع دفاع ملی باید درخواست را به دپارتمان دانش، فناوری و صنعت دفاع ملی و یا دپارتمان عمومی تسلیحات جهت اتخاذ تصمیم و تأیید نهایی ارسال نماید.^۱

در رابطه با واگذاری کامل مالکیت، موضع قانون چین چنین است که انتقال اجباری مالکیت اصلاً به رسمیت شناخته نشده است و مقرره‌ای در این رابطه وجود ندارد؛ همچنین، طبق ماده ۸، انتقال مالکیت به اشخاص و مؤسسات خارجی منع شده است. در زمینه انتقال اختیاری مالکیت به اشخاص و مؤسسات مقیم داخل چین محدودیتی مقرر شده است. به موجب ماده ۷، دقیقاً همان شرایط و تشریفات که برای امکان انعقاد لیسانس اختیاری به طرفیت اشخاص خارجی در ماده ۲۴ ارائه شده است، در خصوص انعقاد قرارداد انتقال توسط دارنده پتنت به طرفیت اتباع چین پذیرفته و مقرر شده است.

در پایان این قسمت باید اشاره شود که ماهیت حق مادی مخترعین صنعت دفاعی در کشور چین، ترکیبی از حق مالکانه انحصاری ناشی از دریافت پتنت و مبلغی به عنوان غرامت است. به نظر می‌آید با توجه به محدودیت‌های معقول و موجهی که در خصوص مصالح و

1. Art 24: "Where a patentee of a national defense patent permits an overseas entity or individual to exploit its national defense patent, it shall ensure that the state secrets won't be divulged, shall guarantee that the construction of national defense and the army won't be affected and shall file a written application with the NDPI. The NDPI shall conduct a preliminary examination in pursuance of the functions as stipulated in the second paragraph of Article 3 of the present Regulation, and then timely submit it for examination and approval to the administrative department of science, technology and industry for national defense of the State Council, or the GAD."

سیاست‌های دفاعی این کشور در بهره‌برداری از اختراعات دفاعی وجود دارد پرداخت این مبلغ برای حفظ جذابیت‌های نظام پتنت کاملاً موجه است. به‌طور خلاصه در مورد ویژگی‌های حق در چین می‌توان گفت که حق مالکیت به مدت بیست سال وجود دارد و در رابطه با کمیت پاداش، معیاری ارائه نشده و میزان آن توسط مؤسسه پتنت دفاع ملی مشخص می‌شود. درخصوص قابلیت واگذاری حق مالکانه و همین‌طور انعقاد قرارداد ليسانس نسبت به آن، با وجود محدودیت‌ها و تشریفاتی که شرح آن رفت، این امکان پذیرفته شده است.

قسمت دوم. ماهیت و ویژگی‌های حق مادی در روسیه

در این قسمت نیز ابتدا ماهیت حق مادی مخترعین صنعت دفاعی و سپس ویژگی‌های آن را در روسیه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بند اول. ماهیت حق مادی مخترعین صنعت دفاعی در روسیه

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اختلاف‌نظرهای زیادی پیرامون روش حمایت از اختراعات در فدراسیون روسیه به‌وجود آمد. عقیده رایج این بود که نظام پاداش، انگیزه کافی را به مخترعین نمی‌دهد؛ از این رو تمایل بیشتری به حمایت از طریق صدور پتنت و مالکیت خصوصی و انحصاری اختراعات که مولود نظام تجارت آزاد بود به‌وجود آمد (Martens, Op.cit: 179)؛ صرف‌نظر از اینکه چه نظامی جهت حمایت مادی از مخترعین اختراعات غیرمحرمانه مناسب است، همواره ایده استفاده از نظام پاداش جهت حمایت از مخترعین اختراعات محرمانه در سال‌های ابتدایی تشکیل فدراسیون روسیه مطرح بود (Martens, Op.cit: 181).

با وجود تمام اختلافات مذکور، نهایتاً نظام پتنت جهت حمایت از مخترعین مورد پذیرش قرار گرفت و اعطای حقوق انحصاری به عنوان روش حمایت از مخترعین، اعم از مخترعین غیرمحرمانه و محرمانه، پیشه گرفته شد (Martens, Op. cit: 181)؛ ضمن اینکه باید تأکید شود در مقررات فعلی روسیه برخلاف چین هیچ اثری از گرامت و یا پاداش مشاهده نمی‌شود و حقوق قابل اعطا به مخترعین صنعت دفاعی منحصر به همان حق انحصاری بهره‌برداری است؛ بنابراین نظر به اینکه طبق بند ۲ ماده ۱۳۴۹ قانون مدنی روسیه، قواعد عام مربوط به اختراعات در خصوص اختراعات محرمانه نیز - مگر در صورت وجود حکم مخالف - قابل تسری

خواهند بود و از آنجا که در مواد مخصوص به اختراعات محرمانه حکم خاصی در خصوص حقوق مادی مخترعین اختراعات محرمانه وجود ندارد، تمام مصادیق حقوق انحصاری مذکور در بند ۲ ماده ۱۳۴۵ قانون مدنی روسیه، از قبیل حق انحصاری بهره‌برداری، واردات، فروش و... برای مخترعین اختراعات محرمانه از جمله اختراع دفاع ملی که برای آن‌ها پتنت صادر شده، برقرار خواهد بود.

بند دوم. ویژگی‌های حق

ماده ۱۳۶۳ قانون مدنی روسیه در رابطه با حق انحصاری، مدت بیست سال را تجویز نموده است؛ البته باید عنایت شود که این ماده در میان قواعد خاص اختراعات محرمانه نبوده، اما نظر به اینکه بند ۲ ماده ۱۳۴۹ قانون مدنی روسیه، قواعد عمومی اختراعات را به اختراعات محرمانه تسری داده است؛ همین حکم در رابطه با مدت حقوق انحصاری ناشی از ثبت اختراعات صنعت دفاعی قابل تسری است؛ همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد در طول این مدت بیست سال، دارنده پتنت محرمانه دارای کلیه حقوق مادی دارندگان پتنت‌های عادی و غیرمحرمانه خواهد بود.

در رابطه با شرایط انعقاد قرارداد نسبت به اختراعات صنعت دفاعی، در قواعد خاص اختراعات محرمانه روسیه، مقرره خاصی پیش‌بینی نشده و از این رو به نظر می‌رسد محدودیتی در واگذاری این حقوق و اعطای لیسانس وجود ندارد. تنها در بند ۲ ماده ۱۴۰۵ قانون مدنی حکم شده است که این قراردادها باید به ثبت برسند.

البته باید توجه شود که فقدان قواعد خاص پیرامون انعقاد قرارداد نسبت به اختراعات محرمانه اصلاً به معنای آزادی کامل اشخاص در این خصوص نیست؛ زیرا به موجب بند ۱ ماده ۱۴۰۵ قانون مدنی روسیه^۱ بهره‌برداری از اختراعات محرمانه در این کشور باید با رعایت مقررات قانون اسرار دولتی انجام شود و طبق این مقررات دسترسی به اطلاعات محرمانه برای اشخاص محدودی میسر است؛ در نتیجه دارندگان پتنت‌های محرمانه جهت انعقاد لیسانس و انتقال آزادی کامل ندارند (Martens, Op. cit: 196).

1. Art 1405-1: "The use of a secret invention and the disposition of the exclusive right to a secret invention shall conform to the legislation on official secrets."

به‌طور خلاصه، حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی در روسیه از جنس حق مالکانه انحصاری بوده و هیچ پاداش یا غرامتی به این اشخاص داده نمی‌شود. همانند اختراعات غیر محرمانه و غیر دفاعی مدت اعتبار پتنت بیست سال بوده و نقل و انتقال آن ممکن است در مقررات مربوط به اسرار دولتی با محدودیت مواجه شود.

قسمت سوم. ماهیت و ویژگی‌های حق مادی در آمریکا

در این قسمت ابتدا ماهیت حق و سپس ویژگی‌های آن را در آمریکا مورد بررسی قرار می‌دهیم:

بند اول. ماهیت حق

به محض وصول اظهارنامه ثبت اختراع به اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری آمریکا، اختراع از جهت مخالفت یا عدم مخالفت افشای اطلاعات مربوط به آن با امنیت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در صورت حصول این نتیجه که افشای اطلاعات مربوطه ممکن است به ضرر امنیت ملی باشد، دستور محرمانگی صادر می‌شود و از صدور گواهی‌نامه ثبت اختراع تا رفع محرمانگی ممانعت به عمل می‌آید؛ در این شرایط، رئیس اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری، دستور محرمانگی صادر می‌کند (Maune, Op.cit: 473)؛ بنابراین برخلاف کشورهای چین و روسیه، در آمریکا تا زمان بقای دستور محرمانگی هیچ گواهی‌نامه‌ای دال بر مالکیت شخص بر اختراع و حق انحصاری و مالکانه صادر نمی‌شود و صرفاً رسیدگی و صدور گواهی‌نامه معلق می‌ماند.

حال این سؤال قابل طرح است که چگونه از این دست مخترعین حمایت به عمل می‌آید؟ بدون شک اگر به دستور محرمانگی اکتفا شود و هیچ حمایت مادی از مخترعین اختراعات محرمانه از جمله اختراعات صنعت دفاعی به عمل نیاید، انگیزه اشخاص نسبت به فعالیت‌های فکری کم می‌شود و به‌نوعی با پیش‌بینی احتمال مواجه شدن با دستور محرمانگی، نسبت به ثبت اختراعات بی‌میل می‌شوند. تصور کنید شخصی اختراعی انجام داده که کاربردهای مختلفی اعم از دفاعی و غیر دفاعی داشته و در شرایطی که اساساً توجه وی معطوف کاربردهای غیر دفاعی بوده و درصدد استفاده از جنبه‌های غیر دفاعی آن اختراع است با دستور محرمانگی مواجه

1. U.S Patent and Trade Mark Office (U.S PTO)

می‌شود و نمی‌تواند با دریافت پتنت از حقوق انحصاری مورد نظر خود بهره‌مند شود.^۱ بدون شک اگر چنین احتمالی پررنگ باشد ممکن است جذابیت‌های ثبت اختراع و به تبع آن انگیزه برای ادامه فعالیت فکری کم‌رنگ شود. در پاسخ به این نگرانی ماده ۱۸۳ قانون محرمانگی اختراع آمریکا ۱۹۵۱ امکان دریافت مبلغی تحت عنوان غرامت^۲ را پیش‌بینی نموده است (Bell, (Op.cit: 4, Ibid: 473).

بند دوم. ویژگی‌های حق

همان‌طور که اشاره شد در آمریکا در دوره محرمانگی اختراع، حق مالکیتی اعطا نمی‌شود که قابلیت انتقال و انعقاد قرارداد مطرح باشد، ویژگی‌های حق مادی در دوره محرمانگی صرفاً از حیث کمیت، یعنی میزان غرامت قابل بررسی است.

دریافت غرامت به دو طریق ممکن است؛ روش اول بدین صورت است که متقاضی ثبت اختراع می‌تواند به نهادی که ضرورت محرمانگی را احساس کرده و درخواست تحمیل محرمانگی را به رئیس اداره ثبت اختراع داده، مراجعه و درخواست غرامت نماید؛ پس از آن درخواست، طرفین وارد مذاکره شده و با توافق، مبلغی را معین می‌کنند؛ اما اگر توافق حاصل نشود آن مؤسسه مبلغی را که بالاتر از ۷۵٪ کل خسارت وارد شده به متقاضی نباشد، تعیین و پرداخت می‌نماید؛ نسبت به این مبلغ، امکان اعتراض و درخواست تجدیدنظر در دادگاه فدرال وجود دارد (ماده ۱۸۳)؛ البته انتقادهای زیادی نسبت به پرداخت تنها ۷۵٪ خسارت به شخص متقاضی وجود دارد؛ بدین توضیح که برخی معتقدند باید کل مبلغ جبران شود و همچنین انتقاد شده است که همان نهادی که مسئول پرداخت است، نباید تعیین‌کننده مبلغ باشد (Maune, (Op.cit: 490)؛ در صورت اتخاذ روش اول، میزان غرامت با توافق طرفین و در غیر این صورت بنا بر نظر نهاد ملزم به پرداخت غرامت تا ۷۵٪ کل مبلغ پرداخت خواهد شد.

۱. البته باید توجه شود که این دغدغه و نگرانی زمانی مطرح می‌شود که شخصی (اعم از حقیقی یا حقوقی) به‌طور مستقل و خارج از چهارچوب سازمان‌های دفاعی اختراعی انجام داده و در فرایند ثبت اختراع خود که ممکن است کاربردهای غیر دفاعی نیز داشته باشد با دستور محرمانگی مواجه شود.

2. Compensation

روش دوم پرداخت غرامت بدین صورت است که مخترع تا رفع محرمانگی و صدور گواهی‌نامه ثبت اختراع صبر می‌کند و در آن زمان دعوایی را به طرفیت آمریکا برای خسارت وارده و یا بهره‌برداری دولت از آن اختراع مطرح می‌نماید؛ این دعوی تا شش سال پس از صدور گواهی‌نامه ثبت اختراع قابلیت طرح دارد؛ همچنین امکان طرح این دعوی منوط به این است که دستور محرمانگی به‌طور کامل رعایت شده باشد (Maune, Op.cit: 490)؛ قاعدتاً در این مورد تعیین میزان غرامت با صلاحدید دادگاه انجام می‌شود.

به‌طور خلاصه حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی در آمریکا در طول دوره محرمانگی از نوع غرامت بوده و پس از لغو دستور محرمانگی، پتنت صادر می‌شود؛ همچنین در طول دوره محرمانگی مبلغی به‌عنوان غرامت برای جبران خسارات ناشی از عدم ثبت اختراع پرداخت می‌شود.

قسمت چهارم. ماهیت و ویژگی‌های حق مادی در ایران

در این قسمت ابتدا ماهیت حق مادی مخترعین صنعت دفاعی و سپس ویژگی‌های آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

بند اول. ماهیت حق

در رابطه با حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی، مواد آیین‌نامه خیلی روشن نیستند؛ به‌طوری که با یک نگاه سطحی نمی‌توان فهمید که به مخترع صرفاً غرامت اعطا شده یا حق مالکیت انحصاری هم داده می‌شود. مواد ۷ تا ۱۲ آیین‌نامه به موضوع حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی اختصاص داده شده و ماده ۸ این آیین‌نامه موجب این تصور می‌شود که حقوق مخترعین صنعت دفاعی صرفاً پاداش است.

ماده ۸ در مقام بیان حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی چنین تدوین شده است: "حقوق مادی ناشی از اختراع یا اکتشاف با صدور گواهی‌نامه و تعیین مبلغ حمایت مادی از طرف کمیسیون برای مؤسسه از محل صندوق ویژه حمایت از اختراعات پرداخت می‌شود". همان‌طور که ملاحظه می‌شود آنچه در این ماده به عنوان حقوق مادی معرفی شده، چیزی معادل پاداش است که پس از تصویب کمیسیون عالی از صندوق حمایت از اختراعات پرداخت می‌شود.

با وجود ظاهر ماده مذکور که باعث می‌شود تصور کنیم حق مادی مخترعین و مکتشفین صنعت دفاعی صرفاً مبلغی پول است و حق مالکیت انحصاری برای آن‌ها به وجود نمی‌آید؛ مواد ۱۱ و ۱۲ اسباب تردید را نسبت به این ظاهر فراهم می‌آورد. به موجب ماده ۱۱: "اختراع و یا اکتشافی (در این آیین‌نامه اکتشاف نیز همانند اختراع موضوع حمایت است.) که خارج از سازمان‌های دفاعی توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی حاصل می‌شود و کاربرد خاص دفاعی، انتظامی داشته باشد، در ازای پرداخت ارزش اقتصادی یا ارزش انحصاری کارشناسی شده آن به اشخاص مزبور به قطب صنایع دفاعی مربوطه واگذار می‌شود. مؤسسه هماهنگی لازم جهت انتقال اختراع و یا اکتشاف و پرداخت حقوق مالک آن را انجام می‌دهند." همان‌طور که ملاحظه می‌شود در صورتی که اختراع، خارج از سازمان دفاعی انجام شود و کاربرد خاص و انحصاری دفاعی داشته باشد، مالکیت آن با رعایت شرایطی به سازمان دفاعی منتقل می‌شود؛ پس می‌توانیم نتیجه بگیریم که در رابطه با اختراعات صنعت دفاعی مالکیت وجود داشته که قابلیت انتقال آن به قطب صنایع دفاعی پیش‌بینی شده است؛ کما اینکه در ذیل ماده ۱۱ اشاره شده است که مؤسسه هماهنگی لازم را جهت انتقال اختراع و اکتشاف و پرداخت حقوق مالک انجام می‌دهد؛ در واقع صراحتاً به مالکیت مخترع بر اختراع اشاره شده است؛ مالکیتی که با پرداخت مبلغی به قطب صنایع دفاعی واگذار می‌شود؛ همچنین در ماده ۱۲ تصریح شده: "در صورتی که بنا به تشخیص سازمان‌های دفاعی، استفاده از اختراع و یا اکتشافی که برابر مفاد این آیین‌نامه به ثبت رسیده و جهت منافع عمومی به‌خصوص توان دفاعی و امنیتی کشور حیاتی و ضروری باشد، مخترع و یا مکتشف حق مخالفت با استفاده از اختراع و یا اکتشاف خود را ندارد و تنها می‌تواند حقوق خود را طبق آیین‌نامه و مقررات جاری کشور مطالبه نماید. در صورت مخالفت صاحب حق ضرورت و حیاتی بودن استفاده از اختراع و یا اکتشاف بایستی به تأیید بالاترین مقام سازمان که رتبه سازمانی آن از وزیر یا هم‌ردیف آن کمتر نباشد برسد." این ماده هم مثل ماده ۱۱ نشان از مالکانه بودن حق مادی دارد؛ زیرا اگر حق مالکیتی وجود نداشت دیگر اصلاً بحث ممانعت از بهره‌برداری قابل طرح نبود. قطعاً حق مالکیت بر اختراع پذیرفته شده که بر آن استثناء بار شده است. گذشته از این مواد، ماده ۲۸ آیین‌نامه صراحتاً مقرر داشته که: "حقوق ناشی از اختراع و یا اکتشاف ثبت شده مالکیت داشته و قابل انتقال و توارث است."

حال ممکن است این سؤال مطرح شود که مصادیق این حق مالکانه انحصاری چه مواردی هستند؟ در این خصوص باید توجه شود که طبق ماده ۳۱ آیین‌نامه مواردی که در این آیین‌نامه مسکوت مانده و یا به‌طور کامل و واضح ذکر نگردیده و یا نیاز به تفسیر دارد بر اساس قوانین و مقررات مربوطه و جاری کشور عمل خواهد شد؛ بنابراین از آنجا که مصادیق دقیق مالکیت و حق انحصاری در آیین‌نامه تصریح نشده‌اند، مقررات قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری در این خصوص، خاصه ماده ۱۵ آن، در مورد اختراعات صنعت دفاعی نیز جاری خواهد بود.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که رویکرد ایران مستنبط از مواد ۷ تا ۱۲ آیین‌نامه و ماده ۲۸ آن در خصوص ماهیت حقوق مادی قابل اعطا به مخترعین و مکتشفین صنعت دفاعی، ترکیبی از حق مالکیت و غرامت یا پاداش است، منتها این حق مالکیت با محدودیت‌هایی همراه است؛ چنین رویکردی تا حدود بسیاری شبیه رویکرد اتخاذ شده در چین است؛ همان‌طور که در قسمت مربوط به حقوق چین اشاره شد، با عنایت به مشکلات محتمل در جریان تجاری‌سازی اختراعات محرمانه و محدودیت‌های دارنده گواهی‌نامه در راستای بهره‌برداری، پرداخت مبلغی به عنوان پاداش یا غرامت علاوه بر حق مالکیت بر اختراع می‌تواند تأثیر مثبتی بر حفظ انگیزه اشخاص برای ادامه فعالیت‌های فکری داشته باشد.

بند دوم. ویژگی‌های حق

ویژگی‌های حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی در ایران را در ادامه به ترتیب از دو منظر «گستره» و «قابلیت انعقاد قرارداد» مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. گستره

در خصوص کمیت بعد اول حقوق مادی یعنی غرامت، ماده ۸ آیین‌نامه مقرر نموده است که این مبلغ توسط کمیسیون مشخص خواهد شد؛ باین‌حال در رابطه با بعد دیگر مسئله، یعنی حق مادی مالکانه مخترعین صنعت دفاعی، آیین‌نامه ساکت است؛ در واقع مشخص نشده که این حق مالکیت برای چه مدت زمانی وجود خواهد داشت؛ باین‌حال نظر به اینکه طبق ماده ۳۱ تعیین تکلیف موارد مسکوت در آیین‌نامه بر اساس مقررات عمومی انجام می‌شود، می‌توان مدت مالکیت بیست ساله را مورد پذیرش قرار داد.

۲. قابلیت انعقاد قرارداد و واگذاری حقوق

در ادامه ابتدا قرارداد انتقال و سپس لیسانس را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

- قرارداد انتقال

همان‌طور که پیش‌تر در مقام تحلیل ماهیت حق بیان کردیم ماده ۱۱ مقرر داشته است: "اختراع و یا اکتشافی که در خارج از سازمان‌های دفاعی توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی حاصل می‌شود و کاربرد خاص دفاعی، انتظامی و اطلاعاتی داشته باشد، در ازای پرداخت ارزش اقتصادی یا ارزش انحصاری کارشناسی شده به اشخاص مزبور به قطب صنایع دفاعی مربوطه واگذار می‌شود. مؤسسه هماهنگی لازم جهت انتقال اختراع و یا اکتشاف را انجام خواهد داد."

این ماده تنها مقررۀ موجود در آیین‌نامه در رابطه با انتقال مالکیت می‌باشد که به موجب آن انتقال اجباری مالکیت اختراع در مواردی پیش‌بینی شده است؛ هیچ مقررۀ دیگری در رابطه با انتقال مالکیت به شکل ارادی پیش‌بینی نشده است تا دولت یا نهادهای دفاعی کشور بر فرایند انتقال اختراعات نظارت داشته باشند؛ این در حالی است که همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردیم در حقوق چین اصولاً انتقال اجباری مالکیت وجود ندارد و تنها در مواردی لیسانس اجباری پیش‌بینی شده است. نتیجه وضعیت موجود این است که با توجه به قابل اجرا بودن حکم قواعد عمومی مالکیت فکری و قراردادهای پیرامون مسئله، امکان واگذاری مالکیت این اختراعات و اکتشافات بدون هیچ‌گونه نظارت خاصی وجود خواهد داشت که ممکن است به صلاح کشور نباشد؛ به‌طور مثال در مواقعی که یک اختراع دارای کاربرد دوگانه بوده و از موارد دارای کاربرد خاص که مالکیت آن باید به‌طور اجباری به قطب صنایع دفاعی منتقل شود به حساب نیاید، با توجه به خلأ موجود در آیین‌نامه و جانشین شدن قواعد عمومی، این شخص می‌تواند هم مالکیت را انتقال دهد و هم لیسانس دهد؛ درحالی‌که این اعمال ممکن است باعث شود فناوری مورد نظر که مصالح کشور، محرمانگی آن را می‌طلبد در اختیار اشخاص نادرست قرار بگیرد. به نظر می‌آید تنظیم قواعدی در خصوص شرایط تجویز امکان واگذاری مالکیت و شرایط و نظارت بر آن همانند چین کاملاً ضروری است.

- قرارداد لیسانس

نه تنها در آیین‌نامه بحث پیرامون واگذاری مالکیت مسکوت و مغفول مانده، بلکه قواعد خاصی پیرامون امکان لیسانس دادن نیز وجود ندارد. تنها ماده ۱۲ حاوی مقرره‌ای است که آن را می‌توان تا حدودی شبیه به لیسانس اجباری انگاشت؛ طبق این ماده: "در صورتی که بنا به تشخیص سازمان‌های دفاعی استفاده از اختراع و یا اکتشافی که برابر مفاد این آیین‌نامه به ثبت رسیده و جهت منافع عمومی به‌خصوص توان دفاعی و امنیتی کشور حیاتی و ضروری باشد، مخترع و یا مکتشف حق مخالفت با استفاده از اختراع یا اکتشاف خود را ندارد و تنها می‌تواند حقوق خود را طبق مفاد این آیین‌نامه و مقررات جاری کشور مطالبه نماید. در صورت مخالفت صاحب حق، ضرورت و حیاتی بودن استفاده از اختراع و یا اکتشاف بایستی به تأیید بالاترین مقام سازمان که البته رتبه سازمانی آن از وزیر یا هم‌ردیف آن کمتر نباشد برسد."

ما این مقرره را تعبیر به لیسانس اجباری می‌نماییم؛ زیرا نتیجه آن، امکان بهره‌برداری از اختراع توسط شخصی غیر از دارنده گواهی‌نامه بدون لحاظ کردن اراده وی می‌باشد؛ به‌طور کلی بنا بر دلایلی که در خصوص قرارداد انتقال گفتیم، برای فراهم‌آوردن محیطی مناسب برای تجاری‌سازی اختراعات و به‌طور هم‌زمان، حفظ محرمانگی اختراعات، باید قواعدی خاص در خصوص امکان انعقاد لیسانس در حوزه اختراعات دفاعی وجود داشته باشد و نظارت‌هایی توسط مقامات صالح انجام شود.

به‌طور خلاصه، در خصوص حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی، رویکردهای متفاوتی در کشورهای چین، روسیه، آمریکا و ایران اتخاذ شده‌اند. بر اساس قانون اختراع دفاع ملی چین، پس از ثبت اختراع، علاوه بر پتنت به مخترع یا دارنده حق مادی، مبلغی به‌عنوان غرامت نیز پرداخت می‌شود؛ به‌موجب آیین‌نامه ثبت اختراعات و اکتشافات صنعت دفاعی مصوب ۱۳۸۳، دقیقاً همین رویکرد در ایران نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. رویکرد روسیه بدین ترتیب است که پس از ثبت اختراعات محرمانه، از جمله اختراعات صنعت دفاعی، به مخترع صرفاً پتنت داده می‌شود و پرداخت هیچ مبلغی تجویز نشده است؛ برخلاف این سه کشور، در آمریکا در صورت احراز ضرورت حفظ محرمانگی، دستور محرمانگی صادر می‌شود و تا زمان رفع

محرم‌انگی از صدور پتنت ممانعت به عمل می‌آید؛ در این وضعیت، مخترعین تنها حق دریافت غرامت دارند.

گفتار سوم. تحلیل انطباق یا عدم انطباق نظام پتنت در خصوص اختراعات صنعت دفاعی با مبانی حقوق مالکیت فکری

همان‌طور که ملاحظه شد در سه کشور چین، ایران و روسیه، نظام مالکیت خصوصی و به تعبیر دیگر، حمایت از طریق صدور پتنت برای مخترعین صنعت دفاعی به رسمیت شناخته شده است و تنها تفاوت موجود این است که در کشورهای ایران و چین علاوه بر صدور پتنت، مبلغی به‌عنوان غرامت یا پاداش نیز پرداخت می‌شود؛ در مقابل در آمریکا تا زمان رفع محرم‌انگی، پتنت صادر نمی‌شود و به پرداخت غرامت اکتفا می‌شود. حال این سؤال قابل طرح است که علت اتخاذ رویکردی متفاوت در آمریکا چیست؟ بر اساس مطالعاتی که ما انجام دادیم این نتیجه حاصل شد که مبنای این رویکرد در آمریکا و سایر کشورها که در طول دوره محرم‌انگی از صدور پتنت اجتناب به عمل می‌آورند پذیرش نگره (نظریه یا تئوری) قرارداد^۱ به‌عنوان مبنا و توجیه صدور پتنت است (Martens, Op.cit: 180)؛ اما آیا واقعاً حمایت از مخترعین اختراعات صنعت دفاعی (که باید محرم‌انگی آن‌ها حفظ شود) از طریق صدور پتنت، با مبانی حقوقی مالکیت فکری در تضاد است؟ مبنای مالکیت فکری به چرایی آن می‌پردازد و درصدد پاسخ به چرایی مشروعیت حق پدیدآورنده است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۵: ۹۰).

درواقع با تحلیل مبانی مالکیت فکری می‌خواهیم ببینیم علت پذیرش مالکیت خصوصی یک شخص بر اختراعات چیست و آیا آن مبنا در مورد اختراعات صنعت دفاعی نیز وجود دارد؟ برای توجیه نظام مالکیت خصوصی اختراعات دو نظر مطرح شده است: ۱. نظریه کار؛ ۲. نظریه منفعت؛ در ادامه به بررسی و تحلیل انطباق یا عدم انطباق مالکیت خصوصی اختراعات صنعت دفاعی با هریک از نظریات مذکور خواهیم پرداخت.

1. Contract Theory

بند اول. انطباق یا عدم انطباق حمایت از طریق صدور پتنت برای اختراعات صنعت دفاعی در صورت پذیرش نظریه کار به عنوان مبنای مالکیت فکری

اولین نظریه ارائه شده در زمینه مبنای مالکیت فکری، نظریه کار جان لاک^۱ است. بر اساس نظریه جان لاک که علاوه بر نظریه کار به نظریه حقوق فطری نیز شهرت یافته است، انسان حق مالکانه فطری بر نتایج کارش دارد و جامعه ملزم به احترام و تضمین این مالکیت است (Sterckx, 2006: 250). به طور خلاصه استدلال جان لاک را می توان این چنین بیان کرد: "۱. هر کس مالک خودش است؛ ۲. کار بدن و دستان فرد متعلق به خودش است؛ ۳. هرگاه فردی به وسیله کارش شیئی را از حالت طبیعی به در آورد و آن را قابل استفاده تر و مفیدتر به حال خود کند، کار متعلق به خود را با آن درآمیخته است و ۴. بدین سان او با کارش مالی را که قبلاً عمومی بوده به خود اختصاص داده و دیگر متعلق حق دیگران نیست؛ البته وی در این دو مرحله دو محدودیت برای میزان تملک قائل شده است: اولاً، برای دیگران هم به اندازه کافی و خوب از آن شیء مانده باشد و ثانیاً، بیش از حد استفاده اش برداشت نکند (به بیان دیگر تا حدودی بردارد که فاسد نشود)؛ به نوعی می توان نظریه جان لاک را این گونه نیز بیان نمود: کار + طبیعت = مالکیت" (پیلوار، ۱۳۹۰: ۶۶).

به تعبیری می توان گفت جان لاک حق مالکیت را به عنوان یک حق طبیعی معرفی نموده؛ حقی که قبل از تشکیل جامعه مدنی و دولت وجود داشته و دولت باید در صیانت از آن کوشا باشد. جان لاک با ارائه نظریه خود، نظریه مالکیت فرمانروایان در مالکیت را منسوخ نمود (حکمت نیا، ۱۳۸۵: ۹۱).

باید اذعان کرد که جان لاک هنگام طراحی نظریه خود اصلاً توجهی نسبت به پدیده های فکری نداشته و حتی این را نمی دانست که شاید روزی نظریه وی در تحلیل و توجیه مالکیت فکری به کار رود؛ با این حال اندیشمندان بعدی، نظریه کار را به عنوان یک نظریه عمومی در باب مالکیت قلمداد کرده اند و کوشیده اند تا این نظریه را بر پدیده های فکری نیز تطبیق دهند (حکمت نیا، ۱۳۸۵: ۹۲).

1. John Loake

به‌طور کلی، قابلیت پذیرش نظریه کار جان لاک به‌شدت محل تردید بوده و موافقان و مخالفان زیادی داشته است (پیلوار، ۱۳۹۰: ۶۳ - ۸۵)؛ شدت این اختلاف‌نظرها در زمینه مالکیت فکری و به‌عنوان مبنایی برای توجیه پتنت حتی بیشتر بوده است؛ به‌طور مثال یکی از مهم‌ترین استدلال‌های ارائه‌شده علیه این نظریه و تسری آن به بحث مالکیت فکری و به‌عنوان توجیهی برای نظام پتنت این است که اختراعات اصولاً ریشه گرفته از ایده‌های پیشینیان هستند و به‌نوعی می‌توان گفت فعالیت‌های گذشتگان بخش چشمگیری از مجموع ارزش یک اختراع را شکل می‌دهند؛ از این رو بخش مهمی از نتیجه حاصله، نتیجه کار پیشینیان است و به همین دلیل با پذیرش نظریه کار و حقوق فطری بدان معنا که جان لاک به آن معتقد است باید سهم چشمگیری را برای گذشتگان در نظر گرفت (Sterckx, Op.cit: 252).

همچنین این‌گونه استدلال و مخالفت شده است که یکی از شرایط تحقق نظریه جان لاک این است که باید مقدار کافی و مناسبی از همان شیء باقی مانده باشد؛ درحالی‌که در حوزه اختراعات، با انحصاری شدن و پذیرش حق مالکیت بر یک اختراع، دیگر امکان استفاده از آن اختراع وجود ندارد که دیگران بتوانند مورد بهره‌برداری قرار دهند؛ زیرا فقط توسط یک شخص که به‌عنوان مالک آن شناسایی شده است قابل استفاده خواهد بود (Sterckx, Op.cit: 252-253).

پذیرش این نظریه تا حدود زیادی مورد تردید است و نسبت به آن مباحث مختلفی قابل طرح به‌نظر می‌آید و به تعبیری هرچه بیشتر راجع به این مسئله صحبت شود، بازم حرف‌هایی برای گفتن و ایده‌هایی برای ارائه باقی خواهد ماند؛ از این رو ما بیش از این بر این مسائل تمرکز نمی‌کنیم؛ با این حال با فرض اینکه نظریه کار مبنای توجیه نظام پتنت باشد؛ آیا واقعاً می‌توان گفت نظام پتنت برای اختراعات صنعت دفاعی که مصلحت جامعه محرمانگی آن‌ها را می‌طلبد مناسب نیست؟ بدون شک پاسخ منفی است؛ زیرا شخص با خلق اختراع به‌طور فطری مالک آن محسوب می‌شود؛ چه این اطلاعات را افشا نماید و چه بنا بر مصلحت جامعه این افشا انجام نشود.

بند دوم. انطباق نظام پتنت برای اختراعات صنعت دفاعی در صورت پذیرش نظریه منفعت به عنوان مبنای مالکیت فکری مکتب منفعت‌گرایی^۱ را به نوعی می‌توان مرهون پژوهش‌ها و افکار جرمی بنتام^۲ و جان استوارت میل^۳ دانست؛ اینان با نگاهی فردگرایانه انسان را طالب کسب لذت دانسته‌اند. اصالت منفعت به عنوان یک نظریه پس از شکل‌گیری نظام مالکیت فکری شکل گرفت؛ بر اساس این نظریه، وضع، تعیین و تفسیر قواعد و قوانین بر اساس منفعت صورت می‌گیرد و در نتیجه قواعد حقوقی سر از نسبیّت درمی‌آورد، آنچه دیروز دارای منفعت بود ممکن است امروز فاقد منفعت باشد (حکمت نیا، ۱۳۸۵: ۹۲).

اصولاً دیدگاه منفعت‌گرا بیشترین و برجسته‌ترین نقش را در توجیه نظام پتنت داشته است؛ حتی این نظریه مهم‌ترین استدلال جهت تشویق کشورهای درحال توسعه به تقویت نظام حقوق مالکیت فکری است (Sterckx, Op.cit: 259). دیدگاه منفعت‌گرایانه در راستای توجیه مالکیت فکری و نظام پتنت اصولاً از دو جهت قابل تحلیل و بررسی است: ۱. منفعت جامعه در ایجاد انگیزه بیش‌تر برای مخترعین و نوآوران؛ ۲. افشای اختراعات. مورد اول را برخی با عنوان نظریه پاداش^۴ و مورد دوم را با عنوان نظریه قراردادی در توجیه مالکیت فکری معرفی نموده‌اند (Vicenzo and Franzo, 2006: 1).

محتوای نظریه پاداش این است که بدون وجود حق انحصاری برای بهره‌برداری از یک اختراع و عدم امکان استرداد هزینه سرمایه‌گذاری شده جهت انجام و توسعه اختراع، مخترعین و سرمایه‌گذاران انگیزه خود برای فعالیت‌های فکری و سرمایه‌گذاری را از دست می‌دهند؛ از این رو حقوق مالکیت فکری صرفاً با هدف انگیزه‌دادن به اشخاص پای به میان می‌نهد. محتوای نظریه دوم یعنی نظریه قراردادی این است که نظام پتنت، مخترعان و نوآوران را تشویق به افشای اطلاعات می‌نماید؛ یعنی اطلاعاتی که می‌توانند در رشد و توسعه فناوری مناسب و مؤثر باشند منتشر می‌شوند و رشد اقتصادی را سرعت می‌بخشند. به موجب نظریه قراردادی، شخص مخترع با افشای اطلاعات اختراع خود، قراردادی ضمنی را با جامعه منعقد

1. Utilitarianism
2. Jeremy Bentham
3. John Stuart Mill
4. Reward Theory

می‌نماید و در عوض دریافت انحصار، اطلاعات اختراع را برای جامعه افشاء می‌نماید (Sterchx, Op.cit: 259).

اگر بعد اول نظریه منفعت یعنی تشویق و انگیزه‌بخشی را مبنایی برای توجیه پتنت بدانیم، مشکلی برای پذیرش مالکیت خصوصی اختراعات محرمانه صنعت دفاعی باقی نمی‌ماند؛ زیرا هدف اصلی، تشویق فعالیت‌های فکری است؛ حال چه اطلاعات افشاء شود، چه افشاء نشود؛ به‌نوعی می‌توان گفت تنها مسئله مهم، فراهم آوردن انگیزه برای مخترعین و سرمایه‌گذاران برای ادامه فعالیتشان است؛ با این حال اگر بعد دوم نظریه منفعت که مبنای طرح نظریه قراردادی است را به‌عنوان توجیه اصلی مالکیت فکری و مالکیت خصوصی اختراعات مورد پذیرش قرار دهیم، شبهاتی نسبت به امکان پذیرش حمایت از طریق مالکیت خصوصی و انحصاری از طریق صدور پتنت مطرح می‌شود. اگر نظام حمایت از طریق صدور پتنت را این‌گونه توجیه نماییم که قراردادی میان مخترع و جامعه انعقاد می‌یابد و عوض و معوض آن اطلاعات و انحصار است؛ بدون شک در حوزه اختراعات صنعت دفاعی که مصالح امنیتی کشور اقتضای محرمانگی را دارد، حمایت از طریق صدور پتنت کاملاً بی‌معنی بوده و تحقق آن میسر نمی‌باشد؛ درواقع زمانی که مخترع، عوض قراردادی یعنی اطلاعات را نمی‌دهد نباید بتواند معوض آن یعنی انحصار و مالکیت را دریافت نماید؛ با پذیرش چنین رویکردهایی بعضی از کشورها رسیدگی به اظهارنامه‌ای که حاوی اطلاعات محرمانه باشد را معلق می‌نمایند و صدور گواهی‌نامه را که باید توأم با افشای اطلاعات باشد موقوف به رفع اسباب محرمانگی می‌نمایند و در مقطع زمانی تعلیق رسیدگی، به متقاضی غرامت داده می‌شود (Martens, Op.cit)؛ پس مشاهده می‌شود که با پذیرش نظریه قراردادی به‌عنوان مبنای مالکیت فکری اصلاً امکان حمایت نسبت اختراعات صنعت دفاعی که در زمره اختراعات محرمانه هستند از طریق صدور پتنت ممکن نمی‌باشد؛ اما آیا واقعاً می‌توانیم نظریه قراردادی را به‌عنوان یکی از ابعاد دیدگاه منفعت‌گرایانه در توجیه نظام مالکیت فکری مورد پذیرش قرار دهیم؟

به نظر نگارنده، نظریه قراردادی آن‌طور که به‌عنوان توجیهی برای نظام مالکیت فکری مورد استفاده قرار گرفته است را نمی‌توان نتیجه رویکرد منفعت‌گرایانه نسبت به مالکیت فکری انگاشت. رویکرد منفعت‌گرایانه می‌گوید مالکیت خصوصی اختراعات به نفع جامعه است؛ زیرا

با این کار انگیزه مضاعف به مخترعین داده می‌شود که فعالیت‌های فکری خود را ادامه بدهند و علاوه بر آن اطلاعاتی هم افشا می‌شود؛ با این حال ممکن است بخش دوم این قضیه یعنی افشای اطلاعات به ضرر کشور باشد و به همین دلیل نیاز به حفظ محرمانگی وجود داشته باشد؛ حتی با پذیرش این امر هم می‌توان گفت جامعه با افزایش انگیزه مخترعان و سرمایه‌گذاران به منفعت و سود موردنظر خود می‌رسد؛ ولو اینکه بنا بر ملاحظاتی نیاز به حفظ محرمانگی احساس شود؛ حال آیا واقعاً می‌توان از این منفعت مهم گذشت و گفت چون افشا انجام نمی‌شود نباید به مخترع پتنت داده شود؟ بدون شک زمانی که افشای اطلاعات بنا بر مصالح اجتماعی مقدور نیست یک نفع را از دست داده‌ایم؛ حال چه فایده‌ای دارد که نفع دیگر، یعنی انگیزه‌بخشی به مخترعین را نیز از دست بدهیم؟ شایان ذکر است که انتقادهای بسیار زیادی نسبت به رویکرد اتخاذ شده در آمریکا (صدور دستور محرمانگی و عدم ثبت اختراع محرمانه به دلیل پذیرش نظریه قراردادی) از سوی نویسندگان این کشور مطرح شده است (Maune, Op.cit: 490)؛ به نوعی می‌توان گفت صرف افشای اطلاعات، هدف نهایی نظام حقوق مالکیت فکری نیست.

همچنین نظریه قراردادی را طور دیگری نیز می‌توان تفسیر نمود؛ مثلاً می‌توان گفت انجام اختراع و افشای آن برای مقامات صالح دولتی و تضمین شدن انگیزه مخترع برای ادامه فعالیت‌های فکری، همان عوض قراردادی مورد نظر، یعنی آن چیزی که جامعه به دنبال آن است می‌باشد و معوض آن، حق انحصاری است؛ به‌طور خلاصه با پذیرش حمایت از طریق صدور پتنت و مالکیت خصوصی اختراعات، در هر حال نفع مشخص و خاصی که همان عوض قراردادی است به جامعه می‌رسد و نمی‌توان این نفع را محدود به افشای اطلاعات دانست؛ در نتیجه از دیدگاه مبانی حقوق مالکیت فکری، محدودیتی برای حمایت از طریق صدور پتنت وجود ندارد.

نتیجه

در این مقاله تلاش کردیم با مطالعه تطبیقی و بهره‌گیری از تجربیات کشورهای چین، روسیه و آمریکا، مصالح دفاعی کشور در خصوص حقوق مادی قابل اعطا به مخترعین صنعت

دفاعی را شناسایی نماییم؛ بدین منظور در گفتارهای دوم و سوم به سؤالات فرعی مذکور در مقدمه مقاله پاسخ گفتیم.

در پاسخ به سؤال فرعی اول، این نتیجه حاصل شد که رویه کشورهای مورد بحث این پژوهش در زمینه حقوق مادی مخترعین صنعت دفاعی که مصالح امنیتی، اقتضای حفظ محرمانگی آنها را دارد با یکدیگر متفاوت است؛ در این بین، رویکرد کشورهای چین و ایران مشابه یکدیگر است؛ با این توضیح که علاوه بر صدور پتنت که دال بر مالکیت انحصاری اشخاص بر اختراعاتشان می‌باشد، مبلغی نیز به آنها پرداخت می‌شود. به موجب مقررات قانون مدنی فدراسیون روسیه، در این کشور صرفاً پتنت محرمانه به مخترعین اعطا می‌شود و هیچ مبلغی برای مخترعین و دارندگان گواهی‌نامه در نظر گرفته نمی‌شود؛ برخلاف این سه کشور، در آمریکا به محض احراز نیاز به حفظ محرمانگی اختراعات، با توجیه نظام مالکیت فکری بر مبنای نظریه قراردادی، دستور محرمانگی صادر می‌شود و تا زمان رفع این دستور از صدور پتنت و اعطای مالکیت بر اختراع اجتناب به عمل می‌آید.

در پاسخ به سؤال فرعی دوم این نتیجه حاصل شد که هیچ‌کدام از نظریات کار و منفعت به عنوان مبانی حقوق مالکیت فکری منافاتی با پذیرش حمایت از مخترعین صنعت دفاعی از طریق صدور پتنت و اعطای حقوق انحصاری ندارند.

با این اوصاف از دیدگاه مقاله حاضر، رویکرد متخذه در مقررات چین و ایران قابل قبول‌تر به نظر می‌آید؛ زیرا اولاً، از دیدگاه مبانی حقوق مالکیت فکری، به دلیل تردید اساسی نسبت به صحت استنباط انجام‌شده از نظریه قراردادی، محدودیتی جهت پذیرش حمایت از طریق نظام پتنت و اعطای مالکیت خصوصی و انحصاری نسبت به اختراعات محرمانه که اطلاعات راجع به آنها افشا نمی‌شود وجود ندارد؛ ثانیاً، با توجه به محدودیت‌های عارض شده بر بهره‌برداری از اختراعات محرمانه از سوی دولت و محدودیت‌های موجود بر سر راه تجاری‌سازی این گونه اختراعات که ناشی از محرمانگی آنها و نظارت‌های دولت است، اکتفای صرف به صدور پتنت و مالکیت خصوصی بر اختراعات نمی‌تواند انگیزه کافی را به اشخاص بدهد؛ از این رو

به نظر می‌آید پرداخت مبلغی تحت عنوان غرامت یا پاداش به اشخاص، به عنوان مکمل پتنت، به نحوی که خلأ ناشی از محدودیت‌ها، محرمانگی و مشکلات تجاری‌سازی را رفع نماید، می‌تواند کاملاً قابل توصیه باشد.

منابع

فارسی

۱. آیین‌نامه ثبت اختراعات و اکتشافات صنایع دفاعی، مصوب ۱۳۸۴.
۲. پیلوار، رحیم (۱۳۹۰)، نظریه کار به عنوان مبنای مالکیت در اسلام و فلسفه جان لاک، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۳، شماره ۵: ۶۳ - ۸۵.
۳. حکمت نیا، محمود (۱۳۸۵)، مروری بر حقوق اخلاقی مالکیت فکری و مبنای اعتبار آن، فقه و حقوق. سال دوم: ۶۴ - ۴۳.
۴. خدمتگزار، محسن (۱۳۹۱)، فلسفه مالکیت فکری، تهران: میزان.
۵. قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶.
۶. قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰.

انگلیسی

1. Bell, Aaron,(2005). "Effects of National Security Concerns on the Patent Process", Available at https://ocw.mit.edu/courses/electrical-engineering-and-computer-science/6-901-inventions-and-patents-fall-2005/projects/patnts_natnl_sec.pdf
2. Belongova Helen, Pallante Sal and Wu Jonathan.(2005). "A Comparative Study of The United States Patent System and the System of Former Soviet Union and Current Russia, Patent and Invention Final Paper", Available at https://ocw.mit.edu/courses/electrical-engineering-and-computer-science/6-901-inventions-and-patents-fall-2005/projects/24793_us_russia.pdf
3. Bo Chen and Qun Liu, Defense Innovation in China: History, Lessons and Trends. (2014).IGCC, Defense Innovation Breifs
4. Burrus Bernie R.(1962). "The Soviet Law of Inventions and copyright", Fordham Law Review, Vol, 30, 1962
5. Cheung Tai Ming.(2008). "Innovation Within China's Defense Technological and Industrial Base"
6. Civil Cod of Russian Federation
7. Denicolo Vincenzo and Franzon Alberto.(2006). Innovating Duplication and the Contract Theory, Department of Economic University of Bolonia, 2006, Internation Review of Law and Economics
8. Erkal, Nisvan.(2004)." On the Relationship Between Patent and Trade Secret Policy", Texas Intellectual Property Law Journal

9. Gabriel Raymond M. (2008). The Patent Revolution: Proposed Reforms in China Intellectual Property Law, Policy and Practice, Asian Pacific Law&Policy, Journal, Vol 9.
10. Hellman Thomas. (2006). The Role of Patents for Bridging the Science to Market Gap, British Columbia Journal Invention Secrecy Act of US, 1951
11. Langinier Corinne and Moschini GianCarolo. (2002). The Economics of Patents: An Overview, Working Paper 02-WP
12. Lee, Sabing H. (1997). Protecting the Private Inventors Under the Peacetime Provisions of the Invention Secrecy Act, Berkley Technology Law Journal, Vol 12
13. Martons John A. (2010) Secret Patenting in the U.S.S.R and Russia, Deep North Press
14. Maune James. (2012). Patent Secrecy Orders: Fairness Issues in Application of Invention Secrecy Act, Texas Intellectual Property Law Journal
15. National Defense Patent Law of China 2004
16. Nie, Jianqiang. (2006). "The Enforcement of intellectual Property Rights in China", Cameron May Ltd, England
17. Nie, Jianqiang.(2006). "The Enforcement of intellectual Property Rights in China", Cameron May Ltd, England
18. Oksenberg Micher, Potter Pitman B. Alberto William B. (1996). Advancing Intellectual Property Rights: Information Technologies and the Course of Economic Development in China, The National Bureau of Asian Research
19. Sterckx Sigrid. (2006). "The Moral Justification of Patent Ethical Perspective"
20. Suthersanen, Uma, Dutfield, Graham, and Boey Chow, Kit. (2007). Innovation Without Patents, Edward Elgar, USA

نقش هویت ملی در مقابله با تهدیدات آینده

عباس چگینی^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۰۱

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

چکیده

انقلاب اسلامی مبتنی بر سابقه و اندیشه تاریخی ایران اسلامی همواره در مواجهه با تهدیدات خارجی شکوفا شده است که تداوم و بقا خود را در مواجهه با تهدیدات بعدی تضمین کرده است؛ این اصلی‌ترین وجه هویت ملی ایرانی - اسلامی است. در چهار دهه گذشته، انقلاب به سبب آرمان‌ها و ارزش‌های جهانی که داشته، مورد حمله مستمر و مداوم قرار گرفته است؛ این تهدیدات در اشکال و سطوح مختلف درصدد پیشگیری از رشد و اشاعه انقلاب بوده‌اند؛ اما به سبب ظرفیت و قابلیت هویتی ایرانی - اسلامی توفیق چنانچه کسب نکرده‌اند. درک تهدیدات و مواجهه متناسب و مناسب با آن‌ها در روند حرکتی انقلاب عامل رافع مشکلات و ثبات بخش و تداوم هویت اسلامی - ایرانی است. این مقاله به دنبال تبیین نقش هویت ملی در مواجهه با تهدیدات تحول‌یافته با نگاه به آینده است؛ تحقیقی مبتنی بر روش کیفی و بر مبنای هدف، در گروه تحقیقات کاربردی که محقق با بهره‌گیری روش تاریخی و همبستگی علی - معلولی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته است؛ درک و بهره‌گیری از این توانمندی و ظرفیت در مواجهه با تهدیدات تحول‌یافته آینده می‌تواند در تداوم حرکت انقلاب تعیین کننده باشد. مواجهه با تهدیدات در جامعه ایرانی - اسلامی در توجه به هویت اسلامی و ایرانی و عناصر آن، تقویت، تداوم و استمرار آن‌هاست.

کلیدواژه‌ها

هویت ملی، تهدید نیمه‌سخت، تهدید نرم، تهدیدات آینده، انقلاب اسلامی.

مقدمه

هر کشوری برای تداوم ثبات و بقاء خود، نیازمند تداوم عناصر حیاتی است. اصلی‌ترین بنیاد در انسجام‌بخشی حیات یک کشور، ملت و تمدن، «هویت ملی» است. هویت ملی پُل ارتباطی نسل‌های متمادی و متوالی در یک جامعه است. هویت ملی، در سطوح و لایه‌های مختلف دارای اثرات و تبعات مثبت برای تداوم سیاست‌گذاری‌های ملی، طرح و برنامه‌های کلان و کلی است. هنگامی که معضلات و مخاطرات یک ملت، کشور و سرزمین و تمدن را تهدید می‌نماید، هویت ملی با فعال‌نمودن ظرفیت و توانمندی‌های کارآمد و اثربخش خود به صحنه می‌آید. انقلاب اسلامی ایران در سال‌های پس از پیروزی با وجود نوپایی با تهدیدات روزافزونی در بخش‌های سیاسی و امنیتی خود روبه‌رو شد؛ آسیب‌پذیری‌های فراوان امنیتی ناشی از عدم استقرار کامل نظام در کنار مداخلات و تهدیدات قدرت‌های خارجی و استکباری سبب تشدید ناامنی در جای‌جای کشور شد. اوج تهدیدات در تحمیل جنگی هشت‌ساله به نظام تازه تأسیس نمود یافت؛ اما هویت ملی که منبعث از عناصر حیات‌بخش اسلامی و ایرانی بود، یکپارچگی و انسجامی را رقم زد که نه تنها موجب اضمحلال و نابودی نظام نگردید، بلکه سبب تداوم و بالندگی روزافزون در همه حوزه‌های قدرت ملی شد.

در عصر حاضر، محیط متحول جامعه جهانی، متأثر از ارتباطات و تعاملات بین‌المللی و فناورانه که جریان آزاد اطلاعات، اقتصاد و سیاست را رقم زده است، با هویت‌های ملی در چالش قرار گرفته است. تأثیرپذیری بیش از پیش جوامع، از محیط، فرهنگ و هویت‌های دیگر، سبب جابه‌جایی ارزش‌های هویتی و به تبع تحول در هویت‌های ملی شده است. جامعه ایرانی - اسلامی از این امر مستثنی نبوده است و این تعامل تأثیراتی در تبدیل عناصر هویت برجای گذاشته است. حال با توجه به تداوم تهدیدات در کنار ترکیب، تنوع و گسترش دامنه تهدیدات علیه انقلاب و نظام اسلامی، «هویت ملی در مواجهه با تهدیدات آینده انقلاب اسلامی، چه نقشی ایفاء خواهد کرد؟»

در صورتی که به این امر توجه شود می‌توان به صورت جدی در تداوم مؤلفه‌های فرهنگی و ملی در شرایط برقراری ارتباط یا در مواجهه با عناصر تهدیدکننده، حفظ انسجام و بقاء عناصر ملی را تضمین نمود، یا حداقل به مقاومت و ثبات و بقاء ملی امیدوار بود؛ اما در

صورتی که میزان توانمندی هویتی کاهش یابد، ثبات و بقاء ملی خدشه‌دار خواهد شد؛ همچنین در پژوهش حاضر مبتنی بر گذارهای فرهنگی ایرانی و اسلامی که دارای قدمتی دیرینه و پاسخگو در شرایط بغرنج گذشته بوده است، پرداخته می‌شود.

این مقاله به دنبال تبیین نقش هویت ملی در مواجهه با تهدیدات تحول‌یافته با نگاه به آینده است. تحقیقی مبتنی بر روش کیفی و بر مبنای هدف در گروه تحقیقات کاربردی است. روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای و اسنادی است؛ پس از گردآوری با استفاده از شیوه توصیفی و تحلیلی، تاریخی و همبستگی علی - معلولی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. با توجه به اینکه هویت ملی مقوله‌ای مبتنی بر تداوم شاخص‌های تاریخی در اجتماع/ جامعه است، بررسی نقش هویت ملی ایرانی - اسلامی که مقوله اجتماعی متسلسل، دارای مانایی و تداوم تاریخی است؛ لذا به نقش آن در مقابله با تهدیدات در رویکرد آینده‌نگرانه پرداخته شده است.

ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

هویت دغدغه دیرین بشر است و تاریخی به درازی تاریخ بشر داشته و در حقیقت پاسخ به پرسش بنیادین بشر به کیستی و چیستی خویش است که از دو منظر اساسی وجود شباهت با درون گروه و تفاوت با برون گروه به فرد نگریسته و بر این ویژگی‌ها اصرار می‌ورزد. محققین در حوزه‌های مختلف علوم به بررسی این مهم پرداخته‌اند. بررسی‌ها نشان داده که انسان‌ها فقط تابع یک هویت واحد نیستند؛ بلکه به هویت‌های متعددی وابسته‌اند. شخص می‌تواند هم‌زمان هویت ملی، هویت مذهبی، هویت طبقاتی و سیاسی خاصی داشته باشد و هیچ تعارضی میان این هویت‌ها به چشم نخورد؛ چنین هویت‌هایی از یک سو جنبه اجتماعی دارند؛ یعنی بر اساس «ایجاد پیوند میان خود و شکل‌های اجتماعی» پدید می‌آیند و از این لحاظ امری اجتماعی محسوب می‌شوند و از سوی دیگر، نسبی هستند و در طول زمان دست‌خوش تغییر می‌شوند (معینی علمداری، ۱۳۸۳: ۳۱).

تعریف هویت

«هویت» تلقی از «خود» یا خودآگاهی فردی و جمعی است و آن‌گاه که در برابر «دیگری» و دیگران ترسیم می‌شود، ماهیت یا وجه تمایز «ما» از «دیگران» است و معرف مجموعه عناصر و ویژگی‌هایی است که «دیگران فاقد» و «ما واجد» آن می‌باشیم.

در تکوین و شناخت هویت که در مسیر زمان قوام می‌گیرد، «تاریخ» نقشی کلیدی دارد و هویت چونان تکه سنگی که بر بستر رود می‌غلند، در تاریخ شکل می‌یابد. هویت، ترکیبی از جسم و روح تاریخی ماست که هریک بدون دیگری امکان تعیین نمی‌یابد؛ البته هویت ملی در نسبتی وثیق با ملت‌های هم‌جوار و نیز هویت‌های فراملی قوام یافته و اشتراکات فرهنگی ایرانیان با مردم کشورهای همسایه و نیز کشورهای جهان اسلام فرصت‌های هویتی مغتنمی برای اعتلا و همگرایی فرهنگی فراهم آورده است؛ به گونه‌ای که اندیشه رهبران و متفکران انقلاب اسلامی، به عنوان رستاخیز هویتی تاریخ معاصر ما (امامی، ۱۳۹۰) مؤید چنین نگرشی است (امامی، ۱۳۹۰: ۵۸ - ۵۶).

اگر هویت از منظر تاریخی به‌عنوان پدیده‌های سیاسی و اجتماعی در نظر گرفته شود، می‌توان گفت که بحث در حوزه هویت ملی از هنگام پدید آمدن «ملت» به معنای امروزی آن شکل گرفته است. عواملی چند در شکل‌گیری هویت در واحدهای قومی و تأمین ملت مؤثر واقع شده‌اند که از آن جمله: تشکیل نهاد سیاسی امپراتوری که با تجمع اقوام و طوایف گوناگون، یک واحد سیاسی، نظامی و اقتصادی را با هویت سیاسی مشترک تشکیل می‌دادند و نیز زبان و ادبیات مشترک میان اقوام و طوایف که مبنای شکل‌گیری یک فرهنگ مشترک قرار می‌گرفت. در دوران جدید، نخستین گام مهم در راه تشکیل ملت در اروپا تحول از «همبستگی خونی» به «همبستگی فراطایفه‌ای» در اجتماعات شهری قرون وسطایی بود؛ در واقع با پیدایش مفهوم شهروند و حق و تکلیف شهروندی بود که مفهوم ملت (هویت ملی) در مقابل دولت به عنوان یک ساخت مستقل تحقق یافت.

مفهوم «هویت ملی» به مثابه پدیده‌های سیاسی و اجتماعی، زاده عصر جدید است که از اواخر قرن نوزدهم میلادی به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت؛ اما این مفهوم به‌عنوان مفهومی علمی از ساخته‌های علوم اجتماعی است که از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به‌جای «خلق و خوی» و «خصیصه ملی» رو به گسترش نهاده است (میرمحمدی، ۱۳۸۳).

در واژگان علوم اجتماعی «هویت ملی» از ساخته‌های نیمه دوم قرن کنونی است که به‌جای «خلق و خوی ملی» که از مفاهیم عصر تفکر رمانتیک بود، رواج یافت. هویت ملی، که بر پایه

رویاری «ما» با «دیگران» بنیاد می‌گیرد، هم می‌تواند نیرویی سازنده باشد و هم می‌تواند به نیرویی ویرانگر بدل شود.

موضوع هویت و بررسی ابعاد، مؤلفه‌ها، انواع و سطوح آن در کشور ما نزدیک به دو دهه است که مورد توجه گسترده محققین رشته‌های مختلف علم قرار گرفته است و هر یک با رویکردی به شناخت وضعیت هویت پرداخته‌اند؛ برخی مؤلفه‌های پایه‌گذار هویت ملی را در ایران بررسی کرده‌اند (پرتوی، ۱۳۷۴: ۶۳ - ۸۸).

هویت ملی هم که می‌گوییم، ملیت در مقابل دین نیست؛ بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگ‌ها و باورها و خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست. یک ملت مذهبی، یک ملت موحد، یک ملت مؤمن و یک ملت معتقد به پاکان درگاه الهی و اهل بیت پیامبر (ص) است؛ این جزو فرهنگ و هویتشان است؛ هویت ملی که می‌گوییم، شامل همه این‌ها هست؛ این‌ها را حفظ کنیم (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

جدول ۱. تعریف هویت ملی از دیدگاه صاحب‌نظران

صاحب‌نظر	تعریف هویت ملی	منبع
چلبی	محققین از دیدگاه‌های مختلفی هویت ملی را تعریف کرده‌اند؛ به عنوان مثال از دید چلبی دو عنصر مهم در تعریف هویت ملی، جایگاه ویژه‌ای دارند که عبارت‌اند از: ۱. پابندی ملی (عام) و ۲. تعهد عام ملی	چلبی، ۱۳۸۵: ۱۱۳ - ۱۱۸
میلر	دیوید میلر در تشریح ابعاد هویت ملی آورده است: «یک اجتماع به واسطه باور مشترک و تعهد متقابل، قدمت تاریخی، منش فعال، وابستگی به یک قلمرو خاص و متمایز شدن از دیگر اجتماعات به واسطه فرهنگ عمومی خاص پدید می‌آید؛ این پنج عنصر در کنار هم ملیت را از دیگر منابع جمعی هویت شخصی متمایز می‌سازد».	میلر، ۱۳۸۳: ۳۴
رزازبفر	رزازبفر در مطالعه خویش برای هویت ملی چهار بعد مطرح کرده که آن را در قالب مدلی مفهومی با متغیرهای چهارگانه تعاملات اجتماعی، عام‌گرایی، عدالت توزیعی و اقتدار مشروع نظام در جامعه مورد مطالعه قرار داده است.	رزازبفر، ۱۳۷۹: ۶۴
حاجیان	از آنجا که زبان از عناصر فرهنگی مهم هر جامعه به حساب می‌آید، در صورتی که این عنصر از میان برود یا به نوعی تغییر یا استحاله یابد، مسلماً هویت فرهنگی و هویت ملی آن جامعه نیز استحاله می‌یابد؛ ادبیات مکتوب نیز صرف‌نظر از زبان، در شکل دادن به هویت ملی بسیار مؤثر است.	حاجیان، ۱۳۷۹: ۲۰۶
حاجیان	محققین داخلی نیز با توجه به ویژگی‌های هویت ملی در ایران، ابعاد و مؤلفه‌هایی را مطرح کرده‌اند. حاجیان مهم‌ترین ابعاد هویت ملی را در هفت محور اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و زبانی دسته‌بندی کرده و مورد بررسی قرار داده است.	حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۲۳

مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند عبارت‌اند از: «سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت». هویت یا الهویه

کلمه‌ای عربی است؛ این کلمه از «هو» به معنی او که ضمیر غایب مفرد مذکر است، می‌آید و از آن لفظ هوهو یا الهوهو را ساخته‌اند که اسم مرکب است و معرفه به ال؛ معنی لغوی آن «اتحاد به ذات یا انطباق به ذات است. اتحاد به ذات به معنی اتصاف و شناخته شدن و یکی شدن موصوف با صفات اصل و جوهری مورد نظر است». وقتی از هویت پدیده‌های سخن به میان می‌آید، باید آن سخن طوری باشد که نشان دهد پدیده مزبور به‌راستی گویای هیئت و ماهیت وجودی آن است؛ در غیر این صورت فاقد معنای ماهوی آن خواهد بود (الطائی، ۱۳۷۸).

از نظرگاه دیگری هویت فرایند پاسخگویی آگاهانه هر فرد به یک دسته سؤالات در مورد خودش می‌باشد؛ از گذشته‌اش که او چه کسی است؟ کجا بود؟ چه بود؟ چه هست و به چه قبیله، نژاد یا ملت تعلق دارد؟ منشأ ابتدایی و اصلی‌اش کجاست و در تمدن جهان چه نقشی داشته است (باوند، ۱۳۷۷). برخی از اندیشمندان هویت را با تأکید بر «وجه تشخص» تعریف کرده‌اند نظیر آنچه شیخاوندی ارائه نموده است: «هویت مبین مجموعه خصایصی است که امکان تعریف صریح یک شیء یا یک شخص را فراهم می‌آورد» (شیخاوندی، ۱۳۸۰). برخی هویت را معناداری جامعه دانسته‌اند؛ یعنی جامعه معنایی برای خودش قائل باشد و در چارچوب آن عمل کند و در صورت از دست دادن این معنا یا به هر دلیل گسستگی در معناداری با بحران هویت مواجه خواهد شد (رجایی، ۱۳۷۳)؛ برخی دیگر از جامعه‌شناسان مقوله هویت را با دید جدلی و تقابلی آن تعریف نموده‌اند؛ در نگاه این گروه اساساً «هویت در مقابل غیر» قابل طرح است. اگر فضا یک‌دست باشد، عنصر هویت خود را نشان نمی‌دهد؛ از این منظر هویت به معنی هستی و وجود است؛ چیزی که وسیله شناسایی فرد باشد تا او را از دیگران متمایز کند. انسان‌ها هویت خویش را در حذف چیزی یا در برابر چیزی تعریف می‌کنند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۵۶ - ۱۷۹).

ماهیت اگر تشخیص یابد به معنای حقیقت جزئی است و گاه به معنای وجود خارجی است. هویت یا تلاش برای پاسخ به پرسش کیستی انسان، سابقه‌ای به قدمت حیات انسان دارد. انسان‌ها همواره کوشیده‌اند خود را بشناسند و تفاوتشان با دیگران را بازشناسند؛ این مسئله سرآغاز هویت‌یابی انسان است (زهیری، ۱۳۷۹: ۱۸۹). ارزش و اهمیت هر انسان یا مجموعه انسانی به پاسخ به پرسش کیستی وی بستگی دارد.

جدول ۲. نموداری هویت

نمود هویت در عناصر اساسی	
پاسخ به پرسش، کیستی؟	پرسش‌های هویت
پاسخ به پرسش، چیستی؟	
پاسخ به پرسش، سابقه و قدمت حیات انسان؟	

هویت ملی^۱ که از بر ساخته‌های علوم اجتماعی است، به مثابه پدیده سیاسی و اجتماعی، زاده عصر جدید است و هنگامی در غرب پدید آمد که ملت به معنای امروز شکل گرفت و از اواخر قرن نوزدهم میلادی به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت. مفهوم هویت ملی از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به جای خلق و خو و خصیصه ملی^۲ کاربرد یافت (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۷).

جدول ۳. دوره واژه‌شناسی هویت

مفهوم هویت تا گذر زمان	
پیش از قرن نوزدهم میلادی	در دوران قرن بیستم به این سو
خلق و خوی و خصیصه ملی	هویت ملی

وقتی سخن از «ما» پیش می‌آید بحث «هویت» مطرح می‌گردد. «مرز ما از دیگران توسط خطوط ترسیم شده توسط هویت ما روشن می‌گردد». بررسی هویت ملی یکی از مباحثی است که از اهمیت تاریخی و جامعه‌شناختی فراوانی برخوردار است. اهمیت تاریخی هویت به این جهت است که نخست این پدیده در فرایند زمان در جامعه شکل گرفته و از رویدادها و تغییر و تحولات تاریخی تأثیر پذیرفته است؛ دوم: هر هویتی که امروزه در جامعه و میان گروه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود، برگرفته از جریان‌های تاریخی ادوار مختلف است. از نظر جامعه‌شناختی هویت ملی به این لحاظ اهمیت دارد که یکی از عوامل مهم انسجام اجتماعی و وفاق ملی در هر جامعه تلقی می‌شود. هر اندازه یک ملت از هویت محکم‌تر و منسجم‌تری برخوردار باشد، به همان اندازه در تحکیم پایه‌های همبستگی و وفاق اجتماعی موفق‌تر خواهد بود (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۲۹ - ۱۳۰).

1. National Identity
2. National Character

هویت ملی مجموعه نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که از یک سو سبب همبستگی جامعه و از سوی دیگر تفاوت جوامع با یکدیگر می‌شود. هویت ملی در دوران معاصر اصلی‌ترین حلقه اتصال و امتیاز هویت‌های فرو ملی و فراملی است. هویت ملی مجموعه گرایش‌ها و نگرش‌ها به عوامل، عناصر و الگوهای تشخیص‌بخش و وحدت‌بخش در سطح کشور به منزله یک واحد سیاسی است (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۲۱۳).

سیر تحول مفهوم هویت ملی در ایران

دوره‌های تاریخی هویت ملی را می‌توان به شش دوره تقسیم نمود. در هریک از دوره‌های تاریخی مفهوم هویت ملی و مؤلفه‌های آن تغییر یافته‌اند (قربانی، ۱۳۸۳: ۷۰).

۱. دوران باستان: هویت ایرانی بر مبنای عناصر اسطوره‌ای دین باستانی (زردشت)، جغرافیا (سرزمین ایران) و نظام سیاسی؛
۲. ورود اسلام تا آغاز صفویه: هویت ملی بر مبنای اسلام و سرزمین‌های اسلامی؛
۳. دوران صفویه تا نهضت مشروطه: در دوره صفویه با تشکیل دولت ملی، هویت ملی بر عنصر ملیت ایرانی و تشیع اتکا می‌یابد؛
۴. از مشروطیت تا ظهور پهلوی: در این دوره با ورود اندیشه‌های غربی و نهضت مشروطیت که بیشتر بر ملیت و قومیت تکیه داشت، هویت ملی دچار بحران اساسی شد؛
۵. دوران پهلوی: این دوره، دوران بازگشت به ایرانیت (ملیت‌گرایی یا ناسیونالیسم) در مقابل اسلامیت است؛
۶. دوران انقلاب اسلامی: عصر بازگشت به دین و احیاء هویت اسلامی - ایرانی.

لایه‌های هویت ملی ایرانیان در قانون اساسی

درک و شناخت لایه‌ها و ساحت‌های هویت ملی ایرانی در قانون اساسی به‌عنوان یک سند بالادستی می‌تواند در ایجاد زمینه، ساختارمندسازی و بروز گزاره‌های رفتاری اثرگذار باشد؛ لذا مبتنی بر اصول قانون اساسی می‌توان محورهای ذیل را در هویت ملی ایرانیان احصاء نمود:

۱. سطح و لایه اسلامی: در دیباچه و اصول ۵ - ۱، ۱۱، ۱۲، ۹۴، ۱۱۰ بر اینکه ضوابط و اصول اسلامی یعنی قرآن و سنت، زیربنای فکری قانون اساسی را تشکیل می‌دهد، تأکید شده است.

۲. سطح و لایه ایرانی: از نشانه‌های پذیرش مظاهر ایرانی هویت ملی در قانون اساسی در اصل ۱۵ رسمیت زبان و خط فارسی و پذیرش زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی، در اصل ۱۷ تاریخ هجری شمسی معتبر شناخته شده است؛ در اصل ۱۸ پرچم سه رنگ ایران مورد قبول قرار گرفته است و در اصل ۸۳ احترام به میراث فرهنگی و نفایس ملی و شناختن آن‌ها به‌عنوان دارایی‌های معنوی ملت، مورد تأکید قرار گرفته است.

۳. سطح و لایه تمدن جهانی: در اصل ۲۰ بر بهره‌گیری از تجارب پیشرفته دنیای جدید و علوم و فنون، در اصل ۴۳ بر استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور، در اصل ۳ بر تقویت روح بررسی و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان تأکید شده است (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۶۷ - ۷۰).

مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان

مبتنی بر سند مؤلفه‌های هویت ملی مصوب سال ۱۳۸۶ عناصر و جوهره هویت ملی ایرانیان عبارت‌اند از:

۱. روح معنویت، تعبد و توحید

دین‌داری بر محور یکتاپرستی، در ایران سابقه‌ای به درازای تاریخ این سرزمین دارد؛ ایرانیان باستان، چه در دوران دینی و چه دوره اساطیری، موحد بوده‌اند و هیچ‌گاه کثرت و تعدد مبدأ آفرینش را نپذیرفته‌اند. معنویت و عبادت رکن اصلی حیات فردی و اجتماعی و عبادتگاه‌ها و مساجد، کانون انسجام‌بخش آنان بوده است.

جدول ۴. تبلور هویت توحیدی

رکن اصلی حیات فردی و جمعی	کانون انسجام‌بخش
معنویت و عبادت	عبادتگاه و مساجد

۲. اسلام مبتنی بر معارف قرآن و مودت اهل‌بیت (ع)

ایرانیان، آیین اسلام را چون گوهری گران‌مایه از جان و دل پذیرفتند و با آن درآمیختند. ایرانیان تعالیم قرآن را اخذ و مجدانه در نشر و تنظیم آن کوشیدند؛ آنان فارغ از علائق قومی و

نژادی، علاقه و ارادت عمیقی نسبت به خاندان وحی پیدا کردند و پیروی دین حضرت خاتم‌الانبیاء(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را پذیرفتند. تجلی عشق و ارادت را در ایام سالگرد شهادت یا ولادت ائمه معصومین(علیهم‌السلام)، زمانی که ایران، یکپارچه در سوگ و سرور فرزندان پیامبر می‌نشیند و با امید و اراده، مهیای رفع و دفع ظلم که به صورت مختلف در تاریخ تکرار می‌شود، می‌توان مشاهده کرد. حقیقت اسلام که گوهر مشترک ادیان ابراهیمی است، هم‌چنین در قالب ابواب متعددی از اخلاق و آداب و سنت‌های حسنه فردی، خانوادگی و اجتماعی، قله‌های رفیعی از انسانیت و کرامت را به تصویر می‌کشد که همه ایرانیان فارغ از قوم و آیین، بدان‌ها متصف و متعهدند. امام خمینی(ره) به عنوان معمار و بنیان‌گذار انقلاب و احیاگر هویت ایرانی و اسلامی در دوران معاصر اساس نگه‌داری اسلام را در حفظ ارادت به اهل‌بیت عصمت و طهارت و در زنده نگه‌داشتن مراسم و مناسک محرم و صفر و تبلور زندگی که مردم به ائمه اطهار به‌ویژه امام حسین(علیه‌السلام) و یاران وفادار ایشان می‌دانستند و می‌فرمودند: «محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. فداکاری سیدالشهدا (سلام‌الله‌علیه) است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۳۳۰)؛ این خصیصه باعث تأثیرگذاری در هویت ملی ایرانیان در هزاره گذشته شده است؛ تبلور این عنصر هویتی را در دفاع مقدس به وضوح و روشنی می‌توان مشاهده نمود. فداکاری و ایثار در راه دین هیچ مرز و محدودیتی ندارد. مرجع امنیت در تفکر هویتی ایرانی مسلمان حفظ اسلام و ارزش‌های اسلامی بوده و هست.

۳. ولایت‌مداری

ثمره روح ولایت و کشش به سوی پرهیزگاران و دوستداران خدا، تشکیل حکومت صالحان و قبول حاکمیت پاکان بر جامعه است؛ مشروعیت نظام اجتماعی نیز موهبتی الهی است؛ چراکه اولویت در ولایت، اَحقیقیت در ولایت را منجر می‌شود؛ این گرایش، بستر همواری برای عدالت‌طلبی بی‌پایان در این جامعه است. ایرانیان، خود، هیچ‌گاه حاکمان را به دلیل زر و زور و تزویرشان نپذیرفتند و حکومت سلطان را با هدف افزایش معیشت و رفاه صرفاً دنیوی اختیار نکردند؛ هرچند که در اکثر موقعیت‌ها، استبداد، این حق را از آنان ستاند؛ پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، این اندیشه، خود را در الگوی ممتاز ولایت‌فقیه باز یافت و این کشش

هویتی ایرانیان را پاسخ داد؛ این الگو، به‌ویژه زمانی که در قامت امام خمینی (ره) متجلی شد به شناسنامه انقلاب اسلامی بدل گشت؛ چراکه «این انقلاب بی‌نام خمینی (ره) در هیچ‌جای جهان شناخته شده نیست»؛ لذا انس و نسبت وثیق همه اقوام و گروه‌های ایرانی به معمار کبیر انقلاب اسلامی، شاهد زنده و تجلی‌گویای این مؤلفه است. در انقلاب اسلامی و طی چهار دهه گذشته، این باور در میان مردم تا جایی پیش رفت که مصداق عملی «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت آسیب نرسد»، گردید؛ این عنصر به‌عنوان گزاره‌ای هویتی در مواجهه با تهدیدات علیه کشور تبدیل شده است که تداوم ثبات و بقاء ملی را رقم می‌زند.

۴. سرزمین ایران

ایران سرزمینی است که محل زندگی اقوام مختلفی بوده است؛ این اقوام طی تاریخ با مجاهدت‌ها و تحمل رنج‌ها از نام و یاد و عظمت ایران پاسداری کرده‌اند؛ گرچه اطلاق نام ایران به کشوری که اکنون در آن به سر می‌بریم صورت گرفته است؛ اما نام و خاطره ایران سابقه طولانی دارد و در ذهن، حافظه و خاطره قومی مردم سرزمین ما از دیرباز زنده بوده است؛ این سرزمین، معنایی فرهنگی و انسانی و نه جغرافیایی و مرزی است و مفهومی بسیار عمیق‌تر از مفهوم دولت - ملت مدرن را تداعی می‌کند. از آنجا که کشور ما در مقاطع تاریخی مورد یورش و تاخت و تاز قرار گرفته؛ دفاع از سرزمین به مثابه مظهر هویت و عزت ایرانی، عامل مهمی در تحکیم و تثبیت وحدت ملی بوده است؛ بارزترین صورت آن در دفاع هشت‌ساله ایرانیان از سرزمین خود در برابر متجاوزان بعثی و حامیان آن‌ها متجلی است. ایرانی که اقوام ما با آن احراز هویت می‌کنند و آیین‌ها، رسوم و خرده‌فرهنگ‌هایی زیبا، عمیق، هم‌سو و هم‌افق را در یک سرزمین فرهنگی متحد می‌سازد.

۵. زبان و خط فارسی

زبان به‌عنوان عنصر اصلی تمایزبخش، از مؤلفه‌های هویت ملی است. زبان فارسی دومین زبان اسلام، حامل فرهنگ و معارف اسلامی ایرانیان در طول تاریخ و زمینه‌سازی امین برای تعالیم مقدس اسلام و تشیع بوده و هست. زبان فارسی، زبان یک قوم نیست؛ این زبان به منطقه‌ای از مناطق ایران تعلق ندارد؛ بلکه زبانی است که در خراسان آغاز عهد اسلامی قوام یافته و زبان ایران و شرق عالم اسلام شده است. زبان فارسی در مقابل زبان عربی و هیچ زبان

دیگری قرار ندارد و تاریخ و فرهنگی که با این زبان قوام یافته است به همه ایرانیان و اقوام ایرانی تعلق دارد؛ از همین رو توجه به «پویایی، نشاط و استقلال» آن باید منظر قرار گیرد و اگر «ضعف و فتور» به آن راه یابد پیوستگی ملی را سست می‌کند؛ به این جهت باید در پاسداری از زبان و زنده نگاه‌داشتنش اهتمام کرد؛ خط فارسی نیز بستر، حافظ و رمز کمال زبان فارسی است و از همین جهت، همراه همیشگی مؤلفه هویتی ایرانیان است.

۶. تمدن و تاریخ ایران

حافظه تاریخی هر ملت راهنمای آینده اوست؛ این حافظه تاریخی در مسیر عبور از گذشته تا به حال، فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است؛ بهره‌گیری از نقاط قوت گذشته و اصلاح ضعف‌های آن، مسیر حال و آینده را روشن‌تر خواهد ساخت. ملتی که از گذشته خود پند گیرد، در دنیای کنونی می‌تواند به شیوه‌ای صحیح زندگی کند و به آینده‌ای بهتر امیدوار باشد؛ اما ملتی که از تاریخ و گذشته خود و دیگران عبرت نگیرد، مجبور به تکرار آن خواهد بود.

۷. مهدویت، انتظار و رسالت تاریخی ایرانیان

ویژگی برجسته و قابل توجه هویت ملی ایرانیان، اعتقاد آنان به ظهور موعود و منجی عالم و انتظار توأم با زمینه‌سازی برای این ظهور است. آداب عمومی و حکمت تاریخی مردم ما به نحوی، کوشش برای بسترسازی ظهور و انتظار فعال در این عرصه است؛ الگوی کامل و جامع این موعودگرایی در فرهنگ ناب شیعی و مهدویت به ایرانیان عرضه و بستر امید، سازندگی و آینده‌گرایی آنان شد، قرائن تاریخی و ادله مختلف نشان می‌دهد که برای ملت ایران، وظیفه مهم و خاصی در ارتباط با ظهور، مقدر گردیده است.

اگر وقوع انقلاب اسلامی را در نسبت با رسالت تاریخی ایرانیان در مسیر ظهور تعریف نکنیم، از درک حقیقت، ماهیت و چرایی این رویداد بزرگ غافل می‌مانیم؛ در واقع در مسیر تکامل هویت مردم ایران که در ابتدا به عنوان مردمانی موحد و در مرحله دوم، به عنوان مردمی مسلمان و از آن پس به عنوان مسلمان شیعه شناخته شده‌اند، انقلاب اسلامی به عنوان مرحله چهارم این تحول تکاملی، ظهور کرده تا رسالت تاریخی مردم ایران را جهت زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی موعود(عج) و سیر در مسیر ولایت و انتظار، فعلیت و عینیت بخشد؛ این

ویژگی مهم یکی از ارکان هویت تاریخی مردم ماست که رسالت خاصی را برای وارثان این هویت تداعی می‌نماید.



شکل ۱. انقلاب اسلامی در نسبت با رسالت تاریخی ایرانیان در مسیر ظهور

پیداست که وحدت ملی حاصل جمع جبری عناصری که ذکر شد نیست؛ این عناصر همه درهم‌تنیده و وحدت یافته است؛ ما ایرانیان در سایه این وحدت پرورش یافته‌ایم و البته همه به یک اندازه از عناصر آن بهره نداریم؛ در حالی که اقلیت‌هایی هم وجود دارند که بر دین مزدایی و یهودی و مسیحی‌اند و مسلمانانی که بر مذهب عامه و جماعت می‌روند؛ آن‌ها هم ایرانی‌اند و در وحدت ملی ایران جایگاهی محفوظ و شایسته دارند.

تهدید^۱

تعریف تهدید

فرهنگ لغات، تهدید را، ترساندن، بیم‌دادن، بیم عقوبت‌دادن، معنی کرده‌اند. تهدیدات می‌توانند شامل خطر و تردید باشند که بسیار مبهم هستند.

1. Threat

تهدیدات موجود در جامعه بشری، از منظری عمومی چهار نوع هستند و عموماً حالت بسته‌ای نداشته، عبارت‌اند از:

۱. تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه، مرگ)؛
 ۲. تهدیدات اقتصادی (تصرف اموال و یا تخریب آن، عدم دسترسی به کار یا منابع)؛
 ۳. تهدیدات نسبت به حقوق (زندانی شدن، از بین رفتن آزادی‌های عادی مدنی)؛
 ۴. تهدیدات موقعیت یا وضعیت (تنزیل درجه یا رتبه، تحقیر در انظار عامه).
- محمد رضا تاجیک می‌گوید:

تهدید اساساً بیش از آنکه موضوع شناخت باشد موضوع تعریف و بازتعریف است؛ به بیان دیگر می‌توان از پدیده‌ای واحد که تهدید پنداشته می‌شود، تعاریف و برداشت‌های مختلف و گاه متضادی را به تصویر کشید. آنچه در نزد یک نخبه سیاسی تهدید تعریف می‌شود لزوماً در نزد دیگر نخبگان، درک مشابه و همگونی نمی‌یابند؛ لذا تهدید، کاملاً مفهومی ذهنی است. تهدیدی که با تجربه تاریخی دولتی، جور باشد ممکن است در اثر حساسیتی که ایجاد کرده به راحتی شدت پیدا کند؛ بنابراین تهدیدات در طول زمان، یکسان نمی‌مانند؛ بلکه در مقابل تحولات جدید در نوع تهدید و تحولات کشورها که باعث تغییر ماهیت آسیب‌پذیری‌های آن‌ها می‌گردد، دست‌خوش تغییر می‌شوند.

در برخی از ادبیات سیاسی - امنیتی، تهدید به معنای توانایی‌ها، نیات و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه، برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علایق و مقاصد امنیت ملی، یا مداخله به نحوی که نیل به علایق و مقاصد به خطر بیفتد؛ تعریف شده است. از دیدگاه نظامی، یک تهدید، همواره در پیکره نیروی نظامی کشور دیگر تصویر می‌شود. از دیدگاه اطلاعاتی، یک تهدید، عبارت از نیرو یا فعالیتی که مخاصم با منافع یک ملت فرض شده است، می‌باشد؛ در پاره‌ای دیگر از ادبیات سیاسی - امنیتی، تهدید به مثابه شکل بالفعل آسیب‌پذیری، تعریف می‌شود؛ آسیب‌پذیری از این منظر، میزان حساسیت یک ملت و یا نیروی نظامی را گویند؛ به طوری که بتوان با به‌کارگیری توان و ابزار نظامی و غیره، از توان و کارایی ملت یا نیروی نظامی حریف کاست؛ تهدید همچنین یک مفهوم امنیت ارتباطات است که به معنی قابلیت استعداد تکنیکی و عملیاتی یک حریف متخاصم می‌باشد که به سوی حصارهای

اطلاعاتی کشور دیگر، نشانه رفته است (تاجیک، مدیریت بحران، ۱۳۷۹ ب). مرکز بررسی‌های دکترینال تهدید را به گزاره‌ای اطلاق می‌نماید که به‌نحوی ثبات و بقای سامانه را دچار اختلال نماید (اندیشکده یقین، ۱۳۹۰: ۱۷۳).

انواع و سطوح تهدید

افراد مختلف بسته به منظر، نوع نگرش و نگاهی که دارند تهدید را تعریف نموده‌اند. تهدید خطری است که بر اشخاص، اشیاء و اماکن وارد می‌شود؛ تهدیدات را با توجه به مباحث فوق می‌توان به شکل زیر طبقه‌بندی نمود:

انواع تهدیدات به اعتبار ماهیت عبارت‌اند از: تهدیدات ذاتی (تهدیداتی که از دیرباز وجود داشته‌اند)، تهدیدات عارضی (تهدیداتی که ناشی از ناکارآمدی است)؛

انواع تهدیدات به اعتبار هدف عبارت‌اند از: تهدید برای کسب امتیاز، تهدید برای باج‌خواهی سیاسی، تهدید برای بازدارندگی؛

انواع تهدیدات به اعتبار کنش‌های مسلط عبارت‌اند از: تهدیدات مبتنی بر کنش‌های عقلانی معطوف به هدف، تهدیدات مبتنی بر کنش‌های عقلانی معطوف به ارزش، تهدیدات مبتنی بر کنش‌های عقلانی معطوف به عاطفه، تهدیدات مبتنی بر کنش‌های عقلانی معطوف به سنت؛ انواع تهدیدات به اعتبار موضوع عبارت‌اند از: تهدیدات سیاسی، تهدیدات نظامی، تهدیدات اقتصادی، تهدیدات فرهنگی و اجتماعی؛

انواع تهدیدات به اعتبار دامنه و گستره عبارت‌اند از: تهدیدات کلان، تهدیدات خرد. هرمن کان^۱ سطح‌بندی چهارقسمتی برای طبقه‌بندی تهدیدات عرضه کرده است که عبارت‌اند از: سطح نخست تهدیدات: شامل مبارزه علیه منافع حیاتی و یا ادامه بقا می‌شود؛ سطح دوم تهدیدات: منافع حیاتی یا بقای دوستان و متحدان را به مبارزه می‌طلبد؛ سطح سوم تهدیدات: منافع مهم را به مبارزه می‌طلبد؛ سطح چهارم تهدیدات: مسائل ثانوی را به مبارزه می‌طلبد (Kahn, 1961).

دیتریک فیشر، یک طبقه‌بندی پنج لایه تهدید را ارائه می‌کند؛ که عبارت‌اند از: تهدید برای بقا، تهدید برای بهداشت، تهدید برای بهزیستی اقتصادی، تهدید برای محیط زیست قابل

1. Herman Kahn

زندگی و تهدید برای حقوق سیاسی که مصادیق هرکدام از آنها به ترتیب عبارت‌اند از: نابودی، بیماری، فقر، تخریب محیط زیست، سرکوب داخلی (رنجبر، ۱۳۷۸: ۷۳ - ۷۴).

جدول ۵. نسبت‌شناسی تهدید و مصداق از منظر دیتریک فیشر

لایه‌های تهدید					
پنجم	چهارم	سوم	دوم	یکم	
حقوق اساسی	محیط زیست	به‌زیستی اقتصادی	بهداشت	بقاء	آماج تهدید
سرکوب داخلی	تخریب محیط زیست	فقر	بیماری	نابودی	مصداق تهدید

در گونه‌شناسی تهدیدات در کتاب کالبدشکافی تهدید آن‌ها را با ده شاخص: بعد، سطح، جغرافیا، تعادل، تقارن، پیچیدگی، هویت، جنس، کانون، انگیزه و کارویژه، تقسیم‌بندی می‌نماید. باری بوزان^۱ چهار بعد اصلی یا چهار گونه اصلی تهدیدها را، به شرح تهدیدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی تقسیم کرده است؛ که در تلقی نوین تهدیدات زیست‌محیطی و تهدیدات فناورانه هم به آن‌ها اضافه می‌شود. تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. از دیدگاه بوزان، تهدید سیاسی دلالت بر آن دارد که صیانت عناصر سه‌گانه دولت (ایده، سازمان، منافع) از تعرضات بیرونی، بخش محوری امنیت است. موضوع اصلی تهدیدات اجتماعی را، هویت تشکیل می‌دهد؛ که با عناصری چون زبان و فرهنگ و غیره، شناسانده می‌شود. تهدیدات اقتصادی، در دو حوزه اصلی تولید و توزیع، رده‌بندی می‌شوند. تهدیدها در حوزه تولید، متوجه افزایش میزان تولید متناسب با نیازمندی‌های عمومی است. تهدیدها در حوزه توزیع، متوجه برابری فرصت در دستیابی به امکانات می‌باشد و همه کشورهای غنی و فقیر را در برمی‌گیرد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۶).

جدول ۶. تهدیدات شش بعدی در مکتب کپنهاک

ابعاد تهدید از منظر مکتب کپنهاک					
سیاسی	اقتصادی	اجتماعی	زیست‌محیطی	فناورانه	نظامی

1. Barry Buzan

بر این اساس می‌توان برای درک تهدیدات مبتنی بر ساحت‌های پذیرفته شده مکتب امنیتی کپنهاک با تلفیق شاخص‌های ده‌گانه با طیف‌شناسی تهدیدات به ارزیابی آن پرداخت. سطح و گستره میزان جدیت، امکان و احتمال اثربخشی، امکان و احتمال کنترل و جهت‌دهی به تهدید، امکان تداوم و گسترش آن را به‌صورت مناسب‌تری تمهیداندیشی نمود؛ آن‌گاه می‌توان با در نظر گرفتن نسبت‌های تهدید به تحلیل و برداشتی مناسب برای مهار و کنترل، هدایت و مدیریت، مواجه و نابودی، یا خنثی‌سازی و بهره‌برداری از تهدید پرداخت.

جدول ۷. نسبت‌شناسی ساحت تهدیدات در مکتب کپنهاک با شاخص‌های ده‌گانه

شاخص‌های تهدید										نظامی	سیاسی	اقتصادی	اجتماعی	زیست‌محیطی	فناورانه
بعد	سطح	جغرافیا	تعادل	تقارن	پیچیدگی	هویت	جنس	کانون	انگیزه و کاربزه						

علی‌اکبر احمدیان تهدیدات را از حیث صلابت به شکل زیر دسته‌بندی کرده است:

تعریف تهدید: نیت، قابلیت‌ها و اقدامات بالفعل و بالقوه دشمنان که موجودیت یا اهداف و منافع حیاتی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و دستاوردهای آن و یا کشور ایران را به خطر اندازد و یا عامدانه در مسیر تحقق آن‌ها مانع فیزیکی یا غیر فیزیکی جدی ایجاد نماید.

تهدید سخت: اعمال نیت و اراده دشمن از طریق زور آشکار و قدرت نظامی با اشغال سرزمین و یا ایراد ضربه نظامی به منافع یا موجودیت جوهر تهدید سخت زور آشکار و اعلام شده نظامی و آماج آن سرزمین با منافع و ابزار اعمال آن قدرت نظامی است.

تهدید نیمه‌سخت: اعمال اراده از طریق زور پنهان یعنی تطمیع، ارعاب، نفوذ، با هدف وابسته‌سازی، اشغال و تسلط بر نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم و تغییر حاکمیت و نظام سیاسی مستقل به نظام وابسته، جوهر تهدید نیمه‌سخت ترس، طمع و ضعف و آماج و ابزار آن سامانه‌ها می‌باشد.

تهدید نرم: اعمال نیات و اراده دشمن از طریق اشغال و تصرف خود یک ملت، به روش بی‌هویت‌سازی ملی و جایگزینی فضولات فکری و اندیشه‌ای احساسی و رفتاری و در یک کلام فرهنگی خود به‌جای اندیشه، فرهنگ و هویت اصیل یک ملت و در واقع، اشغال و تصرف ملت، جوهر تهدید نرم، «اقناع» آماج آن ذهن، قلب و تنفس آحاد انسان‌ها و تشکل‌ها و ابزار آن رسانه و... است (احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۰).

تحلیل یافته‌ها

عصر کشاورزی که زمین و ملک به‌عنوان سرمایه بشری مورد توجه بود، بیشترین تهدید نیز در راستای اشغال و سیطره بر سرزمین ملی از طرف قدرت‌های درگیر مطرح بود؛ هویت نیز هویت زمین‌پایه و کشاورز مینا، فرهنگ مبتنی بر ارزش‌های فتودالی و زمین‌داری و جغرافیامحور همه سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بود.

دوران صنعتی کارخانه‌ها به‌عنوان نماد صنعت و سرمایه‌داری شناخته می‌شدند؛ لذا قدرت‌ها به دو نحو تهدیدات خود را دنبال می‌نمودند؛ نخست با در اختیار گرفتن یا کنترل منابع و مواد خام؛ دوم با تهدید میدان توزیع و خط انتقال تولیدات صنعتی بود؛ هویت نیز بر فناوری و ماشینیسیم و تکنوپولی مبتنی بود؛ اقتدار محوری اقتدار فناورانه محور و سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان بر تولید و توزیع فناوری استوار بود؛ هرچند امروز هم این امر در بسیاری جهات تداوم دارد.

در عصر دانش و اطلاعات، اساس سرمایه‌داری و ثروتمندی در میزان تولید دانش و اطلاعات و انباشت دانش و اطلاعات شناخته می‌شود. هویت محوری بر دانش و اطلاعات، اقتدار محور در اقتدار دانش‌بنیان و اطلاعات محور و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها بر دانش و فراگیری آن بنا نهاده شده است؛ لذا در این عصر حفظ هویت و تداوم عناصر هویتی در ابتناء آن‌ها بر دانش است.

کشمکش‌هایی بر اثر این تغییر و تحولات به‌وجود آمد؛ که حاصل گسستگی‌های کلان اجتماعی و روانی ناشی از انقلاب صنعتی و صنعتی شدن جوامع بود. آنچه به نظر می‌رسد اینکه طی بیش از دو دهه دیگر چه فناوری‌هایی ظهور خواهند کرد؟ ویژگی عمومی فناوری جدید،

ایجاد دگرگونی عمده در الگوهای سنجش است. پیش‌بینی آینده به برآورد صحیح و مناسب از آینده نیازمند است؛ و این چیزی است که به شناخت گذشته و حال مرتبط است؛ بر همین اساس است که گذشتگان ما تأکید کرده‌اند، هر کس که گذشته را نداند و نشناسد، در زمان حال حاضر نمی‌تواند تصمیم بگیرد؛ لذا در آینده گرفتار و اسیر خواهد ماند؛ اکتشافات عمده علمی و نوآوری‌های فناورانه در قرن آینده نیز گسستگی‌ها و شکاف اجتماعی و سیاسی جدیدی پدید خواهد آورد که خود عواملی در هویت‌سازی‌های انطباقی با شرایط نوظهور است؛ جوامعی که بتوانند در این شرایط با تجدید عناصر هویتی خود را بازسازمان‌دهی کنند، تهدیدات ناشی از تحولات فناورانه را مدیریت نموده‌اند و در جهان هویتی چندپاره به حیات خود ادامه داده‌اند. پیش‌بینی آینده به‌نحوی است که آینده را چه چیزهایی می‌سازند و یا چه صنایع و فناوری‌هایی در زندگی جوامع ظهور و بروز می‌نمایند و سبک زندگی آن‌ها را تغییر خواهد داد؛ لذا هویت آینده هر جامعه در گرو شناخت مناسب از آینده است.

چشم‌گیرترین و فراگیرترین نوآوری‌های چند دهه آینده در مقوله‌ای از سه پایه فناوری اطلاعات (IT)، بیوتکنولوژی (Bio Tec) و میکروالکترومکانیک (MEM) صورت خواهد گرفت. تهدیدات هر کشور - دولت، نظام سیاسی و اجتماعی و یا هر جامعه ملی یا بین‌المللی تابع شرایط سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی متناسب با آن می‌باشد. اگر کشوری دارای آرمان و اهداف ملی مشخصی باشد، تهدید آن کشور - دولت متناسب با آن و در همان سطح خواهد بود؛ در حالی که چنانچه کشور و جامعه، ملت و تمدنی دارای آرمان‌ها و اهداف تمدنی و الهام‌بخش برای دیگر ملت‌ها و تمدن‌ها باشد، سطح و نوع تهدیدی متناسب با آن‌ها خواهد داشت؛ همان‌گونه که کشور - دولت‌ها و ملت‌ها در روندی رو به پیش، متحول می‌شوند، تهدیدات آن‌ها نیز روندی رو به رشد خواهد داشت. کشورهایی که در فرایند تحولات رادیکال عمل می‌نمایند، با وضعیت‌های امنیتی رادیکال روبه‌رو شده و با ناکارآمدی، گسترش بحران و فرسایش قدرت مواجه می‌شود؛ اما در کشورهایی که در فرایند تحولات خود به‌صورت عقلانی و خردمندانه و مبتنی بر فرهنگ‌سازی عمل نماید، با وضعیت و موقعیت امنیت پایدار مواجه شده و کارآمدی و اثربخشی، ثبات و انسجام و مزایای قدرت را به‌دنبال خواهد داشت.

تهدیدات امنیتی به صورت عمومی در شرایط فقدان و عدم انسجام و ثبات کشورها و جوامع رخ خواهد داد.

بررسی تهدیدهای انجام شده علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده این است که تهدیدات در مراحل نخست ماهیت سخت افزاری داشته و به تدریج با تغییرات ماهیتی، کارکردی، روشی و نشانه‌ای روبه‌رو شده است. تهدیدهای سخت افزاری به منظور مقابله با ساختار سیاسی ایران انجام گرفته است؛ در مرحله دوم، تهدیدات امنیت ملی ماهیت نرم افزاری به خود گرفته و فرسایش قدرت ملی ایران را دنبال نموده است. با توجه به اینکه انقلاب اسلامی، انقلابی نه سیاسی، بلکه بیش از هر شکلی، انقلابی فرهنگی و هویتی بوده است، لذا قدرت انقلاب نیز در «هویت‌سازی و بازتعریف فرهنگ اسلامی ایرانی» بوده است.

تهدیدات انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای ناکارآمدسازی در الگوسازی فرهنگی و هویتی بوده است. حرکت نظام استکباری در روند دگردیسی و تغییر تهدیدات از تهدید سخت کودتای نوژه و حمایت از گروه‌های جدایی طلب، تحمیل جنگ هشت ساله به ایران اسلامی تا دخالت مستقیم نظامی به سمت تهدید نرم و با هدف فرسایش قدرت و زمینه‌های قدرت ملی در تهاجم فکری و فرهنگی، ناتوی فرهنگی و تحریم و محاصره اقتصادی و... نشان از تغییرات ماهیتی، کارکردی و نشانه‌ای و روشی در تهدیدات دارد. در همه انواع تهدیدات تحول یافته هویت‌زدایی و بازهویت‌زایی متناسب با اهداف نظام استکباری مدنظر قرار گرفته است (متقی، ۱۳۸۹).

روند تغییر و تحول تهدیدات از سوی کشور - دولت‌ها علیه دیگر جوامع و کشورها به بستری که تهدید می‌خواهد در آن و بر آن عمل نماید، بستگی دارد. با توجه به مسائلی که به‌ویژه در یک و نیم دهه گذشته تعیین یافته است، تهدیدات دیگر به صورت ساده عمل نمی‌نمایند. تهدیدات از شکل ساده به مشترک و مرکب تبدیل شده‌اند. هویت اسلامی - ایرانی به‌عنوان مرکز ثقل قوت انقلاب اسلامی، در تهدیدات مرکب که ترکیبی از تهدیدات را در بر می‌گیرد، مورد حمله قرار گرفته است؛ زیرا عامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی، عامل هویتی بوده است و همین عامل، عامل ثبات و بقاء انقلاب طی چهار دهه گذشته بوده است؛ پس جهت‌گیری تهدیدات در هویت‌زدایی از انقلاب و جامعه انقلاب تمرکز یافته است.

هویت ایرانی - اسلامی مردم ایران زمین دارای گزاره‌های اسلامی و ایرانی است. مبتنی بر اسلام، روند رو به تکوین اسلام در نگاه مردم‌شناسانه ادبیات قرآنی به وضوح نشان از خالص شدن هویت دینی و ارتقاء عیار دینی در سطح فرد و اجتماع دارد. در ادبیات قرآنی فرایند روبه رشد انسان در گذر از اسلام^۱، به ایمان و سپس از ایمان به تقوا و آن‌گاه از تقوا به سمت احسان^۲ (خوب خوبی کردن) و اخبات^۳ پیش می‌رود؛ در هر یک از مراحل و مراتب هویت مسلمین، مؤمنین، متقین و محسنین^۴ در تکاملی روزافزون بروز می‌یابد (صفایی حایری، ۱۳۸۸). هویت اسلامی چنانچه در نظام مبتنی بر اسلام و گزاره‌های دینی قرار گیرد، به شکلی فزاینده تکامل و تکوین می‌یابد؛ به نحوی که در برابر تهدیدات به حدی از ظرفیت می‌رسد که با استعانت از خدا، می‌تواند به هضم تهدیدات و ناکارآمدسازی آن‌ها توفیق یابد.

جدول ۸. تکوین رشد جامعه اسلامی

مراحل تکوین و رشد دین در جامعه اسلامی				
اسلام	ایمان	تقوا	احسان	اخبات
باور و قبول ذهنی و زبانی	باور و قبول ذهنی و زبانی و قبول قلبی یا اسلام+ قبول قلبی	اسلام+ قبول قلبی+ انجام عملی = ایمان + عمل صالح	ایمان + عمل صالح + صبر = تقوا+ صبر	احسان+ سرشکستگی و ذلت در برابر خداوند

توجه به اسلام دارای گزاره‌های اسلامی است. استمرار هویت اسلامی در استمرار ایمان و عمل صالح و صبر و قابل مشاهده است؛

۱. «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ». حجرات، ۱۴.
۲. به تعبیر قرآن، احسان؛ یعنی تقوا به اضافه صبر: «مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ». یوسف، ۹۰.
۳. انکسار در برابر خداوند است. اخبات، مسکنت و ذلت آدمی و سرافکنندگی و شکستگی اوست.
۴. محسن در اصطلاح و سیر واژه‌شناسی قرآن یا مراحل تحول فلاح و رویشی که قرآن از آن حکایت می‌کند، به کسی می‌گویند که خوب عمل می‌کند؛ هم کار خوب و حسن را به خوبی انجام می‌دهد و طاعت را با حسن و زیبایی همراه می‌کند و هم کار خوب را از روش خوب و منهج مناسبی می‌آورد. محسن هم حسن را می‌آورد و هم حسن را با حسن و خوبی همراه می‌کند.

برای مواجهه با این تهدیدات باید در هر حوزه طیفی از تهدیدات را مورد توجه قرار داده و تنوع و تکثرشان را مدنظر قرار داد و به صورتی همه‌جانبه و هماهنگ به کنترل، مهار تهدید پرداخت؛ لذا با طیف‌شناسی تهدید در مواجهه با هویت در قالب‌های ممکن می‌شود:

۱. مبتنی بر گستره تهدید، تهدیدات طیفی از محدود تا گسترده را شامل می‌شوند. هویت‌زدایی دارای طیفی گسترده می‌باشد و مبتنی بر انباشت هویتی و ظرفیت هویتی گسترده‌تر می‌شود؛

۲. مبتنی بر میزان شدت تهدید، تهدیدات طیفی از کم شدت تا پرشدت را شامل می‌شوند؛

۳. مبتنی بر فوریت تهدید، تهدیدات طیفی از فوری و غیرفوری را در برمی‌گیرند؛

۴. مبتنی بر پیچیدگی تهدید، تهدیدات طیفی از ساده تا پیچیده و ترکیبی را شامل می‌شوند؛

تهدیدات هویت‌زدایانه، پیچیده بوده و ترکیبی از عوامل، زمینه‌ها و مراحل برخوردار هستند؛

۵. بر اساس میزان اثرگذاری بر محیط تهدید، تهدیدات طیفی از زودبازده تا دیر بازده را

شامل می‌شوند؛ تهدیدات فکری و فرهنگی به صورت عمومی دیربازده بود، اما دارای ماندگاری بیشتری هستند؛

۶. مبتنی بر مراحل مختلف اعمال تهدید، تهدیدات گاه برای عملی شدن یک تهدید مراحل

و گام‌های مستمری لازم است؛ از این جهت برای عملی شدن تهدید در گستره‌های ملی و تمدنی تهدیدات چندمرحله‌ای توسط قدرت‌های درگیری طراحی می‌شود. تهدیدات مبتنی بر بستر و آماجی که دارند، مراحل و گام‌های عملی نمودن‌شان متفاوت است؛ هرگاه روحیه و اراده ملی یک ملت تهدید شود، تهدید در مراحل مختلف و به صورتی مستمر در مراحل روندی زمان‌بردار عملی می‌شود.

جدول ۹. طیف‌شناسی تهدید در مواجهه با هویت

مؤلفه‌های تهدید	پایین طیف	بالای طیف
گستره تهدید	محدود	گسترده
شدت تهدید	کم‌شدت	پرشدت
فوریت تهدید	فوری	غیرفوری
پیچیدگی تهدید	ساده	پیچیده و ترکیبی
اثرگذاری بر محیط تهدید	زودبازده	دیر بازده
مراحل مختلفی اعمال تهدید	تک‌گامی	مستمر و متوالی / طولانی

تهدید بر بستر آسیب‌ها تبلور می‌یابد. توجه به بسترسازی در عملیاتی نمودن تهدید از سوی هر نیروی تهدیدکننده و کنشگر تهدیدی مؤثر است؛ بر همین اساس هر کشور - دولتی که بتواند ضمن انسجام‌بخشی داخلی به تقویت عناصر انسجام‌بخش خود توجه نماید، تهدید را ناکارآمد نموده و امکان تبلور تهدید را کاهش خواهد داد. هویت ملی و توجه به عناصر آن و تداوم‌بخشی عناصر هویتی سبب پیشگیری از فرصت‌طلبی بازیگران در تهدید خواهد شد. به موازات افزایش تأثیر، ضعف و نارسایی هویتی تفکر و رفتار امنیتی سنتی آشکار شده است. برداشت‌های سنتی از مقولات مختلف به‌ویژه امنیت، تهدید، جنگ و حتی مفهوم کلان و بستری چون جهاد در ادیان توحیدی بالأخص اسلام گردیده است؛ اما با همه این تحولات نمی‌توان نقش هویت و باز تعریف هویت و عناصری که تداوم‌بخش آن هستند را در مدیریت مخاطرات در دهه‌های پیش‌رو نادیده انگاشت.

بسیاری از تهدیدهای معاصر، برخاسته از عواملی نظیر بیماری‌های واگیردار همانند ایدز، قاچاق مواد مخدر و تروریسم که سلاح‌های کشتار جمعی را نیز شامل می‌شود، جنبه فرامرزی دارند؛ آن‌ها به‌رغم گذشتن از مرز کشورها، عموماً قادر نیستند به‌طور مستقیم با سیاست خارجی یا رفتار دیگر کشورها ربط پیدا کنند؛ این تهدیدها بیش از آنکه به دست دولت‌های ملی ایجاد شده یا کنترل گردند، در شبکه‌های پیچیده، پویا و بین‌المللی که حاصل فناوری‌های ارتباطاتی امروزی، حمل و نقل و اطلاعات است، یافت می‌شوند؛ این شبکه، مجموعه‌ای از انگیزه‌ها، فرصت‌ها و توانمندی‌های افراد و گروه‌ها را مطرح می‌سازد که کارکرد آنان - غرض‌ورزانه یا بی‌غرض - می‌تواند بر ارزش‌های بنیادین امنیت ملی نظیر تمامیت ارضی و استقلال سیاسی، حفظ سلامت و خوشبختی، آزادی و ثروت شهروندان و فرهنگ ملی، تهدید وارد کند (متیو و شامبوگ، ۱۳۸۷). در جامعه‌ای که دارای هویت مشخص و پایداری به عناصر هویتی است، انگیزه و فرصت‌های مبتنی بر آن به صورت شاخص‌های خنثی‌ساز تهدید عمل می‌نمایند. تقوا و خویش‌یابی در جامعه ایرانی و اسلامی می‌تواند تهدیدات بسیاری از تهدیدات اجتماعی و اداری را ناکارآمد سازد. هنگامی که جهاد، تولی و تبری به‌عنوان گزاره‌های شکل‌دهنده هویت اسلامی - ایرانی تبلور یابند، اثرگذاری تهدیدات نظامی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و... در حد بسیار زیادی کاهش می‌یابد؛ زیرا مواجهه با تهدیدات به شکل سازمانی و

در قالب آن گنجانده نمی‌شود؛ بلکه قاعده «کلکم راع و کلکم مسئول» در همه جامعه ساری و جاری است.

نتیجه‌گیری

استعمار در روند رو به تکوین خود سه مرحله را از سر گذرانده است؛ در مرحله نخست با بهره‌گیری از نیروی نظامی به اشغال سرزمینی دیگر کشورها پرداخته است که از آن به استعمار کهن و کلاسیک نام برده می‌شود؛ در مرحله دوم با بهره‌گیری از توان اقتصادی و سیاسی‌ای که در کشورهای هدف وجود داشت، به رویه‌سازی سیاسی و اقتصادی با جهت‌گیری کنترل بازار و حکومت جوامع پرداخت که به استعمار نو شناخته می‌شود؛ در مرحله سوم، استعمار با بهره‌گیری از گزاره‌های فکری و فرهنگی به دنبال کنترل اذهان و قلوب مردم، نخبگان و مسئولین با آمال و آرزوسازی اغواکننده از خود پرداخت که از به استعمار فرانو یاد می‌شود. سه مقطع و دوره استعمار با هویت‌زدایی از کشورها و ملل تداوم یافته است. استعمار تداوم حیات خود را در الیناسیون و از خودبیگانگی هویتی می‌بیند و بر همین اساس است که ضمن بهره‌گیری از ارتباطات پیش‌رفته و شبکه‌های اجتماعی، هویت‌زدایی و هویت‌سازی جعلی را در فرهنگ و جوامع دیگر دنبال می‌نماید؛ این امر در فرایندی مستمر از سوی قدرت‌های استکباری دنبال می‌شود. انقلاب اسلامی که در محیط بین‌المللی به دنبال احیاء رسالت انبیاء در رسالت خود آن‌گونه که در اصول قانون اساسی، کلام امامین انقلاب و در الهام‌بخشی حرکت‌های انقلابی با ماهیت و هویت انسانی در گام نخست هویت توحیدی، در گام دوم هویت اسلامی، در گام سوم هویت شیعی (اسلام ناب) در گام چهارم، به‌عنوان بازیگری کلیدی در مخالفت و ضدیت با گفتمان استکباری که بر اساس استعمار و استعمار دیگر ملل است؛ این نگرش به‌عنوان کارویژه انقلاب اسلامی مطرح گردیده تا جایی که از سوی حکومت آمریکا به‌عنوان پیش‌آهنگ استکبار به عنوان مخل امنیت جهانی معرفی شده است و در چهار دهه گذشته تحت فشار قرار گرفته است؛ تا حداکثر به تغییر نظام، یا حداقل تغییر جهت‌گیری راهبردی و تغییر رفتار با جریان مسلط جهان هماهنگ گردد. بستر تغییر رفتار،

تغییر جهت و تغییر نظام در جابه‌جایی ارزش‌های بنیادین و تغییر آن‌ها، بازهویت‌سازی ملی است.

تغییر سبک زندگی در راستای بازهویت‌سازی انقلابی و اسلامی در دستور کار استکبار قرار گرفته است. استکبار که نمود عینی آن امروزه در غرب تعیین یافته است، با طراحی بلندمدت مراحل، شبیخون فرهنگی، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، جنگ نرم و جنگ ترکیبی را در دستور کار قرار داده و آن را عملیاتی نموده است؛ این فرایند دارای مراحل است:

۱. مرحلهٔ تشکیک در هویت ملی ایرانی و اسلامی که با بزرگ‌نمایی ضعف‌ها و پنهان‌سازی قوت‌ها و توانمندی‌ها صورت می‌پذیرد؛

۲. مرحلهٔ تخریب هویت ملی^۱ با تغییر و نابودی ارزش‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی تا جایی که عناصر هویتی که عامل انگیزش و هاضم تهدیدات در چند سدهٔ گذشته به صورت عام و به‌عنوان عامل محرک و برانگیزانندهٔ ملت در قریب چهار دههٔ عمر جمهوری اسلامی به شکل ویژه بوده است، غیر پاسخگو، ناکارآمد و نابود شود؛ این مرحله در تغییر هویت شامل گام‌های جداسازی^۲ از عناصر هویتی خودی، ایجاد خستگی^۳ از عناصر هویتی و افتخارات خود به‌نوعی که سبب غیرمنطقی انگاشتن شود، به چالش افتادن^۴ با آن و در نهایت قطع ارتباط با گذشتهٔ هویتی و تاریخی خود است؛ حال اگر جامعه‌ای به این مرحله برسد، در آستانهٔ نابودی هویتی و آمادهٔ پذیرش هویت‌های غیر می‌گردد؛ هرگاه ملتی در این مرحله قرار گیرد، تهدیدات کارآمدی حداکثری خود را خواهند داشت؛ زیرا هیچ‌گونه عامل تقابلی و انگیزشی وجود نخواهد داشت؛ این فرایند به صورت متوالی و مداوم در مواجهه با انقلاب در چهار دههٔ گذشته به صورت روزافزون وجود داشته است؛

۳. مرحلهٔ بازهویت‌سازی^۵ متناسب با ارزش‌های غیر بنیاد استکباری؛

-
1. Identity Destruction
 2. Isolation
 3. Exhaustion
 4. Challenge
 5. Recreate Their Identity

مبتنی بر این دیدگاه و نگرش می‌توان نظام استکباری را در سه وضعیت استعماری متناسب و متناظر با این سه طیف از تهدید مشاهده نمود.

تهدید سیاسی	صلابت	قدمت	اسارت‌گاه - آماج	قدرت اعمالی	ابزار قدرت	روش اقدام
	تهدید سخت	استعمار کهن	سرزمین	نظامی	زور، اجبار و خشونت	کشورسازی
	تهدید نیمه‌سخت	استعمار نو	ساختار سیاسی و اقتصادی	سیاسی و اقتصادی	قانون‌گذاری و رویه‌سازی	دولت‌سازی
	تهدید نرم	استعمار فرانو	اذهان و قلوب	فرهنگی	عملیات روانی و رسانه‌ای	الیناسیون هویت‌سازی

شکل ۲. نسبت‌شناسی استعمار با تهدیدات از حیث صلابت

تهدیدات با توجه به نوع نگرش به مسائل و ساحت‌های قدرت متفاوت شده‌اند. ایدئولوژی، فرهنگ، جایگاه ملی و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی، اهداف و آرمان‌های ملی، بین‌المللی و جهانی، میزان اقتدار، جایگاه ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک، منابع مادی و غیرمادی (معنوی، نیروی انسانی، قدرت و توان انسجام‌بخشی و بسیج‌کنندگی مردم و...)، جایگاه و میزان الهام‌بخشی، میزان حضور مردم در صحنه، مشروعیت و... متنوع و دارای چهره‌هایی متفاوت است؛ اما با توجه به متحول بودن جهان و پدیده‌های جهانی، تسلسل و تحولی که در عصرهای مختلف در ساحت‌های متفاوت صورت گرفته است، به همان میزان تهدیدات نیز متحول گردیده‌اند.

مواجه با تهدیدات در جامعه ایرانی - اسلامی در توجه به هویت اسلامی و ایرانی و عناصر آن، تقویت، تداوم و استمرار آن‌هاست. بقاء هویت ایرانی - اسلامی سبب تقویت توان مقابله با تهدیدات نوظهور خواهد بود؛ این توانمندی را به سبب وجود ظرفیت بالای عناصر هویت اسلامی در هضم و تبدیل تهدیدات به شکل زیر می‌توان برشمرد:

۱. هویت ایرانی - اسلامی دارای عناصر ثبات‌بخش در امنیت ملی است؛
۲. امنیت ملی در جامعه ایرانی - اسلامی به قوام مسئولیت در برابر خدا مرتبط است؛

۳. عناصر انسجام‌بخش در جامعه ایرانی - اسلامی در کاهش ازخودبیگانگی افراد و جامعه با تاسی به گزاره‌های انسانی و اسلامی است؛
۴. عناصر هویتی که بر مبانی انسانی و اسلامی استوار باشند، در مواجهه با تهدیدات به ثبات انسانیت و پاسخگویی در برابر اقدامات قائل است؛
۵. تمایزات هویتی، تمایزبخش اتخاذ راهبردها در مواجهه و مقابله با تهدیدات یکسان هستند؛
۶. تغییر در هویت و هویت‌زدایی اصلی‌ترین نوع تهدید در مواجهه با انقلاب است و به این سیاق، هویت‌زایی و تقویت هویت امکان توفیق در تقابل با تهدیدات را ممکن و میسر می‌نماید؛
۷. هویت ایرانی - اسلامی دارای شاخصه بستر مقاومت و ایستادگی ملی دارای سابقه بوده است؛
۸. سابقه تاریخی ایرانی و اسلامی به‌نحوی بوده است که همواره با تبدیل تهدید به موقعیت و بارورسازی آن جهت شکوفایی عناصری دیگر در هویت عمل نموده است. شناخت عناصر کاتالیزور و مبدل در فرهنگ و بوم فرهنگی ایران مسئله‌ای اساسی در مواجهه با دامنه تهدیدات انقلاب اسلامی است؛
۹. هویت ایرانی - اسلامی برای خود مسئولیت تاریخی قائل است؛ لذا نسبت به مسائل پیرامون خود بدون موضع نخواهد بود؛ این شاخصه چالش همیشگی با قدرت‌های استکباری را در پی خواهد داشت؛
۱۰. تداوم و تسری عناصر هویتی به تداوم کارآمدی و اثربخشی آن‌ها در مسائل نوظهور قرار دارد؛ این مسئله مسئولیت تصمیم‌گیران و نخبگان را مضاعف می‌نماید.

منابع

فارسی

۱. قرآن مجید.
۲. امام خمینی (ره)، روح‌الله، (بدون تاریخ)، صحیفه امام، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار.
۳. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۸/۱۸)، بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، بازیابی از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای.
۴. احمدیان، علی اکبر (۱۳۹۴)، تهدیدشناسی از منظر رهبران انقلاب اسلامی، مجله سیاست دفاعی، ش ۹۱: ۹ - ۳۹.
۵. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبدشکافی تهدید، نسخه اول، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۶. الطائی، علی (۱۳۷۸)، بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.
۷. امامی، سید مجید (۱۳۹۰)، جامعه ایرانی از بحران تا درمان، سوره، ۵۶ - ۵۷ بازیابی از سایت سوره.
۸. اندیشکده یقین (۱۳۹۰)، دکترین ملی بیع در افق ۱۴۱۴، در اسماعیل نژاد، تهران: اندیشکده یقین.
۹. اندیشکده یقین (۱۳۹۴)، دکترین امنیتی - دفاعی انقلاب اسلامی ایران، جلد ۱، تهران: اندیشکده یقین.
۱۰. باوند، داود (۱۳۷۷)، چالش‌های برون‌مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ، ماهنامه اطلاعات سیاسی، ۱۲۹ - ۱۳۰، ۱۳۰.
۱۱. بوتول، گاستون (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه فرخجسته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. پرتوی، اصغر (۱۳۷۴)، بحران هویت و سیاست‌های توسعه در ایران، دین و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(ع). ش ۱: ۶۳ - ۸۸.
۱۳. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات ملی، ش ۵: ۱۵۶ - ۱۷۶.
۱۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، مدیریت بحران، تهران: فرهنگ گفتمان.
۱۵. چلبی، منصور (۱۳۸۵)، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
۱۶. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹)، تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۵: ۲۰۶.

۱۷. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳)، هویت و بحران هویت ایرانی، جامعه سالم، ۲۴: ۵.
۱۸. رزازیفر، افسر (۱۳۷۹)، الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران (با تأکید بر رابطه میان هویت ملی و ابعاد آن)، ش ۵: ۱۳۴ - ۱۱۰.
۱۹. رضایی، سیدمحمد؛ جوکار، محمدصادق (۱۳۸۸)، بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۴۰: ۵۳ - ۸۸.
۲۰. رنجبر، مقصود (۱۳۷۸)، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۱. زاهد، سعید (۱۳۸۴)، هویت ملی ایرانیان، راهبرد یاس، ش ۴: ۱۲۹ - ۱۳۰.
۲۲. زهیری، علیرضا (۱۳۷۹)، تأثیر فرهنگ سیاسی ایرانیان بر سیاست خارجی، علوم سیاسی، ش ۱۲: ۱۸۹ - ۲۱۸.
۲۳. سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان (بدون تاریخ)، سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، بازبایی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. شیخاوندی، داور (۱۳۸۰)، ناسیونالیسم و هویت ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲۵. صفایی حایری، علی (۱۳۸۸)، اخبات، قم: لیل‌القدر.
۲۶. طاهری خرم‌آبادی، (۱۳۶۱)، جهاد در قرآن، انواع دفع، پاسدار اسلام، ش ۵: ۲۹ - ۳۱.
۲۷. قربانی، قدرت‌اله (۱۳۸۳)، هویت ملی از دیدگاه شهید مطهری، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۱۸: ۶۳ - ۸۶.
۲۸. متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، گونه‌شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، ش ۸: ۵ - ۲۸.
۲۹. متیو، ریچارد؛ شامبوگ، جرج (۱۳۸۷). تهدیدهای فرامرزی و آسیب‌پذیری‌های ملی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، جهاد، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری.
۳۱. میرمحمدی، داود (۱۳۸۳)، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
۳۲. میلر، دیوید (۱۳۸۳)، ملیت، ترجمه داود غریاق‌آبادی زندی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۳۳. نجفی، محمد حسن (بدون تاریخ)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۱، قم: دارالکتاب الاسلامیه.
۳۴. نوری، حسین (۱۳۶۷)، جهاد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

انگلیسی

1. Kahn, H, (1961), On Thermonuclear War, NJ: Princeton University Press

اینترنتی

1. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3362>
2. <http://www.sooremag.ir>.
3. <http://pcci.farhang.gov.ir/fa/desision/desision86/sanad>

تحلیل مضمون چشم‌انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

اسماعیل خان احمدی^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

چکیده

نظر به اهداف متعالی مکتب حیات‌بخش اسلام، جایگاه انقلاب اسلامی در معادلات ژئواستراتژی و ساختار ژئوپولیتیکی جدید جهان، فرصت‌ها و تهدیدات در محیط خارجی، ضعف‌ها و قوت‌ها در محیط داخلی، ظهور بازیگران جدید با پیچیدگی رفتار در صحنه‌ها، و بیداری و انتظارات افکار عمومی جهان از انقلاب اسلامی تأکید مضاعف بر ترسیم چشم‌انداز انقلاب از منظر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) دارد. امام خمینی (ره) همواره با رصد دقیق رویدادها و تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در مراسم و مناسبت‌های مختلف از بدو شکل‌گیری نهضت در سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۳۸ علاوه بر موشکافی ابعاد و زوایای آشکار و پنهان تهدیدات منافع ملی، راهبردهای نظام زوایای چشم‌انداز انقلاب اسلامی را تبیین و تحلیل نموده‌اند؛ این پژوهش با هدف تعیین چشم‌انداز انقلاب اسلامی از فرمایش‌های امام خمینی (ره) انجام شده است؛ در این تحقیق که با رویکرد کیفی انجام گرفته، با استفاده از روش شبکه مضامین از روش تحلیل مضمون، پنج مضمون عمق‌بخشی داخلی، عمق‌بخشی خارجی، مقابله با تهدیدات نرم، تهدیدات نیمه‌سخت و تهدیدات سخت به عنوان مضامین فراگیر چشم‌انداز انقلاب اسلامی تحت عنوان یافته‌ها ارائه شده است؛ مضمون ذکرشده در حوزه امنیت پایدار پنج سطح امنیت اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را برای نظام اسلامی ایجاد و توسعه داده است.

کلید واژه‌ها

چشم‌انداز، انقلاب اسلامی، اندیشه سیاسی، امام خمینی (ره)

مقدمه

خلقت انسان به عنوان موجودی برخوردار از تفکر، تعقل، تدبیر، تصمیم و قدرت بسیج منابع به منظور تحقق اهداف منجر به ترسیم چشم‌انداز دو جبهه حق و باطل شد. قرآن کریم چشم‌انداز دو نظام حق و باطل را چنین ترسیم می‌نماید:

الف. چشم‌انداز نظام حق: اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؛ خدا دوست (سرپرست) کسانی است که ایمان آورده‌اند و بیرون می‌آورد ایشان را از تاریکی‌ها (کفر) به سوی روشنایی (ایمان) (بقره/ ۲۵۷)؛ حضرت علی(ع) چشم‌انداز یاد شده را چنین ترسیم می‌فرمایند: «... فَيَأْتِيَانَا لِمَطْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ خُدُودِكَ: تا بندگان ستم‌دیده‌ها در امان مانند و آن حدود که مقرر داشته‌ای، جاری گردد» (دشتی، ۱۳۹۴، خطبه ۱۳۱: فراز ۳).

امام خمینی(ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی این چشم‌انداز را چنین ترسیم می‌فرمایند: «... ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم‌کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم...» (صحیفه نور، ج ۲۰: ۲۳۲)؛ در مناسبتی دیگر حضرت امام(ره) چشم‌انداز ذکر شده را چنین ترسیم می‌فرمایند: «... با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی است، سیطره و ظلم جهان‌خواران را خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل امامت مطلق حق امام زمان ارواحنا فداء هموار می‌کنیم...» (صحیفه نور، ج ۲۰: ۳۲)؛ در مناسبتی دیگر چشم‌انداز انقلاب که برگرفته از قرآن کریم می‌باشد را چنین ترسیم می‌فرمایند: «... ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم. ما مکلفیم با ظلم مقابله کنیم؛ ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که با ظلم مقابله کنیم؛ با این آدم‌خواری‌ها و با این خون‌خواری‌ها مقابله کنیم...» (صحیفه نور، ج ۶: ۲۲۰).

ب. چشم‌انداز نظام سلطه: «...وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ؛ ترجمه: و آنان که کفر ورزیدند دوستانشان (و سرپرستانشان) گردن‌کشانند آن طاغوت بیرون می‌آورند کافران را از روشنایی به سوی تاریکی‌ها (گمراهی)» (بقره/ ۲۵۷)؛ این چشم‌انداز نظام سلطه را حضرت علی(ع) چنین ترسیم می‌فرمایند: «...أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ ذَمَّرَ حَرْبَهُ، وَ

اسْتَجَلَبَ جَلَبَةً، لِيَعُودَ الْجَوْرُ إِلَى أَوْطَانِهِ، وَ يَرْجِعَ الْبَاطِلُ إِلَى نَصَابِهِ؛ ترجمه: آگاه باشید، که شیطان حزب خود را برانگیخته و سپاه خویش را بسیج کرده تا بار دیگر، ستم در جای خود مستقر گردد و باطل به جایگاه خود بازگردد...» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۴).

امام خمینی (ره) معمار کبیر انقلاب اسلامی چشم انداز نظام سلطه را چنین ترسیم می فرماید: «...به یقین آنان مرزی جزء عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی و الهی نمی شناسند...؛ ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست ها، امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۲۳۷)؛ در مناسبتی دیگر چشم انداز نظام سلطه را چنین ترسیم می فرماید: «...دشمنان خدا در کمین نشسته اند تا آنچه را خدایی است نابود کنند» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۴۷)؛ از سویی نظر به این هشدار حضرت امام (ره) مبنی بر اینکه: «...این اعجاز بزرگ قرن و این پیروزی بی نظیر و این جمهوری اسلامی محتاج به حفظ و نگهداری است؛ آن نیز به دست توانای شما که دست خداوند قادر با آن است حاصل می شود...» (صحیفه امام، ج ۸: ۲۲۴)؛ و این هشدار معظم له مبنی بر اینکه: «...اگر این نقطه - خدای ناخواسته - رکود پیدا بکند یا شکست بخورد شکست همه مستضعفین جهان و همه مسلمین جهان و شکست اسلام در تمام ممالک خواهد شد...» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۱۴۶)؛ نظر به این تدبیر رهبر معظم مبنی بر اینکه: «آحاد ملت باید از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، مسئولان کشور و ایمان خود دفاع کنند» (امام خامنه ای (مدظله) ۱۳۶۸/۷/۲۹).

محقق بر آن شد تا با بهره گیری از تحلیل مضمون و مطالعات اکتشافی در آثار حضرت امام (ره) چشم انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به عنوان یک تکلیف الهی و رسالت علمی به رشته تحریر درآورد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

الف. اهمیت تحقیق

- توسعه فرصت های خارجی و قوت های داخلی؛
- مرتفع کردن ضعف های داخلی و دفع تهدیدات خارجی؛
- حفظ، توسعه و تقویت استقلال نظام سیاسی اسلام؛

- ارائه الگوی جامع به بشریت در راستای خنثی سازی توطئه‌های استکبار؛
- هویت بخشی و تمایز انقلاب اسلامی از سایر انقلاب‌ها؛
- ضد نفوذ بیگانگان در ساختار نظام سیاسی اسلام؛
- ایجاد ظرفیت‌های مختلف برای مراحل مختلف انقلاب؛
- بازدارندگی (تُرْهُبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ)؛
- حفظ و ارتقاء اقتدار، اعتبار و اعتماد نظام اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.

ب. ضرورت تحقیق

- غافلگیر شدن در فرایند تحقق اهداف؛
- انحراف در فرایند حرکات؛
- تأکید قرآن کریم مبنی بر: «...فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» (حشر/۲) عبرت از حوادث ناگوار تاریخ اسلام:

۱. عبرت از حادثه ننگین سقیفه؛
 ۲. عبرت از حادثه تلخ حکمیت؛
 ۳. عبرت از واقعه صلح امام حسن (ع)؛
 ۴. عبرت از واقعه خون‌بار کربلا؛
- تأکید دعای ندبه مبنی بر: «...ذُوبَانَهُمْ فَأَوْدَعِ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ» (قمی، ۱۳۸۲: ۹۹۲)؛
- تأکید دعای افتتاح مبنی بر: «...كَثْرَةَ عَدُونَا وَقَلَّةَ عَدَدِنَا...» (قمی، ۱۳۸۲: ۳۳۰).

هدف اصلی تحقیق

تحلیل مضمون چشم‌انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

سؤال تحقیق

مضامین فراگیر چشم‌انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) کدام‌اند؟

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق در دو موضوع استفاده از تحلیل مضمون و چشم انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار گرفته که نتایج آن به شرح زیر ارائه می شود:

الف. پیشینه تحقیق با رویکرد تحلیل مضمون

جدول ۱. پیشینه تحقیق با رویکرد تحلیل مضمون

عنوان تحقیق	نویسندگان	هدف تحقیق
تحلیل مضمون محتوای «مردم» در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) (۱۳۹۵)	رقیه جاویدی غلامرضا بهروزی لک	در این مقاله، چستی دال «مردم» در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، با روش کیفی تحلیل مضمون و به کارگیری نرم افزار MAXQDA بررسی شده است.
تحلیل مضمون «اعتماد» در اندیشه امام خامنه ای (۱۳۹۴)	جلال درخشه اصغر افتخاری محسن ردادی	هدف مقاله تبیین مقوله اعتماد در اندیشه رهبر معظم انقلاب با روش تحلیل مضمون است.
تحلیل مضمون و شبکه مضامین	حسن عابدی جعفری محمدسعید تسلیمی ابوالحسن فقیهی محمد شیخ زاده	هدف این مقاله، معرفی تحلیل مضمون و فنون مرتبط با آن است.

ب. پیشینه تحقیقات با موضوع چشم انداز انقلاب

با مطالعات اکتشافی مشخص شد موضوعی با عنوان چشم انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) یک موضوع تحقیقی صورت نگرفته است؛ اما یک موضوع تحقیق مرتبط با نیروهای مسلح با روش تحلیل مضمون به شرح زیر است:

جدول ۲. پیشینه تحقیق با رویکرد تحلیل های مضمون مرتبط با موضوع

عنوان تحقیق	نویسندگان	هدف تحقیق
تحلیل مضمون ساخت درونی قدرت نیروهای مسلح برای جنگ آینده از دیدگاه فرماندهی معظم کل قوا؛ و با بهره گیری از تحلیل مضمون، چهار مضمون قابلیت سازی، عزم راسخ و اتحاد ملی، قدرت نظامی دانش محور و قدرت معنوی ولایت محور را به عنوان مضامین فراگیر ارائه نموده است.	علیرضا قاضی میرسعید حمیدرضا فرتوک زاده حسین ولیوند زمانی سید اصغر جعفری ابوالفضل باقری	این تحقیق با هدف تبیین ساخت درونی قدرت نیروهای مسلح برای جنگ آینده از دیدگاه فرماندهی معظم کل قوا؛ و با بهره گیری از تحلیل مضمون، چهار مضمون قابلیت سازی، عزم راسخ و اتحاد ملی، قدرت نظامی دانش محور و قدرت معنوی ولایت محور را به عنوان مضامین فراگیر ارائه نموده است.

مبانی نظری

حضرت علی(ع) برای تنویر افکار عمومی و ترسیم چشم‌انداز نظام اسلامی چنین تبیین فرمودند: «...الف. ترور: فِارَادَ قَوْمُنَا قَتَلَ نَبِيْنَا - قوم ما (قریش) آهنگ کشتن پیامبر ما کردند؛ ب. جنگ داخلی: وَاجْتِيَا حَ أَصْلِنَا - و خواستند که ریشه ما برکنند؛ ج. تصویب قوانین بین‌المللی: وَهَمُّوا بِنَا أَلْهُمُّومَ - پس درباره ما بارها نشستند و رأی زدند؛ د. نفوذ: وَفَعَلُوا بِنَا أَلْفَاعِيلَ - و بسا کارها کردند؛ هـ. محاصره اقتصادی: وَ مَنَعُونَا أَلْعَذْبَ - از زندگی شیرین منعمان نمودند؛ و. جنگ روانی: وَأَخْلَسُونَا أَلْخَوْفَ و با وحشت دست به گریبانمان ساختند؛ ز. واضطربونا إلی جَبَلٍ وَعَرَبٍ - ما را وادار کردند که بر کوهی صعب زیستن گیریم؛ ح. تهاجم نظامی: وَ أَوْ قَدُّوا لِنَانَارَ أَلْحَرْبِ سِپَسِ برای ما آتش جنگ افروختند...» (شیروانی، ۱۳۹۱، نامه ۹). حضرت امام(ع) برای بسیج منابع در راستای دفع تهدیدات نظام سلطه ابرچشم‌انداز انقلاب اسلامی را چنین ترسیم می‌فرمایند: «جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست؛ جنگ ما جنگ فقر و غنا بود؛ جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود؛ این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد...» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۸۴)؛ در جای دیگر چشم‌انداز یاد شده را چنین ترسیم می‌فرمایند: «...ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد...» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۸۷).

انقلاب اسلامی

از انقلاب و انقلاب اسلامی تعاریف متعددی ارائه شده که به چند تعریف اشاره می‌شود: امام خمینی(ره) انقلاب اسلامی را چنین تعریف می‌فرمایند: «انقلاب اسلامی معنایش این است که متحول شده است یک مملکت طاغوتی که هرکس می‌خواست ظلم بکند می‌کرد به اتکال سرنیزه، مبدل شده است به یک مملکت اسلامی که روی موازین اسلامی عمل شود» (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۳۷). دگرگونی ریشه‌ای در نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یک کشور (ماه‌پیکر، ۱۳۹۴: ۱۲۴). شهید مطهری معتقد است: «انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین، علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد نظامی مطلوب» (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۹). آیت‌الله مصباح یزدی معتقد است: «انقلاب نوعی تحول تدریجی و

هدفمند اجتماعی است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۳۴۷)؛ باقی‌زاده دیگر صاحب‌نظر این حوزه معتقد است: «انقلاب دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی، به‌ویژه سیاسی است نسبت به آنچه پیش از انقلاب استوار و پابرجا بوده است» (لطیفی، ۱۳۸۷: ۱۶)؛ در جای دیگر انقلاب چنین تعریف شده: «انقلاب یک حرکت گسترده اجتماعی با رهبری مشخص، برنامه معین و مکتب نوگراست؛ به‌طور ناگهانی اوج می‌گیرد و به تغییر بنیادی همه ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی جامعه می‌انجامد» (همان: ۱۸). از صاحب‌نظران معاصر اردوگاه غرب: «انقلاب را یک تحول داخلی، سریع، اساسی و خشونت‌آمیز در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط یک جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌ها و سیاست‌های دولت می‌داند» (هانینگتون، ۱۳۷۵: ۳۸۵). مقام معظم رهبری (مدظله) انقلاب اسلامی را به عنوان یک فرایند چنین تبیین می‌فرمایند: «بلافاصله بعد از تحقق انقلاب، نوبت تحقق دولت اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن؛ سپس نوبت تشکیل دولت اسلامی است؛ به این معنا که منش و روش دولتمردان، اسلامی شود؛ این امر، باید به تدریج و با تلاش به وجود بیاید» (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۹/۱۲/۹). شهید مطهری معتقد است: «...انقلاب اسلامی یعنی انقلابی که ماهیت اسلامی، راه اسلامی و هدف اسلامی دارد» (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۴۵)؛ دیگر صاحب‌نظران این حوزه، انقلاب اسلامی را چنین تعریف نموده‌اند: «یک حرکت گسترده اجتماعی با رهبری مشخص دینی، شبکه هدایت مردمی، پشتوانه سالم مالی، برنامه مبتنی بر تحقق موازین اسلام ناب محمدی(ص) است که به تغییر بنیادی و مستمر در همه ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی جامعه منجر شود تا جامعه را از یک نظام طاغوتی به سمت یک نظام اسلامی هدایت کند و آدمیان را به انسان‌هایی تبدیل کند که همه کارها، عقاید و اخلاقیاتشان اسلامی باشد» (لطیفی، ۱۳۸۷: ۲۳).

چشم‌انداز

از چشم‌انداز تعاریف متعدد ارائه شده است که به چند تعریف اشاره می‌شود: «چشم‌انداز تصویر مطلوب و قابل دستیابی از آینده است که برای تحقق آن به انسجام، وحدت، انگیزه،

شوق، همت، اراده مدبرانه جمعی و کوشش همه‌جانبه نیازمنداست» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۷۸)؛ دیگر صاحب‌نظر براین باور است: «چشم‌انداز یک نگاه ذهنی از معلوم به نامعلوم برای تعریف آینده می‌باشد که با گردهمایی و اهمیت واقعیت‌ها، امیدها، تصورات، خطرها و فرصت‌های موجود به‌وجود آمده است (امیری کبیری، ۱۳۸۱: ۹۴)؛ دیگر صاحب‌نظر معتقد است: «چشم‌انداز تصویر از آینده مطلوب و قابل دستیابی سازمان در افق زمانی مشخص بلندمدت است» (شهلائی، ۱۳۸۵: ۵۲)؛ به عبارتی دیگر «چشم‌انداز ترسیم حالت و پسندیده آتی است که می‌تواند باورها و پندارهای پیروان را به‌سوی اجرای اثربخش‌ترین امور تشویق کند» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). نظر به تعاریف ارائه شده چشم‌انداز برخوردار از ویژگی‌هایی چون واقع‌گرا، تحول‌گرا، تعامل‌گرا، جامع‌نگر، آینده‌نگر، ارزش‌محور، الهام‌بخش، انسجام‌بخش، وحدت‌آفرین، جهت‌دهنده، تحقق‌پذیر، خلاق، محرک، جذاب، برانگیزاننده،... می‌باشد.

تحلیل مضمون

یکی از روش‌های کارآمد تحلیل کیفی تحلیل مضمون است (براون^۱، ۲۰۰۶)؛ تحلیل مضمون به سه روش قالب مضامین، ماتریس مضامین و شبکه مضامین مطابق با جدول دو انجام می‌شود که در این تحقیق از روش شبکه مضامین استفاده شده است.

جدول ۳. روش تحلیل‌های مضمون

روش	شرح	ارائه‌دهنده روش
قالب مضامین	در تحقیقاتی که تعداد متون و داده‌های آن زیاد باشد (ده تا سی منبع) به‌کار می‌رود.	کینگ و هوراکز ^۲ (۲۰۱۰)
ماتریس مضامین	جهت مقایسه مضامین با یکدیگر و یا مقایسه مضامین در منابع داده‌ها استفاده می‌شود.	مایلز و هابرمین ^۳ (۱۹۹۴)
شبکه مضامین	شبکه مضامین نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان دهنده و روش نمایش‌دهنده عرضه می‌کند	آتراید و استیرلینگ ^۴ (۲۰۰۱)

1. Braun
2. King & Horroks
3. Miles & Huberman
4. Attrid, Stirling

مطابق با تعریف شیخزاده و همکارانش شبکه مضامین بر اساس روندی مشخص پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)؛ سپس با دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تخلیص آن‌ها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست پیدا می‌کند (مضامین سازمان‌دهنده)؛ در قدم سوم این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده شده و به‌صورت مضامین حاکم بر کل متن در می‌آید (مضامین فراگیر)؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌ای شبیه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تأکید شود (شیخزاده و همکاران، ۱۳۹۰). تحلیل شبکه مضمونی را می‌توان به‌طور کلی به سه بخش اصلی تقسیم نمود: اول تجزیه متن؛ دوم کشف متن و سوم یکپارچه کردن کشف‌ها (آترایدواستیرلینگ، ۲۰۰۱).

جدول ۴. مراحل تنظیم شبکه مضمونی (آترایدواستیرلینگ، ۲۰۰۱)

مرحله تحلیلی	گام	اقدام
الف) تجزیه و تحلیل متن	گام اول: کدگذاری	تهیه یک چارچوب کدگذاری تجزیه متن به بخش‌های کوچک‌تر با استفاده از چارچوب کدگذاری
	گام دوم: تعریف مضامین	استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاری شده متن تصحیح مضامین
ب) کشف متن	گام سوم: ساختن شبکه مضمونی	منظم کردن یافتن مضامین بازیابی مضامین پایه‌ای برای یافتن مضامین سازمان‌دهنده استخراج مضمون (مضامین) فراگیر ترسیم شبکه‌های مضمونی
	گام چهارم: توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی	توصیف شبکه کشف شبکه
ج) یکپارچه‌سازی کشف‌ها	گام پنجم: خلاصه کردن شبکه‌های مضمونی	خلاصه کردن شبکه‌های مضمونی
	گام ششم: توصیف الگوها	توصیف الگوها

روش تحقیق

این تحقیق کیفی، از حیث جهت‌گیری، کاربردی - توسعه‌ای و از حیث هدف اکتشافی و توسعه‌ای است؛ زیرا با نگاهی ارزشی به موضوع می‌پردازد. از آنجا که تحقیق در سیاست‌گذاری کشور استفاده می‌شود کاربردی است و چون در این تحقیق به دنبال کشف مضامین از تدابیر، رهنمودها و فرمایش‌های حضرت امام(ره) هستیم از نوع اکتشافی است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش مشتمل بر تدابیر، رهنمودها و فرمایش‌های حضرت امام(ره) است؛ در تعیین روایی، تعداد ۱۰ نفر از خبرگان به صورت هدفمند (تمام‌شمار) انتخاب شدند.

روش جمع‌آوری داده‌ها

داده‌های این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از فرمایش‌های امام(ره) پیرامون چشم‌انداز انقلاب اسلامی جمع‌آوری شده است.

قلمرو تحقیق

قلمرو تحقیق فرمایش‌های حضرت امام(ره) راجع به انقلاب اسلامی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۸ می‌باشد که تبیین‌کننده چشم‌انداز انقلاب اسلامی است.

روایی و پایایی

در پایایی این پرسش مطرح است که چگونه بدانیم که یک ابزار (پرسشنامه، آزمون، مقیاس و غیره) در هر زمانی که از آن استفاده می‌کنیم، کارآمد و مؤثر است و در روایی این پرسش مطرح است که چگونه بدانیم که یک ابزار آن چیزی را می‌سنجد که قرار است بسنجد؟ البته در پژوهش‌های کیفی روایی و پایایی به مفاهیمی مانند باورپذیری، انتقال‌پذیری، مقبولیت، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری و اثربخشی تبدیل می‌شود. در این تحقیق برای سنجش روایی از روش والتزوباسل با محاسبه شاخص CVI استفاده می‌شود؛ بدین صورت خبرگان و متخصصان «مربوط بودن»، «واضح بودن»، و «ساده بودن» هر مضمون را بر اساس یک پرسشنامه با طیف لیکرتی چهار قسمتی شامل «مربوط نیست» با عدد ۱ «نسبتاً مرتبط است» با عدد ۲ «مربوط است» با عدد ۳ «کاملاً مرتبط است» با عدد ۴ مشخص می‌کنند.

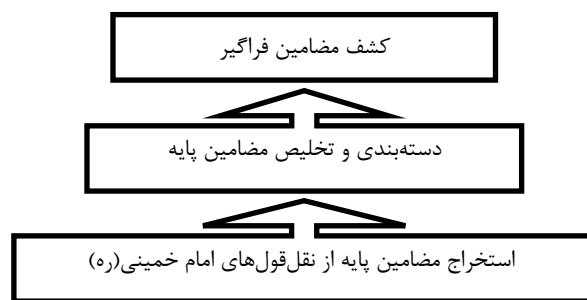
یکی از روش‌های کارآمد تحلیل کیفی تحلیل مضمون است (براون، ۲۰۰۶)؛ تحلیل مضمون به سه روش قالب مضامین، ماتریس مضامین و شبکه مضامین مطابق با جدول دو انجام می‌شود که در این تحقیق از روش شبکه مضامین استفاده شده است.

$$CVI = \frac{\text{تعداد متخصصانی که به مضمون نمره ۳ و ۴ داده‌اند}}{\text{تعداد کل متخصصان}}$$

حداقل مقدار قبولی برای شاخص CVI برابر ۰/۷۹ است. اگر شاخص CVI مضمونی کمتر از ۰/۷۹ باشد آن مضمون باید حذف شود. برای پایایی روش کنترل اعضا چندین مرتبه به وسیله شرکت‌کنندگان در تحقیق مورد بازنگری قرار گرفته و همچنین در مرحله پرسشنامه CVI نظرات خبرگان در مورد مرتبط بودن و صحیح بودن شاخص‌ها احصا و لحاظ شده است.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های این تحقیق از تمامی فرمایش‌های بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و احیاکننده اسلام ناب محمدی (ص) حضرت امام (ره) در مورد چشم‌انداز، انتخاب گردیده است؛ همچنین جهت شناسایی و کشف مضامین اصلی بیانات معظم‌له از روش تحلیل مضمون که در تحقیقات کیفی کاربرد گسترده‌ای دارد استفاده شده است که شرح آن در بیان نظری تحقیق آمده است. الگوریتم این تحقیق مطابق با شکل زیر با روش شبکه مضامین از روش‌های تحلیل مضمون ارائه می‌شود:



شکل ۱. الگوریتم تحقیق مطابق با شکل مضمون آتراید - استیرلینگ

گام‌های پژوهش

در گام اول از متون اصلی، نقل قول‌هایی از حضرت امام(ره) که به‌طور صریح به ابعاد چشم‌انداز اشاره داشته‌اند، انتخاب شده و در قالب گدها سازماندهی شده‌اند. در بخش انتخاب فرمایش‌های معظم‌له، تعدادی فرمایش‌ها در مورد موضوع تحقیق بیشتر تکرار شده بود؛ از این رو برخی از فرمایش‌ها که بسیار شبیه به هم بودند، فقط اولین بیانات معظم‌له استفاده گردید؛ در ادامه از این نقل قول‌ها حاوی مضمونی است که با خواندن آن متن، مستقیماً به ذهن متبادر می‌گردد و سایر گام‌های ارائه شده به شرح جدول ۵ و ۶ انجام می‌گیرد.

جدول ۵. تبدیل نقل قول به مضامین پایه‌ای

شناسه	برداشت از متن (نقل قول)	مضمون پایه‌ای
امام خمینی(ره) ۱۳۵۸	قیام شما جوان‌های ایران، قیام شما ملت ایران که قیام الهی بود نهضت الهی بود، قرآن را زنده کرد حیات تازه به اسلام دمید.	قیام و نهضت الهی بود قرآن را زنده کرد و حیات تازه به اسلام داد؛
صحیفه نور، ج ۱۸: ۱۰۲	ما همه موظفیم که اسلام را در همه جای دنیا معرفی کنیم.	ما موظفیم اسلام را به جهان معرفی کنیم؛
امام خمینی(ره) ۱۳:۱۳۷۸	انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیون‌ها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب دیدگان عزیز این شهیدان است و مورد امید میلیون‌ها مسلمان و مستضعفان جهان است.	مورد امید میلیون‌ها مسلمان و مستضعفان جهان است؛
صحیفه نور، ج ۳: ۳۰۴	اسلام خدایش عادل است، پیغمبرش عادل است و معصوم، امامش هم عادل و معصوم است، قاضی‌اش هم معتبر است که عادل است امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد امام‌جمعه‌اش هم باید عادل باشد؛ از ذات مقدس کبریا گرفته تا آن آخر؛ زمامدار باید عادل باشد؛ ولاتشان هم باید عادل باشند.	زمامدار باید عادل باشد؛ ولاتشان هم باید عادل باشند؛
امام خمینی(ره)، ۶۰: ۱۳۷۸	و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد مستقل به پیش روید.	به‌سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد مستقل به پیش روید؛
صحیفه نور، ج ۲۰: ۱۱۸	مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران اسلامی نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان به پرچم‌داری حضرت حجت (عج) است.	انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان به پرچم‌داری حضرت حجت (عج) است؛
صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۱۵	ما که نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم...؛ نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد حتی در کشورهای اسلامی؛ نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیاء است؛ نهضت انبیاء برای یک محله نبوده است...؛ دعوتش مال همه عالم است.	نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد؛

ادامه جدول ۵. تبدیل نقل قول به مضامین پایه‌ای

مضمون پایه‌ای	برداشت از متن (نقل قول)	شناسه
تا مبارزه در هرکجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم؟	تا بانگ لاله الا الله و محمدرسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هرکجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.	صحیفه نور، ج ۱۱: ۲۶۶
درصد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم؟	ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم.	صحیفه نور، ج ۲۰: ۲۳۲
ما از مظلوم دفاع می‌کنیم و بر ظالم می‌تازیم این یک وظیفه اسلامی است؟	ما مسلمانیم و شرق و غرب برای ما مطرح نیست و ما از مظلوم دفاع می‌کنیم و بر ظالم می‌تازیم این یک وظیفه اسلامی است.	صحیفه نور، ج ۱۲: ۱۳۹
ما تا آخرین قطره خونمان می‌ایستیم؛ و شما هم باید به همه بگویید و در منابر به مردم برساید که خطر دین را تهدید می‌کند؟	امروز روزی نیست که باید در خانه نشست و دعاء خواند؛ روز مبارزه است، روزی است که دشمن به دین حمله می‌کند و ما باید در مقابل بایستیم و ما تا آخرین قطره خونمان می‌ایستیم؛ و شما هم باید به همه بگویید و در منابر به مردم برساید که خطر دین را تهدید می‌کند.	صحیفه امام، ج ۱: ۳۹۶
قوای مسلح ... ویژگی خاص دارند؛ اینان بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی می‌باشند و شهرها و روستاها و سرانجام نگهداران امنیت و آرام‌بخش به ملت می‌باشند.	قوای مسلح ... ویژگی خاص دارند؛ اینان که بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی می‌باشند و شهرها و روستاها و سرانجام نگهداران امنیت و آرام‌بخش به ملت می‌باشند.	صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۳۱
تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنیال می‌آورد؛	مطمئنأ غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنیال می‌آورد.	صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۲۸
موجودیت و استقلال هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشئت می‌گیرد؛	بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد...؛ موجودیت و استقلال هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشئت می‌گیرد.	صحیفه امام، ج ۱۵: ۲۴۳
همیشه با بصیرت و چشمانی باز به دشمنان خیره شوید؛	همیشه با بصیرت و چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند.	صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۲۹
دست دشمنان بشریت را از کشور خودش قطع کرده است، الگو شده است برای همه کشورهای مستضعفین؛	ملت ما بر بزرگ‌ترین قدرت‌های عالم غلبه کرده است، دست بزرگ‌ترین قدرت‌های عالم را از مملکت خودش قطع کرده است، دست دشمنان بشریت را از کشور خودش قطع کرده است، الگو شده است برای همه کشورهای مستضعفین.	صحیفه امام، ج ۱۳: ۴۶۴
خواب راحت را دیدگاه جهان‌خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویش اصرار می‌ورزند سلب خواهد کرد؛	خمینی، ... به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابره‌نه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را دیدگان جهان‌خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویش اصرار می‌ورزند سلب خواهد کرد.	صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۹
ما باید در جنگ اعتقادی‌مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم؛	جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد؛ و ما باید در جنگ اعتقادی‌مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.	صحیفه امام، ج ۲۱: ۸۷

ادامه جدول ۵. تبدیل نقل قول به مضامین پایه‌ای

مضمون پایه‌ای	برداشت از متن (نقل قول)	شناسه
اکنون نیز باید با خودیاری و همکاری برای مبارزه علیه فقر و محرومیت بسیج شوید و با یاری الهی به یاری مردم مستضعف کمر همت ببندید.	اکنون نیز باید با خودیاری و همکاری برای مبارزه علیه فقر و محرومیت بسیج شوید و با یاری الهی به یاری مردم مستضعف کمر همت ببندید.	صحیفه امام، ج ۶: ۵۱۸
ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم.	ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم.	صحیفه امام، ج ۲۱: ۸۱
جمهوری اسلامی برای احیای هویت اسلامی سرمایه‌گذاری می‌کند؛	من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند.	صحیفه امام، ج ۲۱: ۹۱
سربازان اسلام را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد؛	کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد.	صحیفه امام، ج ۲۱: ۹۱
اگر دنیا بخواهد در مقابل دین ما بایستد، ما در مقابل دنیای آنان خواهیم ایستاد؛	من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر دنیا بخواهد در مقابل دین ما بایستد، ما در مقابل دنیای آنان از پای نخواهیم نشست.	صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۲۵
شعار نه شرقی و نه غربی شعار اصلی انقلاب اسلامی در جهان است؛	شعار «نه شرقی و نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بود و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان مکتب حیات‌بخش بشریت می‌پذیرد و ذره‌ای از این سیاست عدول نخواهد شد.	صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۱۹
اسلام سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد؛	من با اطمینان می‌گویم اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مزلت می‌نشانند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج و محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.	صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۲۵
مسلمانان جهان نظاره‌گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی‌اکرم باشند؛	مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران عزم خود را جزم کنند تا دندان‌های امریکا را در دهانش خرد کنند و نظاره‌گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی‌اکرم باشند.	صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۳۰
فرهنگ بزرگ‌ترین مؤسسه است که ملت را به تباهی یا اوج عظمت و قدرت می‌کشد؛	بزرگ‌ترین تحولی که باید بشود، در فرهنگ باید بشود؛ بر اینکه بزرگ‌ترین مؤسسه‌ای است که ملت را به تباهی می‌کشد، یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد.	صحیفه امام، ج ۷: ۴۷۳
ارتش بیست‌میلیونی آماده فداکاری در راه اسلام است؛	ارتش بیست‌میلیونی و بسیج عمومی که با سازماندهی خود ملت مجهز می‌شود، آماده فداکاری در راه اسلام است.	صحیفه نور، ج ۱۳: ۸۲

ادامه جدول ۵. تبدیل نقل قول به مضامین پایه‌ای

مضمون پایه‌ای	برداشت از متن (نقل قول)	شناسه
	باید بسیج جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشد و این شدنی است؛ چراکه بسیج تنها مختص به ایران اسلامی نیست.	صحیفه نور، ج ۲۱: ۵۳
	به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابره‌نه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهان خواران و سرسپردگان که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند سلب خواهیم کرد.	صحیفه نور، ج ۲۰: ۱۱۴
	تشکیل هسته‌های مقاومت حزب‌الله در سراسر جهان، اسرائیل را از گذشته جنایت‌بار خود پشیمان و سرزمین‌های غصب شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج خواهد کرد.	صحیفه نور، ج ۲۰: ۱۱۵
	در راه تقویت هرچه بیشتر بسیج برای حراست از اسلام بزرگ و ایران عزیز و با صبر و شکیبایی در این مقصد بزرگ این خدمت‌گران قدر را رنگ الهی داده و از عبادت بزرگ قرار دهند.	صحیفه نور، ج ۱۹: ۷۹
	باید هسته‌های مقاومت در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.	صحیفه نور، ج ۲۱: ۵۳
	من از ملت خودم و از همه شما و از همه ملت‌های مسلم می‌خواهم که... در همه کارها اتکال به خدا بکنید، قدرت‌ها در مقابل قدرت خدا هیچ است.	صحیفه امام، ج ۲۲: ۱۹۷
	امروز بر ملت ایران خصوصاً و بر جمیع مسلمانان عموماً واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده با تمام توان حفظ نمایند.	صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۷۶

در جدول ۶ مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر استخراج و شناسایی می‌شود.

جدول ۶. تبدیل مضامین پایه‌ای به مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه‌ای
<p style="text-align: center;">م ض م ن ف را گ ی ر</p>	مبارزه با فساد	ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم.
	امید مستضعفین	انقلاب مورد امید میلیون‌ها مسلمان و مستضعفان جهان است.
	دفاع از مظلوم	ما از مظلوم دفاع می‌کنیم و بر ظالم می‌تازیم این یک وظیفه اسلامی است.
	ایجاد دولت اسلامی	به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد مستقل به پیش روید.
	مبارزه با مستکبرین	تا مبارزه در هرکجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.
	زمینه‌سازی ظهور	انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان به پرچم‌داری حضرت حجت (عج) است.
	گسترش اسلام	درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم.
	بسیج جهان اسلام	ما باید در جنگ اعتقادی‌مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.

ادامه جدول ۶: تبدیل مضامین پایه‌ای به مضامین سازمان دهنده و فراگیر

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه‌ای
دانش	توسعه قلمرو	نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد.
	توسعه عدالت	زامدار باید عادل باشد؛ ولاتشان هم باید عادل باشند.
	دفع تهدید از اسلام	ما تا آخرین قطره خونمان می‌ایستیم؛ و شما هم باید به همه بگویید و در منابر به مردم برسائید که خطر دین را تهدید می‌کند.
	توسعه قدرت اسلام	قوای مسلح ... ویژگی خاص دارند؛ اینان که بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی می‌باشند.
	مبارزه با فقر	اکنون نیز باید با خودیاری و همکاری برای مبارزه علیه فقر و محرومیت بسیج شوید.
تعمیر	بصیرت به دشمنان	همیشه با بصیرت و چشمانی باز به دشمنان خیره شوید.
	قطع دست دشمنان	دست دشمنان بشریت را از کشور خودش قطع کرده است، الگو شده است برای همه کشورهای مستضعفین.
	مقابله با ظلم و ستم	خواب راحت را دیدگاه جهان خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویش اصرار می‌ورزند سلب خواهیم کرد.
	دفاع از دین	اگر دنیا در مقابل دین ما بایستد، ما در مقابل دنیای آنان خواهیم ایستاد.
تعمیر	احیا قرآن و اسلام	قیام و نهضت الهی بود قرآن را زنده کرد و حیات تازه به اسلام داد.
	معرفی اسلام به جهان	ما موظفیم اسلام را به جهان معرفی کنیم.
	احیاء هویت اسلامی	جمهوری اسلامی برای احیاء هویت اسلامی سرمایه‌گذاری می‌کند.
	ترویج فرهنگ مبارزه	سربازان اسلام را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد.
	حفظ امانت الهی	بر جمیع مسلمانان واجب است، این امانت الهی را حفظ نمایند.
	فرهنگ محور عزت	فرهنگ بزرگ‌ترین موسسه است که ملت را به تباهی یا اوج عظمت و قدرت می‌کشد.
	فتح سنگرهای کلیدی جهان	اسلام سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.
	فرهنگ توحیدمحوری	مسلمانان جهان نظاره‌گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی اکرم باشند.
مقاومت	نه شرقی نه غربی	شعار نه شرقی و نه غربی شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان است.
	فداکاری برای اسلام	آماده فداکاری در راه اسلام است.
	ایجاد حکومت بزرگ اسلامی	باید بسیج جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشد.
	دفع تهدید رژیم صهیونیستی	اسرائیل را از گذشته جنایت‌بار خود پشیمان و سرزمین‌های غصب شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج خواهیم کرد.
	حراست از سلام و ایران	تقویت هر چه بیشتر بسیج برای حراست از اسلام بزرگ و ایران عزیز
	تشکیل هسته مقاومت	با هسته‌های مقاومت باید مقابل شرق و غرب ایستاد.

پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای، شناسایی مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر با توجه به مضامین پایه‌ای انجام می‌شود؛ در این مرحله از تحلیل مضمون سعی می‌شود با سازماندهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه‌ای انتزاعی‌تری دست یابیم که ما را به مضمون‌های اصلی‌تری رهنمون سازد.

سنجش روایی مضمون‌ها و پایایی تحقیق

پرسش‌نامه شامل ۳۲ مضمون سازمان‌دهنده، به دست آمده در جدول ۶، در اختیار پانزده نفر از خبرگان قرار داده شد که میزان مربوط بودن هر مضمون سازمان‌دهنده به مضمون فراگیر را مشخص نمودند و بعد از محاسبه CVI برای هریک از مضمون‌ها، مشخص شد که کلیه ۳۲ مضمون احصاشده دارای شاخص CVI بیشتر از ۰/۷۹ بودند؛ لذا روایی مضمون‌های استخراج شده مورد تأیید خبرگان قرار گرفت؛ برای پایایی نیز با استفاده از روش کنترل اعضا محقق متن بیانات حضرت امام(ره) را چندین مرتبه مرور نموده تا بتوانند مضامین شش‌گانه را احصا نماید؛ همچنین پس از اینکه خبرگان پرسشنامه CVI را پاسخ دادند، از ایشان خواسته شد دوباره نسبت به پاسخ‌هایشان تجدیدنظر نمایند.

یافته‌های تحقیق

با استفاده از تحلیل مضمون بیانات حضرت امام(ره) مضمون فراگیر چشم‌انداز انقلاب اسلامی به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف. عمق بخشی خارجی: رویکرد عمق‌بخشی خارجی چشم‌انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام(ره) علاوه بر تحقق رسالت ابلاغی قرآن کریم مبنی بر اینکه: «...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ» (مائده/۳)؛ بر طیف گسترده‌ای از قابلیت‌ها ظرفیت‌های انقلاب اسلامی جهت دفع تهدیدات دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارد؛ در این مضمون به دو بُعد اصلی قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها یعنی بسیج جهان اسلام جهت جنگ اعتقادی و دمیدن نور امید در دل مسلمانان و مستضعفین جهت سعادت بشر تمرکز دارد؛ در این رویکرد قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها از لحاظ فناوری نرم و سخت و کمی و کیفی توجه ویژه شده است.

ب. عمق‌بخشی داخلی: رویکرد عمق‌بخشی داخلی چشم‌انداز انقلاب اسلامی جهت همراه نمودن اراده ملی با اهداف انقلاب بر سه بُعد اصلی قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها که قادر به بسیج ملی می‌باشد یکی توسعه عدالت، دفع تهدید از دین به عنوان بزرگ‌ترین دغدغه مردم مسلمان ایران و بسیج جهت رفع محرومیت و استضعاف تأکید شده است؛ که علاوه بر همدلی و هم‌زبانی و حفظ انسجام ملی پیش‌برندگی و پیش‌روندگی را محقق می‌سازد.

ج. مقابله با تهدیدات نرم: رویکرد مقابله با تهدیدات نرم دشمنان در چشم‌انداز انقلاب اسلامی بر ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دینی و ملی تأکید می‌ورزد که نظام اسلامی را قادر می‌سازد با حفظ هویت ایرانی اسلامی با محوریت استقلال فرهنگی به مقابله با تهاجم فرهنگی، قتل عام فرهنگی، شیخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی نظام سلطه در ادوار مختلف بپردازد؛ این رویکرد جهت تحقق اهداف متصور بر سه بُعد اصلی احیای قرآن و اسلام، معرفی اسلام و هویت اسلامی تأکید مضاعف دارد.

د. مقابله با تهدید نیمه‌سخت: رویکرد مقابله با تهدیدات نیمه‌سخت دشمنان در چشم‌انداز انقلاب اسلامی بر ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دینی و ملی تأکید می‌ورزد که با بسیج منابع ملی زمینه تحقق اهداف و دفع تهدیدات نظام سلطه را در حوزه‌های مختلف مهیا سازد؛ در این رویکرد بر سه بُعد اصلی ترویج فرهنگ استکبارستیزی، مقابله با رژیم صهیونیستی، انکال بر خدا تأکید مضاعف شده است؛ رویکرد ذکر شده با بسیج اراده‌ها، در جنگ اراده‌ها در چهار دهه گذشته علاوه بر دفع تهدیدات استکبار در جنگ داخلی در کردستان، سیستان بلوچستان، حرکات منافقین، تحرکات سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ تهدیدات نظام سلطه در جنگ ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، ۸ روزه، جنگ تکفیری‌ها در سوریه عراق و یمن را دفع نمود.

هـ. مقابله با تهدید سخت: رویکرد مقابله با تهدیدات سخت دشمنان در چشم‌انداز انقلاب اسلامی بر ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دینی و ملی تأکید دارد که با شکل‌گیری آن آستانه تحمل نظام اسلامی جهت مقابله با نظام سلطه در طولانی‌مدت به شدت افزایش یافت؛ و الگو به بشریت جهت مبارزه با استکبار ارائه نمود؛ در این رویکرد با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی بر بصیرت و زیر نظر داشتن تحرکات استکبار، دفاع از دین و قطع سلطه و دست بیگانگان تأکید شده است.



نمودار ۱. شبکه مضمونی چشم انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف. نتیجه‌گیری: کار تحقیقی باید همیشه با اجتهاد و اظهار نظر توأم باشد و محقق در پایان کار بر اساس مطالعات انجام‌شده به‌طور قاطع نظر خود را درباره موضوع اعلام دارد تا به گسترش دامنه معرفتی علم و یافته‌های موجود کمک نماید؛ در غیر این صورت تحقیق از ارزش علمی بالایی برخوردار نبوده و اعتبار علمی زیادی نخواهد داشت؛ این فرایند از طریق تازه‌آفرینی تحقیقات علمی باعث غنی‌شدن و تقویت ادبیات یک حوزه علمی می‌شود و در یک حرکت جمعی هماهنگ قلمرو معرفتی انسان را توسعه می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۲۱)؛ از همین جهت محقق براین باور است با نهادینه‌شدن مضامین فراگیر انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام(ره) طیف کاملی از گزینه‌های یک دفاع همه‌جانبه لایه‌بندی‌شده تحت عنوان پنج ظرفیت در حوزه امنیت پایدار به شرح زیر برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد:

امنیت اعتقادی: نظر به چشم‌انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) با مضامین فراگیر عوامل محیطی و درونی چون: الف. قیام و نهضت الهی بود قرآن را زنده کرد و حیات تازه به اسلام داد؛ ب. جمهوری اسلامی برای احیاء هویت اسلامی سرمایه‌گذاری می‌کند؛ ج. مسلمانان جهان نظاره‌گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی‌اکرم باشند؛ که به مهیا شدن تحقق *يُخْرِجُوهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ* و مقابله با راهبرد نظام سلطه مبنی بر: *يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ*؛ گردید در حوزه امنیت پایدار امنیت اعتقادی را برای نظام اسلامی محقق ساخته و توسعه می‌دهد.

امنیت اقتصادی: نظر به چشم‌انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) با مضامین فراگیر عوامل محیطی و درونی چون: الف. اکنون نیز باید با خودیاری و همکاری برای مبارزه علیه فقر و محرومیت بسیج شوید؛ ب. ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان هستیم؛ ج. دست دشمنان بشریت را از کشور خودش قطع کرده است، الگو شده است برای همه کشورهای مستضعفین؛ که به مهیا شدن شرایط رشد، توسعه و استقلال اقتصادی و ارائه الگوی الهی منطبق با فطرت بشریت به تشنگان حقیقت در جهان منجر گردید، در حوزه امنیت پایدار امنیت اقتصادی را برای نظام اسلامی محقق ساخته و توسعه می‌دهد.

امنیت اجتماعی: نظر به راهبرد قرآن کریم مبنی بر: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ...» (انفال/۷۵) و چشم انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با مضامین فراگیر عوامل محیطی و درونی چون: الف. قوای مسلح... ویژگی خاص دارند؛ اینان که بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی می‌باشند؛ ب. تقویت هر چه بیشتر بسیج برای حراست از اسلام بزرگ و ایران عزیز؛ ج. اگر دنیا در مقابل دین ما بایستد، ما در مقابل دنیای آنان خواهیم ایستاد که به تحقق رشد، توسعه، تعامل، ثبات، وحدت اجتماعی و تقویت بنیادها و نهادهای اجتماعی با محوریت فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی منجر گردید؛ در حوزه امنیت پایدار امنیت اجتماعی را برای نظام اسلامی محقق ساخته و توسعه می‌دهد.

امنیت فرهنگی: نظر به چشم انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با مضامین فراگیر عوامل محیطی و درونی چون: الف). فرهنگ بزرگ‌ترین مؤسسه است که ملت را به تباهی یا اوج عظمت و قدرت می‌کشد؛ ب) اگر دنیا در مقابل دین ما بایستد، ما در مقابل دنیای آنان خواهیم ایستاد؛ که به مهیا شدن شرایط مقابله با قتل عام فرهنگی، شیخون فرهنگی، تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی نظام سلطه و تقویت فرهنگ مقاومت در سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گردید در حوزه امنیت پایدار امنیت فرهنگی را برای نظام اسلامی محقق ساخته و توسعه می‌دهد.

امنیت سیاسی: نظر به راهبرد قرآن کریم مبنی بر: «...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء/۵۹) که محور پیروزی، تثبیت و صدور انقلاب اسلامی گردید و چشم انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با مضامین فراگیر عوامل محیطی و درونی چون: الف. شعار نه شرقی و نه غربی شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان است؛ ب. درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم؛ ج. انقلاب مورد امید میلیون‌ها مسلمان و مستضعفان جهان است؛ د. بر جمیع مسلمانان واجب است این امانت الهی را حفظ نمایند؛ هـ ما از مظلوم دفاع می‌کنیم و بر ظالم می‌تازیم این یک وظیفه اسلامی است که منجر به عمق‌بخشی خارجی، عمق‌بخشی داخلی انقلاب اسلامی و دفع تهدیدات در حوزه‌های مختلف گردید در حوزه امنیت پایدار امنیت سیاسی را برای نظام اسلامی محقق ساخته و توسعه می‌دهد.

ب. پیشنهادها: انقلاب اسلامی یگانه انقلاب ارزشی پس از بعثت انبیاء و حرکت ائمه معصومین(ع) در جبهه حق است که منبعث از تجارب گران‌بها و تاریخ پُر فراز و نشیب آن جبهه می‌باشد؛ که با محوریت منشور ابلاغی قرآن کریم مبنی بر: *الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ* (مائده/۳) و در راستای تحقق ابر راهبرد *يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ* که رهبران الهی (پیامبران، ائمه معصومین، علمای اسلام) در راه تحقق آن مجاهدت‌ها نمودند شکل گرفت و تداوم یافت؛ رهبر و پرچم‌دار این مقطع حساس و سرنوشت‌ساز را مجتهدی آگاه، عالمی عامل، عارفی دل‌سوخته، مدیری مدبر و سیاست‌مداری صادق،... بر عهده داشت که به‌منظور بسیج منابع راستای تحقق اهداف چشم‌انداز انقلاب را به شرح زیر ترسیم نمود: الف. شکل‌گیری نهضت (۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶) الف. شکل‌گیری و پیروزی انقلاب (۱۳۵۷ - ۱۳۵۶)؛ ج. نظام‌سازی (جمهوری اسلامی)؛ د. شکل‌گیری دولت اسلامی: «... همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به‌سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد مستقل به‌پیش روید» (امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸: ۶۰)؛ هـ. تشکیل حکومت جهانی اسلام «انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان به پرچم‌داری حضرت حجت(عج) است» (صحیفه نور، ج ۲۰: ۱۱۸)؛ که سه مرحله اول چشم‌انداز با موانع تهدیدات متعدد بحمدالله محقق گردید در مرحله نظام‌سازی با وقوع جنگ تحمیلی رزمندگان اسلام با الگوگیری از فرهنگ عاشورا برکات و دستاوردهایی را برای عمق‌بخشی خارجی و تحقق گام چهارم و پنجم چشم‌انداز مهیا نمودند که حضرت امام(ره) در منشور روحانیت این مهم را به رشته تحریر در آوردند. در راستای تحکیم و تثبیت عمق‌بخشی داخلی و خنثی‌سازی جنگ روانی دشمن و سرعت بخشیدن به عمق‌بخشی خارجی و تحقق مرحله چهارم و پنجم انقلاب پیشنهادها به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف. بصیرت‌افزایی: کارگروهی متشکل از نیروی مقاومت بسیج، وزارت ارشاد، کارداران فرهنگی وزارت امور خارجه، صدا و سیما، حوزه‌های علمیه، جامعه‌المصطفی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور در خصوص نهادینه نمودن این عامل موفقیت انقلاب اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مجاهدت و تلاش نمایند تا محقق‌شدن مرحله چهارم و پنجم چشم‌انداز تسریع یابد.

ب. وحدت‌افزایی: کارگروهی متشکل از مجمع جهانی اهل‌بیت، مجمع تقریب مذاهب، کنگره بین‌المللی اربعین، کنگره عظیم حج، سازمان تبلیغات اسلامی، شبکه خارجی صدا و سیما در راستای وحدت جهان اسلام و خشتی‌سازی راهبرد تفرقه‌افکنی دشمنان مجاهدت و تلاش نمایند تا مرحله چهارم و پنجم چشم‌انداز انقلاب تسریع یابد.

ج. توسعه اقتصادی: کارگروهی متشکل از وزرای کشورهای همسو (ایران، عراق، سوریه، لبنان، یمن، افغانستان) در راستای شکل‌گیری بانک اسلامی با پول واحد تشکیل تا استقلال، توسعه و رشد اقتصادی دولت اسلامی با جمهوری‌های مستقل محقق گردد و مبادلات تجاری تسریع و تحریم اقتصادی نظام سلطه علیه جهان اسلام خنثی شود.

د. بسیج جهان اسلام (ارتش اسلامی): کارگروهی متشکل از نیروی مقاومت بسیج، نیروی قدس، نیروی دریایی راهبردی، وزارت دفاع، کاردار نظامی سفارتخانه‌های ایران در سایر کشورها با تدوین منشور شکل‌گیری این نهاد مقدس مجاهدت و تلاش نمایند تا علاوه بر خنثی‌سازی تهدیدات امنیتی، نظامی استکبار تشکیل این نهاد مقدس را تسریع و مرحله چهارم و پنجم سرعت یابد.

هـ. تحقق نظام ولایی: کارگروهی متشکل از حوزه‌های علمیه کشورهای اسلامی، دانشگاه‌های جهان اسلام، مجمع تقریب مذاهب و مجمع جهانی اهل‌بیت در راستای نهادینه شدن راهبرد قرآن‌کریم مبنی بر «...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» و مصداق الْأُمْرِ مِنْكُمْ مجاهدت و تلاش نمایند تا حرکت از ظهور صغرا به ظهور کبرا با محوریت ولایت فقیه و عنایت الهی تسریع شود و مرحله پنجم چشم‌انداز یعنی این پیام حضرت امام (ره) که فرمودند: «...و با آمادگی خود و صدور انقلاب اسلامی و ابلاغ پیام خون شهیدان زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم الاوصیاء و مفخر الاولیاء حضرت بقیه‌الله روحی فداء فراهم سازید...» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۲۹۷) محقق شود.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي ذَوِّكَ كَرِيمَةَ (قمی، ۱۳۸۴: ۳۲۹).

منابع

فارسی

۱. قرآن کریم (۱۳۷۶)، ترجمه الهی قمشه‌ای، قم: انتشارات لقاء.
۲. امام خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۷۳)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳. امام خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۷۸)، وصیت‌نامه الهی سیاسی، تهران: انتشارات احیاء کتاب.
۴. امام خمینی (ره)، روح‌الله، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار.
۵. امام خامنه‌ای، سیدعلی. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل بازیابی در: <http://www.leader.ir>.
۶. امیری کبیری، علیرضا (۱۳۸۱)، مدیریت استراتژیک، چاپ اول، تهران: نگاه دانش.
۷. جاویدی، رقیه؛ بهروری لک، غلامرضا (۱۳۹۵)، تحلیل مضمون محتوای مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۴: ۷-۳۴.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
۹. دشتی، محمد (۱۳۹۴)، ترجمه نهج‌البلاغه، چاپ چهارم، قم: نشر اجود.
۱۰. درخشه، جلال؛ افتخاری، اصغر؛ ردادی، محسن (۱۳۹۴)، تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگ، ش ۲: ۵۳-۷۲.
۱۱. شیروانی، علی (۱۳۹۱)، ترجمه نهج‌البلاغه، قم: دفتر نشر معارف.
۱۲. شهلائی، ناصر (۱۳۸۵)، مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح تهران: انتشارات دافوس ارتش جمهوری اسلامی.
۱۳. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین، روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌ها کیفی، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۲۵: ۱۵۱-۱۹۸.
۱۴. فرتوک‌زاده، حمیدرضا؛ وزیری، جواد (۱۳۹۴)، گذار به اقتصاد مقاومتی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

۱۵. قاضی میرسعید، علیرضا؛ فرتوکزاده، حمیدرضا؛ ولیوند زمانی، حسین؛ جعفری، سید اصغر؛ باقری، ابوالفضل (۱۳۹۶). تحلیل مضمون ساخت درونی قدرت نیروهای مسلح برای جنگ آینده از منظر فرماندهی کل قوا (مادله) تهران: فصلنامه مدیریت نظامی، س ۱۷، ش ۴: ۷۷-۱۰۰.
۱۶. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹)، مفاتیح‌الجنان، ترجمه الهی قمشهای، قم: نشر محمد.
۱۷. لطیفی پاکده، لطف‌علی (۱۳۸۷)، تحلیل انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
۱۸. ماه‌پیکر، یاور (۱۳۹۵)، فرهنگ آموزش نظامی، تهران: روناس.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ نهم، قم: صدرا.
۲۱. مکارم‌شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۰)، پیام امیرالمؤمنین شرح جدیدی بر نهج‌البلاغه، قم: انتشارات علی ابن ابی‌طالب.
۲۲. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

انگلیسی

1. Attride, Stirling. J (2001). Networks Thematic: An Analytic Tool for Qualitative Research, *Qualitative Research*, Vol. 1, No.3, pp. 385-405.
2. Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No.2, pp. 77-101.
3. M. B Miles, A. M Huberman, (1994). *Qualitative Data Analysis: An Expanded Sourcebook*, Canada: Thousand Oaks.
4. N King, C. Horrocks, (2010). *Interviews in qualitative research*, London: Sage Publications Ltd.
5. Nye, Joseph (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Public Affairs.

Thematic Analysis of the Perspective of the Islamic Revolution in Imam Khomeini's Way of Thinking

Esmail Khan Mohammadi

ABSTRACT

In view of the fact that Islam is a regenerative school, and considering the status of the Islamic Revolution in the geostrategic equations as well as in the new geopolitical structure, and the opportunities and threats in the external environment and the advent of new actors who display complex behavior on different scenes in the internal environment, a double emphasis is placed on delineating the perspective of the Revolution from Imam Khomeini's viewpoint by the expectations of the awakened world public opinion from the Islamic Revolution." Conducting an exact monitoring of events and regional and transregional developments in different occasions from the early phase of the movement in 1962 to 1989, together with closer scrutiny of the hidden and overt dimensions of the threats that challenge national interests, Imam Khomeini has explained and analyzed the dimensions and aspects that constitute the perspective of the Islamic revolution. This research has been conducted with the aim of determining the perspective of the Islamic Revolution from the context of Imam Khomeini's statements. This research has been written with qualitative method. Using the thematic networks' method of analysis, it presents five inclusive themes namely depth-giving activity inside, depth-giving activity outside, countering soft threats, semi-hard and hard threats. The theme extracted from the field of sustainable security has developed five levels for the Islamic order, namely ideological, social, economic, political and cultural security.

KeyWords: *perspective; Islamic Revolution; political thought; Imam Khomeini*

The Role of National Identity in Countering the Future Threats

Abbas Chegini

ABSTRACT

The Islamic Revolution, which is based on a historical thinking and experiences, has invariably been thriving when engaged in fighting foreign threats, where it has been able to guarantee his survival when facing the following threats, something that highlights the most prominent feature of an Islamic-Iranian national identity. In the past four decades, the Islamic Revolution has been undergoing continuous attacks due to the fact that it has been pursuing global values and causes. These threats have been trying to prevent the thriving Revolution, but they have been slightly successful due to the capacity and capability that lies in the Islamic-Iranian identity. Understanding the threats and standing against them in a proportional and convenient way according as the revolution is progressing can contribute to overcoming of challenges, create stability, and keep the Islamic-Iranian identity going. This article seeks to explain the role played by national identity in countering advanced threats with a view to the future. This research is qualitative in terms of method, and applied in terms of objective. The author has analyzed the data using the historical method and causal correlation. Understanding and employing this capacity and capability in facing the future advanced threats can be a determining factor in the continuing progress of the revolution. Confronting the threats in the Islamic-Iranian society requires taking into consideration the Islamic-Iranian identity and its elements, as well as strengthening and continuing them.

Keywords: *national identity; semi-hard threat; soft threat; future threats; Islamic Revolution.*

Inventors' Material Rights in Defense Industries (A Comparative Study in China, Russia, the United States and Iran)

MohammadHadi MirShamsi and Amir Nazeri

ABSTRACT

The way inventors in defense industries are championed is a more controversial issue in the Law on Intellectual Property. The problem is that on the one hand, as the general rules of intellectual property state, supporting inventors through granting patents (as a document indicating ownership and the right of exclusive use) involves the disclosure of information concerning inventions, and on the other hand, the country's defense imperatives require having to maintain confidentiality as related to these inventions. For this purpose, the question raised is that of whether the material rights capable of being granted to inventors in defense industry, and totally speaking, the way those inventors are supported should be the same as the way other inventors (i.e. non-defense inventors) are supported. In the present article, we seek to make a comparative study of the material rights capable of being granted to inventors in defense industry in China, Russia, the United States and Iran with library method in an effort to detect and introduce a convenient legal system as for inventors' material rights in defense industries in these countries. Finally, it is concluded that, firstly, due to inevitable limitations that follow from the confidentiality of defense inventions and the Administration's supervision over how these inventions are employed, making a payment as compensation or reward on top of exclusive property right is increasingly logical and closely aligned with defense and economic interests, and secondly, issuing patents in order to support the inventors in defense-related industries is far from colliding with the basics of intellectual property law.

KeyWords: *inventing the defense industry; material rights; patent right; compensation; owner of the invention.*

Rethinking Iran's and Iraq's National Strategic Management in the Holy Defense as Viewed by the International Experts

Mahdi Heshmati Jadid, Ahmad Mozaffari and Javad Shamsoddini

ABSTRACT

One of the most important issues debated in any military engagement, and understandably in Iran-Iraq war is the macro and national strategies, which both countries adopted during their military engagement in order to achieve their intended result, and adopted them as the basis of their own defensive and offensive movements. Discovering, analyzing and rating these strategies is something in which experts and thinkers in various fields including military, economic, social, political...etc. are most importantly interested. So far, many foreign theoreticians and analysts have addressed the Iran-Iraq war in strategic point of view, producing various works in this field. The merit that lies in studying and searching these works is getting introduced to different views and perspectives on the Holy Defense, extending internal analyses, comparing and contrasting the adopted strategies, updating prior experiences, as well as removing the doubts instilled into one's minds. The objective of this article is to explain and study the elements of national strategies of both parties to war as viewed by foreign experts. This research uses analytical-descriptive method, addressing the national strategies and strategic management of both Iran and Iraq throughout the war according as they are viewed by international thinkers. The result achieved out of the studies is that the nature of wars including the Iran-Iraq war is different due to its being under the influence of differing political, social and cultural contexts, hence leading to different strategies on the part of the two parties to the war.

KeyWords: *holy defense; strategy; strategic management; national strategy.*

An Exploration of the Extent of Defense's Risk-Taking Using GIS and Fuzzy Logic in the Geographical Area of the Country

Mahdi Keykhaei

ABSTRACT

The necessity of taking into account the high-risk defense areas is a fundamental issue to be considered by military planners in order to mitigate the armament and human casualties in critical and emergency situations. The study of land surfaces and capturing its different features using updated and efficient means counts as a critical factor in achieving military advantages. Taking these places into account is of much consequence in defense doctrine, otherwise a military and security failure will be followed, as they play a key role in the battlefield and active and passive defense actions. This research aims to detect the militarily vulnerable parts, as well as to conduct a scientific analysis of it using spatial analyses in GIS and multiple-criteria decision-making methods. For this purpose, some comprehensive factors have been studied such as slope length, drainage, vision and concealment, the soil type, the dip direction, the existing obstacles and fortifications, the land uses, road and railway communication lines, the geological formations, population centers, the distance from the borders, border landforms, the climatic conditions in the border areas, the temperature of the surface of the earth, etc....After the preparation of the data and formation of the required database, the criteria were weighted through the application of the Fuzzy-AHP method and the fuzzy overlay operation was conducted in the ArcGIS software environment. These were followed by zoning the areas in five groups: very low-risk, low-risk, risky, high-risk, and very high-risk. With a view to the final risk plan achieved, the research findings show that open areas that lack natural and artificial barriers, as well as proximity to the main highways, population centers and axes are regarded as high-risk areas, which are required to get managed carefully by the creation of artificial obstacles and fortifications in order to strengthen its defense system. Also, the final plan highlights the matchless role surface waters play in passive and active defense, introducing them as influential factors in regional and moving defense.

KeyWords: *Geographic Information System; defense's risk-taking; Khuzestan's land border; Fuzzy Hierarchy Analysis*

Scenarios of the End of Yemen's War and its Consequences on Saudi Arabia's Influence and Presence

Sajjad Mohseni and Mahdi Ahmadiyan

ABSTRACT

Yemen's future and that of the parties to Yemen's war involved will become more complicated, as this war has been prolonged and the Saudi Arabia-led alliance has invaded Yemen. Therefore, there is a variety of questions concerning the future of war in this country. Considering the explanation above, the main question appears to be, 'how will the end of the war between Yemen and Arabia be?' Additionally, what are the means by which Saudi Arabia's influence and presence in Yemen are realized? To answer this question, we firstly refer to Arabia's military presence, political influence, and economic and cultural influence in Yemen; then, actors involved including Saudi Arabia, the United Arab Emirates, parties inside Yemen, the Islamic Republic of Iran, the United States of America, the United Nations, and Kuwait are addressed. This is followed by an examination of key uncertainties and the forthcoming measures to be taken that involve imposing negotiation on the alliance (with the centrality of Arabia), provoking a decisive showdown (with the centrality of U.S. action), a divergence in the alliance (with the centrality of the United Arab Emirates), and struggling when in dilemma (based on Ansarullah's conditions). By the same token, this is what futures studies approach seeks to analyze by way of determining key actors, drivers, key uncertainties, extracting and explaining scenarios, and finally Wild Cards, a conclusion, and recommendations are provided.

KeyWords: *Saudi Arabia; Yemen's war; Scenario Planning, Operation Decisive Storm.*

Table of Contents

The Journal of Defense Policy, Vol. 27 Serial No. 105, Winter 2019

Title	Page
<i>Scenarios of the End of Yemen's War and its Consequences on Saudi Arabia's Influence and Presence</i>	<i>4</i>
Sajjad Mohseni Mahdi Ahmadiyan	
<i>An Exploration of the Extent of Defense's Risk-Taking Using GIS and Fuzzy Logic in the Geographical Area of the Country.....</i>	<i>5</i>
Mahdi Keykhaei	
<i>Rethinking Iran's and Iraq's National Strategic Management in the Holy Defense as Viewed by the International Experts</i>	<i>6</i>
Mahdi Heshmati Jadid Ahmad Mozaffari Javad Shamsoddini	
<i>Inventors' Material Rights in Defense Industries (A Comparative Study in China, Russia, the United States and Iran)</i>	<i>7</i>
MohammadHadi MirShamsi Amir Nazeri	
<i>The Role of National Identity in Countering the Future Threats</i>	<i>8</i>
Abbas Chegini	
<i>Thematic Analysis of the Perspective of the Islamic Revolution in Imam Khomeini's Way of Thinking</i>	<i>9</i>
Esmaeil Khan Mohammadi	
<i>English Abstracts</i>	
Seyyed Saadat Hoseini	

The Journal of Defense Policy

Vol. 27, No. 1, Winter 2019, Serial No. 105 (ISSN-1025-5087)

***Imam Hossein (P.B.U.H) Comprehensive University
Center for Strategic Defense and Security Studies***

Chairman Manager: Dr. Mohammad Reza Shaabani Asl

Editor in chief: Dr. Seyyed Yahya Safavi

Editor: Dr. Sohrab Fazel

Managing Editor: Dr. Khosro Hassanlou

Editorial Board

Dr. Ali Akbar Ahmadiyan

Dr. Seyyed Yahya Safavi

Dr. Hossein Hosseini

Dr. Jahangir Karami

Dr. Hossein Dehghan

Dr. Hadi Morad Piri

Dr. Ebrahim Mottaghi

Dr. Seyyed Jalal Dehghani

Examiner & Advisory Board

Mohammad Ali Abedi Pour, Hasan Aboutalebi, Hadi Aghaey, Mohammadreza Ahani, Abolfazl Amiri, Mohammad Amir Nouhi, Mohammadreza Arab Baferani, Mohammadreza Besharati, Mahdi Bozorgzadeh, Abbas Chegini, Ali Fatemi Nasab, Siroos Hajizadeh, Ghasem Hasani, Khosro Hasanlou, Mahdi Heshmati, Abbas Heydari, Saeed Kafi, Hosein Mehrabi, Fazlollah Nozari, Mohammad Pour Asiab, Alireza Rahimi, Abbasali Salmani, Mohammadreza Shaabani Asl, Alireza Taghati.

Address: Defence & National Security Studies Center; Imam Hossein^(PBUH) Comprehensive University, Shahid Babaee Expway, Tehran, The Islamic Republic of Iran

Tel: +9821-74188270

<http://dpj.ihu.ac.ir>

E-maile: dp@ihu.ac.ir